



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

شفا بخش

و

سکون بخش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شفابخش و مشکل گشا

نویسنده:

قطب الدین سعید بن هبه الله راوندی

ناشر چاپی:

نهاوندی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	شفابخش و مشکل گشا
۸	مشخصات کتاب
۸	سخنی چند
۸	باب یکم : دعا و آداب آن
۸	بخش اول : بهره های دعا
۹	بخش دوم - آداب دعا
۹	قسمت اول
۱۲	قسمت دوم
۱۶	کوتاه ، ملتمسانه ۱
۱۸	کوتاه ، ملتمسانه ۲
۲۱	بخش سوم : اجابت دعای صادقان علیهم السلام
۲۴	باب دوم : سلامتی و بهداشت
۲۴	بخش اول - بی نیازی از طبیب
۲۶	بخش دوم : سلامتی با ذکر دعا و نماز
۲۶	سلامتی با ذکر دعا و نماز
۲۸	نمازهای پیامبر و امامان
۲۹	تسبیح پیامبر و امامان
۳۰	نمازهای هفته
۳۱	تعویذهای هفته
۳۲	اعمال ماه نو
۳۳	آن چه در طول زمان عمل می شود؛
۳۴	بخش سوم : سلامتی و شکر آن

- قسمت اول ۳۴
- قسمت دوم ۳۷
- بخش چهارم : خوردن و آشامیدن ۴۱
- قسمت اول ۴۱
- قسمت دوم ۴۳
- باب سوم : بیماری و بهره های آن ۴۶
- بخش یکم : نماز بیمار ، ادب بیماری ، و دعا به هنگام بیماری ۴۶
- قسمت اول ۴۶
- قسمت دوم ۴۹
- بخش دوم : دعا و صدقه و درمان با تربت سیدالشهداء (علیه السلام) ۵۱
- قسمت اول ۵۱
- قسمت دوم ۵۳
- بخش سوم - یک درد یک دعا ۵۵
- قسمت اول ۵۵
- قسمت دوم ۵۸
- بخش چهارم : واجب و مستحب بیمار ۶۰
- قسمت اول ۶۰
- قسمت دوم ۶۳
- باب چهارم : مرگ و هراسهای آن ۶۶
- بخش اول - غم و شادی مرگ ۶۶
- بخش دوم - آداب محتضر ۶۹
- قسمت اول ۶۹
- قسمت دوم ۷۲
- بخش سوم - دفن و تلقین و زیارت میت ۷۴

۷۴	قسمت اول
۷۷	قسمت دوم
۸۰	بازیافته‌ها
۸۰	بازیافته‌های کتاب دعوات از بحارالانوار و مستدرک الوسائل ۱
۸۳	بازیافته‌های کتاب دعوات از بحارالانوار و مستدرک الوسائل ۲
۸۶	پی‌نوشتها
۸۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

شفابخش و مشکل گشا

مشخصات کتاب

سرشناسه: قطب راوندی سعید بن هبه‌الله - ق ۵۷۳ عنوان قراردادی: [سلوه الحزین فارسی عنوان و نام پدیدآور: شفابخش و مشکل گشا (ترجمه کتاب سلوه الحزین معروف به الدعوات تالیف قطب‌الدین سعید بن هبه‌الله راوندی ترجمه حسین قهستانی مشخصات نشر: قم نه‌اوندی ۱۳۸۰. مشخصات ظاهری: ص ۲۸۰ شابک: ۹۶۴-۶۳۸۸-۳۶-۱۱۰۰۰۰-۱۱۰۰۰۰-۳۶-۱۱۰۰۰۰ ریال؛ ۹۶۴-۶۳۸۸-۳۶-۱۱۰۰۰۰-۱۱۰۰۰۰-۳۶-۱۱۰۰۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فهرست‌نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس عنوان دیگر: الدعوات عنوان دیگر: سلوه الحزین فارسی موضوع: دعاها موضوع: جنبه‌های قرآنی موضوع: دعاها -- احادیث شناسه افزوده: قهستانی حسین مترجم رده بندی کنگره: BP۲۶۷/۵۴/ق ۶/س ۸۰۴۱ ۱۳۸۰ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۰-۱۵۳۶۵

سخنی چند

قطب‌الدین سعید بن هبه‌الله راوندی معروف به قطب راوندی، فقیهی دانشور و موثق و متکلمی بصیر و شاعری خوش ذوق و محدثی آگاه و مفسری دانا بود. میرزا عبدالله افندی شاگرد علامه مجلسی رحمه‌الله در سخنی کوتاه او را چنین وصف کرده است: ((او برتر از همه تعریفها و تمجیدهایی است که از او کرده اند)). و ابن حجر عسقلانی، عالم سنی، در ((لسان‌المیزان)) او را چنین ستوده است: ((او در هر دانشی فاضل بود و در رشته‌های گوناگون تالیفاتی از خود به جای گذاشت.)) زندگینامه نویسان رجال برجسته‌ای چون، محمد بن علی بن شهر آشوب سروری و احمد بن علی بن عبد الجبار طوسی و علی بن محمد مدائنی و محمد بن عبد الحمید بن محمود دعویدار و محمد بن حسن علوی بغدادی، و دو تن از فرزندان قطب به نامهای سعید و حسین را، در زمره شاگردان و روایان اجازت یافته از سوی او بر شمرده اند. و فقه القرآن، الخرائج و الجرائح، قصص الانبیاء، لب اللباب و الدعوات از مشهورترین تالیفهای او هستند. چنان که از مجموعه جبعی به نقل از خط شهید اول بر می آید، او که رضوان خدا بر او باد، در چاشتگاه روز چهارشنبه چهاردهم ماه شوال سال ۵۷۳ هجری وفات یافت و در قم، پائین پای مرقد مطهر دخت امام هفتم، فاطمه معصومه (علیها السلام)، دفن شد. کتاب سلوه الحزین او که به الدعوات شهرت یافته است و اکنون ترجمه آن را پیش روی دارید، روایتهای نادر و لطیف و سودمند در موضوعهای گوناگون (از دعا و آداب و آثار آن گرفته و تا حفظ بهداشت و سلامتی تن و روان و آرامش دل و جان و سپاس بر نعمتهای بیکران، و آداب خوردن و آشامیدن، و بیماری و عیادت از بیماران، و مرگ و بشارتها و بیمهای پس از آن، و آداب کفن و دفن، که مومنان را از دانستن آنها گریزی نیست) را در بر دارد. امید که این نوشتار در زیستن خداپسندانه و زنده نگاه داشتن یاد خدا در دلها و توجه دادن به آخرت مفید و موثر باشد.

باب یکم: دعا و آداب آن

بخش اول: بهره‌های دعا

۱- امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: دعا سرنوشت ثابت را پس از آن که سخت استوار شده است باز می گرداند. پس بسیار دعا کنید که دعا کلید رحمت و مایه رواگشتن هر حاجت است، و به آن چه نزد خداست، جز با دعا نتوان رسید. هر دری را که بسیار بکوبند زود باشد که به روی کوبنده باز شود. ۲- و فرمود: خدای تبارک و تعالی می داند بنده به هنگام دعا چه می خواهد ولی دوست دارد که حاجتها فاش به درگاهش اظهار شود؛ پس چون دعا کردی حاجتت را نام ببر. در نزد خدای سبحان

چیزی دوست داشتنی تر از این نیست که از او درخواست شود. ۳- و فرمود: دعا کنید که دعا درمان هر درد است، و چون دعا کردی چنین پندار که حاجت پشت در است. ۴- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: پروردگارتان را شب و روز می خوانید؟! بدانید که سلاح مومن دعاست. ۵- امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، فرمود: سلاح پیامبران را به همراه داشته باشید. گفته شد: ای فرزند رسول خدا، سلاح پیامبران چه بود؟ فرمود: دعا. ۶- امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: در تورات نوشته شده است که موسی (علیه السلام) پروردگارش جل و علا، را خواند و گفت: ناگزیرم در مکانهایی بنشینم که تو را والاتر و بالاتر از آنی که در آنجا یادت کنم. خداوند: فرمود: ای موسی، در هر حال و هر دم مرا یاد کن. ۷- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: یک دعا در خلوت با هفتاد دعا در آشکار برابر است. ۸- و او فرمود: دعا مغز عبادت است (عبادت خالص است) و هر کس دعا کند هلاک نشود. ۹- و فرمود: هر کس می خواهد خدای سبحان در سختی های و غمها دعایش را اجابت کند، هنگامی رفاه و فراخی بسیار دعا کند. ۱۰- و او، که برترین درودها بر او و آل او باد، فرمود: برترین، عبادت امت من پس از قرائت قرآن دعاست، آن گاه این آیه را خواند: **أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِي يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ** (۱) مرا بخوانید تا دعایتان را اجابت کنم، کسانی که از پرستش من کبر می ورزند دیری نپاید که با خواری به دوزخ می آیند. نمی بینی که دعا همان پرستش است. ۱۱- و فرمود: ای علی! نیایشگر بی عمل چون تیرانداز بی کمان است. ۱۲- همو فرمود: از دعا عاجز نباشید که نیایشگران هلاک نشوند. و سزاست که هر کس از شما پروردگارش را بخواند و از او بخواهد، حتی بند کفش گسسته خود را از او بخواهد. و از فضل خدا درخواست کنید که خداوند دوست دارد از او درخواست شود. هر مسلمانی که دعایی کند و در دعایش گناه و بریدن از خویشان نباشد، خدای تعالی یکی از سه چیز را به او عطا می کند: یا دعایش را زود اجابت کند، و یا برای آخرتش بیندوزد، و یا این که شری مانند آن را از او باز دارد. گفتند: ای رسول خدا، اگر چنین است ما بیشتر دعا می کنیم. فرمود: خدا نیز بیشتر عطا می کند. ۱۳- امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدا می فرماید: هر کس به جای درخواست از من به یاد من باشد و ذکر من او را به خود مشغول دارد من به او بیش از درخواست کننده ام عطا می دهم. ۱۴- و فرمود: هر کس در نهان خدا را یاد کند، خدا را بسیار یاد کرده است. منافقان خدا را در آشکار یاد می کنند و در نهان یاد نمی کنند **يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا** (۲) ((عبادت خود را به مردم نشان می دهند و خدا را جز اندکی یاد نمی کنند)). ۱۵- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خدای تعالی کسانی را که در دعا پافشاری می کنند دوست دارد. ۱۶- و فرمود: چون بنده به ثنای من مشغول شود، من حاجتهای او را برآورده کنم. ۱۷- و فرمود: هیچ ذکری برتر از قول **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** نیست، و هیچ دعایی برتر از استغفار نیست. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: **فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ** (۳) ((بدان که معبودی جز الله نیست و برای گناهت آمرزش طلب)). ۱۸- و از اوست که فرمود: پروردگارا، کاش می دانستم که از بندگان کد امین را دوست می داری تا دوستش بدارم. خطاب آمد که هر گاه بنده ام را دیدی که مرا بسیار یاد می کند، بدان که من او را توفیق و اجازت داده ام و من دوستش دارم. و چون بنده ام را دیدی که مرا یاد نمی کند، من او را باز داشته ام و من دشمنش دارم. ۱۹- و فرمود: دعا که کم شد بلا نازل شد. ۲۰- و فرمود: چیزی نزد خداوند گرامی تر از دعا نیست. ۲۱- همو فرمود: در وقت رفاه و راحتی، با دعا نزد خدا آشنائی نما تا در سختی تو را بشناسد. ۲۲- و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: برای بلا، دعا مهیا کنید که سرنوشت را جز دعا باز نمی گرداند؛ و چیزی جز نیکوکاری عمر را نمی افزاید. ۲۳- امیرالمومنین (علیه السلام)، فرمود: موجهای بلا را با دعا باز گردانید؛ که بلا زده گرفتار از سالم امان نیافته از بلا، به دعا نیازمندتر نیست.

بخش دوم - آداب دعا

۲۴ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام دعا و زاری دستهایش را بالا می برد و دعا می کرد، چنان که مسکین طعام می طلبد. ۲۵ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: بنده به درگاه خدا حاجتی دارد، به ثنای خدا و درود و دعای محمد می پردازد و حاجتش را از یاد می برد، و خداوند بدون درخواست، آن را برآورده می کند. و قول لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مهتر سخنان (ذکرها) است.

۲۶ - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: چون حاجتی به درگاه خدا داشتی آن را با دعا و درود بر پیامبر و آل او (علیه السلام) آغاز کن آن گاه حاجتت را بخواه، خدای تعالی کریم تر از آن است که از او دو حاجت درخواست شود؛ یکی را برآورد و دیگری را وانهد. ۲۷ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: مباد کسی از شما از پروردگارش چیزی از حاجتهای دنیوی و اخروی را بخواهد مگر این که در آغاز خدای عزوجل را ثنا گوید و ستایش کند و بر پیامبر و آل او، دعا و درود بفرستد و به گناه خویش اعتراف کند، آن گاه نیاز آورد. ۲۸ - و فرمود: چون خواستی دعا کنی خدای عزوجل را به مجد و عظمت بستا و حمد و تسبیح و تهلیل لا-إِلَهَ إِلَّا-اللَّهُ او گو و ثنا و ستایشش کن و بر پیامبر و آل او دعا و درود بفرست. آن گاه آنچه را می خواستی کن، می دهندت. ۲۹ - روایت است که، چون بنده پیش از دعا ثنا آغاز کند، دعایش به اجابت رسیده است، و اگر پیش از ثنا دعا آغاز کند، امیدی دارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با این سخن ما را ادب فرمود که، سلام پیش از کلام است. ۳۰ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای تبارک و تعالی به موسی بن عمران (علیه السلام) وحی کرد که، هر گاه در پیشگاه من می ایستی، ذلیلانه و فقیرانه بایست، و چون تورات می خوانی با آوایی حزین صدایت را به من برسان. قرائت موسی (علیه السلام) حزن انگیز بود، چنان بود که گویا انسانی را خطاب می کند. ۳۱ - امام حسن (علیه السلام) فرمود: هر که قرآن خواند، دعایی مستجاب دارد، زود یا دیر (در دنیا یا در آخرت). ۳۲ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: قرآن را با صوت و آهنگ عرب بخوانید و از آهنگهای هرزگان و گناهکاران (یا هرزگان یهودی و نصاری) بپرهیزید، که پس از من مردمی می آیند که قرآن را به آواز غنا و شیوه راهبان و نوحه سرایان در گلو می گردانند؛ دلهای اینان و دلهای کسانی که کار ایشان را بزرگ می دانند مفتون و گمراه است. ۳۳ - روایت است که مردی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، آمد و گفت: ای رسول خدا، از خدا بخواه تا دعایم را بپذیرد و روا کند. فرمود: اگر این را می خواهی کسبت را پاکیزه کن. ۳۴ - روایت است که موسی (علیه السلام) مردی را دید که گریه و زاری بسیار می کرد و دستهایش را سوی آسمان آورده بود و لایب و التماس می کرد. خدا به موسی وحی کرد که این مرد هر چه کند دعایش به اجابت نرسد چرا که در شکم حرام دارد و بر پشت حرام دارد و در خانه حرام دارد. ۳۵ - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس حلال بخورد فرشته ای بر فراز او بایستد و برایش استغفار کند تا از خوردن آن طعام حلال فارغ آید. ۳۶ - و فرمود: باز گرداندن دانگی (یک ششم درهم) از حرام نزد خدای سبحان با هفتاد حج مقبول برابر است. ۳۷ - و فرمود: چون لقمه ای از حرام در اندرون بنده جای گیرد فرشتگانی که در آسمانها و زمینند او را نفرین کنند. ۳۸ - در تورات است که، خدای عزوجل به بنده می گوید: آن گاه که تو، مرا علیه بنده ای از بندگانم به خاطر ستمی که به تو کرده است می خوانی از بندگانم نیز کسی هست که تو را نفرین می کند، چرا که ستمی به او روا داشته ای، اگر خواهی دعای تو و دعای او، هر دو را اجابت کنم، و اگر خواهی اجابت هر دو شما را به روز رستاخیز افکنم. ۳۹ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که من دعای ستمدیده ای را که بی دادی بر او رفته است روا نکنم در حالی که او به یکی از بندگانم ستمی مانند آن را روا داشته است. ۴۰ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چون کسی از شما دعا کند، فراگیر دعا کند که به اجابت نزدیکتر است. و هر کس، پیش از آن که برای خود دعا کند چهل مرد از برادرانش را مقدم بدارد، دعای او در حق ایشان و خود اجابت می شود. ۴۱ - و امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) فرمود: هر کس برای برادران مومن خود دعا کند خدا به جای هر مومن فرشته ای را می گمارد تا برای او دعا کند. و هر مومنی که برای زنده و مرده مردان و زنان مومن و مسلمان دعا کند خداوند به شمار هر مرد و زن مومن از بعثت آدم تا قیمت قیامت، حسنه ای به او دهد. ۴۲ -

هر گاه دشواری و بلایی بر مرد فرود آمد و روزه بدارد که خدای سبحان می فرماید: ((اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ)) (۴) از صبر و نماز مدد بجوئید)) و صبر همان روزه است . ۴۳- و فرمود: دعای روزه دار به گاه افطار اجابت می شود . ۴۴- و فرمود: هر روزه دار دعایی (مستجاب) دارد . ۴۵- همو فرمود: خواب روزه دار عبادت و خاموشی او تسبیح و دعای او مستجاب و عملش دو چندان است . ۴۶- و فرمود: روزه دار هنگام افطار دعایی رنداشدنی دارد . ۴۷- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود: هر کس نماز واجبی را برای خدا به جا آورد در پی آن دعایی مستجاب دارد . راوی این روایت ، فحام گفت: به خدا سوگند ، من امیرالمؤمنین (علیه السلام) را در خواب دیدم و از او درباره این خبر پرسیدم ، فرمود: درست است ، از نماز واجب که فارغ شدی در حال سجده بگو: اللَّهُمَّ بِحَقِّ مَنْ رَوَاهُ وَبِحَقِّ مَنْ رَوَى عَنْهُ صَلِّ عَلَيَّ جَمَاعَتِهِمْ وَأَفْعَلْ بِي كَيْتَ وَكَيْتَ ((بار خدایا به حق آن کس که این خبر را روایت کرد و به حق آن کس که این خبر از او روایت شد ، بر جمله ایشان درود فرست و با من چنین و چنان کن .)) ۴۸- معاویه بن وهب از امام صادق (علیه السلام) پرسید برترین چیزی که بندگان بدان بر پروردگارشان تقرب می جویند چیست ؟ او فرمود: من چیزی را پس از معرفت ، برتر از نماز نمی دانم ؛ نمی بینی که بنده صالح عیسی بن مریم (علیه السلام) ، فرمود: ((وَأَوْصِنِي بِالصَّلَاةِ (۵) و مرا به نماز سفارش کرد ...)) . ۴۹- از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند: که برترین ، کارها چیست ؟ فرمود: نماز گزاردن در اول وقت . ۵۰- روایت است از که خدای تعالی به موسی (علیه السلام) فرمود: تا کنون کاری برای من کرده ای ؟ گفت: برای نماز گزارده ام و روزه داشته ام و صدقه داده ام و به یاد تو بوده ام خدای تبارک و تعالی گفت نماز برهان توست و روزه حفاظ توست و ذکر نور توست ، برای من چه کرده ای ؟ موسی (علیه السلام) گفت: مرا به یاد کاری که از آن توست راه بنما . گفت: ای موسی ، هیچ گاه برای من با کسی که دوستی کرده ای و برای من با کسی دشمنی کرده ای ؟ این هنگام بود که موسی دانست برترین کارها دوست داشتن و دشمن داشتن به خاطر خداست . ۵۱- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: محکم ترین دستگیره های ایمان ، دوست داشتن ، و دشمن داشتن برای خداست . ۵۲- و امام رضا (علیه السلام) در مکتوب خود به همین نکته اشاره فرمود که ، دوستدار آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) باش اگر چه فاسق باشی و دوستدار دوستدارانش باش اگر چه فاسق باشند . در خور ذکر است که این مکتوب اکنون نزد یکی از اهالی ((کرمند)) که روستایی بین راوند و اصفهان است ، می باشد ، و قصه آن چنین است که مردی از اهالی روستا که هنگام رفتن مولایمان امام رضا (علیه السلام) به خراسان باربر ایشان بود ، هنگام بازگشت به امام (علیه السلام) می گوید: ای فرزند رسول خدا ، دست نوشته ای از خود را به من دهید تا بدان تبرک جویم . و امام (علیه السلام) ، این مکتوب را به آن مرد سنی داد . ۵۳- و در دعای ایشان (علیهم السلام) چنین آمده است: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتَقَرَّبُ بِهِمْ إِلَيْكَ وَ أَقَدِّمُهُمْ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِاللَّغْنَةِ عَلَيْهِمْ بَارِ خَدَايَا مِنْ بَا تَوْسَلْ بِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِهِ تَوْ رُوِي مِي كَنَم ، وَ بَدِيشَان ، سَوِي تَوْ تَقَرَّبُ مِي جَوِيَم ، وَ ايشَان رَا بَرَاي حَاجَتِهَائِمِ پيش مِي آوَرِيَم . بَار خَدَايَا مِنْ نَزْدِ تَوْ اَز دَشْمَنَانِ آلِ مُحَمَّدِ بِيْزَارِي مِي جَوِيَم وَ بَا نَفَرِيْنِ بَر ايشَان ، نَزْدِ تَوْ تَقَرَّبُ مِي جَوِيَم . ۵۴- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون چیزی پدرم را اندوهگین می کرد ، زنان و کودکان را گرد می آورد و دعا می کرد و آنان آمین می گفتند . ۵۵- و فرمود: نشد که چهار نفر را بر یک امر گرد آیند و خدا را بخوانند و مگر این که با اجابت پراکنده شوند . ۵۶- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چهل نفر بر یک امر گرد نیابند مگر این که خدای تعالی (دعای) ایشان را بپذیرد و روا کند ، تا بدانجا که اگر به از میان برداشتن کوهی دعا کنند ، آن را از جا برکنند . ۵۷- و فرمود: زود اجابت شونده ترین دعاها ، دعای غائب برای غائب است . ۵۸- و فرمود: سه دعا مستجاب است ، دعای حج گزار برای خانواده به جامانده خود ، و دعای بیمار ، پس او را آزار ندهید و به ستوه نیاورید و دعای ستمدیده . ۵۹- همو فرمود: سه دعاست که مستجاب است ، و در آن شکی نیست ؛ دعای ستمدیده ، و دعای مسافر ، و دعای پدر بر فرزندش . ۶۰- و فرمود: به هنگام رقت (دلسوختن) دعا را غنیمت شمارید که

رقت، رحمت است. ۶۱- و از اوست که فرمود: خدای سبحان را آن گونه بخوانید که به اجابت یقین دارید، و بدانید که خداوند دعایی را که از دل غافل برآید اجابت نکند. ۶۲- و در دعای ایشان (علیهم السلام)، چنین آمده است: **اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ أَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَجَبَتْ دُعَائِي عَنْكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاسْتَجِبْ لِي يَا رَبِّ بِهِمْ دُعَائِي** بارخدایا، اگر گناهانم آبرویم را نزد تو برده است و دعایم را از تو در پرده داشته است، تو بر محمد و آل محمد درود فرست و بدیشان دعایم را روا کن، ای پروردگارم. ۶۳- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس دو رکعت نماز بگذارد و بداند که در آن دو رکعت چه می گوید، از نماز که فارغ آید، هر گناهی که بین او و خدای تعالی است، آمرزیده است. ۶۴- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: زبانهایتان را به استغفار خو دهید، که خدای تعالی استغفار را برای آمرزیدن شما، به شما آموخت. ۶۵- و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: شگفتا از کسی که هلاک می شود و نجات با اوست. گفته شد: آن چیست؟ فرمود: استغفار. ۶۶- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، فرمود: خدای تبارک و تعالی فرمود: ای فرزند آدم، مرا نخواندی و به من امید نداشتی تا آنچه را از تو سر زده بود بیامرزم. اگر با گناهانی برابر با سطح زمین نزد من بیایی و به من شرک نوری، من آمرزشی برابر با آن بیاورم، و اگر چندان گناه کنی که گناهانت به پهنه آسمان برسد و پس از آن از من آمرزش طلبی، تو را بیامرزم. ۶۷- امام صادق (علیه السلام) فرمود: دعا از آسمان، در پرده می ماند و بالا نمی رود و تا این که نیاشگر بر پیامبر و آل او درود فرستد. ۶۸- محمد بن حسین بن کثیر خزاز از پدرش نقل کرد که او گفت: امام صادق (علیه السلام) را دیدم که زیر جامه هایش، (زیر) جامه ای زبر و ستیر پوشیده بود و روی آن جامه ای پشمین و روی آن جامه، پیرآهنی ستبر در بر کرده بود. گفتم: مردم جامه پشمین را خوش ندارند. فرمود: چنین نیست، پدرم محمد بن علی امام باقر (علیه السلام) چنین جامه ای می پوشید، و جدم علی بن حسین (علیه السلام) نیز آن را می پوشید؛ آنان وقتی نماز می ایستادند زبرترین جامه هایشان را می پوشیدند. و او (علیه السلام) هنگامی که می خواست نماز بگذارد به مکانی سخت می رفت و در آنجا نماز می گزارد و بر زمین سجده می کرد. روزی به ((جبان)) که کوهی در مدینه است، رفت و بر تخته سنگی سخت و سوخته ایستاد و شروع به نماز کرد و بسیار گریست. چندان که چون سر از سجده برداشت از کثرت اشک، گویی در آب فرو رفته است. ۶۹- زهری گفت: به او (علیه السلام) گفتم: برترین اعمال کدام است؟ فرمود: آن که به آن درآیند و از آن بگذرند. گفتم آن چیست؟ فرمود: گشودن قرآن و ختم آن؛ هر زمان که قاری، قرائت آن را آغاز کند؛ تا به آخر پیش رود. ۷۰- و فرمود: نهایت پرستش بنی آدم سجده کردن است. و برترین اوقات تلاوت قرآن ماه رمضان است. و آنچه از اخبار برمی آید این است که قرائت قرآن با فضیلت تر از همه دعاهاست. ۷۱- که او (علیه السلام) فرمود: خدای سبحان می فرماید: هر کس به قرائت قرآن پردازد و از خواهش و مسئلت باز ماند، من ثواب شاکران را به او عطا کنم. ۷۲- و در شرع است که، دعا پس از نمازهایی واجب مستجاب است. ۷۳- روایت است که، دستی که در آن انگشتی باشد بازگردانده نمی شود. ۷۴- امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: انگشتی عقیق به دست کنید که برای شما فرخنده است و از بلا ایمن می ماند.

قسمت دوم

۷۵- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: دعای چهار کس اجابت نمی شود: دعای مردی که در خانه اش نشسته است و می گوید، پروردگارا، روزیم ده. (خداوند) به او می گوید: مگر تو را به طلب امر نکردم؟ و مردی که زنی دارد و به او نفرین می کند. به او می گوید: مگر کار او را به دست تو نسپردم؟ و مردی که مالی داشته و آن را تباہ کرده است و می گوید، پروردگارا، روزیم رسان. به او می گوید: مگر تو را به میانه روی و سامان دهی مال امر نکردم؟ آن گاه این آیه را قرائت فرمود: **وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا** (۶) و کسانی که چون انفاق کنند به گزاف زیاده، روی نکنند، و تنگ نگیرند و میان

این دو روش را برگزینند. و مردی که مالی داشته و بی گرفتن شاهدهی، آن را وام داده است. به او می گوید: مگر تو را به گرفتن شاهد امر نکردم؟ ۷۶- آن وقت که دعا در آن رد نشود، بین ظهر تا عصر شماس است. ۷۷- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هنگام برگشتن سایه ها و وزیدن بادها، حاجتهای خود را از خدا بخواهید که آن گاه، گاه توبه کنندگان است. ۷۸- و امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: خدای تعالی از بندگان مومنش بسیار نیاز آوران و نیایش کنان را دوست دارد؛ پس، از هنگام سحر تا دمیدن خورشید دعا کنید که آن ساعتی که در آن درهای آسمان گشوده می شوند و بادها می وزند و روزی های قسمت می دهند و حاجتهای بزرگ برآورده می گردند. ۷۹- و امام حسین (علیه السلام) فرمود: آنچه این امت کنند، هر بامداد به خدای عزوجل عرضه می شود. ۸۰- و پیامبر (علیه السلام) فرمود: خداوند می فرماید: ای فرزند آدم، پس از بامداد ساعتی مرا یاد کن و پس از عصر ساعتی، تا من آنچه را نگران و اندیشناک کرده است برایت کفایت کنم. ۸۱- و فرمود: ساعتی در شب است که هر بنده مسلمانی به آن برخورد و آن را دریابد و در آن ساعت از خدا خیر دنیا و آخرت را بخواهد، خدای سبحان به او عطا می کند. و آن ساعت در همه شبهاست. ۸۲- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: سه وقت است که دعا در آن از خدای تعالی پوشیده نمی ماند: پس از نماز واجب، و هنگام بارش باران، و هنگام ظهور معجزه ای از جانب خدای تعالی در زمین. ۸۳- و فرمود: بنده دعایی می کند و خداوند بر آوردن حاجت او را تا روز جمعه پس می اندازد. ۸۴- همو فرمود: روز جمعه بهتر روزهاست و نزد خداوند از روز فطر و قربان والاتر است، و در آن ساعتی است که کسی در آن از خدای عزوجل چیزی نخواهد مگر این که به او عطا کند و به شرط آن که حرام نخواهد. ۸۵- امیرالمؤمنین (علیه السلام)، در خطبه روز جمعه خود فرمود: آگاه باشید که خدا این روز را برای شما عید کرده است، و آن مهتر روزهای شما و برترین عیدهای شماست، و خدای تعالی شما را امر کرده است که در آن به سوی ذکر او (نماز جمعه) بروید. و پس رغبت شما در آن بسیار و نیتان خالص باشد. و در آن روز بسیار به درگاه خدای سبحان گریه و زاری کنید و رحمت و غفران او را درخواست کنید؛ که خدای تعالی در آن روز دعای هر مومن را اجابت کند و هر که را از عبادتش کبر ورزد به آتش درآورد. خدای تعالی فرمود: اذْعُونِي اَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِي يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۷) مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم، کسانی که از پرستش من کبر می ورزند زود باشد که با خواری در آتش دوزخ روند. و بدانید که خدای سبحان در آن روز ساعتی فرخنده دارد که بنده مومن در آن ساعت، هر چه از خدا خواهد به او عطا کند. ۸۶- عبدالله بن سنان گفت: از امام صادق (علیه السلام) از آن ساعت روز جمعه که دعا در آن اجابت می شود، پرسیدم، فرمود: از آن هنگام که امام از خطبه اش فارغ می شود تا هنگامی که صفها راست می شود. و ساعت دیگر، از آخر روز تا غروب خورشید است. ۸۷- روایت است که، آن ساعت، وقتی است که نیمی از قرص خورشید ناپدید شده و نیم دیگر باقی باشد. و فاطمه زهرا (علیها السلام)، در این وقت دعا می کردم، پس دعا در این هنگام اجابت می شود. ۸۸- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: دعای بین اذان و اقامه رد نمی شود. ۸۹- معلی بن خنیس از امام صادق (علیه السلام) چنین روایت کرد که، هر کس که روز جمعه را دریافت در آن روز به چیزی جز عبادت نپردازد، که در آن روز بندگان آمرزیده می شوند، و رحمت بر آنان نازل می شود. ۹۰- و فرمود: جمعه حقی واجب دارد، پس مباد که در آن چیزی از عبادت خدای تعالی و تقرب به او، با عمل صالح، و ترک جمله حرامها را ضایع کنی، یا در آنها کوتاهی کنی، که خدای تعالی حسنات را در آن دو چندان می کند و گناهان را پاک می کند و درجات را بالا می برد، و شب آن مثل روز آن است. اگر توانستی شب آن را با دعا و نماز زنده نگاه داری چنین کن! که خدای تعالی حسنات در آن دو چندان می کند و گناهان را پاک می کند. و رحمت و مغفرت فراگیر است و او کریم است. ۹۱- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: (نماز) جمعه، حج مسکینان است. ۹۲- و از کعب است که، خدای تعالی از ساعتها، ساعتها نماز را برگزید، و از روزها جمعه را برگزید، و از شبها شب قدر را برگزید، و از ماهها ماه رمضان را برگزید. نماز آن چه را بین نمازی تا نماز دیگر است پاک می کند، و (نماز) جمعه آن چه را بین جمعه ای

تا جمعه دیگر است پاک می کند (و حسنات را) سه برابر می کند، و (روزه) ماه رمضان آن چه را بین رضانی تا رمضان دیگر است پاک می کند، و حج نیز به همچنین. پس بنده می میرد در حالی که بین دو حسنه است. حسنه ای که در انتظار آن است و حسنه ای که آن را به جا آورده است. و در نزد خدای تعالی عمل کردن در هیچ یک از روزها دوست داشتنی تر از دهه ذی الحجه نیست و هیچ شبی با فضیلت تر از شبهای آن نیست. ۹۳ - روایت است که خدای تعالی در زمانهای پیشین، به پیامبری از پیامبران وحی کرد که هر فردی از امت تو سه دعای مستجاب دارد. مردی این وحی خبر یافت و به خانه رفت و با همسرش در میان گذاشت. زن پای فشرد که یک دعا برابر من بگذار، و مرد پذیرفت. زن گفت: از خدا بخواه که مرا زیباترین زنان این زمان کند. مرد دعا کرد و چنین شد. و زن چون دید که شاهان و جوانان پرنواز و نعمت و برخوردار به او رغبت فراوان دارند به شوی خود که پیرمردی تهیدست بود، بی میل شد و به بدرفتاری و درشتی با او پرداخت، و مرد با او مدارا می کرد ولی تاب نافرمانی و ناسازگاری او را نداشت، از خدا خواست تا او را به سگی بدل کند. زن سگ شد. فرزندان گرد آمدند و گفتند: پدر، مردم از این که مادر ما سگ شده است، نکوهشمان می کنند و گریه سر دادند و از پدر خواستند که دعا کند تا او را آن چنان که بود، برگرداند. مرد خدای تعالی را خواند و خداوند او را به حالت نخست بازگرداند، و هر سه دعا این گونه به هدر رفت. ۹۴ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مؤمن زیرک است، هوشیار است، دوراندیش و محکم کار است. ۹۵ - ربیعۀ بن کعب گفت: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: هفت سال مرا خدمت کردی، حاجتی از من نمی طلبی؟ گفتم، ای رسول خدا، مرا مهلتی ده تا فکر کنم. بامداد که شد نزد او آمدم. به من فرمود: ربیعۀ، حاجتت را بخواه. گفتم: از خدا بخواه تا مرا با تو به بهشت برد. فرمود: چه کسی این را به تو آموخت؟ گفتم، ای رسول خدا، کسی به من نیاموخت لیک با خود اندیشیدم و گفتم، اگر مالی از او بخواهم به زوال می انجامد و اگر عمری دراز و فرزندان بخواهم، سرانجام آنها مرگ است. ربیعۀ گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) زمانی سر به زیر افکند، سپس فرمود: چنین می کنم، تو نیز مرا (در این کار) با سجده بسیار، یاری کن. ۹۶ - ربیعۀ گفت: شنیدم او می فرمود: بنده ای نیست که هر روز هفت بار بگوید: أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ از خدا بهشت می خواهم و از آتش به او پناه می بریم. مگر این که آتش می گوید: پروردگارا، از من پناهش ده. ۹۷ - و شنیدم او می فرمود: به هر کس پنج چیز داده شد عذری در ترک کار آخرت ندارد: زنی درستکار که او را در کار دنیا و آخرتش یاری دهد، و پسرانی نیکوکار، و معیشتی در شهر خود، و حسن خلقی که بدان با مردم مدارا کند و محبت اهل بیت من. ۹۸ - گفت: و شنیدم که می فرمود: بر تو باد که از آن چه در دست مردم است نومید باشی که این غنایی حاضر است، و به آن چه مردم دارند آزمند نباشی که آن فقری حاضر است. و چون نماز گزاردی چونان کسی گزار که نماز بدرود می گزارد. و از هر آن چه که از آن پوزش بخواهی دوری کن. ۹۹ - و شنیدم که می فرمود: دیری نیاید که پس از من فتنه ای درگیرد، چون درگرفت، ملازم علی بن ابی طالب (علیه السلام) باشید و او را رها کنید. ۱۰۰ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هنگامی که از پیامبر (علیه السلام)، چیزی درخواست می شد اگر می خواست بکند، می فرمود: آری. و اگر نمی خواست، سکوت می کرد و نه، نمی گفت. عربی نزد او آمد و چیزی خواست، پاسخی نداد، بار دیگر خواست، سکوت کرد. بار سوم خواست و او همچنان خاموش ماند. آن گاه با روی گشاده و لحنی خودمانی فرمود: اعرابی چه می خواهی؟ ما به او غبطه خوردیم و گفتیم، اکنون است که او بهشت بخواهد. اعرابی گفت: شتری راهوار با جهاز و بار و توشه آن می خواهم. او فرمود: ارزانیت باد. آن گاه فرمود: بین خواسته این اعرابی با خواسته آن پیرزن بنی اسرائیل چه قدر فاصله است!! وقتی به موسی (علیه السلام) امر شد که از دریا بگذرد، او رفت تا به انتهای دریا رسید، ولی هر چه اسبها را می راندند و می زدند باز می گشتند. موسی گفت: پروردگارا! لنگی کار از چیست؟ فرمود: موسی، تو اکنون نزدیک قبر یوسف هستی، استخوانهای او را با خود ببر. و این در حالی بود که قبر با خاک یکسان شده بود. موسی از قوم خود پرسید: کسی از شما داند که قبر یوسف کجاست؟

گفتند: شاید پیرزن فرتوت بنی اسرائیل بداند. موسی به او فرمود: می دانی؟ گفت: آری. فرمود: نشانم بده. گفت: نه به خدا سوگند، تا خواسته ام را ندهی، نشانت ندهم. فرمود: باشد. زن گفت: از تو می خواهم که در آن پایه ای که در بهشت داری با تو باشم. فرمود: بهشت بخواه. گفت: نه به خدا سوگند، تنها با تو بودن را می خواهم. موسی همچنان خواسته او را رد کرد، تا این که خدا به او وحی کرد که ای موسی، خواسته اش را به او عطا کن. موسی به او عطا کرد و زن قبر را به او نشان داد و موسی استخوانها را بیرون آورد و از دریا گذشت. ۱۰۱- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: با شکیبایی انتظار گشایش دشواریها را کشیدن عبادت است. ۱۰۲- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: ای بسا که اجابت دعای بنده به دنبال افتد تا اجر درخواستگر بیشتر شود و عطای آرزومند فراوان تر گردد. ۱۰۳- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: زمستان بود و ابراهیم (علیه السلام) در پی یافتن جایی برای گاوها و گوسفندهایش بیرون رفت. آوای شهادت لا اِلهَ إِلاَّ اللهُ را شنید و به دنبال صدا رفت تا به صاحب آن رسید. گفت: ای بنده خدا تو کیستی؟ من مدتهاست که در این سرزمینم و کسی را جز تو ندیدم که خدا را به یکتایی ستاید. گفت: کشتی ما غرق شد و من با تخته ای نجات یافتم و اکنون در جزیره ای ساکنم. فرمود: معاشرت از چیست؟ گفت: در تابستان میوه ها را برای زمستان جمع می کنم. فرمود: برویم تا جای آن نشانم دهی. گفت: تو توانی، که بین ما و آنجا آب دریاست. فرمود: تو چه می کنی؟ گفت: روی آب می روم تا برسم. فرمود: امید دارم آن کس که تو را یاری داد مرا نیز یاری دهد. گفت: پس راه بیفت. مرد می رفت و ابراهیم در پی او، تا به آب رسیدند و پا بر سطح آب گذاردند. مرد هر دم با شگفتی به ابراهیم می نگرست و ابراهیم نیز از او در شگفت بود، تا از آب گذشتند و مرد ابراهیم را به غاری برد و گفت: جای من اینجاست. فرمود: چه خوب است تو دعا کنی و من آمین بگویم. گفت: من از پروردگارم شرم دارم. تو دعا کن من آمین می گویم. فرمود: شرم از چه؟ گفت: زمانی من به آن جا که مرا دیدی رفته بودم، جوانی دیدم، زیباترین انسانها، دو سوی رخسارش دو ورق طلا- را می ماند، با گیسوانی افشان و گاوها و گوسفندهایی (روشن و چشم نواز) چنان که گویی روغن مال شده اند. به او گفتم: کیستی؟ گفت: اسماعیل پسر ابراهیم خلیل الرحمانم. اکنون سه ماه است که از خدا خواسته ام ابراهیم را به من بنماید و تاکنون او را به من نشان نداده است. فرمود: من ابراهیم خلیل الرحمان هستم. و یکدیگر را در آغوش گرفتند. امام صادق (علیه السلام) فرمود: این دو نخستین کسان در روی زمین بودند که دست در گردن هم انداختند و یکدیگر را در آغوش گرفتند. ۱۰۴- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: سه نفر از مردمان که پیش از شما می زیستند، در پی یافتن جایی برای خانواده خود بیرون رفتند، در راه گرفتار باران شدند و به درون کوهی پناه بردند. سنگی بر در غار افتاد و راه را بر آنان بست. به یکدیگر گفتند: جای پای ما از بین رفته و سنگ راه را بر ما بسته است و کسی جز خدای تعالی از مکان ما با خبر نیست. بیاید خدای سبحان را به خالص ترین کارهایی که کرده ایم و بدانها امید داریم، بخوانیم. یکی گفت: بارخدایا، تو می دانی که من زنی را خوش داشتم و او را به خود خواندم، زن سرباز زد. وعده اجرتی به او دادم، پذیرفت. وقتی می خواستم با او جمع شوم، او از خشیت تو به سختی لرزید و گفت: من از بیچارگی به خواسته تو تن دادم. و من او را رها کردم، اگر می دانی که من این کار را به امید رحمت و بیم از عذاب تو کردم. راه را بر ما بگشا. یک سوم سنگ کنار رفت. دیگری گفت: بارخدایا تو می دانی که من پدر و مادری داشتم و برای ایشان شیر می نوشیدم، شبی شیر آوردم. خواب بودند. ایستادم تا سپیده دمید و خود بیدار شدند و شیر را نوشید بار خدایا، اگر تو می دانی که این کار را امید رحمت تو کردم، بر ما گشایشی فرما. یک سوم دیگر گفت سنگ کنار رفت. سومی گفت: بارخدایا، تو می دانی که من روزی کارگری را به خدمت گرفتم و او تا نیمه روز کار کرد و من مزد او را دادم. او خشمگین شد و اجرت را نگرفت، و من آن اجرت را در کار تجارت گاو و گوسفند و جز آن به کار بستم و چون بار دیگر در طلب اجرت باز گشت، گفتم، همه اینها مال توست، بگیر. اگر می خواستم جز اجرتش چیزی به او نمی دادم. بارخدایا، اگر، تو می دانی که من این کار را به امید رحمت و بیم از عذاب تو کردم، راه ما را بگشا. و سنگ به کلی کنار رفت و آن سه

بیرون آمدند و رفتند . پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) با بیان این خبر چنین رساند که عمل صالح ، علاوه بر این که برای آخرت ثوابی اندوخته است ، صاحب آن در دنیا نیز از آن بهره مند است ، همچنین این فایده را رساند که کسی که در دفع ضررها و آسیبها به پروردگارش پناه می برد ، سزاوار است که به ذکر کارهای نیکش توسل جوید . که امید اجابت در آن نزدیک تر است .

کوتاه ، متمسکه ۱

۱۰۵- امام صادق (علیه السلام) فرمود: بیمار شدم ، پدرم نزد من آمد و فرمود: پسرم ، ده بار بگو یا الله بنده ای این را نگویند مگر این که که خدا بگوید . لیک (صدایت را شنیدم ، چه می خواهی ؟) . و هر کسی بگوید یا رَبِّی یا اللهُ تا از نفس بماند ، جواب آید که ، لیک ، حاجت چیست ؟ و هر کس ده بار بگوید : یا اللهُ به او گفته می شود که لیک ، چه می خواهی ؟ ۱۰۶- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: روز بدر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را در سجده دیدم که می فرمود: یا حیی یا قیوم و در این حال بود تا خدای تعالی پیروزی را نصیب او کرد . ۱۰۷- و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ذکر یا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ را همواره بگویند . ۱۰۸- و بر مردی گذر کرد که می گفت یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینِ فرمود: آن چه می خواهی طلب کن ، که خدای سبحان سوی تو نظر کرده است . ۱۰۹- امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند فرشته ای اسماعیل نام دارد که در آسمان دنیا ساکن است ، هر گاه بنده هفت بار بگوید یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینِ اسماعیل به او می گوید : یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینِ صدایت را شنید ، حاجت را بخواه . ۱۱۰- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هر کس صد آیه از قرآن را ، از هر جای قرآن که باشد ، بخواند ، آن گاه هفت بار بگوید یا اللهُ اگر بر (شکافتن) صخره ای دعا کند ، آن را بشکافد ، اگر خدای خواهد . ۱۱۱- امام رضا (علیه السلام) فرمود: برخی امور اندوه مرا برانگیخته بود ، ابو جعفر ، امام باقر (علیه السلام) ، (به خوابم) آمد و فرمود: فرزندم ، خدا را بخوان و یا رُوْفُ یا رَحِیْمُ را بسیار بگو . ۱۱۲- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کسی سه بار بگوید یا مَنْ یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ وَ لَمْ یَفْعَلْ مَا یَشَاءُ اَحَدٌ غَیْرُهُ دعایش اجابت شود . و این دعایی رد ناشدنی است . و از کوتاه ترین و رساترین دعاها این است که بگوید یا اللهُ الَّذِی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَفْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا (و به جای کَذَا وَ کَذَا خواسته ات را می طلبی) پدرم (علیه السلام) این دعا را (که می آید) نهان می داشت و کسی را از آن آگاه نمی کرد . دعا این است اَعُوْذُ بِرِذْوِ اللهِ الْخَصِيْتِ الَّذِی لَا تُرَامُ وَ اَعُوْذُ بِجَمْعِ اللهِ مِنْ کَذَا وَ کَذَا وَ کَلِمَاتِ فِرْجِ رَا بْگُوید . (کلمات فرج : لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْحَلِیْمُ الْکَرِیْمُ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ الْعَلِی الْعَظِیْمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْاَرْضِیْنَ السَّبْعِ وَ مَا فِیْهِنَّ وَ مَا بَیْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ) ۱۱۳- در قصه معراج پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین آمده است که ، او بر ابراهیم خلیل الرحمان (علیه السلام) گذر کرد . ابراهیم از پشت سر او را آواز داد و گفت : ای محمد ، امت را از جانب من سلام رسان و به ایشان خبر ده که آب بهشت گواراست و خاک آن پاکیزه و همواره سپید است . و کاشته های آن سُبْحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اللهُ اَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ است ، پس امت را امر کن تا این نهالها را بسیار بکارند . ۱۱۴- و امام رضا (علیه السلام) فرمود: مردی ورقی یافت و آن را نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آورد . پیامبر ندا داد: نماز جماعت برپا میشود . هیچ مرد و زنی از آمدن تخلف نکرد و او بالای منبر رفت و آن نوشته را خواند . مکتوبی از یوشع بن نون ، جانشین موسی (علیه السلام) بود ، و در آن نوشته بود: بسم الله الرحمن الرحیم ، پروردگار شما به شما رئوف و مهربان است ، آگاه باشید که بهترین بندگان خدا کسی است که پرهیزکار و پاکیزه و ناشناخته باشد ، و بدترین بندگان خدا کسی است که انگشت نما باشد . پس هر که دوست دارد با پیمانانه پر ثواب بردارد و حقوقی را که خدای سبحان به او بخشیده است به تمام دریابد ، هر روز بگوید سُبْحَانَ اللهِ کَمَا یَنْبَغِیْ لِلَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ کَمَا یَنْبَغِیْ لِلَّهِ وَ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ عَلَی اَهْلِ بَیْتِهِ وَ جَمِیْعِ الْمُرْسَلِیْنَ وَ النَّبِیِّیْنَ حَتَّى یَرْضَیَ اللهُ وَ از منبر به زیر آمد . مردم پای فشردند تا فایده های بیشتری از این دعا بدانند . او اندکی درنگ کرد ، آن گاه بر منبر رفت و فرمود: هر

کس دوست دارد که ثنای او از ثناگویان کوشا بالاتر باشد، این دعا را هر روز بخواند؛ اگر حاجتی دارد برآورده شود، و اگر دشمن دارد سرنگون می‌شود و اگر قرضی دارد ادا می‌گردد و اگر اندوهی دارد زدوده می‌شود و کلام او در آسمانهای هفتگانه را می‌شکافد تا در لوح محفوظ نگاشته شود. ۱۱۵ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جبرائیل (علیه السلام) مرا از جانب پروردگرم امر کرد که قرآن را در قیام بخوانم و در رکوع حمدش کنم و در سجود تسبیحش گویم و نشسته بخوانمش. ۱۱۶ - سوید بن غفله گفت: امیرالمؤمنین (علیه السلام) در تنگی و فشار زندگی افتاده بود، فاطمه (علیه السلام) شبانه نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و در کوبید. فرمود: ام ایمن برخیز و بگو که نفس محبوبم را می‌شنوم. ام ایمن در را گشود و فاطمه (علیه السلام) وارد شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وقتی نزد ما آمده ای که پیش از این نمی‌آمدی؟ فاطمه (علیه السلام) گفت: ای رسول خدا، طعام فرشتگان نزد پروردگارشان چیست؟ فرمود: حمد گفتن. گفت: طعام ما چیست؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: سوگند به آن کس که جان من در دست اوست، یک ماه است که آتشی (برای طبخ) در خانه آل محمد افروخته نشده است. برگزین، بگویم تا پنج ماده بز به تو بدهند یا پنج سخن به تو بیاموزم که جبرئیل مرا آموخت؟ گفت: ای رسول خدا، آن پنج سخن را می‌خوانم، چیست؟ فرمود: يَا رَبِّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ يَا خَيْرِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ وَ يَا رَاحِمَ الْمَسَاكِينِ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و فاطمه باز گشت. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چون او را دید فرمود: پدر و مادرم به فدایت ای فاطمه، چه خبر داری؟ گفت: برای دنیا رفتم، با آخرت باز گشتم. علی (علیه السلام) فرمود: روزهای همه خیر است، روزهای همه خیر است. (خیر ایامک) و اگر عبارت، (خیر امامک) باشد ترجمه آن می‌شود: همیشه با خیر رو به رو می‌شوی و به استقبال خیر می‌روی (۱۱۷) - امام حسن مجتبی (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، نقل کرد که او فرمود: جبرائیل (علیه السلام) هفت سخن برای من آورد، همان سخنها که خدای تعالی فرمود: وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ (۸) و چون ابراهیم را پروردگارش با سخنانی آزمود و او آنها را به انجام رسانید. آن سخنان اینهاست: يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَبَّ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا نُورَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا قَرِيبُ يَا مُجِيبُ ۱۱۸ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) به براء بن عازب فرمود: تو را به چیزی راهنمایی کنم که اگر به کارش بندی به حق ولی الله باشی؟ گفت: آری، ای ولی خدا. فرمود: پس از هر نماز خدا را ده بار تسبیح و ده بار تحمید و ده بار تکبیر می‌گویی، و ده بار می‌گویی لا اله الا الله. خداوند هزار بلا را از تو می‌گرداند که کمترین آنها بلای برگشتن از دین است، و هزار منزلت را برای آخرت تو ذخیره می‌کند که کمترین آنها مجاورت با پیامبر محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است. ۱۱۹ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: از ملتسمانه ترین دعاها آن است که بنده بگوید ما شاء الله و از فراگیرترین دعاها آن است که بنده استغفار کند. ۱۲۰ - محمد بن ریان گفت: به امام هادی (علیه السلام) نامه ای نوشتم و در آن، از او خواستم تا برای سختی‌ها و بلاها و دشواری‌ها و نگرانی‌ها و برآورده شدن حاجتهای دنیوی و اخروی، دعایی به من بیاموزد و سفارش ویژه کند، چنان که پدران او، خصوصاً به دوستانشان سفارش می‌کردند. او برایم نوشت: از استغفار دست بردار. ۱۲۱ - اسماعیل بن سهل گفت: به امام رضا (علیه السلام) نوشتم: دعایی به من بیاموز که چون آن را بگویم در دنیا و آخرت با شما باشم. نوشت: اَنَا أَنْزَلْنَاهُ رَا بَسِيَار تَلَاوَتِ كُنْ وَ لِبَهَائِتِ رَا بَا اسْتِغْفَارِ تَر وَ تَا زِهْ كُنْ (همواره استغفار بر زبان باشد). ۱۲۲ - مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: ای رسول خدا، دعایی هست که رد نشود؟ فرمود: آری، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْأَعْلَى الْأَعْظَمِ رَا تَكَرَّرْ كُنْ، آنگاه حاجت را بخواه. ۱۲۳ - و فرمود: بنده ای نیست که دستهایش را پس از نماز بگشاید و بگوید: اللَّهُمَّ إِلَهِي وَ إِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَ أَسْمَاعِيلَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوْسُفَ وَ إِلَهَ جَبْرَائِيلَ وَ مِيكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ أَسْأَلُكَ أَنْ تَسْتَجِيبَ لِي دَعْوَتِي فَإِنِّي مُضْطَرٌّ وَ تَعَصَّيْتَنِي فِي دِينِي فَإِنِّي مُتَبَلِّئٌ وَ تَنَالِنِي بِرَحْمَتِكَ فَإِنِّي مُذْنِبٌ وَ تَنَفَىٰ عَنِّي الْفَقْرَ فَإِنِّي مِسْكِينٌ مَكَرَّ بِهِنَّ رَا كُنْ نَظَرًا بَا نَظَرًا. ۱۲۴ - و امام هادی (علیه السلام) فرمود: من بسیاری از اوقات با این دعا خدای تعالی را می‌خوانم و از خدای عزوجل خواسته ام کسی

را که در مزار من بدان دعا کند، نومید کند. دعا این است: **يَا عَدَّتِي عِنْدَ الْعُدَدِ وَيَا رَجَائِي وَالْمُعْتَمِدُ وَيَا كَهْفِي وَالسَّنْدُ وَيَا وَاحِدُ** **يَا أَحَدُ وَيَا قُلُّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ وَلَمْ تَجْعَلْ فِي خَلْقِكَ مِثْلَهُمْ أَحَدًا صَلَّى عَلَيَّ جَمَاعَتِهِمْ وَأَفْعَلْ بِي** کیت و کیت و به جای کیت کیت حاجتش را بخواهد. ۱۲۵ - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس به اندیشه ای غم انگیز یا مشقتی، یا بلا و اندوهی مبتلا شد، بگوید: **اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ** ۱۲۶ - و این دعا از جمله دعاهاى فرج است: **يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ اَكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي** ای که از همه چیز بسنده ای و چیزی از تو بسنده نباشد، تو خود، آن چه را اندیشناکم کرده است (به عهده گیر) و بسنده باش. ۱۲۷ - **سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ** گفت: امام کاظم (علیه السلام) فرمود: هرگاه حاجتی به درگاه خدا داشتی بگو: **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلَيٍّْ فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا** (و به جای کذا و کذا حاجت را به زبان می آوری). **فَإِنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ مُمْتَحَنٌ إِلَّا وَهُوَ يَحْتَاجُ إِلَيْهِمَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ** ۱۲۸ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون امری تو را پریشان کرد و تاب و قرار از کفت ربود، بر زمین سجده کن و بگو: **يَا مُيَذَّلُ كُلِّ جَبَّارٍ يَا مُعَزُّ كُلِّ ذَلِيلٍ قَدْ وَحَقَّكَ بَلْغَ مَجْهُودِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفَرِّجْ عَنِّي** ۱۲۹ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: چون به گرداب گرفتاری افتادی بگو: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ** که خداوند هر بلایی را که بخواهد، بدان واپس زند. ۱۳۰ - و فرمود: درهای معصیت را با استعاذه **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** ببندید، و درهای اطاعت را با تسمیه **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** بگشایید. ۱۳۱ - و فرمود: دعایی که آغاز آن **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ** باشد، رد نمی شود. ۱۳۲ - همو فرمود: چون کسی خشم آورد، بگوید **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** خشم از او برود.

کوتاه، ملتسانه ۲

۱۳۳ - مردی گفت: ای رسول خدا، مرا سفارشی فرما. فرمود: سفارشت می کنم که خشمگین مشوی. و فرمود هر گاه خشمگین شدید، وضو بسازید. ۱۳۴ - امام باقر (علیه السلام) فرمود: **حزن يعقوب (عليه السلام)**، شدت یافت دستهایش را به آسمان بلند کرد و گفت: **يَا حَسَنَ الصُّحْبَةِ يَا كَرِيمَ الْمُعُونَةَ يَا خَيْرًا كُلَّهُ ائْتِنِي بِرُوحٍ مِنْكَ وَفَرِّجْ مِنْ عِنْدِكَ جِبْرَائِيلَ فَرُودِ آمِدْ وَگفت: يعقوب، تو را دعایی آموزم که خداوند بینایی و دو فرزندت را به تو بازگرداند؟ گفت: آری. فرمود: بگو یا مَنْ لَا يَعْلَمُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ وَحَيْثُ هُوَ وَقَدْرَتُهُ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَكَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ ائْتِنِي بِرُوحٍ مِنْكَ وَفَرِّجْ مِنْ عِنْدِكَ** ۱۳۵ - عبدالله بن موسی بن جعفر گفت: وقتی که برادران یوسف آن ناروا را در حق او کردند، و یوسف عزیز مصر شد، یعقوب در حالی که نمی دانست او یوسف است، به او این نامه را نوشت: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**، از یعقوب اسرائیل الله، فرزند اسحاق ذبیح الله فرزند ابراهیم خلیل الله، به عزیز آل فرعون. سلام علیک. در آغاز نامه ام خدایی را می ستایم. که معبودی جز او نیست و پس از آن می گویم که، اسباب بلاها بر ما شوریده اند و آزمند گشته اند؛ جدم ابراهیم خلیل در راه طاعت پروردگارش به آتش افکنده شد؛ خدا آتش را برای او سرود و سلامت کرد. و به او فرمان داد تا پدرم را ذبح کند؛ به جای ذبح او، فدیه ای فرستاد. و من پسری داشتم که او را از جمله مردمان دوست تر می داشتم، از کفم رفت، و حزن من بر او، نور دیدگانم را برد. او برادری مادری داشت که هر گاه به یادش می افتادم او را در آغوش می فشردم و غم اندکی فرو می نشست، اینک او نزد شما در بند است. به شما می گویم که من دزدی نکرده ام و فرزند دزد دنیا نیآورده ام. چون یوسف نامه را خواند، گریست و به او نوشت: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**، شکیبایی کن چنان که آنان کردند، ظفر می یابی چنان که آنان یافتند. نامه که به دست یعقوب رسید گفت: به خدا سوگند، این سخن شاهان و فرعونان نیست بلکه این سخن پیامبران و پیامبرزادگان است. و اینجا بود که گفت: **يَا**

بَنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَ أَخِيهِ (۹) پسرانم ، بروید و یوسف و برادرش را بجوید . ۱۳۶ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : تسبیح نصف میزان است و حمد ، آن را پر می کند و تکبیر میان آسمان و زمین را پر می کند . ۱۳۷ - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود : پدرم در روز شهادتش و هنگامی که خونها در جوش بود ، مرا به سینه فشرد و فرمود : پسرم ، دعایی را که فاطمه (علیها السلام) به من آموخت و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او آموخت و جبرائیل به رسول خدا آموخت ، تا در حاجتها و امور مهم و اندیشه برانگیز و غمها و پیشامدهای سخت بخواند ، از من به خاطر بسیار . فرمود : دعا کن بِحَقِّ يَسَ وَ الْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَ بِحَقِّ طَه وَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مَنْفَسُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفْرِجَ عَنِ الْمُغْتَمَمِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّقْيِيرِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِبِي كَذَا وَ كَذَا (و به جای کذا و کذا آنچه را می خواهی به زبان آور .) ۱۳۸ - روایت است که امام زین العابدین (علیه السلام) مردی را دید که بر در خانه کسی نشسته است . به او فرمود : تو را چه بر در خانه این مرد خوشگذران متکبر نشانده است ؟ گفت : گرفتاری . فرمود : برخیز تا تو را به دری بهتر از در او و پروردگاری که برای تو بهتر از اوست . راهنمایی کنم . و دست او را گرفت تا به مسجد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسیدند . فرمودند : رو به قبله کن و دو رکعت نماز بگذار ، آن گاه دستهایت را به درگاه خدای عزوجل بگشا و خدا را ثناگو و به رسول او (صلی الله علیه و آله و سلم) درود فرست و پس از آن با آیات آخر سوره حشر و شش آیه از اول سوره حدید و دو آیه که در آل عمران است ، خدا را بخوان و از خدای سبحان درخواست کن که هر چه بخواهی عطایت کند . آیات آخر سوره حشر : (۱۰) ۱۳۹ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : جبرائیل (علیه السلام) مرا گفت : آن کلمات را که موسی (علیه السلام) هنگام شکافته شدن دریا گفت به تو بیاموزم ؟ گفتم : آری . گفت : بگو : اللَّهُمَّ لِمَكَ الْحَمْدُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَتَكِي وَ بِكَ الْمُسْتَتَعَاثُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَتَعَانُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ ۱۴۰ - و فرمود : هر گاه به کسی غم و اندوهی رسد و بگوید : اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ نَاصِيَتِي بِيَدِكَ مَاضٍ فِيَّ حُكْمُكَ عَدْلٌ فِي قَضَائِكَ أَشْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي وَ نُورَ بَصِيرَتِي وَ جَلَاءَ حُزْنِي وَ ذَهَابَ هَمِّي خداوند غم او را ببرد و به جای آن گشایشی نازل کند . ۱۴۱ - و فرمود : گناهایی هستند که هیچ نماز و روزه ای آنها را پاک و جبران نمی کند . گفته شد : ای رسول خدا ، پس همه چیز آنها را پاک نمی کند ؟ فرمود : غمهایی که در طلب معیشت می خورند . ۱۴۲ - روایت است که : داود (علیه السلام) گفت : معبود من ، مرا امر کردی که روی و بدن و پایم را با آب پاکیزه کنم ، قلبم را با چه پاک کنم ؟ فرمود : با غمها و غصه ها . ۱۴۳ - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود : رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در جمع گروهی از خویشان خود حاضر شد و فرمود سخنی به شما بگویم که برایتان از دنیا و آخرت نیکوتر باشد ، و هر گاه غمین و اندوهگین شدید خدای عزوجل را بدان بخوانید تا برای شما گشایشی پدید آورد ؟ گفتند : آری ، ای رسول خدا !! فرمود : بگوید : اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ رَبُّنَا لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا آن گاه او را بخوانید و هر چه در نظر دارید ، بخواهید . ۱۲۴ - ثمالی گفت : به امام علی بن الحسین (علیه السلام) گفتم : دعایی به من آموز . فرمود : ای ثابت ، بگو : اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْأَلُكَ بِأَنَّ لِمَكَ الْحَمْدَ لِمَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ يَدْبِعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا آن گاه فرمود : رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : این دعایی است که چون خدا را بدان خوانند ، اجابت کند و چون بدان درخواست شود ، عطا کند . ۱۴۵ - امام حسن عسکری (علیه السلام) از پدرش نقل کرد که او فرمود : مردی نزد محمد بن علی بن موسی امام جواد (علیه السلام) آمد و گفت : ای فرزند رسول خدا ، پدرم مالی داشت و از دنیا رفت و من نمی دانم مال او کجاست . نانخور بسیار دارم و از دوستان شما ، یاریم ده . امام (علیه السلام) فرمود نماز عشاء را که خواندی صد بار بر محمد و آل محمد درود فرست ، پدر به خوابت می آید و جای مال را نشانت می دهد . مرد چنین کرد ، پدر به خوابش آمد و به او خبر داد ، و مرد رفت و مال را برداشت . ۱۴۶ - و از امامان (علیه السلام) روایت است که فرمودند :

چون امری تو را محزون کرد دو رکعت نماز بگزار ، در رکعت نخست حمد و آیه الکرسی و در رکعت دوم حمد و انا انزلناه ، بخوان ، آن گاه قرآن را بردار و روی سر بگیر و بگو اللهم انی اسألك بحق ما أرسلته الی خلقک و بحق کذلک آیه هی لک فی القرآن و بحق کل مؤمن و مؤمنه مدحتهما فی القرآن و بحقک علیک و لا أحد أعرف بحقک منک و ده بار بگو یا سیدی یا الله و ده بار و بحق محمد و آل محمد و ده بار بحق علی امیر المؤمنین صلوات الله علیه آن گاه می گوئی اللهم انی اسألك بحق نبیک المصطفی و بحق ولیک و وصی رسولک المرتضی و بحق الزهراء مریم الکبری سیده نساء العالمین و بحق الحسن و الحسین سبطی نبی الهدی و رضیعی ثدی الثقی و بحق زین العابدین و قره عین الناظرین و بحق باقر علم النبیین و الخلف من آل یس و بحق الراضی من المرضیین و بحق الحیر من الخیرین و بحق الصابرین و الصابریین و بحق التقی و السجاد الأضر و بیکایه لیلته المقام بالسهر و بحق النفس الزکیه و الروح الطیه سیمی نبیک و المظهر لیدینک اللهم انی اسألك بحقهم و حرمتهم علیک إلا قضیت بهم حوائجی و آن چه را می خواهی بیان کن . ۱۴۷ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : جبرائیل (علیه السلام) ، این مناجات را برای طلب حاجت ، از جانب خدای تبارک و تعالی به من داد : اللهم جدیر من أمرته بالدعاء أن یدعوك و من وعدته بالاستجابة أن یرجوک و لی اللهم حاجه قد عجزت عنها حیلتی و کلت منها طاقتی و ضعفت عن مرامها قوتی و سولت لی نفسی الأماره بالسوء و عدوی الغرور الذی أنا منه و منها مبلو أن أرغب الی ضعیف مثلی و من هو فی النکول شکلی حتی تدارکنی رحمتک و بادرنی بالتوفیق رافتک و رددت علی عقلت بتطاولک و ألهمتني رُشدی بتفضلك و أجلیت بالرحماء لک قلبی و أزلت خدعه عدوی عن لی و صححت فی التأمل فکری و شرحت بالرحماء لاشیء عافک صیدری و صوّرت لی الفوز ببلوغ ما رجوته و الوصول الی ما أملتُه فوقت اللهم رب بین ذلک سائلاً لک ممّا دعا الیک و اتقاً بک متوکلاً علیک فی قضاء حاجتی و تحقیق أمیبتی و تصدیق رغبتی فأعذنی اللهم رب بکرمک من الخیبه و القنوط و المناه و التشیب بهنی ء إجابتک و سابغ مؤهبتک إنک ولی و بالمنایح الجزیله ملی و أنت علی کل شیء قدیّر و بكل شیء محیط ۱۴۸ - و این دعا از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است که فرمود : یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح یا من لم یهتک السرّ و لم یؤخذ بالجریره یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفره یا باسط الیدین بالرحمه یا صاحب کل نجوی و منتهی کل شکوی یا مقیل العثرات یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مبدئاً بالنعم قبل استحقاقها یا رباه یا سیده یا أملاه یا غایه رغبته اسألك بک یا الله ألا تسوّه خلقتی بالنار و أن تفضی لی حوائج آخرتی و دنیای و تفعل بی کذا و کذا و بر محمد و آل محمد درود می فرستی و آن چه در نظر داری می خواهی . ۱۴۹ - روایت است که ، هر بنده پیکری در عرش دارد ، چون به عبادت پردازد ، فرشتگان پیکر او را می بینند ، و چون به معصیت پردازد ، خداوند برخی از فرشتگانش را امر می کند که با بالهایشان او را بپوشاند تا فرشتگان نبینند . و معنای سخن پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) که خطاب به خدا عرضه می داشت : ((یا من أظهر الجمیل و ستر القبیح ... ای کسی که زیبایی را نمایاندی و زشتی را پوشاندی)) همین است . ۱۵۰ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی آن چه را در بیت المال بود قسمت می کرد ، می فرمود تا آن جا را بروند ، سپس در آن نماز می گزارد و دعا می کرد و در دعایش می فرمود : اللهم انی أعوذ بک من ذنب یحبط العمل و أعوذ بک من ذنب یعجل النقم و أعوذ بک من ذنب ینزع الرزق و أعوذ بک من ذنب ینزع الدعاء و أعوذ بک من ذنب ینزع التوبه و أعوذ بک من ذنب یهتک العصمه و أعوذ بک من ذنب یورث الندم و أعوذ بک من ذنب یحس القسم ۱۵۱ - ابن کوا گفت : شنیدم که امیرالمؤمنین (علیه السلام) می گوید : ((أعوذ بالله من الذنوب التي تعجل الفناء به خدا پناه می برم از گناهایی که نیستی را شتاب می بخشند)) گفتم : ای امیرمؤمنان ، مگر گناهایی هستند که نیستی را شتاب بخشند ؟ فرمود : آری ، قطع رحم ؛ بسا خویشان پرهیزکاری که از یکدیگر ببرند و خداوند ایشان را محروم کند ، و خویشان بدکاری که به یاری و غمخواری هم برخیزند و خداوند روزیشان دهد . ۱۵۲ - روایت است که ، وقتی امام علی بن الحسین (علیه السلام) را نزد یزید علیه اللعنه بردند ، خواست گردن او را بزنند . او را در برابر خود ایستاند و با او به سخن پرداخت تا پاسخی دهد و سخنی گوید که بدان قتلش را روا دارد . و علی بن حسین (علیه السلام)

پاسخ مناسب به او می‌داد و در حال سخن گفتن تسبیح کوچکی را که در دست داشت با انگشتانش می‌گرداند. یزید، که آنچه سزای اوست بر او باد، گفت: من با تو سخن می‌گویم، و تو پاسخم را می‌دهی، و با انگشتهایت تسبیح می‌گردانی، چگونه این روا باشد؟! فرمود: پدرم از جدم (صلی الله علیه و آله و سلم) برایم حدیث کرد، که او چون نماز صبح را می‌گزارد و از آن فارغ می‌شد، سخن نمی‌گفت تا تسبیحی در دست بگیرد و بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أُسَبِّحُكَ وَأُحْمَدُكَ وَأُهَلِّلُكَ وَأُكْبِرُكَ وَأُمَجِّدُكَ بِعَدَدِ مَا أُدِيرُ بِهِ سُبْحَتِي يَا خدایا، در این بامداد تو را به شمار تسبیحی که می‌گردانم، تسبیح و تحمید و تهلیل و تکبیر می‌گویم. و تسبیح را در دست می‌گرفت و آن را می‌گرداند و سخنی را که می‌خواست، می‌گفت، بی آن که زبان به تسبیح گشاید. و می‌فرمود: این گرداندن برایم (ذکر) به حساب می‌آید، و نگاهدارنده و دور کننده بلا (از من) باشد، تا به بستر روم. و چون در بستر می‌آرمید، همان کلام را می‌گفت و تسبیح را زیر سر می‌گذارد. و آن ذکر، از آن ساعت، تا وقت دیگر برایش به حساب می‌آمد. من با اقتدا به جدم (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین کردم. یزید که نفرین بر او باد گفت: با هیچ یک از شما سخنی نمی‌گویم مگر اینکه پاسخی ظفرمندانه به من می‌دهد. و از او در گذشت و صله ای داد و گفت آزادش کنند. ۱۵۳ - امام باقر (علیه السلام) فرمود: دانشوری که از دانش خود بهره مند است از هفتاد هزار عابد برتر است. ۱۵۴ - و فرمود: فقیه پژوهشگر و دانای این دین، بر شیطان سخت تر از عبادت هفتاد هزار عابد است. ۱۵۵ - و فرمود: سخن ما دلها را زنده می‌کند. ۱۵۶ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: سخن ما را نقل کنید، مانعی نیست، خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده نگه دارد. ۱۵۷ - و فرمود: عالمان، وارثان پیامبرانند، و پیامبران درهم و دیناری از خود به جای نگذاشتند، بلکه تنها سخنانی به جا گذاشتند کسی که اندکی از آنها را فراگیرد (و بدان ملتزم شود) بهره فراوان برده است، پس به دانش خود بنگرید و که آن را از چه کسی فرا می‌گیرید. ۱۵۸ - و این سفارش از ذوالقرنین است که، دانش را از کسی که خود از آن سودی نبرده است نیاموز، زیرا کسی که از علم خود بهره مند نیست، تو را نیز بهره ای نرساند.

بخش سوم: اجابت دعای صادقان علیهم السلام

۱۵۹ - از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت است که فرمود: من از وقتی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روز خیبر آب دهان در چشمم ریخت، به چشم درد مبتلا نشدم. ۱۶۰ - ابن عمر گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روز خیبر، پرچم را به یکی از یاران خود داد، شکست خورده بازگشت. به دیگری داد، او یاران خود را به هراس افکند و گریخت و پرچم را بازگرداند. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: فردا پرچم را به مردی می‌دهم که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول نیز او را دوست دارند، تا خداوند فتح و فیروزی به او ندهد، باز نگردد. بامداد شد، پیامبر فرمود: علی را فراخوانید. گفتند: چشم او رنجور است. فرمود: او را بخوانید. او آمد، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آب دهانی به چشمان او زد و فرمود: ((اللَّهُمَّ اذْفَعْ عَنْهُ الْحَزْنَ وَالْبُرْدَ يَا خدایا گرما و سرما را از او دور کن.)) آن گاه پرچم را به او داد. علی (علیه السلام) رفت و تا خیبر را نگشود بازنگشت. هنگامی که به دژ بالای کوه نزدیک شد، یهودیان پیش آمدند و او را هدف تیر و سنگ کردند علی (علیه السلام) بر آنان تاخت تا به دژ رسید، پا خم کرد و خشمگین در آستانه در فرود آمد و آن را از جا برکند و چهل ذراع به پس پشت خود پرتاب کرد. پس از آن چهل مرد کوشیدند تا آن را حمل کنند، نتوانستند. ۱۶۱ - از ابن عباس روایت است که گفت: در زمان عمر مردی بود که در ناحیه آذربایجان کره اسبهایی داشت که سرکشی می‌کردند و سواری نمی‌دادند. او شکایت این دشواری به عمر آورد. عمر گفت: برو و خدا را به فریادرسی بخوان. و بر پاره ورقی نوشت: از عمر به شیطانها و جنیان سرکش. این چهارپایان را برای او رام کنید. مرد ورق را گرفت و رفت. و من برای او بسیار غمین شدم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دیدم و به او خبر دادم. فرمود: بی شک او نامراد باز می‌گردد. تشویش من فرو نشست. آن سال برای من دیر پا شده

بود، که مرد را پیشانی شکسته دیدم. شکستگی چنان عمیق بود که دست در آن جای می گرفت. پیش دستی کردم و گفتم: چه خبر؟ گفت: من آن جا رفته و ورق را انداختم، گروهی از جنیان به من حمله ور شدند و یکی از آنان با نیزه به صورتم زد و من بر زمین افتادم و برادرم که همراهم بود مرا با خود برد و من مدام در کار درمان بودم تا اکنون بهبود یافته ام. و نزد عمر رفت و او را از آن چه روی داده بود با خبر کرد. عمر با درستی بر او بانگ زد و گفت: دروغ می گویی، نامه ام را نبرده ای. با او نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) رفتیم، او تبسمی کرد و فرمود: نگفتم؟! آن گاه رو به مرد کرد و فرمود: چون بازگشتی به محل نگهداری آنها برو و بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ عَلَيَّ عِلْمَ عَلَى الْعَالَمِينَ فَذَلَّلْ لِي صُعُوبَتَيْهَا وَحُزُونَتَيْهَا وَأَكْفِنِي شَرَّهَا فَإِنَّكَ الْكَافِي الْمُعَافِي وَالْغَالِبُ الْقَاهِرُ مَرْدُ رَفْتٍ وَ سَالٍ بَعْدَ مَقْدَارِيٍّ مِنْ بَهَائِهَا بَارِئًا مِنْ خَدَاوَنَدِ مَالٍ أَوْ رَا فَرْوَنِي بَخْشِيدٍ وَ اَكْنُونُ هِر سَه سَالَه بَه حَج مِي رُود. ابن عباس گفت: امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هر کس چیزی، چون مال یا همسر و فرزند یا پادشاهی از پادشاهان برایش رمیده و دشوار شد، با این دعا به درگاه خدا گریه و زاری کند، به خواست خدا از آن چه بیم دارد کفایتش می کند. ۱۶۲- ابن بابویه، خداوند از خوشنود باد، با اسناد خود از صالح بن میثم اسدی روایت کرده است، که او گفت: به دیدار زنی از بنی والیه رفته که پیشانیش از سجده بسیار سوخته و در هم رفته بود. گفت: برادرزاده، دمی گوش فراده تا داستان خود را برایت بگویم. من بسیار به دیدار ابو عبدالله امام حسین (علیه السلام) می رفته، تا این که بین دو چشمم پیسی ای پیدا شد و این بر من گران آمد و دیگر از خانه بیرون نرفتم. امام (علیه السلام) از حال من پرسید، که حبابه والیه چه شد؟ گفتند: در پیشانیش سپیدی ظاهر گشته. او بر خاسته و نزد من آمد و فرمود: حبابه، تو را چه از دیدارم بازداشته است؟ گفتم: ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) این چنین گشتم. و روبند از رویم برداشتم امام (علیه السلام) آب دهانی روی آن زد و فرمود: ای حبابه، خدا را شکری تازه کن که آن را از تو زدود. و من به سجده افتادم و بر سر خاک ساییدم. فرمود: حبابه، سر بردار و در آینه بنگر. من سر برداشتم و در آینه نگریستم، از آن سپیدی هیچ ندیدم و خدا را ستودم و سپاس گفتم. او به من نظر کرد و فرمود: حبابه، ما و شیعیان ما بر فطرت (یکتا پرستی و پاکی هستیم) و دیگر مردمان از آن بی بهره اند. ۱۶۳- و مناسب مقام این حدیث ابن بابویه است که گفت: محمد بن ابراهیم بن اسحاق طالقانی برایم گفت که من با جماعتی که علی بن عیسی نیز در میان آنان بود، در محضر شیخ ابوالقاسم بن روح، که خداوند از او خوشنود باد، بودم، که مردی برخاست و به او گفت: می خواهم چیزی از تو بپرسم. گفت: هر چه در اندیشه داری بپرس. مرد گفت: به من بگو، آیا حسین بن علی (علیه السلام) دوست خدا بود؟ گفت: آری. پرسید: آیا قاتل او دشمن خدا بود؟ گفت: آری. مرد گفت: رواست که خدا دشمن خود را بر دوستش چیره کند؟! شیخ ابوالقاسم گفت: آن چه را به تو می گویم به درستی بفهم. بدان که خدای تعالی با مردم به گونه ای که به مشاهده چشمها در آید، نمی آمیزد و با ایشان لب به سخن نمی گشاید، بلکه او که قدر و عظمتش والاست، پیامبرانی از جنس و صنف انسان و بشری همانند آنان برایشان می فرستد، و اگر پیامبرانی جز از صنف و شکل خودشان می فرستاد از او می رمیدند و چیزی از او نمی پذیرفتند. پس چون پیامبرانی از جنس خود مردم به میانشان آمدند و مانند ایشان طعام می خوردند و در بازارها می رفتند، به ایشان گفتند: شما که مانند مائید؟ چیزی از شما نمی پذیریم تا معجزه ای آورید که ما از مانند آن ناتوان باشیم، تا بدانیم که آن ویژه شماست و ما از آن ناتوانیم. پس خدای عزوجل برای ایشان معجزاتی قرار دارد که خلق از آنها ناتوان بودند، برخی از ایشان پس از عذر آوردن و راه بهانه بر مردم بستن و بیم دادن طوفانی آورد تا همه سرکشان و طاغیان را غرق کرد. و برخی دیگر را در آتش انداختند، آتش برای او سرد و بی گزند شد. و دیگری از سنگ صاف و سخت شتری ماده بیرون آورد و از پستانش شیر جاری ساخت. و دریا برای یکی از ایشان شکافته شد و از درون سنگ چشمه ها برایش جاری گردید و عصای خشک او برای او ازدهایی شد که تا آن چه را به دروغ ساخته بودند، ببلعد و از ایشان، یکی مردمان گنگ و پیسی گرفته را شفا می داد و مردگان را به اذن خدا زنده می کرد و به آنان خبر می داد که چه می خوردند و خانه

هایشان چه اندوخته اند. و برای دیگری از ایشان ماه شکافته شد و حیوانهای زبان بسته ای چون شتر و گرگ و جز آنها، با او سخن گفتند. ولی با وجود چنین معجزاتی که مردم امتهای ایشان از مثل آنها ناتوان بودند، تقدیر خدای، جل جلاله، و لطف او به بندگانش و حکمت او چنین اقتضا می کرد که پیامبران را با وجود این معجزات، زمانی غالب و زمانی مغلوب و مقهور گذارد. اگر همواره ایشان را قاهر و غالب می گرداند و گرفتار بلا و محنت نمی کرد و نمی آزمود، مردم آنان را به جای خدای عزوجل معبود خود می گرفتند، و صبر ایشان بر بلا و محنت و آزمونهای سخت معلوم نمی گردید. از این رو خداوند احوال ایشان را در این امور چون احوال دیگران قرار داد، تا در این حال بلا و محنت صابر باشند و در حال سلامتی و چیرگی بر دشمنان شاکر باشند و در همه حال فروتن باشند و در شک و حیرت نباشند، تا او را بپرستند و پیامبران او را فرمان برند، و حجت خدا را بر کسانی که درباره ایشان زیاده گویی و دعوی پروردگاری دارند، یا بر کسانی که با آنان دشمنی و ناسازگاری و سرکشی می کنند و آن چه را پیامبران و رسولان علیهم الصلاه و السلام آورده اند، نمی پذیرند، ثابت باشد؛ تا هر کس هلاک می شود با وجود برهان روشن و سرتافتن از آن هلاک شود و هر کس زنده و رستگار می شود با برهان روشن (و گردن نهادن بدان) زنده شود. آنگاه ابوالقاسم، که خداوند از او خوشنود باد، گفت: این سخنان که گفتم از شخص من نیست، بلکه ریشه دار است و از امام حجت (علیه السلام) شنیده شده است. و من در اینجا گفتم تا اگر کسی خواست نسبت به آن چه در گذشته رخ داده یا در آینده رخ می دهد، عیب و ایرادی بگیرد، ایرادش را دفع کنم و راه نارواگویی را بر او ببندم. ۱۶۴ - از امام باقر (علیه السلام) روایت است که فرمود: مادرم پای دیواری نشسته بود که دیوار شکاف برداشت و ما صدایی از آن شنیدیم. مادرم با دست اشاره ای کرد که نه. به حق مصطفی سوگند خداوند به تو اجازه سقوط نداده است. و دیوار معلق ماند تا مادرم در گذشت. و پدرم صد دینار برای او صدقه داد. امام صادق (علیه السلام) روزی از او یاد کرد و فرمود: او زنی صدیقه بود، و در خاندان امام حسین (علیه السلام) چنین زنی نظیر نداشت. ۱۶۵ - جمیل بن دراج گفت: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که زنی وارد شد و گفت: پسر مرا مرده در خانه ترک کردم و به اینجا آمدم تا به فریادم بررسی. امام (علیه السلام) به او فرمود: شاید نمرده باشد. به خانه ات برو و غسل کن و دو رکعت نماز بگزار و خدا را بخوان و بگو: ((يَا مَنْ وَهَبَهُ لِي وَلَمْ يَكُ شَيْئًا جَدُّ هَيْبَةً لِي اَي كَسِي كِه اَيْن فِرْزَنْد رَا دَر حَالِي كِه هِيْج نَبُوْدِه بِه مَن بَخْشِيْدِي ، اَو رَا اَز نُو بِه مَن بِيْخَش .)) آنگاه او را بجنابان، و به کسی مگو. زن رفت و چنان کرد؛ پسر را جنابان و پسر یک باره گریه سر داد. ۱۶۶ - عبدالله بن مغیره گفت: عبد صالح امام موسی بن جعفر (علیه السلام) زنی را در ((منا)) دید که می گریست، و کودکش گرد او می گریستند، چرا که ماده گاوشان مرده بود. امام نزدیک رفت و فرمود: ای کنیز خدا، چرا می گریی؟ زن گفت: ای بنده خدا، کودکان یتیمی دارم، ماده گاوی داشتیم که گذران زندگی من و کودکانم از آن بود که مرد و از دست ما رفت و اکنون بی چاره مانده ایم. فرمود: کنیزک خدا، می خواهی آن را برایت زنده کنم؟ به زن الهام شد که بگوید آری. و امام (علیه السلام) به کناری رفت و دو رکعت نماز گزارد، و پس از آن دستهایش را بالا آورد و دست راستش را گرداند و لبهایش را به نجوایی جنابان. آن گاه برخاست و کنار گاوی رفت و سیخکی یا نوک پایی، به گاو زد. گاو برخاست و سر پا ایستاد. زن که مردن گاو را دیده بود. فریاد برآورد و گفت: به پروردگار کعبه سوگند، که او عیسی بن مریم است. مردم در آن میان گرد آمدند، و امام (علیه السلام) راه خود را پیش گرفت و رفت. ۱۶۷ - محمد بن فضل گفت: امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) در عرفات ایستاده بود و دعا می کرد که یک باره سر خم کرد، چنان که نزدیک بود پیشانی او به پیش پایش برسد. سبب را پرسیدند. فرمودند: مدتی بود که من بر اینان (برمکیان) نفرین می کردم که با پدرم چه ها کردند. (نفرینم کارساز شد) و خداوند امروز آن، را پذیرفت و (به هدف رساند). چون باز گشتیم، دیری نپایید که احوال برمکیان دگرگون شد. ۱۶۸ - ابن بابویه از احمد بن اسحاق، و کیل قمی که خداوند از هر دوشان خوشنود باد، روایت کرده که او گفت: به محضر امام ابو محمد حسن عسکری (علیه السلام) در آمدم و گفتم: فدایت شوم، چیزی از درون غمگینم می کند و من می خواستم سبب آن را از

پدرتان بپرسم موفق نشدم. فرمود: چیست؟ گفتم: سرورم، برای ما از پدران شما (علیه السلام) روایت کرده اند که خواب پیامبران (علیه السلام) بر قفاست و خواب مومنان بر پهلو راست و خواب منافقان به پهلو چپ و خواب شیطان به روست. فرمود: این چنین است. گفتم: سرورم، من هر چه می‌کوشم به پهلو راست بخوابم نمی‌توانم، و بر این دست خوابم نمی‌برد. او اندکی خاموش ماند، آنگاه فرمود: به من نزدیک شو، و من نزدیک رفتم. فرمود: احمد دستت را زیر پیراهنت ببر. و من بردم. او نیز دستش را از زیر جامه بیرون آورد و به زیر جامه من آورد و سه بار با دست راست، پهلو چپ و با دست چپ، پهلو راستم را دست کشید. احمد گفت: از آن زمان، دیگر نمی‌توانم به پهلو چپ بخوابم. ۱۶۹ - از پیامبر (علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: جبرائیل (علیه السلام) از جانب خدا، این مناجات را برای شکرگزاری از خداوند به من داد: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَرَدِّ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ مِلْمَاتِ الضَّرَاءِ وَ كَشْفِ نَوَائِبِ اللَّأْوَاءِ وَ تَوَالِي سُبُوحِ النَّعْمَاءِ وَ لَكَ الْحَمْدُ رَبِّ عَلَى هَبْنِي عَطَائِكَ وَ مَحْمُودِ بَلَائِكَ وَ جَلِيلِ آلائِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى إِحْسَانِكَ الْكَثِيرِ وَ خَيْرِكَ الْعَزِيزِ وَ تَكْلِيفِكَ الْيَسِيرِ وَ دَفْعِكَ الْعَسِيرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ يَا رَبِّ عَلَى تَثْمِيرِكَ قَلِيلِ الشُّكْرِ وَ إِعْطَائِكَ وَافِرِ الْأَجْرِ وَ حَطِّكَ مُثْقَلِ الْوِزْرِ وَ قَبُولِكَ ضَيْقَ الْعُذْرِ وَ وَضْعِكَ بَاهِظَ الْأَصِيرِ وَ تَسْهِيلِكَ مَوْضِعَ الْوَعْرِ وَ مَنَعِكَ مُفْطِعِ الْأَمْرِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى الْبَلَاءِ الْمَضِرُّوفِ وَ وَافِرِ الْمَعْرُوفِ وَ دَفْعِ الْمَخُوفِ وَ إِذْلالِ الْعُسُوفِ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى قَلَّةِ التَّكْلِيفِ وَ كَثْرَةِ التَّخْفِيفِ وَ تَقْوِيَةِ الضَّعِيفِ وَ إِغَاثَةِ الْلَّهِيفِ وَ لَمَكِ الْحَمْدِ عَلَى سِعَةِ إِمْهَالِكَ وَ دَوَامِ إِفْضَالِكَ وَ صِرْفِ مَحَالِكَ وَ حَمِيدِ فِعَالِكَ وَ تَوَالِي نَوَالِكَ وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى تَأْخِيرِ مُعَاجَلَةِ الْعُقَابِ وَ تَرْكِ مُعَافَصَةِ الْعِذَابِ وَ تَسْهِيلِ طُرُقِ الْمَأْبِ وَ إِنْزَالِ غَيْثِ السَّحَابِ إِنَّكَ الْمَنَّانُ الْوَهَّابُ ۱۷۰ - و امام زین العابدین (علیه السلام) هنگام اجابت دعایش، این دعاها را می‌خواند: اللَّهُمَّ قَدْ أَكْدَى الطُّلْبُ وَ أَعْيَتِ الْحِيلُ إِلَّا عِنْدَكَ وَ ضَاقَتِ الْمَذَاهِبُ وَ امْتَنَعَتِ الْمَطَالِبُ وَ عَسِرَتِ الرَّغَائِبُ وَ انْقَطَعَتِ الطُّرُقُ إِلَّا إِلَيْكَ وَ تَصَيَّرَمَتِ الْأَمَالُ وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَ خَابَتِ الثَّقَةُ وَ أَخْلَفَ الظَّنُّ إِلَّا بِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سَبِيلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُنْهَجَةً وَ مَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُفْتَحَةً وَ أَعْلَمُ إِنَّكَ لِمَنْ دَعَاكَ لِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَ لِلصَّارِخِ إِلَيْكَ لِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَ إِنَّ الْقَاصِدَ لَكَ لِقَرِيبِ الْمَسَافَةِ مِنْكَ وَ مُنَاجَاةِ الْعَبْدِ إِيَّاكَ غَيْرَ مَحْجُوبَةٍ عَنِ اسْتِمَاعِكَ وَ إِنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَ الرِّضَا بِعِدَّتِكَ وَ الْاسْتِرَاحَةَ إِلَى ضَمَانِكَ عَوْضًا عَنْ مَنَعِ الْيَاحِلِينَ وَ مَنُذُوحَةً عَمَّا قَبِيلِ الْمُسْتَأْثَرِينَ وَ دَرَكًا مِنْ خَيْرِ الْوَارِثِينَ فَاعْفُزْ بِلَا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي وَ اعْصِمْنِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَ افْتِخْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَ جُودِكَ الَّتِي لَمَّا تَغْلِقُهَا عَنْ أَحِبَّائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱۷۱ - و از ایشان (علیهم السلام)، روایت است که، همچنین مستحب است هنگام اجابت دعا، نماز شکر خوانده شود، که پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چون خداوند نعمتی به تو داد، دو رکعت نماز بگزار، در رکعت نخست فاتحه کتاب و قل هو الله احد، و در رکعت دوم فاتحه کتاب و قل یا ایها الکافرون را بخوان، و در رکوع و سجود رکعت نخست هفت بار می‌گویی: الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا شُكْرًا وَ حَمْدًا حَمْدًا وَ در رکوع و سجود رکعت دوم می‌گویی: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اسْتَجَابَ دُعَائِي وَ أَعْطَانِي مَسْأَلَتِي وَ در روایتی...

وَ قَضَى حَاجَتِي

باب دوم: سلامتی و بهداشت

بخش اول - بی‌نیازی از طبیب

۱۷۲ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: از پر خوری بپرهیزید که بدن را تباه می‌کند (۱۱) و بیماری می‌آورد و مایه سستی و تنبلی در عبادت است. ۱۷۳ - اصبع بن نباته گفت: شنیدم امیرالمؤمنین (علیه السلام) به فرزندش حسن (علیه السلام) می‌فرمود: پسر من: چهار سخن به تو بیاموزم که با آن از طبیب بی‌نیاز شوی؟ گفت: آری ای پدر. فرمود: بر طعام ننشین مگر این که گرسنه باشی، و از طعام برنخیز مگر این که هنوز اشتهای آن داشته باشی، و (غذا را) نیک بجو، و چون خواستی بخوابی به آبریز

رو. اگر این سخنان را به کار بندی از طب بی نیاز شوی. ۱۷۴ - به او (علیه السلام) گفته شد: گویا در قرآن جز طب هر گونه علمی هست؟ فرمود: بدانید که در قرآن آیه ای است که همه طب را در خور گرد آورده است ((كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا (۱۲) بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید.)) ۱۷۵ - زر بن حبیش، که خداوند از پدر و فرزند، هر دو خوشنود باد، گفت: امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: چهار سخن در طب است که اگر بقراط یا جالینوس می خواستند آنها را بگویند پیش از آن صد برگ مقدمه می چیدند، آن گاه با آن سخنان زینتش می بخشیدند. آن سخنان عبارتند از: - از آغاز سرما پرهیزید و در پایان با آن رو به رو شوید؛ - که سرما، کاری را که با درختان می کند، با بدنها می کند؛ - اول آن می سوزاند. - و آخر آن می رویاند. ۱۷۶ - و فرمود: بقایی که در کار نیست. ولی هر کس بقا می خواهد، صبحانه را زود و شام را دیر بخورد، و با زنان کم همبستر شود، و جامه را سبک کند. گفته شد: ای ولی خدا، سبک کردن جامه چیست؟ فرمود: وام. (وام دار نباشد، و اگر دارد آن را سبک کند.) ۱۷۷ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس در آغاز سال بیست و یک بار در آب فرو رود، بیماری در آن سال به او نرسد و مگر این که بیماری مرگ باشد. ۱۷۸ - و فرمود: طعام خود را با ذکر خدا و نماز هضم کنید، و پس از آن نخواهید که دلهایتان سخت می شود. ۱۷۹ - و فرمود: روزه بگیرید تا تندرست شوید. ۱۸۰ - و فرمود: به علاوه به سفر بروید تا تندرست شوید و غنیمت یابید. ۱۸۱ - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: حج و عمره گزارد تا تندرست شوید و روزی هایتان فراخ گردد و ایمانتان درست شود و بار و خرجی مردم و نانخوران خود را کفایت کنید. ۱۸۲ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام)، فرمود: شب خیزی یا (نماز شب) تندرستی بخش است. ۱۸۳ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به شب خیزی (نماز شب) پایبند باشید که آن شیوه صالحان پیش از شما بوده است. و برخاستن در شب تقرب جستن به خداوند است، و گناهان را پاک می کند، و از بدیها و زشتی ها باز می دارد، و درد و رنجوری را از بدن می راند. ۱۸۴ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: نماز شب روی را زیبا و خلق را نیکو و بوی را خوش می سازد، و روزی را فراوان و ریزان می کند و دین را ادا می کند، و غم را می برد، و دیدگان را جلا می بخشد. و به نماز شب پایبند باشید که آن سنت پیامبر شمامست، و دور کننده بیماری از تن های شمامست. ۱۸۵ - روایت است که، مرد چون برخیزد و به نماز شب ایستد، خوش نفس به صبح درآید، و اگر تا صبح بخوابد، سنگین و سست به صبح درآید. ۱۸۶ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: معده، خانه بیماری هاست و پرهیز کردن، اصل هر دوا (و نخستین آنهاست) و هر بدن را آن ده که بدان خو کرده است. با پرخوری سلامتی در میان نیست، و هیچ مرضی رنج آورتر از کم خردی نیست. ۱۸۷ - روایت است که، هر کس طعامش اندک شود، تندرست شود و قلبش صفا یابد، و هر کس طعامش بسیار شود، بدنش رنجور گردد و قلبش سخت شود. ۱۸۸ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: خدای تعالی به موسی بن عمران (علیه السلام) وحی کرد که، می دانی برای چه تو را از میان خلقم برگزیدم و برای سخن گفتن ویژه کردم؟ گفت: نه پروردگارا. خدای عزوجل به او وحی کرد: من زمین را نگریستم کسی را در فروتنی برتر از تو نیافتم. موسی به سجده افتاده و گونه هایش را به تذلل و خواری برای پروردگارش به خاک سایید. خدای تعالی به او وحی کرد که، سر بردار و دستهایت را به سجده گاهت سای و روی و هر جای دیگر بدنت که می رسد مال، که من تو را از هر درد و بیماری در امان داشتم. ۱۸۹ - و از ایشان (علیه السلام) روایت است که فرمودند: ناخنهایت را بچین و از انگشت کوچک دست چپ شروع به انگشت کوچک دست راست ختم کن. و آبخور سیبیل را هر زمانی که خواستی بگیر و بگو: بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ عَلٰی مِلَّةِ رَسُوْلِ اللّٰهِ که هر کس چنین کند، خداوند در ازای هر ناخن چیده و هر موی بریده ثواب آزاد کردن بنده ای را بنویسد، بیمار نشود مگر بیماری که در آن بمیرد. ۱۹۰ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: چیدن ناخنها روز جمعه، از جذام و برص و کوری ایمنی می بخشد، و اگر ناخنها به چیدن نرسیده اند، آنها را اندکی بسای. ۱۹۱ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر مسلمانی که چهل سال در اسلام عمر کند، خداوند سه گونه بلا را که جذام و پیسی و جنون باشند، از او بگرداند. ۱۹۲ - و امام صادق (علیه السلام)

فرمود: سرمه کشیدن به هنگام خواب امان از آب چشم است. ۱۹۳- و فرمود: مرد چون روزه بگیرد و چشمهایش از جا بروند و چون با شیرینی روزه گشاید و به جای خود بازگردند. ۱۹۴- و فرمود: روزه گشودن، با آب، گناهان دل را می‌شوید. ۱۹۵- و فرمود: روزه داری که در آغاز روزه خود را با بوی خوش، خوشبو کند، عقلش را از دست ندهد. ۱۹۶- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر پنج چیز را دیدید از آنها به خدا پناه ببرید: اگر زشتکاری، آن گونه که فاش مرتکب آن شوند، در میان مردمی آشکار گردید، و در میان آنها طاعون و دردهایی را که در گذشتگان ایشان نبود، آشکار می‌شود. و اگر پیمانانه و ترازو را کم و سبک گیرند، به خشکسالی و تنگی معیشت و ستم سلطان گرفتار شوند. و چون زکات ندهند، از باران آسمان محروم گردند، و اگر چهارپایان نبودند برای ایشان هرگز بارانی نمی‌بارید. و اگر پیمان خدا و پیمان رسولش (صلی الله علیه و آله و سلم) را شکنند، خداوند دشمنشان را بر ایشان سلطه دهد و برخی نعمتها را که دارند از آنان گرفته شود. و اگر به غیر آن چه خدای سبحان نازل کرده است حکم کنند، خداوند درشتی و درگیری را میان خودشان درافکند. ۱۹۷- و فرمود: وقتی چهار چیز برای طعام جمع شد و کامل می‌شود: حلال باشد، دستهای زیادی در آن برود، با نام خدا شروع شود و با حمد خدا پایان یابد. ۱۹۸- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هیچ گاه طعام برای من سنگین و ناگوار نشد. گفته شد: چگونه ای ولی خدا؟ فرمود: هر لقمه که به سوی دهانم بردم با آن نام خدای سبحان آوردم. ۱۹۹- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: دراز کشیدن پس از سیری، بدن را فربه و غذا را هضم می‌کند و بیماری را بیرون می‌برد. (۱۳) ۲۰۰- و فرمود: شستن سر با ختمی امان از سر درد و دوری از فقر است، و سر را از شوره پاک می‌کند. ۲۰۱- روایت است که، چیزی را که زیانش را می‌دانی مخور. و هوی و هوس را بر راحتی بدنت رجحان مده. پرهیز کردن، میانه روی در همه چیز است. و اصل طب خودداری کردن است؛ و آن، نگاه داشتن لبها و مدارا کردن با دستهاست. و درد ماندگار و بی‌درمان، خوردن طعام پس از طعام است. تا تندرستی، دارو مخور، و چون جنبش بیماری را حس کردی پیش از آنکه در تو شتاب گیرد با بازدارنده‌ای از آن پیش‌گیری کن. ۲۰۲- و امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: شگفتا از کسی که از بیم بیماری، از غذا پرهیز می‌کند، و چگونه از بیم آتش از گناه پرهیز نمی‌کند.

بخش دوم: سلامتی با ذکر دعا و نماز

سلامتی با ذکر دعا و نماز

۲۰۳- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس به صبح درآید و چهار چیز را به یاد نیابد، بیم دارد که نعمت از کفش برود: نخست آن که بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَرَّفَنِي نَفْسَهُ وَ لَمْ يَزِدْ كُنِي عُمِّيَّانَ الْقَلْبَ ستایش خدای را که به من شناساند و کوردل رهایم نکرد. و دوم آن که بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ (ص)، ستایش خدای را که مرا از امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) قرار داد. و سوم آن که بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ رِزْقِي فِي يَدَيْهِ وَ لَمْ يَجْعَلْ رِزْقِي فِي أَيْدِي النَّاسِ ستایش خدای را که روزی مرا خود به دست گرفت و در دست مردم نگذاشت. و چهارم آنکه بگوید: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَتَرَ ذُنُوبِي وَ لَمْ يَفْضَحْ حَنِي بَيْنَ النَّاسِ ستایش خدای را که عیبه‌ها و گناهانم را پوشاند و میان مردم رسوایم نکرد. ستایش خدای را که عیبه‌ها و گناهانم را پوشاند و میان مردم رسوایم نکرد. ۲۰۴- و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس، هنگام بامداد بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَمَّا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ به نام خداوندی که با نام او چیزی در زمین و آسمان آسیب نرساند و او شنوا و داناست. تا شامگاه، هیچ بلایی به او نرسد، هر کس شامگاه آن را بگوید، تا بامداد هیچ بلایی ناگهانی به او نرسد. ۲۰۵- و او (صلی الله علیه و آله و سلم) چون نماز صبح را می

گزارد می فرمود: اللَّهُمَّ مَتَّعْنِي بِسَمْعِي وَبَصِيرِي وَاجْعَلْهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي وَارِنِي ثَارِي فِي عِدْوِي بَارِ خَدَايَا مَرَا از شنوایی و بینایی بهره مند گردان. و آن دو را وارث و بهره‌مند از من ساز، و کین کشی از دشمنم را به من بنما)). ۲۰۶ - از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود: جبرائیل از جانب خدای تبارک و تعالی این مناجات را در استعاذه (پناه جستن) به من داد: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ مُلِمَّاتِ نَوَازِلِ الْبَلَاءِ وَ أَهْوَالِ عَزَائِمِ الضَّرَّاءِ فَأَعِزَّنِي رَبِّ مِنْ صِرْعَةِ الْبُأْسَاءِ وَ أَحْجُبْنِي عَنْ سَطَوَاتِ الْبَلَاءِ وَ نَجِّنِي مِنَ مُفَاجِئَةِ النَّعَمِ وَ أَخْرُسْنِي مِنَ زَوَالِ النِّعَمِ وَ مِنْ زَلَلِ الْقَدَمِ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ فِي حِمَى عِزِّكَ وَ حِيَاطَةِ حِرْزِكَ مِنْ مُبَاغِتَةِ الدَّوَابِّ وَ مُعَاجَلَةِ الْبَوَائِرِ اللَّهُمَّ وَ أَرْضِ الْبَلَاءِ فَاحْصِ فَهْمَهَا وَ جِبَالِ السُّوءِ فَانْسِفْهَا وَ كَرْبِ الدَّهْرِ فَاكْشِفْهَا وَ عَلَائِقِ الْأُمُورِ فَاصْرِفْهَا وَ أَوْرِدْنِي حِيَاضَ السَّلَامَةِ وَ أَحْمِلْنِي عَلَى مَطَايَا الْكِرَامَةِ وَ اصْرِحْنِي إِقَالَمةَ الْعِثْرَةِ وَ أَشْمَلْنِي سِتْرَ الْعَوْرَةِ وَ حَيِّدْ عَلَيَّ رَبِّ بِالْآيَاتِكَ وَ كَشِّفْ بِلَايَتِكَ وَ دَفَعْ ضَرَّائِكَ وَ اذْفَعْ عَنِّي كَلَّاكِلَ عِذَابِكَ وَ اصْرِفْ عَنِّي أَلِيمَ عِقَابِكَ وَ اءِذْنِي مِنْ بَوَائِقِ الدُّهُورِ وَ أَنْقِذْنِي مِنْ سُوءِ عَوَاقِبِ الْأُمُورِ وَ أَخْرُسْنِي مِنْ جَمِيعِ الْمُخْذُورِ وَ اصْدَعْ صَفَاةَ الْبَلَاءِ عَنْ أَمْرِي وَ اشْلُلْ يَدَهُ عَنِّي مَدَى عُمْرِي إِنَّكَ الرَّبُّ الْمَجِيدُ الْمُبْدِي الْمُعِيدُ الْفَعَالُ لِمَا يُرِيدُ ۲۰۷ - روایت است که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، به ((قبیصه هلالی)) آموخت که پس از نماز صبح ده بار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پاك و منزّه است خدای بزرگ و او را می ستایم، و هیچ اراده و نیرویی نیست که از معصیت بازدارد و بر طاعت توانا کند مگر به نیرو و خواست خداوند. (که هر کس این را بگوید) خداوند شر دنیا را از او بازگرداند. و به او فرمود: برای آخرت بگو: اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَ أَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ انشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ أَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ بار خدایا مرا از بر خود راه بنما و از فضل و عنایت بهره مند گردان و رحمت را بر من گسترده ساز و برکات را بر من فرود آر. ۲۰۸ - و امام کاظم (علیه السلام) فرمود: گفتن لا- حَوْلَ وَ لَا- قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بِلَاهِي گوناگون را دفع می کند. ۲۰۹ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون غمها پیاپی به تو روی آورد، بگو: لا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. ۲۱۰ - داود بن رزین گفت: شنیدم که امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) می فرمود: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ أَسْأَلُكَ جَمِيلَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ الْعَافِيَةِ وَ أَسْأَلُكَ شُكْرَ شُكْرِ الْعَافِيَةِ بار خدایا من از تو عافیت می خواهم و زیبا عافیتی می خواهم و شکر عافیت را می خواهم و شکر شکرگزاری عافیت می خواهم. ۲۱۱ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) دعا می کرد و می فرمود: ((إِن شَاءَ لَكَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ تَمَامَ عَافِيَتِ رَا از تو می خواهم)). آن گاه فرمود: تمام عافیت، رسیدن به بهشت و رهایی از آتش است. ۲۱۲ - کسی که هنگام خواب آیه الكرسي را بخواند از فلج (فروهشته شدن نیمی از بدن) بیم ندارد. ۲۱۳ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مرا خواند و فرمود: ای علی، چون به بستر رفتی استغفار کن و بر من درود فرست و بگو: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را بسیار بخوان که آن نور قرآن است و آیه الكرسي را بخوان که در هر حرف آن هزار برکت و هزار رحمت است. ۲۱۴ - و فرمود: هر کس آیه الكرسي را پس از هر نماز واجب بخواند نمازش پذیرفته شود و در امان خدا باشد و خدا حفظش کند. ۲۱۵ - از پیرمردی که پنجاه سال روایت است که گفت: برای پدرم فرزندی زنده نمی ماند تا در سنین پیری او، من به دنیا آمدم و او شادمان شد. هفت ساله بودم که از دنیا رفت و عمویم سرپرستی مرا به عهده گرفت. روزی عمویم مرا با خود نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برد و به او گفت: ای رسول خدا، برادرم از دنیا رفته است و این پسر از او مانده است، شما به من تعویذی (دعای حفظ) بیاموزید که با آن در پناهنش دارم. فرمود: چرا به سراغ سوره های ((قل)) دار نمی روی: قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ وَ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ و در روایتی قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ پیر کهنسال گفت: من تا به امروز بدان سوره ها پناه می جویم و تاکنون آسیبی به مال و فرزندم نرسیده است و بیمار و فقیر نگشته ام و به سنی رسیده ام که می بینید. ۲۱۶ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برای حسن و حسین (علیه السلام) دعای حفظ می خواند و می فرمود: أُعِيدُكُمْ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّةِ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَأَمَّةٍ. ۲۱۷ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: گفتن: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ را در هر بامداد و شامگاه، فرو مگذار

که این ذکر هر شر و بدی را باز می گرداند . و هر بامداد و شامگاه بگو : اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ فِي نِعْمَةٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ وَ سَتْرٍ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أْتِمِّمْ عَلَيَّ نِعْمَتِكَ وَ عَافِيَتِكَ وَ سِتْرَكَ . ۲۱۸ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس پیوسته استغفار کند برای هر غم او گشایشی آورد و از هر تنگنایی راه خروجی برای او گذارد ، و از جایی که به گمانش نرسد ، روزیش رساند . ۲۱۹ - و علی بن نصر جهضمی گفت : خلیل بن احمد ، که خداوند از او خوشنود باد ، را در خواب دیدم . در خواب گفتم من کسی را داناتر از خلیل نمی دانم . و به او گفتم : خدا با تو چه کرد ؟ گفت : آن چه را بدان پابند بودیم ، چیزی نبود و یافت نشد که برتر از سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ باشد . ۲۲۰ روایت است که هر کس می خواهد دعایش اجابت شود قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِبَيْدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۱۴) را بخواند . ۲۲۱ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : پس از فراغت از نماز واجب بگو : سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ که این (ذکرها) مرگ ناگواری و بلایی را که در آن روز از آسمان بر بنده می رسد ، می رانند ، و باقیات (ماندگار) اینها هستند .

نمازهای پیامبر و امامان

۲۲۲ - نمازهای پیامبر و امامان نماز پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ، دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و پانزده بار اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ (سوره قدر) در قیام ، و پانزده بار در رکوع ، و پانزده بار پس از راست شدن از رکوع و پانزده بار در سجود ، و پانزده بار پس از سر برداشتن از سجده ، و پانزده بار پس از سر برداشتن از سجده دوم ، می خوانی و رکعت دوم را مانند رکعت نخست می خوانی . نماز امیرالمؤمنین (علیه السلام) : چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و پنجاه بار قل هو الله احد (سوره) توحید خوانده می شود . نماز فاطمه زهرا (علیها السلام) : دو رکعت است ، در رکعت نخست یک بار حمد و صد بار انا انزلناه و در رکعت دوم یک بار حمد و صد بار قل هو الله احد خوانده می شود . نماز امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) : دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و بیست و پنج بار قل هو الله احد خوانده می شود . نماز امام زین العابدین (علیه السلام) : دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و صد بار آیه الكرسي خوانده می شود . نماز امام باقر (علیه السلام) : دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار فاتحه الكتاب و صد بار شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۵) خوانده می شود . نماز امام صادق (علیه السلام) : چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و صد بار سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ خوانده می شود . نماز امام کاظم (علیه السلام) ، : دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و دوازده بار قل هو الله احد خوانده می شود . نماز امام رضا (علیه السلام) : شش رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و ده بار هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ ... (سوره انسان) خوانده می شود . نماز امام محمد تقی (علیه السلام) : چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و چهار بار قل هو الله احد خوانده می شود . نماز امام علی نقی (علیه السلام) : دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و هفتاد بار قل هو الله احد خوانده می شود . نماز امام حسن عسکری (علیه السلام) : دو رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و صد بار قل هو الله احد خوانده می شود . نماز امام مهدی (علیه السلام) : دو رکعت است ؛ در هر رکعت یک بار حمد و صد بار اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ خوانده می شود . و (نماز گزار) پس از هر یک از این نمازها صد بار بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درود می فرستد و آن گاه حاجتش را از خدا می خواهد . ۲۲۳ - از امام صادق (علیه السلام) روایت است که ، هر کس که یک بار ، با نیت پاک و قلب صاف بر پیامبر و آل پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درود فرستد ، خدای سبحان صد حاجت او را بر آورده کند؛ سی حاجت دنیوی و هفتاد حاجت اخروی . ۲۲۴ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس از سر حب و شوق من در هر روز سه بار و در هر شب سه بار ، بر من درود فرستد ، و بر خدای

عزوجل حق است که گناهان او را در آن شب و روز ببخشد. ۲۲۵ - ابن عباس گفت: پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: در خواب عمویم حمزه بن عبدالمطلب و برادرم جعفر بن ابیطالب را دیدم که در برابرشان سینی ای از میوه سدر بود، لختی از آن خوردند، میوه سدر به انگور بدل گشت، از آن نیز زمانی خوردند، انگور برایشان رطب شد و چندی از آن خوردند. من نزد آن دو رفتم و گفتم: پدرم به فدایتان باد از اعمال کدام را برتر یافتید؟ گفتند: پدران و مادران ما به فدایت باد، ما برترین اعمال را درود بر تو و سیراب کردن تشنگان و حب علی بن ابیطالب (علیه السلام) یافتیم.

تسبیح پیامبر و امامان

۲۲۶ - تسبیح محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در آغازین روز هر ماه: سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ رِضَاهُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ زِنَةَ عَرْشِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِلءَ سَمَاوَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِلءَ أَرْضِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِثْلَ ذَلِكَ وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِثْلَ ذَلِكَ ۲۲۷ - تسبیح علی (علیه السلام) در دومین روز هر ماه: سُبْحَانَ مَنْ تَعَالَى جَدُّهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ إِلَى غَيْرِ غَايَةٍ يَدُومُ بَقَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنْ اسْتَنَارَ بِنُورِ حِجَابِهِ دُونَ سِمَائِهِ سُبْحَانَ مَنْ قَامَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ بِمَا عَمِدَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّمَ بِالْكَبْرِيَاءِ وَالنُّورِ سِنَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنْ تَوَحَّدَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ فَلَا إِلَهَ سِوَاهُ سُبْحَانَ مَنْ لَبَسَ الْبَهَاءَ وَالْفَخْرَ رِدَاؤُهُ سُبْحَانَ مَنْ اسْتَوَى عَلَى عَرْشِهِ بِوَحْدَانِيَّتِهِ ۲۲۸ - تسبیح فاطمه (علیها السلام) در سومین روز هر ماه: سُبْحَانَ مَنْ اسْتَنَارَ بِالْحَوْلِ وَالْقُوَّةِ سُبْحَانَ مَنْ اخْتَجَبَ فِي سَبْعِ سَمَاوَاتٍ فَلَمَّا عِثْنَا تَرَاهُ سُبْحَانَ مَنْ أَذَلَّ الْخَلَائِقَ بِالْمَوْتِ وَأَعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَيَاةِ سُبْحَانَ مَنْ يَبْقَى وَيَفْنَى كُلَّ شَيْءٍ سِوَاهُ سُبْحَانَ مَنْ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَارْتَضَاهُ سُبْحَانَ الْحَيِّ الْعَلِيمِ سُبْحَانَ الْحَكِيمِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ۲۲۹ - تسبیح حسن بن علی (علیه السلام) در چهارمین روز هر ماه: سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُطَّلِعٌ عَلَى خَوَازِنِ الْقُلُوبِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحِصِي عَدَدِ الذُّنُوبِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ سُبْحَانَ الْمُطَّلِعِ عَلَى السَّرَائِرِ عَالِمِ الْخَفِيَّاتِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي الْمَارِضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ سُبْحَانَ مَنْ السَّرَائِرُ عِنْدَهُ وَعَلَانِيَةٌ وَالتُّبُاطِنُ عِنْدَهُ ظَاهِرٌ سُبْحَانَ اللَّهِ بِحَمْدِهِ ۲۳۰ - تسبیح حسین بن علی (علیه السلام) در روز پنجم: سُبْحَانَ الرَّفِيعِ الْأَعْلَى سُبْحَانَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَ لَا يَكُونُ هَكَذَا غَيْرُهُ وَ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قُدْرَتَهُ سُبْحَانَ مَنْ أَوْلَاهُ عِلْمٌ لَا يُوصَفُ وَ آخِرُهُ عِلْمٌ لَا يَبِيدُ سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فَوْقَ الْبَرِّيَّاتِ بِالْإِلَهِيَّةِ فَلَا عَيْنٌ تُدْرِكُهُ وَ لَا عَقْلٌ يَمِثُلُهُ وَ لَا وَهْمٌ يَصُورُهُ وَ لَا لِسَانٌ يَصِفُهُ بِغَايَةٍ مَا لَهُ الْوُصْفُ سُبْحَانَ مَنْ عَلَا فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ قَضَى الْمَوْتَ عَلَى الْعِبَادِ سُبْحَانَ الْمَلِكِ الْقَادِرِ سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ سُبْحَانَ الْبَاقِي الدَّائِمِ ۲۳۱ - تسبیح علی بن الحسین (علیه السلام) در روز ششم: سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ نُورُهُ كُلُّ ظُلْمَةٍ سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ بِقُدْرَتِهِ كُلَّ قُدْرَةٍ سُبْحَانَ مَنْ اخْتَجَبَ عَنِ الْعِبَادِ وَ لَا شَيْءٌ يَحْجُبُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ ۲۳۲ - تسبیح محمد بن علی (امام باقر) (ع) در روز هفتم: سُبْحَانَ الْخَالِقِ الْبَارِي سُبْحَانَ الْقَادِرِ الْمُقْتَدِرِ سُبْحَانَ الْبَاعِثِ الْوَارِثِ سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَتْ لَهُ الْأَشْيَاءُ سُبْحَانَ مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَ الْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ ۲۳۳ - تسبیح جعفر بن محمد (امام صادق) (ع) علیه السلام در روز هشتم: سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَظِيمٌ لَا يُرَامُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا يَلْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ حَافِظٌ لَا يَنْسِي سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَالِمٌ لَا يَسْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحِيطٌ بِخَلْقِهِ لَا يَغِيبُ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ مُحْجَبٌ لَا يُرَى سُبْحَانَ مَنْ اسْتَنَارَ بِالضِّيَاءِ فَلَا شَيْءٌ يُدْرِكُهُ سُبْحَانَ مَنْ النُّورُ مَنَارُهُ وَ الضِّيَاءُ بَهَاؤُهُ وَ التَّبَهُّجَةُ جَمَالُهُ وَ الْجَلَالُ عِزُّهُ وَ الْعِزَّةُ قُدْرَتُهُ وَ الْقُدْرَةُ صِدْقُهُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ ۲۳۴ - تسبیح موسی بن جعفر (امام کاظم) (ع) علیه السلام در روز نهم: سُبْحَانَ مَنْ مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْسَى الْأَمْدُ نُورُهُ سُبْحَانَ مَنْ أَشْرَقَ كُلُّ ظُلْمَةٍ بِضَوْئِهِ سُبْحَانَ مَنْ يَدِينُ لِدِينِهِ كُلُّ دِينٍ سُبْحَانَ مَنْ قَدَرَ كُلَّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لِمَخْلُوقَتِهِ حُدٌّ وَ لَا لِقَادِرَتِهِ نَفَادٌ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ ۲۳۵ - تسبیح علی بن موسی (امام رضا) (ع) علیه السلام در روز دهم و یازدهم: سُبْحَانَ خَالِقِ النُّورِ سُبْحَانَ خَالِقِ الظُّلْمَةِ سُبْحَانَ خَالِقِ المِيَاهِ سُبْحَانَ خَالِقِ السَّمَاوَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْأَرْضِينَ سُبْحَانَ خَالِقِ الرِّيَاحِ وَ التَّبَاتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الْحَيَاةِ وَ الْمَوْتِ سُبْحَانَ خَالِقِ الثَّرَى وَ الْفَلَوَاتِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ ۲۳۶ - تسبیح محمد بن علی امام جواد (علیه السلام) در

روز دوازدهم و سیزدهم : سُبْحَانَ مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يُؤَاخِذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِاللَّوَانِ الْعَدَابِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ۲۳۷ - تسبیح علی بن محمد النقی امام هادی (علیه السلام) در روز چهاردهم و پانزدهم : سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا يَشْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَمَّا يَلْهُو سُبْحَانَ مَنْ هُوَ عَزِيٌّ لَمَّا يَنْقُضُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ۲۳۸ - تسبیح حسن بن علی امام عسکری (علیه السلام) در روز شانزدهم و هفدهم : سُبْحَانَ مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دَانَ وَ فِي دُنُوِّهِ عَيَالٍ وَ فِي إِشْرَاقِهِ مُنِيرٌ وَ فِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ۲۳۹ - تسبیح صاحب الزمان امام مهدی (علیه السلام) در روز هجدهم تا آخر ماه : سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ رِضًا نَفْسِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ

نمازهای هفته

۲۴۰ - از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) : نماز شب شنبه : چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار حمد و سه بار آیه الکرسی و یک بار قل هو الله احد می خواند و چون سلام داد سه بار آیه الکرسی را می خواند . نماز شب یکشنبه : چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار فاتحه کتاب و یک بار آیه الکرسی و یک بار سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ (سوره اعلی) و یک بار قل هو الله احد را می خواند . نماز شب دوشنبه : چهار رکعت است ، ؛ در هر رکعت هفت بار فاتحه کتاب و یک بار انا انزلناه را می خواند و پس از هر رکعت آن سلام می دهد ، و دو رکعت دیگر را آغاز می کند و چون از نماز فارغ شد صد بار می گوید : اللهم صل علی محمد و آل محمد و صد بار هم می گوید : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ جَبْرِئِيلُ . نماز شب سه شنبه : دو رکعت است ، در هر رکعت هر یک از فاتحه کتاب و آیه الکرسی و قل هو الله احد و شهد الله انه ... را یک بار می خواند . نماز شب چهارشنبه : دو رکعت است ، در هر رکعت فاتحه کتاب و آیه الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه را یک به یک می خواند . نماز شب پنجشنبه : دو رکعت است که بین نماز مغرب و عشاء خوانده می شود ، در هر رکعت یک بار فاتحه کتاب ، و هر یک از آیه الکرسی و قل یا ایها الذین الکافرون (سوره کافرون) و قل هو الله احد (سوره توحید) و قل اعوذ برب الفلق (سوره فلق) و قل اعوذ برب الناس (سوره ناس) را پنج بار بخواند و چون سلام داد پانزده بار از خدا آمرزش بخواهد اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّيَ وَ اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّيَ . نماز شب جمعه : یازده رکعت با یک سلام است ، فاتحه کتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس ، را یک به یک بخواند و چون از نماز فارغ آمد به سجده رود و هفت بار بگوید : لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . مرحوم مجلسی در بحار الانوار این نماز را ده رکعت با یک سلام ذکر کرده است . نماز روز شنبه : چهار رکعت است ، در هر رکعت یک بار فاتحه کتاب و سه بار قل یا ایها الکافرون می خواند و چون از آن فارغ شد آیه الکرسی را یک بار می خواند . نماز روز یکشنبه : چهار رکعت است ، در هر رکعت آن فاتحه کتاب و آخر سوره بقره لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ (۱۶) را بخواند و چون از نماز فارغ شد آیه الکرسی را بخواند و بر محمد و آل محمد درود بفرستد و صد بار سه گانه پرستان را لعن کند . نماز روز دوشنبه : دو رکعت است ، در هر رکعت فاتحه کتاب ، و آیه الکرسی و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق ، هر کدام را یک بار بخواند و چون از نماز فارغ شد ده بار از پروردگارش آمرزش طلبد (استغفرالله و اتوب الیه بگوید) و ده بار بر پیامبر و آل او درود فرستد . نماز روز سه شنبه : ده رکعت پس از نیم روز است ، در هر رکعت آن حمد و آیه الکرسی ، هر کدام را یک بار و قل هو الله احد را سه بار بخواند . نماز روز چهارشنبه : دوازده رکعت است ، در هر رکعت آن یک بار فاتحه کتاب و هر یک از قل هو الله احد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق را ، سه بار بخواند . نماز روز پنجشنبه : دو رکعت بین نماز ظهر و عصر است ، در هر رکعت نخست فاتحه کتاب و آیه الکرسی را صد بار بخواند و در رکعت دوم فاتحه کتاب را یک بار و قل هو الله احد را صد بار بخواند و چون از نماز فارغ آمد صد بار استغفار کند و صد بار بر پیامبر و آل او درود فرستد . نماز روز جمعه : چهار رکعت پیش از نماز جمعه یا ظهر است ، در هر رکعت آن ده بار فاتحه کتاب و هر یک از قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو

الله احد و قل یا ایها الکافرون و آیه الکرسی و انا انزلناه و شهد الله انه . . . در ده بار بخواند و چون از نماز فارغ آمد صد بار استغفار کند ، پس از آن صد بار بگوید : شَبَّحَانَ اللّٰهَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صد بار بر پیامبر و آل او درود فرستد . این نماز ، نماز کامل نام گرفته است و ثوابی بسیار دارد . ۲۴۱ - از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود : هر مسلمان باید در هر روز صدقه ای بدهد . مردی گفت : چه کسی توان این را دارد ؟ فرمود : مانع از راه زدودن صدقه است ، به عیادت بیمار رفتن صدقه است ، نهی از منکر کردن صدقه است ، جواب سلام دادن صدقه است . ۲۴۲ - اسود بن اصرم گفت : گفتم : ای رسول خدا ، مرا سفارشی فرما . فرمود : مالک دست خود هستی ؟ گفتم : آری . فرمود : مالک زبان خود هستی ؟ گفتم : آری . فرمود : دست خود را جز به خیر نگشا ، و جز سخن صواب بر زبان نیاور .

تعویذهای هفته

۲۴۳ - تعویذ روز شنبه : اللَّهُمَّ رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَقَاهِرَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ كَفَّ عَنِّي بِأَسَ الْأَشْرَارِ وَأَعْمَ أَبْصَارِهِمْ وَقُلُوبَهُمْ وَاجْعَلْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ حِجَابًا إِنَّكَ رَبُّنَا وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْ عَائِدٌ بِهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِي رَبِّي أَخِذْ بِنَاصِيَتَيْهَا وَمِنْ شَرِّ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ۲۴۴ - تعویذ روز یکشنبه : اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ اسْتَوَى الرَّبُّ عَلَى الْعَرْشِ وَقَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ بِحُكْمَتِهِ وَ مَدَّتِ الْبُحُورُ وَظَهَرَتِ النَّجُومُ بِأَمْرِهِ وَرَسَتِ الْجِبَالُ بِإِذْنِهِ لَمَّا يُجَاوِزُ اسْمَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي دَانَتْ لَهُ الْجِبَالُ وَهِيَ طَائِعَةٌ وَانْبَعَثَتْ لَهُ الْأَجْسَادُ وَهِيَ بَالِيَةٌ وَبِهِ أَسْتَجِبُ عَنْ ظُلْمِ كُلِّ يَبَاحٍ وَطَاغٍ وَعِبَادٍ وَجَبَّارٍ وَحَاسِدٍ وَبِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي جَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا وَاسْتَجِبُ بِاللّٰهِ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا وَزَيَّنَهَا لِلنَّظِيرِينَ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ جِبَالًا أَوْتَادًا أَنْ يُوْصَلَ إِلَيَّ سُوءٌ أَوْ فَاحِشَةٌ أَوْ بَلِيَّةٌ حَمِ حَمِ ((حم تنزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱۷))) حَمِ حَمِ ((حم عسق كَذٰلِكَ يُوحىٰ اِلَيْكَ وَ اِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ (۱۸))) وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ ۲۴۵ - تعویذ روز دوشنبه : بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّي الْأَكْبَرِ مِمَّا يَخْفَى وَمَا يَظْهَرُ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ أُتْنَى وَذَكَرٍ وَمِنْ شَرِّ مَا وَارَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ قُدُوسٌ قُدُوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ أَدْعُوْكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ إِنْ كُنْتُمْ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ وَادْعُوْكُمْ أَيُّهَا الْبَانِسُ إِلَى اللَّطِيْفِ الْخَبِيْرِ وَادْعُوْكُمْ أَيُّهَا الْجِنُّ وَالْبَانِسُ إِلَى الَّذِي خَتَمْتُهُ بِخَاتَمِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَخَاتَمِ جَبْرئِيْلَ وَمِيكَائِيْلَ وَإِسْرَافِيْلَ وَخَاتَمِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَخَاتَمِ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِيْنَ وَالنَّبِيِّيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَلَيْهِمْ أَخْرَ عَنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ كَلَّمَا يَغْدُو وَيَرْوِحُ مِنْ ذِي حَيٍّ أَوْ عَقْرَبٍ أَوْ سَاحِرٍ أَوْ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ أَوْ سُلْطَانٍ عَنِيْدٍ أَخَذْتُ عَنْهُ مَا يُرَى وَمَا لَمَّا يُرَى وَمَا رَأَتْ عَيْنٌ نَائِمٌ أَوْ يَقْظَانٌ بِإِذْنِ اللّٰهِ اللَّطِيْفِ الْخَبِيْرِ لَا سُلْطَانَ لَكُمْ عَلَى اللّٰهِ لَا شَرِيْكَ لَهُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى رَسُوْلِهِ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَسَلَّمْ تَسْلِيْمًا ۲۴۶ - تعویذ روز سه شنبه : بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِي بِاللّٰهِ الْأَكْبَرِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ الْقَائِمَاتِ بِلَا عَمَدٍ وَبِالَّذِي خَلَقَهَا فِي يَوْمِيْنَ وَقَضَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَخَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمِيْنَ وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا وَجَعَلَ فِيهَا جِبَالًا أَوْتَادًا وَجَعَلَهَا فِجَاجًا سُبُلًا وَأَنْشَأَ السَّحَابَ الثَّقَالَ وَسَخَّرَهُ وَأَجْرَى الْفُلُوكَ وَسَخَّرَ الْبَحْرَ وَجَعَلَ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا مِنْ شَرِّ مَا يَكُونُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَعَمَّدَ عَلَيْهِ الْقُلُوبُ وَتَرَاهُ الْعُيُونُ مِنَ الْجِنِّ وَالْبَانِسِ كَفَانَا اللَّهُ كَفَانَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَسَلَّمْ تَسْلِيْمًا ۲۴۷ - تعویذ روز چهارشنبه : بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِي بِاللّٰهِ الْاِحْيَادِ الصَّمِيْدِ مِنْ شَرِّ النَّفَاثَاتِ فِي الْعَقَدِ وَمِنْ شَرِّ ابْنِ فِترَةٍ [أَبِي قِترَةٍ] وَمَا وَلَدَ . اسْتَعِيْذُ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الْاَعْلَى مِنْ شَرِّ مَا رَأَتْ عَيْنِي وَمَا لَمْ تَرَهُ اسْتَعِيْذُ بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْفَرْدِ الْكَبِيْرِ الْاَعْلَى مِنْ شَرِّ مَنْ ارَادَنِيْ بِاَمْرِ عَسِيْرِ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِيْ فِي جَوَارِكِ وَحَصِيْنِكَ الْحَصَةِ بَيْنَ الْعَزِيْزِ الْجَبَّارِ الْمَلِكِ الْقُدُوسِ الْقَهَّارِ السَّلَامِ الْمُؤْمِنِ الْمُهَيْمِنِ الْغَفَّارِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيْرِ الْمُتَعَالِ هُوَ اللّٰهُ هُوَ اللّٰهُ هُوَ اللّٰهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمْ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا دَائِمًا ۲۴۸ - تعویذ روز پنجشنبه : بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أُعِيذُ نَفْسِي بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ وَقَائِمٍ وَقَاعِدٍ وَعَدُوٍّ وَحَاسِدٍ وَمُعَانِدٍ ((وَيُنزَلُ عَلَيْكُمْ

مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ)) (۱۹) ((ارْكَضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَ شَرَابٌ)) (۲۰) ((وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْ آسَى كَثِيرًا)) (۲۱) ((الآن خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ)) (۲۲) ((ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ)) (۲۳) ((يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ)) (۲۴) ((فَسَبِّحْ بِحَمْدِ اللَّهِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)) (۲۵) لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا ۲۴۹ - تعویذ روز جمعه :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ اللَّهُمَّ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ وَ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ قَاهِرَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ وَ خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ وَ مَالِكَهُ كُلِّ شَيْءٍ وَ أَعْدَائِنَا وَ مَنْ أَرَادَ بِنَا سُوءًا مِنَ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ وَ أَعْمَ أَبْصَارِهِمْ وَ قُلُوبِهِمْ وَ اجْعَلْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ حِجَابًا وَ حَرَسًا وَ مِدْفَعًا إِنَّكَ رَبُّنَا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا وَ إِلَيْهِ أُنَبِّئُكَ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ رَبَّنَا وَ عَافِنَا مِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِبَةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا وَ مِنْ شَرِّ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ سُوءٍ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ إِلَهَ الْمُرْسَلِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ وَ خُصَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ بِأَتَمِّ ذِكْرِكَ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَوْمِنُ وَ بِاللَّهِ أَعُوذُ وَ بِاللَّهِ أَعْتَصِمُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَجِيرُ وَ بَعِزَّةَ اللَّهِ وَ مَنْعَتِهِ أَمْتَسِعُ مِنْ شَيْطَانِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ وَ مِنْ رَجْلِهِمْ وَ خَيْلِهِمْ وَ رَكْبَتِهِمْ وَ عَطْفِهِمْ وَ رَجْعَتِهِمْ وَ كَيْدِهِمْ وَ شَرِّهِمْ وَ شَرِّ مَا يَأْتُونَ بِهِ تَحْتَ اللَّيْلِ وَ تَحْتَ النَّهَارِ مِنَ الْبُعْدِ وَ الْقُرْبِ وَ مِنْ شَرِّ الْغَائِبِ وَ الْحَاضِرِ وَ الشَّاهِدِ وَ الزَّائِرِ أَحْيَاءً وَ أَمْوَاتًا أَعْمَى وَ بَصِيرًا وَ مِنْ شَرِّ الْعَامَّةِ وَ الْخَاصَّةِ وَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ وَسْوَئَتِي وَ مِنْ شَرِّ الدَّنَاهِشِ وَ الْجَسِّ وَ اللَّمَسِ وَ اللَّبْسِ وَ مِنْ عَيْنِ الْجِنِّ وَ الْبَانِسِ وَ بِالْإِسْمِ الَّذِي أَهْتَرَّ لَهُ عَرْشُ بَلْقَيْسِ وَ أُعِيدُ دِينِي وَ جَمِيعَ مَا تَحْوِطُهُ عِنَايَتِي مِنْ شَرِّ كُلِّ صُورَةٍ وَ خَيْالٍ أَوْ بَيَاضٍ أَوْ سُودٍ أَوْ تَمَثَّالٍ أَوْ مُعَاهِدٍ أَوْ غَيْرِ مُعَاهِدٍ مِمَّنْ سَكَنَ الْهَوَاءَ وَ السَّحَابَ وَ الظُّلُمَاتِ وَ النُّورَ وَ الظِّلَّ وَ الْحُزُورَ وَ الْبُرِّ وَ الْبُحُورَ وَ السَّهْلَ وَ الْوُحُورَ وَ الْخَرَابَ وَ الْعُزْرَانَ وَ الْأَكَامَ وَ الْأَجَامَ وَ الْمَعَايِضَ وَ الْكُنَائِسَ وَ النَّوَابِيسَ وَ الْفَلَوَاتِ وَ الْجَبَانَاتِ مِنَ الصَّادِرِينَ وَ الْوَارِدِينَ مِمَّنْ يَيْدُو بِاللَّيْلِ وَ يَنْتَشِرُ بِالنَّهَارِ وَ بِالْعَشِيِّ وَ الْبُكْرَةِ وَ الْغُدُوِّ وَ الْأَصَالِ وَ الْمُرْبِيعِ وَ الْأَسَامِرَةِ وَ الْأَفَاتِرَةِ وَ الْفِرَاعِنَةِ وَ الْأَبَالِسَةِ وَ مِنْ جُنُودِهِمْ وَ أَرْوَاجِهِمْ وَ عَشَائِرِهِمْ وَ قَبَائِلِهِمْ وَ مِنْ هَمَزِهِمْ وَ لَمَزِهِمْ وَ نَفْثِهِمْ وَ وَقَاعِهِمْ وَ أَخَذِهِمْ وَ سِحْرِهِمْ وَ ضَرْبِهِمْ وَ عَيْثِهِمْ وَ لَمَحِهِمْ وَ احْتِيَالِهِمْ وَ أَخْلَاقِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرِّ مِنَ السَّحَرَةِ وَ الْغِيلَانِ وَ أُمَّ الصَّيْبَانِ وَ مَا وَلَدُوا وَ مَا وَرَدُوا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرِّ دَاخِلٍ وَ خَارِجٍ وَ عَارِضٍ وَ مُتَعَرِّضٍ وَ سَاكِنٍ وَ مُتَحَرِّكِ وَ ضَرْبَانِ عِزْقٍ وَ صِدَاعٍ وَ شَقِيقَةٍ وَ أُمَّ مَلْدَمٍ وَ الْحَمَى وَ الْمُثَلَّثَةِ وَ الرَّبِيعِ وَ الْغَبِّ وَ النَّافِضَةِ وَ الصَّالِيَةِ وَ الدَّاخِلَةِ وَ الْخَارِجَةِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَائِبَةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتَيْهَا إِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا اَيْنِ حَرَزِ رَا عَبْدِ الْعَظِيمِ حَسَنِي ، كِه دَرُودِش بَاد ، اَز اِمَامِ ابُو جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ اِمَامِ جَوَادِ (عَلَيْهِ السَّلَام) رَوَايَتِ كَرْدِه اَسْت . عَبْدِ الْعَظِيمِ كَفْت : اِمَامِ (عَلَيْهِ السَّلَام) ، اَيْنِ حَرَزِ رَا بَرَايِ فِرَزَنْدِش ، ابُو الْحَسَنِ هَادِي (عَلَيْهِ السَّلَام) ، كِه كُودَكِي دَر كِهْوَارِه بُوْد ، نُوْشْتِه بُوْد وَ بَا اَن دَر پِناهِش مِي دَاشْت .

اعمال ماه نو

۲۵۰ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) ماه نو را که می دید می فرمود : اللَّهُمَّ إِنَّ النَّاسَ إِذَا نَظَرُوا إِلَى الْهَلَالِ نَظَرُ بَعْضِهِمْ فِي وَجْهِ بَعْضٍ وَ رَجَا بَعْضُهُمْ بَرَكَهَ بَعْضِ اللَّهِ إِنْ أَنْظَرُ إِلَى وَجْهِكَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ وَ وَجْهِ نَبِيِّكَ وَ وَجْهِ أَوْلِيَائِكَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ ص فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَعْطِنِي مَا أَحْبُّ أَنْ تُعْطِيَنِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ اضْرِبْ عَنِّي مَا أَحْبُّ أَنْ تُضْرِبَهُ عَنِّي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ أَخِينَا عَلَى طَاعَتِكَ وَ طَاعَةِ أَوْلِيَائِكَ وَ طَاعَةِ وَلِيِّكَ صَلَوَاتِكَ وَ رَحْمَتِكَ عَلَيْهِمْ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ وَ تَوْفِقْنَا عَلَيْهِ وَ لَا تَسْلُبْنَاهُ وَ تَفَضَّلْ عَلَيْنَا بِرَحْمَتِكَ أَنْكَاهِ دِه بَار مِي فرمود : مَا شَاءَ اللَّهُ لَنَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ دِه بَار مِي فرمود : اِءِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ سَبِيسِ پِشْتِ بِه هَلَالِ مِي كَرْدِ وَ مِي فرمود : رَبِّي وَ رَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ ثَبِّتْنَا عَلَى السَّلَامِ وَ الْإِسْلَامِ وَ الْإِيمَانِ وَ دَفَعِ الْأَسْقَامَ وَ الْمُسَارَعَةَ فِيمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى مِنْ طَاعَتِنَا لَكَ ۲۵۱ - وَ اِمَامِ ابُو جَعْفَرِ (جَوَادِ) (عَلَيْهِ السَّلَام) دَر نَخْسْتِينِ رُوزِ مَاهِ نُو دُو رَكَعَتِ نَمَازِ مِي كَرَارِد ، دَر رَكَعَتِ نَخْسْتِ يَكِ بَارِ حَمْدِ ، وَ بَرَايِ هَر رُوزِ تَا آخِرِ مَاهِ ، يَكِ بَارِ قَلِ هُوَ اللَّهُ اِحْدِ مِي خَوَانِد ، وَ دَر رَكَعَتِ دُومِ

حمد و انا انزلناه را مانند رکعت نخست می خواند و هر چه میسورش بود صدقه می داد و با این کار سلامتی آن ماه را می خرید . ۲۵۲ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: زبانت را نگه دار که آن صدقه ای است که با زبانت می دهی . ۲۵۳ - حواریون به عیسی (علیه السلام) گفتند: ما را سفارشی کن . فرمود: موسی (علیه السلام) به قوم خود گفت: به خداوند سوگند دروغ یاد نکنید ، و من به شما امر می کنم به خدا سوگند یاد نکنید ، راست باشد یا دروغ . ۲۵۴ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: صدقه ، هفتاد در شر را می بندد . ۲۵۵ - از امام صادق (علیه السلام) پرسیدند: کدام صدقه فضیلت بیشتر دارد؟ فرمود: این که تو در حال تندرستی و آزمندی و آرزومندی به بقا و بیم از فقر صدقه دهی؛ و آن قدر درنگ مکن که جانت به حلقوم برسد تا آنگاه که بگویی ، به فلانی چه بدهید و به فلانی چه قدر بدهید ، (آن فلان در حال تندرستی بود و این مال) همان دم از آن او بود . ۲۵۶ - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کار خوبی صدقه است و هر چه که انسان با آن آبرویش را نگه دارد ، برای او صدقه به حساب می آید . ۲۵۷ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: برداشتن خاشاکی از روی برادرت ده ثواب دارد ، و لبخند تو به روی او ثواب دارد . و نیکوکاران نخستین کسانی اند که به بهشت می روند . ۲۵۸ - و فرمود: خدای عزوجل در میان خلقتش بندگانی دارد که دیگر بندگان به وقت نیاز به ایشان پناه می برند ، اینان ، امان یافتگان روز رستاخیزند . ۲۵۹ - حنان بن سدیر از پدرش نقل کرد که او گفت: امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: هر روز بنده ای آزاد توانی کرد؟ گفتم: مالم به این کار نمی رسد . فرمود: هر روز مومنی را سیر کنی؛ که طعام دادن به مومن از آزاد کردن بنده با فضیلت تر است .

آن چه در طول زمان عمل می شود؟

۲۶۰ - و ایشان (علیه السلام) فرمودند: بنده در روز جمعه هشت رکعت نماز می گزارد ، چهار رکعت آن به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) . چهار رکعت دیگر را به فاطمه زهرا (علیه السلام) هدیه می کند . و روز شنبه چهار رکعت نماز می گزارد و آن را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) هدیه می فرستد . و روز یکشنبه ، چهار رکعت به امام حسن (علیه السلام) . و روز دوشنبه ، چهار رکعت به امام حسین (علیه السلام) . و روز سه شنبه ، چهار رکعت به امام زین العابدین (علیه السلام) . و روز چهارشنبه ، چهار رکعت به امام باقر (علیه السلام) . و روز پنجشنبه ، چهار رکعت به امام صادق (علیه السلام) . و روز جمعه هشت رکعت به امام موسی بن جعفر (علیه السلام) . و روز یکشنبه ، چهار رکعت به امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) . و روز دوشنبه ، چهار رکعت به امام هادی (علیه السلام) . و روز چهارشنبه ، چهار رکعت به امام حسن عسکری (علیه السلام) . و روز پنجشنبه چهار رکعت به صاحب الزمان (علیه السلام) هدیه می کند . و پس از هر دو رکعت از آن نمازها ، این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ حَيَّنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكْعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى وَوَلِيِّكَ فَلَنْ فَصَلَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلَّغُهُ إِيَّاهَا وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ صِلْمَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِيهِ . . . و هر چه می خواهی می طلبی . ۲۶۱ - ابوالحسن عبادی گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس قل هو الله احد و انا انزلناه و آیه الکرسی را در هر رکعت از نماز مستحب خود بخواند ، خداوند او را به بزرگترین اعمال آدمیان فیروزی داده است و درب آن را به رویش گشوده است . ۲۶۲ - و امام کاظم (علیه السلام) فرمود: یکی از اجداد شنید که مردی ((ام القرآن)) (سوره حمد) را می خواند: فرمود: شکر کرد و اجر یافت . پس از آن شنید که قل هو الله احد می خواند . فرمود: ایمان آورد و ایمن شد . و در پی آن شنید . انا انزلناه می خواند . فرمود: راست گفت و آمرزیده شد . سپس شنید که آیه الکرسی می خواند . فرمود: به به! دوری و رهاییش از آتش نازل شد . ۲۶۳ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کسی در هر روز ، پیش از زوال ، چهار رکعت نماز بگزارد ، و در هر رکعت آن فاتحه کتاب و بیست و پنج بار انا انزلناه بخواند ، بیمار نشود مگر بیماری مرگ . ۲۶۴ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هر کس هنگام زوال خورشید چهار رکعت نماز بگزارد ، و در هر رکعت آن فاتحه کتاب و آیه الکرسی را بخواند ، خداوند او و

خانواده و مال، و آخرت و دنیای او را حفظ می کند. ۲۶۵ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس همسر یا مال یا فرزندی در نظرش جلوه کرد و گفت: مَآ شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ از آن برخوردار شود. و به این سخن خدای تعالی نمی نگری که فرمود: وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتِيكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۲۶) چرا آن گاه که به باغت رفتی، نگفتی همه چیز به خواست خداست و نیرویی جز به (خواست) خدا نیست. ۲۶۶ - ابن مسکان گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: اموال و نوامیس خود را با تلاوت سوره نور حفظ کنید. و زنانان را با آن، در دژ عفت قرار دهید؛ که هر کس هر روز یا هر شب به خواندن آن مداومت کند، کسی از خانواده اش مرتکب زنا نشود تا بمیرد، و چون مرد هفتاد هزار فرشته او را تا قبرش همراهی کنند و برای او دعا کنند و از خدا آمرزش خواهند تا در قبر نهاده شود. ۲۶۷ - عبدالله بن سنان گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی عمر حکومت را به دست گرفت و در منبر مکه به سخن پرداخت و گفت: دو کار، حلال خدا و رسول اند ولی اگر از شما سرزند کیفرتان می دهم و از آن کار بازتان می دارم؛ یکی متعه زنان و دیگری متعه حج. و از منبر فرود آمد. گروهی گرد او آمدند و زبان به اعتراض گشودند. گفت: من در این کار، جانب شما را داشتم؛ به مکه نگریستم و دیدم که خشک و بی آب و علف است و گذران زندگی در آن سخت است، گفتم اگر مردی با عمره تمتع به حج شود، در سال تنها یک بار بازار برای ایشان برپا می شود و لیکن اگر یک بار برای عمره بیایند و یک بار حج، در سال دو بازار برپا می شود و این مایه معیشت مردم است. اما متعه زنان، چه کسی دلش رضا می دهد که خواهر یا دختر یا عمه و خاله او را مرد ناشناسی که اصل و نسبش نامعلوم است، سه روزه به همسری بگیرد و پس از سه روز راه خود را پیش بگیرد و برود، و زن، فرزندی بزاید که نمی دانند منسوب به کیست؟! مردم کف زنان می رفتند و می گفتند: او سخن درستی می گوید. امام صادق (علیه السلام): اگر نهی او نبود؛ جز تیره دلان نگویند کسی زنا نمی کرد. ۲۶۸ - امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم با مردی زمینی به شراکت داشت و خواست آن را قسمت کند. مرد ستاره نگر بود، ساعتی را در نظر گرفت که در آن خجستگی باشد. لیک چون زمین را قسمت کردند، قطعه بهتر نصیب پدرم شد، و مرد ستاره شناس در شگفت ماند. پدرم به او گفت: از چه در شگفتی؟ گفت: شگفتیم از این است که با در نظر داشتن ساعت سعد نصیب این شد. پدرم فرمود: من عملی به تو نشان دهم که از آن چه کردی نکوتر باشد؛ هر بامداد صدقه ای بده تا نحوست آن روز از تو برود و هر شامگاه صدقه ای بده تا نحوست آن شب از تو برود. ۲۶۹ - او (علیه السلام) درباره علم نجوم فرمود: ما دانش باز شناختن مومن از کافر را داریم. ۲۷۰ - عبدالملک بن اعین گفت: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: من به این علم (نظر به سعد و نحس ستارگان کردن) مبتلا شده ام و هر گاه بخواهم در پی کاری و حاجتی بروم به طالع می نگرم، اگر شر دیدم می نشینم و نمی روم و اگر طالع خیر را دیدم در پی آن حاجت می روم. امام (علیه السلام) به من فرمود: از تو درخواستی دارم به جای می آوری؟ گفتم: آری. فرمود: کتابهایت را بسوزان.

بخش سوم: سلامتی و شکر آن

قسمت اول

۲۷۱ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: دو نعمت است که بسیاری از مردم غافل از آنند و به جای بهره، از آن در زیانند: سلامتی و آسایش. مقصود او (صلی الله علیه و آله و سلم) این است که برترین نعمت ها عافیت و رفاه است، زیرا انسان تا در رفاه نباشد آسوده نیست. و عافیت همان سلامتی است. و کسی که سالم و مرفه باشد نعمتی بس عظیم دارد. و هشدارمان داد که این دو نعمت از جانب خداوند نعمت بخش، جل جلاله، باید شکرگزاری به درگاه او را در پی داشته باشد، نه این که موجب لجاجت و پافشاری در معصیت او شود. پس خدا را بر این نعمتها شاکر باشید و از کسانی مباشید که نعمت منعم را ناسپاسی می

کنند و هنگام سلامتی و رفاه سر به سرکشی برمی دارند . ۲۷۲ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : سلامتی سرمایه است و سستی تلف کردن (آن سرمایه) است . آگاه باشید که فراخی مال از جمله نعمتهاست و برتر از فراخی مال تندرستی است و برتر از تندرستی تقوای قلب است . ۲۷۳ - و فرمود : سلامتی با رستگاری است (سلامتی در رستگاری و درستکاری است) . ۲۷۴ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : پنج چیز را پیش از پنج چیز غنیمت شمار ، جوانیت را پیش از پیری ، و سلامتی را پیش از بیماری ، و بی نیازیت را پیش از نیازمندی ، و آسودگیت را پیش از گرفتاری ؛ و زندگیت را پیش از مرگ . ۲۷۵ - فرمود : بهین چیزی که بنده از خدا خواهد همان عافیت است . ۲۷۶ - و عیسی (علیه السلام) فرمود : مردم دو دسته اند و به دو حالتند ، گروهی در عافیت و گروهی گرفتارند؛ پس به گرفتار رحم کنید و خدا را بر عافیت حمد کنید . ۲۷۷ - در حکمت آل داود چنین آمده است : عافیت دارایی پنهان است . ۲۷۸ - و امام رضا (علیه السلام) فرمود : امام علی بن حسین (علیه السلام) مردی را دید که گرد کعبه می گردد و می گوید : خدایا از تو صبر می طلبم . علی بن حسین (علیه السلام) دست بر شانه او زد و فرمود : بلا خواستی ؛ بگو : خدایا ، از تو عافیت و شکر عافیت می طلبم . ۲۷۹ - روایت است که ، پیامبر به عیادت بیماری رفت و به او فرمود : چه شده است و قصه ات چیست ؟ گفت : نماز مغرب را با شما قامت بسته بودم و شما سوره قارعه را خواندی ، و من گفتم ، بار خدایا ، اگر گناهی نزد تو دارم که می خواهی در آخرت مرا بدان کیفر دهی ، کیفرم را در این دنیا پیش انداز . و پس از آن که این گونه شدم که می بینی . فرمود : چه بد گفتی . چرا نگفتی : رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۲۷) پروردگارا به ما در دنیا حسنه ای (بی نیازی و سلامتی) عطا فرمای و در آخرت حسنه ای (آمرزش و رحمت) بخشای ، و ما را از عذاب آتش ننگه دار . آن گاه پیامبر او را دعا کرد و تا سلامتش را باز یافت . ۲۸۰ - و فرمود : حسنه در دنیا بی نیازی و عافیت است و در آخرت آمرزش و رحمت . ۲۸۱ - روایت است که ، سلیمان (علیه السلام) روزی بر ساحل دریایی نشسته بود ، مورچه ای را می دید که دانه گندمی را به طرف دریا می برد . سلیمان چشم از مورچه برنداشت که تا به آب رسید . در این هنگام قورباغه ای سر از آب بیرون کرد و دهان گشود و مورچه در دهانش رفت و قورباغه در دریا فرو رفت و مدتی مدید زیر دریا بود و سلیمان (علیه السلام) با شگفتی در این کار می اندیشید ، که قورباغه سر از آب بیرون کرد و دهان گشود و مورچه بیرون آمد ، بی دانه گندم . سلیمان مورچه را فراخواند و از حال و کار او پرسید و پرسید ، کجا بودی ؟ گفت : ای پیامبر خدا ، در ته این دریا سنگی میان تهی است و درون آن کرمی کور است که خدای تعالی او را در آن جا آفریده است . کرم توان بیرون آمدن و غذا جستن را ندارد . خداوند مرا برای روزیش گمارده است ، و من قوت و غذای او را با خود می برم ، و خدای پاک و بلند مرتبه این قورباغه را در اختیارم گذارده است تا مرا در دهان خود گذارد و ببرد تا آب آسیبی به من نرساند؛ قورباغه دهانش را بر روزنه ریز سنگ می گذارد و من به درون سنگ می روم و چون روزیش را رساندم از روزنه به دهان قورباغه باز می گردم تا از دریا بیرونم آورد . سلیمان گفت : از آن کرم تسبیحی شنیدی ؟ گفت : آری . می گفت : ای کسی که مرا در درون صخره ، زیر این دریای آب از یاد نبردی و از روزی خود محروم نساختی ، بندگان مؤمنت را به فضل خود از یاد مبر . ۲۸۲ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : خداوند روزی مؤمنان را از جایی که به گمانشان نرسد ، قرار داد و این ، از آن روست که بنده چون جهت روزیش را نداند دعایش بسیار شود . ۲۸۳ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : خانه هایتان را از تار عنکبوت پاک کنید ، که واگذارن آن در خانه فقر می آورد . ۲۸۴ - مردی نزد امام صادق (علیه السلام) از فقر شکایت کرد . او فرمود : هر گاه بانگ اذان را شنیدی به آهنگ مؤذنان اذان بگو . ۲۸۵ - و او از یکی از اجداد خود نقل می کرد که فرمود : هر کس از خدا فضل و عطایش را نطلبد فقیر شود . ۲۸۶ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : خدا را یاد کنید که او به یاد کسی است که یادش کند ، و از او فضل و رحمتش را بخواهید که او دعای هیچ مؤمن نیاشگری را نومیهد و ناکام نگذارد . ۲۸۷ - دعایی برای طلب روزی : اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْفَاضِلِ الْمُفْضِلِ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا بَلَاغًا لِلْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا هَيِّنًا مَرِيئًا صَبًا صَبًا مِنْ غَيْرِ مَنْ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا سَعَةً مِنْ فَضْلِكَ

وَ طَيِّبًا مِنْ رِزْقِكَ وَ حَلَالًا مِنْ وَاسِعِكَ تُغْنِينِي بِهِ مِنْ فَضْلِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ عَطِيَّتِكَ أَسْأَلُ وَ مِنْ يَدِكَ الْمَلَأَى أَسْأَلُ وَ مِنْ خَيْرِكَ أَسْأَلُ يَا مَنْ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۲۸۸ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس در هر روز صد بار لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ بگوید، خداوند او را از فقر ننگه دارد و از وحشت (و تنهایی) قبر انس دهد و جلب غنا کند و در بهشت کوبد. ۲۸۹ - و فرمود: مرد دروغی می گوید و به واسطه آن از نماز شب می ماند و با محروم ماندن از نماز شب از روزی محروم می شود. ۲۹۰ - مردی به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفت: من از نماز شب محروم مانده ام. فرمود: گناهانت تو را در بند کرده است. ۲۹۱ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: بالاترین ریا دروغ گفتن است. ۲۹۲ - عبدالله بن حوراء گفت: به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) گفتم: مؤمن زنا می کند؟ فرمود: گاهی چنین می شود. گفتم: مؤمن دزدی می کند؟ فرمود: گاهی چنین می شود. گفتم: مؤمن دروغ می گوید؟ فرمود: نه، خدای تعالی فرمود: إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَاذِبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ تَنَاهَا كَسَانِي دَرُوعِ پَرْدَايِ مِي كَنَنْد كِه اِيْمَان نَدَارَنْد. (۲۸) ۲۹۳ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: غمها، بیماری دلها هستند، چنان که دردها و مرضها بیماری تنها هستند، پس هر که را حزن و بلائی رسید بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا مُفَجِّرَ الْأَنْهَارِ وَمُطْعِمَ الثَّمَارِ يَا مَنْ تُسَبِّحُ لَهُ ظُلْمَةُ اللَّيْلِ وَ ضَوْءُ النَّهَارِ وَ مَا عَلَيَّ الْأَرْضِ وَ قَعْرُ الْبِحَارِ افْتَحْ لَنَا فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ سَهِّلْ لَنَا صَالِحَ الْأَسْبَابِ وَ يَسِّرْ لَنَا التَّوْبَةَ يَا تَوَّابٌ وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ يَا سَمِيعٌ يَا وَهَّابٌ ۲۹۴ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس درویش نمایی کند، درویش شود. ۲۹۵ - از امام رضا (علیه السلام) درباره مال بنی امیه پرسیدند: فرمود: مگر بنی امیه مالی داشت؟ ۲۹۶ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: از انسان بی بخت و نصیب برایم چیزی نخرید که در معاشرت (و داد و ستدش) برکتی نیست، و جز با کسی که در خیر و برکت نشو و نما کرده است با دیگری معاشرت (و داد و ستد) نکنید. ۲۹۷ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: (زمانهایی) بر کسانی از شما بگذرد که در آن گناهی برایتان نوشته نشود، و آن هنگامی است که گرفتار (و در اندیشه) گذران زندگی هستید. ۲۹۸ - و فرمود: خداوند هر قلب حزینی را دوست دارد. ۲۹۹ - از او پرسیدند: خدا کجاست؟ فرمود: نزد شکسته دلان. ۳۰۰ - رسول خدا را غم گرفته بود، جبرئیل او را به شستن سر با سدر امر کرد. ۳۰۱ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی غمها بر تو شوریده و فرود آمدند، لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بگو. ۳۰۲ - و فرمود: هر کسی غمی در خود یافت و ندانست که از چیست، سر خود را بشوید. ۳۰۳ - و فرمود: غم، گناهان مسلمانان را از بین می برد. ۳۰۴ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هیچ مردی سرمه ای چون سرمه حزن (غم پیدا در چهره) نکشیده است. ۳۰۵ - و فرمود: من از آن گناه که پس از آن مهلتی یابم تا دو رکعت نماز گزارم، اندیشه ندارم. ۳۰۶ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وقتی گناهان مؤمن زیاد شد و برای او عملی نبود تا جبران کند، خداوند او را به حزن مبتلا می کند، تا گناهانش را بدان پاک کند. ۳۰۷ - و فرمود: سه چیز است که اگر روزی کسی شود خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او گرد آورده است: رضا دادن به قضا، و صبر بر بلا، دعا در سختی و رفا. ۳۰۸ - به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفته شد: چگونه آید ای امیرمؤمنان؟ فرمود: چگونه است حال کسی که بقایش رو به فناست و در پی سلامتی اش بیماری است و (جان او) از جان پناهنش گرفته می شود. ۳۰۹ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: سلامتی خود دردی بسنده است. (کافی است که سلامتی خود دردی باشد). ۳۱۰ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: در هر جرعه ای نفس گیر شدن (آبی) است و در هر لقمه ای گلوگیر شدن (نانی) است. ۳۱۱ - و فرمود: مردمی اجلی دارند که به کاستی می رود و عملی دارند که نگاه داشته می شود. ۳۱۲ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: از چهار چیز بدتان نیاید که برای چهار چیز مفید است: زکام را بد ندارید که امان از جذام است. و دمل را بد ندارید که امان از پیسی است. و قی و درد چشم را بر ندارید که امان از کوری است. و سرفه را بر ندارید که امان از فلج است. ۳۱۳ - و فرمود: هر انسانی در سرش رگی از جذام دارد و خداوند زکام را بر می انگیزد تا آن را ذوب کنند، پس چون کسی آن را در خود یافت و گذاردش و درمانش نکند و تا خداوند خود درمانش کند. ۳۱۴ - او فرمود: کسی از شما به واسطه سختی و

فشاری که به او رسیده است آرزوی مرگ نکند . ۳۱۵- و فرمود : آرزوی مرگ نکند ، که هراس آگاه شدن و دیدن عالم پس از مرگ سخت است . و از سعادت مرد است که عمرش دراز باشد و خداوند بازگشت به سرای جاوید بهشت را روزیش کند . ۳۱۶- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : برای باقی مانده عمر مومن بهایی نتوان گذارد؛ با آن آنچه را از دست رفته است می یابد و آنچه را مرده است زنده می کند . ۳۱۷- و درباره این کلام خدای تعالی ((وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا (۲۹) ونصیب را از دنیا فراموش مکن .)) فرمود : یعنی سلامتی و نیرو و فرصت و جوانی و نشاط و ثروت را از یاد مبر که با آنها آخرت را بجویی . ۳۱۸- به امام زین العابدین (علیه السلام) گفته شد : بهترین کار و بهترین حالی که نیکوست بنده در آن حال بمیرد چیست ؟ فرمود : این که از ساختمان ها و خانه ها و قصرهای بهشتیش فارغ آمده باشد . پرسیدند : چگونه ؟ فرمود : از گناهانش توبه کرده باشد و به کارهای خیر برپا و پابر جا باشد ، (اگر چنین بود آن گاه) محبوب و گرامی به دیدار خدا می رود . ۳۱۹- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر که بمیرد و درهم و دیناری از خود بجا نگذارد ، بی نیازتر از او کسی نباشد که به بهشت درآید . ۳۲۰- و امام صادق (علیه السلام) فرمود : به بستر رفتی بیندیش که به اندرون ت چه راه داده ای و در آن روز چه کسب کرده ای ، و به یاد آور که تو می میری و معادی داری . ۳۲۱- و فرمود : راس هر طاعت خدا رضا دادن به آن چیزی است که خدا با بنده کرده است ، پسند او باشد یا نباشد . ۳۲۲- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : خدای عزوجل به ایوب (علیه السلام) وحی کرد : می دانی هنگامی که بلا-گیر شدی نزد من چه گناهی داشتی ؟ گفت : نه . فرمود : نزد فرعون رفتی و با او دو کلمه چالپوسی کردی . ۳۲۳- از بزرگی درباره یوسف (علیه السلام) پرسیدند ، که برادران او را در چاه انداختند و فروختند ، و هیچ بلایی به آنان نرسید و هر چه بلا بود به یوسف رسید؛ به زندان افتاد و به بلاهای دیگر دچار شد ، حکمت چه بود ؟ گفت : آنان شایسته بلا نبودند و یوسف شایستگی آن را داشت ، هر بدنی لایق بلای او نیست . ۳۲۴- ابن عباس گفت : یوسف سه ساله در منزل پادشاه و زلیخا ماند تا بالغ شد و زلیخا او را به کامجویی خواند . به ما چنین خبر رسیده است ، و خداوند به درستی و نادرستی این خبر آگاه تر است ، که زلیخا هفت سال سرپا به خدمتکاری او پرداخت و یوسف سر به زیر داشت و از بیم پروردگارش گوشه چشم به او نمی نگریست . روزی زلیخا به او گفت : چشم بگشا و به من بنگر . گفت : بیم دارم کور شوم . - : چقدر چشمانت زیباست ! - : چشمانم نخستین عضوهای منند که در قبر از صورتم می افتند . - : چه خوشبویی ! - : اگر مرا سه روز پس از مرگم بیوئی ، از من می گریزی . - : چرا به من نزدیک نمی شوی ؟ - : به امید نزدیک شدن به پروردگارم . - : برخیز و در این بستر پرنیان ، کامم را روا کن . - : می ترسم نصیب بهشتم از دست بروم . - : تو را به دست شکنجه گران می سپارم . - : چه باک که پروردگارم مرا بسنده است .

قسمت دوم

۳۲۵- روایت است که : روزی امام کاظم (علیه السلام) نزد رشید ، که آن چه سزای اوست بر او باد ، آمد . هارون گفت : به خدا سوگند تو را می کشم . فرمود : چنین مکن که صلاح تو در این کار نیست . که من از پدرم و او از پدرانش ، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود : بنده صله رحم می کند و در حالی که بیش از سه سال از عمر او باقی نمانده است ، خداوند آن سه سال را سی سال می کند؛ و دیگری از خویشان می برد و در حالی که سی سال از عمرش باقی است ، خداوند آن سی سال را سه سال می کند . رشید گفت : شما را به خدا سوگند ، این را از پدرت شنیدی ؟ فرمود : آری . هارون دستور داد صد هزار درهم به امام (علیه السلام) بدهند و او را به منزلش بازگرداند . ۳۲۶- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : صله رحم عمر را زیاد می کند . ۳۲۷- حنان بن سدیر ، خداوند از او خوشنود باد ، گفت : نزد امام صادق (علیه السلام) بودیم ، ((میسر)) نیز با ما بود و سخن از صله خویشاوندان شد . امام (علیه السلام) فرمود : میسر ، نه یک بار و دو بار و بارها اجل تو فرا رسید و هر بار

خداوند اجل تو را به واسطه این که با خویشانت پیوند داری، پس انداخت. اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادرت نیکی کن. ۳۲۸- و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: مردی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت: هیچ ناروا و زشتی نمانده است که من نکرده باشم، مرا توبه ای هست؟ فرمود: از پدر و مادرت کسی زنده است؟ گفت: پدرم. فرمود: به او نیکی کن. امید بخشودنت هست. مرد باز گشت. و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کاش مادرش زنده بود. ۳۲۹- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: ای بسا مرد در حیات پدر و مادر، عاق ایشان باشد نافرمانیشان کند و رانده ایشان گردد. و پس از مرگ پدر و مادر، برای آنان کارهای خیر کند و نماز بخواند و قرضشان را ادا کند، و پیوسته در این کارها باشد تا نیکوکار نوشته شود. و بسا فرزندی که در حیات پدر و مادر در حق آنان نیکوکار باشد و چون مردند قرضشان را ادا نکند و به هیچ راه خیری بدیشان نیکویی نکند و پیوسته در چنین حال باشد تا عاق نوشته شود. ۳۳۰- و فرمود: صلّه رحم حساب روز قیامت را آسان می کند و عمر را دراز می کند و جلو مرگ های ناگوار را می گیرد. و صدقه شب غضب پرودگار را خاموش می کند. ۳۳۱- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر که از درازی عمر و فراخی روزیش شادمان می شود و به پدر و مادر خود رسیدگی کند که رسیدگی به پدر و مادر طاعت خداست. و با خویشاوند خود پیوند داشته باشد و به ایشان رسیدگی کند. ۳۳۲- و فرمود: نیکی به پدر و مادر و صلّه رحم حساب را آسان می کنند. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: *وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ* (۳۰) و آنان که آن چه را خدا به پیوستنش فرمان داده، می پیوندند و از پروردگارش می ترسند و از سختی حساب بیم دارند (این خردمندانند که سرای ستوده آخرت از آن ایشان است). (آنگاه فرمود: با خویشان خود پیوند کنید اگر چه با سلام دادنی باشد. ۳۳۳- و امام باقر (علیه السلام) فرمود: سه چیز است که با داشتن ثواب اخروی این آثار دنیوی را داراست.) حج، فقر را دور می کند. و صدقه، بلا را می راند. و نیکوکاری، عمر را زیاد می کند. ۳۳۴- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس زبانش را راستگو باشد عملش پاک شود، و هر کس نیش نیکو باشد، عمرش زیاد شود، و هر کس با خانواده اش خوشرفتار باشد، روزیش زیاد شود. ۳۳۵- به امام زین العابدین (علیه السلام) گفته شد چگونه به بامداد در آمدی؟ فرمود: در بامداد با هشت جوینده و خواهنده: خدای تعالی، واجبات را از من می خواهد، و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)، سنت را، و خانواده، قوت و غذا را، و نفس، شهوت را، و شیطان، معصیت را، و دو فرشته نگاهبان، نوشت و نگاهداشت کردار و گفتار را، و ملک الموت (علیه السلام)، روح را تو قبر، جسد را؛ من بین این امورم و جملگی مرا می جویند. ۳۳۶- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: آدم (علیه السلام) سخت بیمار شد و در آن بیماری وحشتی به او دست داد تبه جبرائیل (علیه السلام) شکایت برد. گفت: چوبی از بادام تلخ ببر و آن را به سینه ات بچسبان. او چنین کرد و وحشت از او رفت. ۳۳۷- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هر کس سفری رود و عصایی از بادام تلخ همراه داشته باشد و این آیه ها و *لَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ* (۲۲) و *لَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمْ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي لَنَا نَسْقِي حَتَّى يُصِدَرَ الرِّعَاءُ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ* (۲۳) *فَسَقَى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّى إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لَمِأَا أَنْزَلْتُمَنِي إِلَى مَاءٍ حَارٍّ إِنِّي جَاءْتُكَ إِحْدَيْهِمَا تَمَشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ* (۲۵) *قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ* (۲۶) *قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيْ هَتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حَجَجَ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَسْقِيَكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ* (۲۷) *قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللَّهُ عَلَيَّ مَا نَقُولُ وَكَرِيمٌ* (۲۸) را تلاوت کند، خداوند او را از هر حیوان درنده و دزد تجاوز کننده و جانور گزنده، ایمن می دارد. ۳۳۸- اسحاق بن عمار، خداوند از او خوشنود باد، گفت: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: من از عقرب می ترسم. فرمود: به بنات نعش، ستارگان سه گانه اش نگاه کن، در کنار ستاره میانی آن ستاره کوچکی است، که عرب آن را ((سُها)) می خواند و ما ((اءِ سَلَم))

می نامیم . به آن چشم بدوز و سه بار بگو: اللَّهُمَّ رَبَّ أَسْلَمَ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ سَلِّمْنَا اسحاق گفت: در مدت عمرم جز یک بار آن را ترک نکردم، همان یک بار عقرب گزیدم . ۳۳۹- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: عقربی پیامبر را در قیام نماز گزید . او فرمود: نفرین خدا بر عقرب باد، اگر بنا بود کسی را واگذارد این نماز گزار را وامی داشت . آن گاه آبی خواست و بر آن حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را خواند و چند جرعه از آن نوشید، سپس نمکی خواست و با آب آمیخت و محل گزیدن را با آن مالید تا آرام گرفت . ۳۴۰- نوح (علیه السلام) هنگامی که به کشتی نشست از بردن عقرب سرباز زد؛ عقرب گفت: با تو عهد می بندم که هر کس بگوید: سَلَامٌ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَي نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ او را نکزم . ۳۴۱- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هنگام آسودگی، با خدا آشنا شو تا در سختی تو را بشناسد . و اگر چیزی خواستی از خدا بخواه، و اگر یاری می طلبی از خدا طلب . ۳۴۲- و ثمالی گفت: شنیدم امام زین العابدین (علیه السلام) به فرزندش می فرمود: هر گاه به کسی از ما مصیبتی رسد یا بلایی بر او نازل شود، وضویی کامل بسازد و دو رکعت یا چهار رکعت نماز بگزارد و در آخر آن بگوید: يَا مُؤْصِعُ كُلِّ شَكْوَى يَا سَامِعُ كُلِّ نَجْوَى يَا شَافِيَ كُلِّ بَلَاءٍ وَ يَا عَالِمَ كُلِّ خَفِيَةٍ وَ يَا كَاشِفَ مَا يَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ يَا نَجِيَّ مُوسَى يَا مُضِيْطَفِيْ مُحَمَّدٍ يَا خَلِيْلَ اِبْرَاهِيْمَ اَدْعُوكَ دُعَاءَ مَنْ اَسْتَدْتَّ فَاقْتَهُ وَ ضَعَفْتُ قُوَّتَهُ وَ قَلَّتْ حِيلَتُهُ دُعَاءَ الْغَرِيْبِ الْغَرِيْقِ الْفَقِيْرِ الَّذِي لَا يَجِدُ لِكَشْفِ مَا هُوَ فِيْهِ اِلَّا اَنْتَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ کسی با این دعا خدا را نخواند مگر این که خداوند گرفتاری او را به خواست خود یکسو کند . ۳۴۳- و هنگامی که چیزی او را اندوهگین می کرد، دو جامه از زبرترین و سببترین جامه هایش را می پوشید، و در آخر شب دو رکعت نماز می گزارد و در سجده آخر نماز، صد بار تسبیح و صد بار تحمید و صد بار تهلیل و صد بار تکبیر خدا را می گفت و در همان حال، به گناهان اعتراف می کرد، سپس دعا می کرد . و در سجودش دو زانو را به زمین می رساند . ۳۴۴- از امام جواد (علیه السلام) درباره این کلام خدای تعالی ((وَ ثِيَابَكَ فَطَهَّرُ (۳۱) و جامه ات را پاک کن)) پرسیدند . فرمود: یعنی آن را بالا بزن . آنگاه فرمود: جامه ات از قوزک پایت نگذرد، که فروهستن جامه شیوه بنی امیه است . ۳۴۵- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) خود، جامه فرودین و پیراهن برین را بالا- می زد . مردی را دید که جامه اش بر زمین کشیده می شد . فرمود: فلانی، کوتاهش کن، که این کار برای نگهداری جامه نیکوتر است و دوامش را بیشتر می کند و پاکیزه اش می دارد . ۳۴۶- و ابوحمره ثمالی گفت: امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: از خانه بیرون آمدم و بر این دیوار تکیه داشتم که دیدم مردی سراسر سفید پوش به من می نگرد . گفت: ای علی بن حسین، چرا گرفته و حزینی؟ اگر برای دنیا است که آن روزی مهیاست که خوب و بد از آن می خورند . گفتم: سخن آن است که تو می گویی ولی حزن من برای دنیا نیست . - اگر حزن تو برای آخرت است، آن وعده ای است که پادشاهی چیره در آن حکم می راند . - حزن من برای آخرت نیست، اما سخن چنان است که تو می گویی . - پس حزن تو بر چیست ای علی بن حسین؟ - از فتنه ابن زبیر بیم دارم . - خندید و گفت: علی بن حسین، آیا کسی را دیده ای که از خدا بترسد و او نجاتش ندهد؟ - نه . - کسی را دیده ای که از خدا درخواست کند و او عطایش ندهد؟ - نه . - ای علی بن حسین، کسی را دیده ای که بر خدا توکل کند و او کفایتش نکند؟ - نه . (گفت و گو به این جا که رسید) نظر کردم، کسی را ندیدم . ۳۴۷- و او (علیه السلام) فرمود: کلماتی است که با گفتن آنها از هیچ شیطان و سلطان و حیوان درنده و دزد و بلای نابهنگام شبانه، بیم ندارم: آيَةُ الْكُرْسِيِّ وَ آيَةُ السَّخْرَةِ که در سوره اعراف است إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسَاجِرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخُلُقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۳۲) و ده آیه از اول صافات و سه آیه از الرحمن يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّ اسْتِطْعَمْتُمْ أَنْ تَنْفَعُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفَعُوا لَا تَنْفَعُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ (۳۳) فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ (۳۴) يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّن نَّارٍ وَنَحَّاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ (۳۳) و آخر سوره حشر، وَ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (۱۸۰) وَ سَلَامٌ عَلَي الْمُرْسَلِينَ (۱۸۱) وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۳۴) - ۳۴۸- و این دعا از اوست: يَا مَنْ ذِكْرُهُ شَرَفٌ لِلذَّاكِرِينَ، وَ يَا مَنْ شُكْرُهُ فَوْزٌ لِلشَّاكِرِينَ، وَ يَا مَنْ

طَاعَتُهُ نَجَاةً لِلْمُطِيعِينَ ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاشْغَلَ قُلُوبَنَا بِذِكْرِكَ عَنْ كُلِّ ذِكْرٍ ، وَ أَلْبَسَتْنَا بِشُكْرِكَ عَنْ كُلِّ شُكْرٍ ، وَجَوَارِحَنَا بِطَاعَتِكَ عَنْ كُلِّ طَاعَةٍ . (۲) فَإِنْ قَدَرْتَ لَنَا فَرَاغًا مِنْ شُغْلٍ فَاجْعَلْهُ فَرَاغَ سَلَامَةٍ لَا تُدْرِكُنَا فِيهِ تَبِعَةٌ ، وَ لَا تَلْحَقُنَا فِيهِ سَأْمَةٌ ، حَتَّى يَنْصَرِفَ عَنَّا كِتَابُ السَّيِّئَاتِ بِصِحْفِهِ خَالِيَةٍ مِنْ ذِكْرِ سَيِّئَاتِنَا ، وَ يَتَوَلَّى كِتَابَ الْحَسَنَاتِ عَنَّا مَسْرُورِينَ بِمَا كَتَبُوا مِنْ حَسَنَاتِنَا (۳) وَ إِذَا انْقَضَتْ أَيَّامُ حَيَاتِنَا ، وَ تَصَيَّرَ مَتَّ مُدِدُ أَعْمَارِنَا ، وَ اسْتَحْضَرْتَنَا دَعْوَتُكَ الَّتِي لَمَّا بُدِّ مِنْهَا وَ مِنْ إِجَابَتِهَا ، فَصَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُخَصِّصِي عَلَيْنَا كِتَابَهُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَيَّ ذَنْبَ اجْتَرَحْنَاهُ ، وَ لَا مَعْصِيَةَ اقْتَرَفْنَاهَا . (۴) وَ لَا تَكْشِفْ عَنَّا سِتْرًا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ رُءُوسِ الْأَشْهَادِ ، يَوْمَ تَبْلُو أَخْبَارَ عِبَادِكَ . (۵) إِنَّكَ رَحِيمٌ بِمَنْ دَعَاكَ ، وَ مَسْتَجِيبٌ لِمَنْ نَادَاكَ . ۳۴۹ - و این دعا از امیرالمؤمنین (علیه السلام) است : اللَّهُمَّ صُنْ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَ لَمَّا تَبْتَدِلْ حَيَاهِي بِالْإِفْتَارِ فَاسْتَرْزِقْ طَالِبِي رِزْقِكَ وَ اسْتَعْطِفْ شَرَارَ خَلْقِكَ وَ ابْتَلِي بِحَمْدِي مَنْ أَعْطَانِي وَ أَفْتِنْ بِدَمِّ مَنْ مَنَعَنِي وَ أَنْتَ مِنْ وَرَاءِ ذَلِكَ وَلِيُّ الْإِعْطَاءِ وَ الْمَنْعِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ اجْعَلْ نَفْسِي أَوَّلَ كَرِيمَةٍ تَنْتَرَعُهَا مِنْ كَرَامِي وَ أَوَّلَ وَدِيعَةٍ تَرْجِعُهَا مِنْ وَدَائِعِ نِعْمِكَ عِنْدِي ۳۵۰ - و امام صادق (علیه السلام) این دعا را فرمود : أَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِيَّةِ الَّتِي لَا تُرَامُ أَنْ تُمِئِنِّي عَمَّا أَوْ هَمًّا أَوْ مُتَرَدِّيًا أَوْ هَدْمًا أَوْ رَدْمًا أَوْ غَرَقًا أَوْ حَرَقًا أَوْ عَطَشًا أَوْ شَرَقًا أَوْ صَبْرًا أَوْ تَرَدِّيًا أَوْ أَكِيلِ سَبْعِ أَوْ فِي أَرْضِ غَزْبِيهِ أَوْ مِيْتَهُ سَوْءٍ وَ أَمْنِي عَلَيَّ فِرَاشِي فِي عَافِيهِ أَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتْ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ (كَأَنَّهُمْ بُيَانٌ مَرْصُوصٌ) (۳۵) عَلَيَّ طَاعَتِكَ وَ طَاعِيَهُ رَسُولِكَ ۳۵۱ - و این دعا از ایشان (علیهم السلام) نقل است : اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ إِنَّ الصَّادِقَ المصدق محمدًا ص قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ أَنَا فَاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي فَبِضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ وَ الْعَافِيَةَ وَ النَّصِيرَ وَ لَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَ لَا فِي أَحَدٍ مِنْ أَحَبَّتِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فرمودند : هر کس این دعا را پس از هر نماز بخواند ، چندان بزید که از زیستن ملول گردد . ۳۵۲ - داود (علیه السلام) چون شامگاه می شد سه بار می گفت : اللَّهُمَّ خَلِّصْنِي مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ نَزَلَتْ اللَّيْلَةَ مِنَ السَّمَاءِ وَ بامداد که می شد (نیز) آن را سه بار می گفت : البته در بامداد به جای ((اليلة)) امشب . ((اليوم)) امروز می گفت . ۳۵۳ - و او فرمود : اللَّهُمَّ لَا مَرَضٌ يُضْنِينِي وَ لَا صِحَّةٌ تُسِينِي وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ بَارِ خَدَايَا نَهْ چنان بیمار شوم که به بسترم اندازد و نه چندان در سلامتی بزم که غافلم کند ، بلکه مرا در حالتی بین این دو نگه دار . ۳۵۴ - ابوجارود گفت : به امام باقر (علیه السلام) گفتم : مردی نابینا و کهنسال و راهی دراز تا رسیدن به محضر شما دارم ، دستورالعملی خواهم تا بدان خدای را پرستم و بدان بگروم و حجت آورم و تمسک جویم و آن را به مردم قوم خود رسانم . سخنم امام را خوش آمد . جا به جا شد و راست بنشست و فرمود : ابوجارود ، آنچه گفتمی ، بار دیگر بگو . و من بار دیگر گفتم . فرمود : آری ای ابوجارود ، گواهی دادن به این که معبودی جز خدای یکتا نیست ، و محمد بنده و فرستاده اوست ، و به پای داشتن نماز و دادن زکات و روزه ماه رمضان و حج خانه خدا ، و دوستی با دوست ما و دشمنی با دشمن . ، و فرمانبری از فرمان ما ، و انتظار کشیدن برای قائم ما ، و پرهیزکاری و کوشش (در این راه) . ۳۵۵ - زید بن اسلم روایت کرد که : عابدی در بنی اسرائیل از خدای تبارک و تعالی درخواستی کرد و گفت : پروردگارا نزد تو چه حالی دارم ؟ اگر خیر است به حیاتم بیفزای و اگر شر است پیش از مرگم رضایت را می طلبم . پیام آوری آمد و گفت : تو را خیری نزد خدا نیست . گفت : پروردگارا ، پس عملم چه شد ؟ گفت : هر زمان که تو عملی برای من کردی خبرش را به مردم دادی ، و از آن کردارها ثمری جز خوشنود کردن خویش برایت نماند . این امر بر او دشوار آمد و غنیمتش کرد . خداوند بار دیگر آن فرستاده را نزد او فرستاد و گفت : خدای تبارک و تعالی می گوید : از هم اکنون ، برای آینده ات ، خویشتن را با صدقه ای که از هر رگت بیرون می کشی از من باز خر؛ که آدمی زاده سیصد و شصت رگ (در بدن) دارد؛ از هر رگت ، هر روز صدقه ای بیرون کش . گفت : پروردگارا ، چه کس توان چنین کاری را دارد ؟ خدای تعالی گفت : من جز آن چه توانی به تو تکلیف نکنم . - : پروردگارا چه کنم ؟ - هر روز سیصد و شصت بار بگو شُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ هر کلمه آن ، صدقه ای است از هر یک از رگهایت . او چون این بشارت را شنید ، گفت : پروردگارا ، بیشترم ده . گفت : تو

(عمل و اخلاص عمل) بیشتر کن، بیشترت دهم.

بخش چهارم: خوردن و آشامیدن

قسمت اول

۳۵۶- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) چون غذا می خورد از پیش روی خود می خورد، و چون می نوشید از سمت راستش می نوشید. ۳۵۷- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: تکیه داده غذا مخور و به روی افتادن (و خوردن) از تکیه دادن بتر است. ۳۵۸- امام حسن (علیه السلام) فرمود: سفره دوازده آداب دارد که دانستن آنها بر هر مسلمان بایسته است: چهار واجب و چهار مستحب و چهار دیگر ادب است. واجب آن شناختن (رازق)، و رضا دادن (به روزی او)، و بسم الله گفتن، و شکر گزاردن است. و مستحب آن: وضو ساختن پیش از غذا و نشستن بر جانب چپ، و با سه انگشت خوردن، و لیسیدن انگشتهایت است. و آن چه ادب است: خوردن از نزدیک خود، و کوچک گرفتن لقمه، و نیک جویدن، و کم نگریستن به روی مردم است. ۳۵۹- امیرالمؤمنین (علیه السلام) قدری خرما ((دقل)) (پست ترین گونه خرما) خورد و روی آن آب نوشید و دست بر شکم زد و فرمود: هر که را شکم در آتش اندازد، خداوند (از رحمت خود) دورش کند. آن گاه این شعر را مثل آورد: تو هر چه خواسته های شکم و شهوتت را برآوری (سیر نشوند و فزونتر خواهند) و تا نهایت پستی پیش روند و به غایت نکوهش رسند. ۳۶۰- نشد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) پشت به پشتی دهد و غذا خورد، جز یک بار که پس از آن نشست و فرمود: خدایا من بنده و رسول توام. ۳۶۱- و فرمود: هر کس لقمه افتاده ای را بیابد و بردارد و دستی بر آن بکشد، و اگر شستن است آن را بشوید و بخورد؛ در درونش جای نگیرد مگر این که خداوند از آتش رهائش بخشد. ۳۶۲- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) ابویوب انصاری، را دید که ریزه های سفره را برمیچیند. فرمود: مبارکت باد، بر تو مبارک باد، در تو مبارک باد. ابویوب گفت: ای رسول خدا، برای دیگران چگونه است؟ فرمود: آری، هر کس آن چه تو خوردی بخورد، مبارک باد، تو را دارد. آن گاه فرمود: هر که چنین کند، از جنون و جذام و پیسی و آب زرد شکم و ابلهی نگهش دارد. ۳۶۳- و فرمود: آن چه از سفره می ریزد مهریه حورالعین است. ۳۶۴- و فرمود: خوردن در بازار فرومایگی است. ۳۶۵- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: در حال قدم زدن غذا نخور جز به ناچاری. ۳۶۶- و فرمود: خداوند زیاد خوردن را خوش ندارد و دشمن دارد. ۳۶۷- و فرمود: زیاد خوردن مکروه است. ۳۶۸- و فرمود: با شکم پر غذا خوردن پیسی می آورد. ۳۶۹- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: گرده های نان را کوچک بگیرد که با هر گرده برکتی است. ۳۷۰- و فرمود: هر کس تکه نانی را بیابد و آن را بخورد، هفتصد حسنه دارد، و هر کس آن را در جای آلوده ای بیابد و بشوید و بردارد، هفتاد هزار حسنه دارد. ۳۷۱- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر گاه خواستی در پی حاجتی روی (و دست به کاری زنی) تکه نانی با نمک بخور، که برای تو نیروبخش تر است و حاجت را زودتر بر آورده می کند. و اگر حاجتی خواهی به آن روی آر (و سوی آن رو) و به آن پشت مکن. ۳۷۲- و فرمود: نماز صبح را که گزاردی پاره نانی خور تا بوی دهانت خوش شود و حرارت آرام گیرد و دندانهایت پابرجا ماند و لثه ات محکم شود و روزیت را بدان جلب کنی و خلق و خویت را نیکو سازی. ۳۷۳- و امام رضا (علیه السلام) به غلام خود فرمود: برای ما گوشت جلو (دست و سینه و گردن) را بخور و (گوشت) عقب (ران) را نخور؛ که به چراگاه نزدیک تر و از پلیدی (و فضولات) دورتر است. ۳۷۴- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر گاه به منزل رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گوشت می آوردند، می فرمود: پاره های گوشت را کوچک بگیرد و آبش را زیاد کنی و میان همسایگان قسمت کنی که این کار پخت آن را زودتر و برکت آن را بیشتر می کند. ۳۷۵- و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چون ترید آب گوشت خوردید از کناره

های آن بخورید که برکت در بالای آن است . ۳۷۶ - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) رطب را با دست راست می خورد و هسته آن را در دست چپ می گذارد و روی زمین نمی انداخت . گوسفندی آمد و او ، هسته ها را جلوی گرفت ، گوسفند هسته را از دست چپ خورد و او رطب را با دست راست می خورد تا تمام شد . ۳۷۷ - و فرمود : خدایا ، در باران نرم و ترید ، برای امتم برکت نه . ۳۷۸ - و فرمود : هر کس دعوتی را نپذیرد خدا و رسولش را نافرمانی کرده است . و او پذیرفتن دعوت کسی را که ثروتمندان در میهمانی حاضر بودند و فقیران نبودند ، خوش نداشت . ۳۷۹ - و فرمود : هر کس طعام شیرینی به برادرش بدهد خداوند تلخی موقف قیامت را از او ببرد . ۳۸۰ - و او فرمود : هر گاه کسی از شما به میهمانی ای خوانده شد ، فرزند خود را به دنبال نبرد ، که اگر چنین کند حرام خورده است و غاصبانه رفته است . ۳۸۱ - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود : طعام خوردن ، غذای بدن و طعام دادن ، غذای روح است . ۳۸۲ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : هر کس گرسنه ای را سیر کند و خداوند برای او رودی در بهشت جاری کند . ۳۸۳ - و فرمود : سلیمان (علیه السلام) به میهمانان خود گوشت با آرد سپید می داد و به خانواده خود آرد سبوس دار و خود ، آرد جو نیخته می خورد . ۳۸۴ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : وضو ، پیش از غذا فقر را می برد و پس از غذا جنون را می راند . ۳۸۵ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : شستن دستها پیش از غذا و پیش از آن ، روزی را زیاد می کند و چشم را جلا می دهد و فقر را می برد . ۳۸۶ - و فرمود : هر کس پیش از غذا وضو بگیرد در فراخی بزید و از بلای تن در عافیت باشد . ۳۸۷ - و فرمود : هر کس دستش را پیش از غذا و پس از بشوید ، اول و تا آخر غذا برایش با برکت شود . ۳۸۸ - و او فرمود : هر کس از فزونی یافتن خبر خانه اش شادمان می شود ، وقت غذا وضو بسازد . ۳۸۹ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : چون دستهایت را از غذا شستی ، پیش از آن که آنها را با دستمال خشک کنی ، به صورتت بکش و بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّبَّةَ وَالْمَحَبَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ وَالْبُغْضِ ۳۹۰ - و فرمود : شستن ظروف و رفتن جلوی خانه جلب روزی می کند . ۳۹۱ - پیرمردی از اهل مدینه گفت : به امام صادق (علیه السلام) گفتم : با یک نفس آب نوشیدن رواست ؟ فرمود : مگر لذت جز این است ؟ گفتم : می گویند این ، نوشیدن شتران تشنه است . فرمود : نوشیدن شتران ، نوشیدن کسی است که نام خدا را بر آن نبرد . ۳۹۲ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر که ایستاده آب بنوشد و مرضی بدو رسد ، هرگز شفا نمی یابد . ۳۹۳ - مردی ایستاده آب می نوشید ، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) او را دید و فرمود : خوش داری که گریه با تو بنوشد ؟ گفت : نه . فرمود : بسا بتر از آن با تو بنوشد و آن شیطان است . (سنت است که ، (آب نوش) ، از جای شکسته (جام) آب ننوشد ، و با سه نفس بنوشد . و نوشیدن را با نام خدا آغاز کند . و چون فارغ شد حمد خدا گوید . و در جام آب نفس نکشد .) ۳۹۴ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : آروغ (باد گلو) نعمتی از نعمتهای خداست ، چون یکی از شما آروغ زد خدا را حمد کند و صدای آروغش را بلند نکند . ۳۹۵ - و امام حسن (علیه السلام) فرمود : شگفتا از کسی که در خوراک خود می اندیشید و در دانش خود نمی اندیشید ، شکم خود را از آن چه آزارش می دهد دور نگه می دارد و در سینه اش مایه هلاکت خود را می نهد . ۳۹۶ - امام حسین (علیه السلام) فرمود : با برادرم حسن و برادرم محمد بن حنفیه و عبدالله بن عباس و قثم و فضل ، بر یک سفره بودیم که ملخی روی سفره نشست ، ابن عباس آنرا گرفت و به حسن (علیه السلام) گفت : آقا ، می دانی روی بال این ملخ چه نوشته است ؟ فرمود : پدرم از جدم (صلی الله علیه و آله و سلم) شنید که او فرمود : بر بال ملخ نوشته است أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا رَبُّ الْجَرَادِ وَ رَازِقُهَا إِذَا شِئْتُ بَعَثْتُهَا لِقَوْمٍ رِزْقًا وَإِذَا شِئْتُ بَعَثْتُهَا عَلَى قَوْمٍ بَلَاءٍ مِنْ أَنْ خَدَّيْمُ كَمَا مَعْبُودِي جَزْمَنْ نِيسْت ، پروردگار ملخ و روزی ده اویم ، اگر بخواهم آن را روزی مردمی کنم یا برای قومی بلا فرستم . ابن عباس برخاست و سر امام حسن (علیه السلام) را بوسید و گفت : این از علم مکنون (سر به مهر) است . ۳۹۷ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : قدر نمک را بدانید که شفای هفتاد بیماری در آن است ، که نخستین آنها جذام و پیسی و جنون اند . ۳۹۸ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : هر کس خوردن طعام را با نمک آغاز کند خداوند هفتاد بیماری را از او ببرد . ۳۹۹ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

فرمود: ای علی، خوردن غذا را، با نمک آغاز کن و با نمک پایان ده که در آن شفای هفتاد بیماری است. ۴۰۰ - و فرمود: خدا و فرشتگان بر سفره ای که روی آن نمک و سرکه باشد درود می‌فرستند. ۴۰۱ - بزیع بن عمر بن بزیع گفت: به محضر امام باقر (علیه السلام) رسیدم، دیدم او در کاسه ای سیاه، که در وسط آن با رنگی زرد قل هو الله احد نوشته بود، سرکه و روغن زیتون می‌خورد. فرمود: بزیع بیا، و من نزدیک رفتم، و با او خوردم وقتی نان تمام شد سه جرعه از آن آب مایع سرکه و روغن سر کشید، سپس آن را به من داد و من بقیه را سر کشیدم. ۴۰۲ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: سرکه زیتون از طعام پیامبران است. ۴۰۳ - سرکه خورش خوبی است، صفرا را می‌شکند و قلب را زنده می‌کند و لثه را سخت می‌سازد و کرمهای شکم را می‌کشد. ۴۰۴ - و فرمود: (نان) خورش کردن سرکه، شهوت زنا را می‌برد. ۴۰۵ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: سرکه انگور بخورید که کرمها را می‌کشد و از روغن زیتون استفاده کنید، آن را بخورید و بر تن بمالید، که هر کس آن را بخورد و بر تن مالد شیطان تا چهل روز به او نزدیک نشود. ۴۰۶ - و فرمود: روغن زیتون بخورید که آن صفرا را یک سو کند و بلغم را ببرد و عصب را سخت سازد و خلق را نیکو و نفس را خوشبو کند و غم را بزدايد. ۴۰۷ - ابو عمرو قاضی گفت: پدرم، یوسف بیمار شد. شبی گفت: در خواب شنیدم کسی می‌گوید ((لا)) بخور و ((لا)) بنوش، خوب می‌شوی. کسی را در پی ابوعلی خیاط فرستادیم و تعبیر از او خواستیم. او گفت: شگفت تر از این نشنیدم، خوابها با قرآن و حدیث تعبیر می‌شوند، مهتم دهید تا ببیندیشم. فردا که شد آمد و گفت: دیشب به این آیه گذشتم شَجَرَةٌ مُّبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٌ لِأَشْرَقِيَّةٍ وَ لَأَعْرَبِيَّةٍ (۳۶) نگرستم، دیدم که ((لا)) در آن دو بار آمده است. آن، درخت زیتون است، به او روغن زیتون بنوشانید و طعام زیتون بخورانید. و ما چنین کردیم، همین سلامتیش را سبب شد. ۴۰۸ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: انگور را دانه دانه بخور، لذیذتر و گواراتر است. ۴۰۹ - و فرمود: خرما را ناشتا بخورید، کرمهای شکم را می‌کشد. ۴۱۰ - و فرمود: وقتی غذا می‌پزید کدو (ی حلوایی) در آن زیاد بریزید که قلب محزون را شاد می‌کند. ۴۱۱ - و او فرمود: کدو بخورید؛ که مغز افزاست. ۴۱۲ - و فرمود: عدس بخورید که مبارک و پاکیزه است و نازک دلی می‌آورد و اشک را بسیار می‌کند، و هفتاد هزار پیامبر از جمله عیسی (علیه السلام) برای آن برکت خواسته اند. ۴۱۳ - و فرمود: هر کس کدو با عدس بخورد، قلبش به هنگام ذکر خدا رقیق شود و در مغزش افزوده گردد. ۴۱۴ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: گیاه شیرین بیان هفتاد گونه از گونه های بلا را دور می‌کند. ۴۱۵ - مفضل بن عمر گفت: بامدادی بود که به محضر امام صادق (علیه السلام) آمدم و او بر سفره طعام بود. فرمود: مفضل، پیش بیا و صبحانه بخور. گفتم: آقا، صبحانه خورده ام. فرمود: برنج است. گفتم: سرورم، من خورده ام. فرمود: بیا تا حدیثی برای تو روایت کنم. پیش رفتم و نشستم. فرمود: پدرم از پدرانش، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برایم حدیث کرد که او فرمود: نخستین دانه ای که به یگانگی خدای سبحان و نبوت من و وصایت برادرم علی، به بهشتی بودن امت یکتاپرست من اعتراف کرد، برنج بود. آن گاه فرمود: بیشتر بخور، تا آگاه ترت کنم و من بیشتر خوردم. فرمود: هر چه از زمین بروید در آن درد و درمان است جز برنج که در آن درمان است و دردی نیست. آن گاه فرمود: تو بیشتر بخور تا بیشتر آگاهت کنم. و من بیشتر خوردم. فرمود: پدرم از پدرانش از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برایم حدیث کرده که فرمود: برنج گرسنه را سیر می‌کنند و سیر را گواراست. ۴۱۶ - و (علیه السلام) فرمود: خوشترین طعام نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آش انار بود. ۴۱۷ - و فرمود: ترید (نان خیس شده در آبگوشت) طعام عرب است. ۴۱۸ - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: روزی به کسی که طعام می‌دهد از کارد در کوهان شتر زودتر می‌رسد. ۴۱۹ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: به مسکینان برس و سیرشان کن، که خدای تعالی فرماید: وَمَا يُبْدِيُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (۳۷) (با آمدن حق که قرآن است) باطل نه تازه کاری تواند کند و نه کار گذشته خود را تواند از سر گیرد. (۳۸)

۴۲۰- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر در چیزی شفا باشد در بیشتر حجامتگر یا در نوشیدن عسل است. ۴۲۱- و فرمود: چون خون کسی جوشان شد و بر او غلبه کرد، حجامت کند. ۴۲۲- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: سه چیز حافظه را زیاد می‌کند و بلغم را می‌برد: خواندن قرآن، و عسل، و کندر. ۴۲۳- و او (علیه السلام) فرمود: بوی خوش، (شادی بخش (و افسون بر است، مرکب، (نشاط آور و) افسون بر است، سبزه، (فرح انگیز و) افسون بر است. ۴۲۴- و فرمود: طلحه به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد. رسول خدا بیهی در دست داشت، آن را به سوی او انداخت و فرمود: بگیری ای ابومحمد، که قلب را نیرو و آرامش می‌بخشد. ۴۲۵- و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به زنان باردارتان به بخورانید که اخلاق فرزندانتان را نیکو می‌کند. ۴۲۶- و فرمود: در عسل برکت نهاده شده است، و در آن شفای دردهاست و هفتاد پیامبر برای آن برکت خواسته اند. ۴۲۷- ریان گفت: به امام صادق (علیه السلام) گفت: برایتان حلوا درست کنم؟ فرمود: اگر برای من درست می‌کنید با روغن درست کنید. ۴۲۸- و فرمود: روغن تابستان بهتر از روغن زمستان است. ۴۳۰- فرمود: پنیر خوب لقمه ای است، دهان را خوشبو و غذای پیش از خود را هضم می‌کند، و گواراگر غذای بعد است. ۴۳۱- و فرمود: شیر گاو دواست. ۴۳۲- روایت است: شیر شتر، درمان هر بیماری و آفت است. ۴۳۳- عبدالله بن سنان گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: پیامبری از پیامبران از ضعف به خداوند شکایت کرد. جواب آمد که، گوشت را با شیر بپز. فرمود: این دو بدن را سخت و نیرومند می‌کنند. گفتم: این، همان آش دوغ است؟ فرمود: نه، گوشت با شیر دوشیده. ۴۳۴- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: گوشت بخورید که گوشت می‌رویاند، و هر کس چهل روز ترک گوشت کند، بد خلق شود. ۴۳۵- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سخن از گوشت و پیه به میان آمد. و فرمود: پاره ای از آن در اندرون جا نگیرد مگر این که جای خود شفا رویاند و مرضی را از جای خود ببرد. ۴۳۶- لذیذترین گوشت، گوشت جوجه ای است که بال گشوده یا نزدیک به بال گشودن باشد. ۴۳۷- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: آتش کینه‌ها را با گوشت و ترید خاموش کنید. ۴۳۸- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) مردی فربه را دید، به او فرمود: چه می‌خوری؟ گفت: در سرزمین من گندم نیست و من گوشت و شیر می‌خورم. فرمود: دو گوشت را با هم جمع کردی. ۴۳۹- و او (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: کدو بخور، که هر کس کدو بخورد خلقتش نیکو شود و رویش شکفته و شاداب گردد. و آن طعام من و طعام پیامبران پیش از من بوده است. الف) گوشت را سر سفره با کارد نبر که این کار عجمهاست، آن را به دندان بگیر که گواراتر و لذیذتر است. ب) ریزه‌های سفره‌ات را بخور که فقر را از تو دور می‌کند، و آن، مهریه حوالعین است، و کسی که آن را بخورد قلبش از علم و حلم و ایمان و نور پر شود. ج) و خلال کن که با دشنام (باد سرخ و زشت گونه‌ها و سرانگشتان) را می‌برد. د) با، نی و چوب درخت مورد و چوب درخت انار خلال نکن. ۴۴۰- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: در چوبک دهان شویه تان سعد بگذارید. (و دهانتان را با آن بشوید) که دهان را خوشبو و نیروی جماع را افزون می‌کند. (در متن ((اشناکم: چوبک دهان شویه تان)) آمده است، و ظاهر آن است که ((اءسنانکم: دندانهایتان)) باشد، و بنا بر این ترجمه آن چنین می‌شود: دندانهایتان را با سعد بشوید که... ۴۴۱- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در خود حرارتی یافت، خرفه ای را دندان زد و از آن راحتی یافت و فرمود: بار خدایا، برکتش ده. در آن شفای نود و نه بیماری است، هر کجا که خواهی بروی. ۴۴۲- و فاطمه زهرا (علیه السلام) این سبزی را دوست داشت، از این رو به او نسبت دادند و گفتند بلقۀ الزهراء سبزی زهرا چنان که شقایق را به نعمان نسبت دادند پس از آن بنی امیه نامش را دیگر کردند و گفتند بلقۀ الحمقاء سبزی نادان سپس برخی از دانشوران ایشان از این نام دفاع کردند و گفتند: حمقاء صفت این سبزی است چرا که در گذرگاه مردم و جای سم ستوران می‌روید و لگدمال می‌شود و نشو و نما می‌کند. ۴۴۳- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس سداب (۳۹) بخورد از

درد و دمل و سینه پهلو ایمن به خواب می رود. و هر کس کاسنی بخورد و پس از آن بخوابد، سحر و اندوه در او اثر نکند و تا با صبح هیچ جنبنده ای، مار و عقربی، به او نزدیک نشود؛ کاسنی بخورید و آن را نتکانید زیرا هر روز روی آن قطره های از بهشت می چکد. ۴۴۴- از صالح مردی روایت است که گفت: زمانی برخاستن برای نماز شب مرا دشوار شد و این، اندوهگین کرد. امام زمان (علیه السلام) را در خواب دیدم، به من فرمود: آب کاسنی بنوش، خداوند برخاستن را آسانت می کند. و من از آن دو بسیار نوشیدم، آسانم شد. ۴۴۵- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: روغن بنفشه به خود بمالید که در تابستان خنک و در زمستان گرم است. ۴۴۶- و فرمود: برتری روغن بنفشه بر روغنهای دیگر مانند برتری اسلام بر دینهای دیگر است. ۴۴۷- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون خواستی روغنی را برای مالیدن به خود برگیری، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرِّبَةَ (الرِّبْنَةَ) وَالذِّينَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالشَّيْطَانِ ۴۴۸- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: انار بخورید، هر دانه از آن که در معده افتد، قلب را روشن کند و زبان شیطان را تا چهل روز بند آورد. (و اگر به جای ((اخرست: زبانش را بند آورد ((اخرجت)) باشد، ترجمه اش این می شود: و شیطان را تا چهل روز بیرون می کند. ۴۴۹- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: انار با پیه اش بخورید، معده را می پیراید. ۴۵۰- و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: ابن عباس هر گاه انار می خورد کسی را در آن با خود شریک نمی کرد و می گفت: هر اناری دانه ایاز دانه های بهشت دارد. ۴۵۱- امیرالمؤمنین (علیه السلام) را، تب گرفته بود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به بالینش آمد و او را به خوردن سنجد امر کرد. ۴۵۲- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در خانه جابر، خدایش از او خوشنود باد، بود. خوراک بادنجان برای ایشان آوردند، و او شروع به خوردن کرد. جابر گفت: بادنجان حرارت دارد. فرمود: جابر چنین نیست. این نخستین گیاهی است که به خدا ایمان آورد. بریانش کنید و بپزید و به آن روغن زیتون و ماست بزنید که حکمت افزاست. ۴۵۳- از امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره این کلام خدای تعالی لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (۴۰) و به یقین در آن روز از نعیم می پرسندتان)) پرسیدند. فرمود: آن نعمت خرمای تازه و آب خنک است. ۴۵۴- روایت است که ابوحنفیه از امام صادق (علیه السلام) درباره این آیه لَتَسْتَلْنَ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ و آنچه در تفسیرش گذشت (خرمای تازه و آب خنک) پرسید. امام (علیه السلام) فرمود: اگر خداوند روز قیامت تو را در برابر خود، سرپا نگه دارد تا از هر لقمه ای که خورده ای و هر جرعه ای که نوشیدن پیرسد، و قوف تو در پیشگاه خداوند به درازا می کشد. گفت: پس شما آن نعیم را چه می دانی؟ فرمود: آن نعیم ما اهل بیت هستیم که خداوند به بندگان داده است، که اگر پس از آن پراکندگی به واسطه ما همبستگی یافتند، به خداوند دلهای ناسازگارشان را به وجود ما با یکدیگر انس و الفت داد، و هم به واسطه ما آنان را از شرک و گناهان رهانید، و با هم برادرشان کرد، و به وسیله ما هدایتشان، این، آن نعمتی است که گسسته نمی شود، و خداوند از حق این نعمت که به ایشان داده است پرسش می کند؛ و آن پیامبر و خاندان او هستند. ۴۵۵- در روایت است که: گوشت پخته بره فربه را بخور، نه گوشت که نمک سود و نه گوشت شتر و گاو. ۴۵۶- میوه را به هنگام آمدن فصلش بخور. و بهترین میوه ها، انار و بالنگ است. و خوش ترین گلها، گل سرخ و بنفشه است، و بهترین سبزی ها، کاسنی و کاهوست و، بهترین و گواراترین، آبها، آب رودهای بزرگ است؛ خنک ترین و زلالترین آنها. ۴۵۷- ابن عباس، خداوند از او خوشنود باد، گفت: خداوند آبهای شیرین را پیش از روز قیامت بالا می برد، جز زمزم که آب آن تب و سر درد را از بین می برد؛ و نگاه کردن در آن، چشم را جلا می دهد. و هر کس آن را برای شفا بنوشد، شفایش دهد. و هر کس برای گرسنگی بنوشد. خداوند سیرش کند. ۴۵۸- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: تگرگ خوردنی نیست، چرا که خداوند فرمود: ((يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ (۴۱) هر کس را بخواهد بدان گزند رساند. ۴۵۹- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس این سبزی های بودار، سیر و پیاز را بخورد، در مجلس ما حاضر نشود، که فرشتگان از آنچه مسلمانان را می آزارد، آزرده می شوند. ۴۶۰- و هر کس تره صحرايي بخورد و بخوابد، دو فرشته همراهش از او کناره گیرند تا به صبح درآید. (۴۲) ۴۶۱- و فرمود: هر کس تره تیزک سبزی شاهی بخورد و

بخواهد . رگ جدام در بینی اش با او در ستیز باشد . (۴۳) ۴۶۲ - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : ای علی ، نه چیز فراموشی می آورد : خوردن سیر ترش و گشنیز و پنیر و پس مانده موش ، و بول کردن در آب راکد ، و خواندن سنگ قبر ، و راه رفتن از بین دو زن ، و شپش افکندن ، و در گودی پشت زیر گردن حجامت کردن . علی ، از سه چیز بیم جنون می رود : غائط کردن میان قبرها ، و راه رفتن در یک کفش ، و تنها خفتن مرد . علی ، هر کس شکمش آب زرد آورد ، آیه الکرسی را بنویسد و آبش را بنوشد و به خواست خدا خوب شود . قُلْ اَدْعُوا اللّٰهَ اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيًّا مَا تَدْعُوْنَ فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی وَ لَا تَجْهَرُوْا بِصَلٰتِكَ وَ لَا تَخَافُ بِهَا وَ اَتَّبِعْ بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِّنَ الدُّلِّ وَ كِبْرَهُ تَكْبِيْرًا (۴۴) لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُوْلٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيْزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيْصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِيْنَ رَءُوْفٌ رَّحِيْمٌ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ (۴۵) برای امت من امان از سرقت است . علی ، مسواک زدن ، ده فایده دارد : سنت است ، و ثواب دارد ، دهان را پاکیزه می کند و چشم را جلا می دهد و پروردگار تبارک و تعالی را خوشنود می کند ، و بینی شیطان را به خاک می مالد ، و اشتهای غذا می آورد ، و بلغم را می برد ، و حافظه را زیاد می کند ، و حسنات را دو چندان می کند ، و فرشتگان شاد می شوند . ۴۶۳ - و فرمود : راه قرآن را پاکیزه کنید . گفته شد : ای رسول خدا ، راه قرآن کدام است ؟ فرمود : دهانهایتان . گفتند : با چه پاکیزه کنیم ؟ فرمود : با مسواک زدن . ۴۶۴ - و فرمود : مسواک را به پهنا بزید و به درازا نکشید . ۴۶۵ - و فرمودند : شستن دندانها را با انگشت شست و انگشت اشاره هنگام وضو ، (نیز) مسواک زدن است . دعای مسواک زدن : اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِيْ حَلَاوَةً نِّعْمَتِكَ وَ اَذِقْنِيْ بَرْدَ رَوْحِكَ وَ اَطْلِقْ لِسَانِيْ بِمُنَاجَاةِكَ وَ قَرِّبْنِيْ مِنْكَ مَجْلِسًا وَ اَرْفَعْ ذِكْرِيْ فِي الْاَوَّلِيْنَ اَللّٰهُمَّ يَا خَيْرَ مَنْ سُوِّلَ وَ يَا اَجْوَدَ مَنْ اُعْطِيَ حَوْلُنَا مِمَّا تَكَرَّرَ اِلَيْ مَا تُحِبُّ وَ تَرْضٰى وَ اِنْ كَانَتِ الْقُلُوْبُ قَاسِمِيَّةً وَ اِنْ كَانَتِ الْاَعْيُنُ جَامِدَةً وَ اِنْ كُنَّا اَوْلٰى بِالْعِيَابِ فَانْتِ اَوْلٰى بِالْمَعْفُوَةِ اَللّٰهُمَّ اَحْيِنِيْ فِيْ عَافِيَةٍ وَ اَمِتْنِيْ فِيْ عَافِيَةٍ ۴۶۶ - فضل بن شاذان ، خدایش از او خوشنود باد ، گفت : شنیدم امام رضا (علیه السلام) می فرمود وقتی سر امام حسین (علیه السلام) را به ششام بردند ، یزید که نفرین خدا بر او باد دستور داد تا آن سر مقدس را آوردند . و در تشتی پائین تخت گذاردند و صفحه شطرنج را گسترده و یزید نفرین شده ، به بازی شطرنج نشست و به حسین و پدر و جدش صلوات الله عليهم اجمعین بدو ناروا می گفت و ریشخندشان می کرد . و چون قمار را از همبازی خود برد ، جام آبجو را به دست گرفت و سه بار سر کشید و باقیمانده را کنار تشت ریخت . پس هر کس شیعه ماست ، آبجو ننوشد و بازی شطرنج نکند ، و چون نگاهش به آبجو و شطرنج افتاد ، حسین (علیه السلام) را به یاد آورد و یزید و آل زیاد را لعن کند . خدای عزوجل بدین کار ، گناهان او را پاک کند ، اگر چه به شمار ستارگان باشد . ۴۶۷ - امام زین العابدین (علیه السلام) نماز صبح را که می گزارد آن قدر در مصلاهی خود می نشست تا خورشید بدمد ، آن گاه برمی خاست و نمازی طولانی می گزارد و پس از آن در خواب کوتاهی می کرد و بیدار می شد و مسواک می زد ، پس از آن می فرمود تا صبحانه بیاورند . ۴۶۸ - مختار ، سر عمر بن سعد را برای امام زین العابدین (علیه السلام) فرستاد و پیغام داد : به کسی نگو چه داری تا سفره را بگستراند . چون سفره را نهادند ، امام (علیه السلام) داخل شد و به سجده افتاد و بسیار گریست ، آنگاه نشست و فرمود : ستایش آن خدای را که پیش از وفاتم ، انتقامم را گرفت .

باب سوم : بیماری و بهره های آن

بخش یکم : نماز بیمار ، ادب بیماری ، و دعا به هنگام بیماری

قسمت اول

۴۶۹ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : بیمار ، چهار بهره از بیماری می برد قلم تکلیف از او برداشته شود . خداوند فرشته

ای را امر کند تا هر عملی را که هنگام سلامتی کرده است برایش بنویسد. هر عضوی از عضوهای بیمار از آن بهره مند گردد و گناهان از آن عضوها بیرون شوند. اگر بمیرد آمرزیده میرد و اگر زنده بماند آمرزیده بزید. ۴۷۰ - و فرمود: مسلمان وقتی از پیری سست و ناتوان شد، خداوند فرشته‌ای را امر می‌کند تا آنچه را در جوانی و نشاط و نیرومندی می‌کرده است در این حال برای او بنویسد. و چنین است زمانی که بیمار شود؛ خداوند فرشته‌ای را امر می‌کند تا در بیماری او، او هر عمل خیری را که هنگام سلامتی اش می‌کرده است برایش بنویسد. ۴۷۱ - و فرمود: چهار چیز از گنجهای بهشتند: پنهان داشتن فقر و پنهان داشتن صدقه و پنهان داشتن مصیبت و پنهان داشتن درد. ۴۷۲ - روایت است که موسی (علیه السلام) گفت: پروردگارا مرا عملی نما که چون آن کنم رضای تو به دست آرم. خداوند به او وحی کرد: ای پسر عمران، رضای من در چیزی است که ناپسند توست، و تو تاب آن نیآوری. موسی (علیه السلام) به سجده افتاد و گریست و گفت: تو مرا ویژه سخن خود کردی و پیش از من با هیچ بشری سخن نگفتی، حال مرا عملی نشان ندهی که بدان رضای تو جویم؟! وحی آمد که، رضای من در رضای تو به قضای من است. ۴۷۳ - امام زین العابدین (علیه السلام) را از زهد پرسیدند: فرمود: زهد ده جزء است: برترین درجات زهد پائین ترین درجات پرهیزکاری است و بالاترین درجات پرهیزکاری است و بالاترین درجات یقین است و برترین درجات یقین کمترین درجات رضاست؛ بدان که زهد کامل در آیه ای از کتاب خدا آمده است لَكَيْلًا تَأْسُوْا عَلٰی مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوْا بِمَا آتَاكُمْ (۴۶) تا هرگز بر آنچه از دستتان رفته است افسوس نخورید و به آنچه شما را داده است دلشاد نگردید. مرد گفت: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ فَرَمُود: و من می‌گویم لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. هر گاه کسی از شما لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ گفت، و الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ بگوید، چرا که خدای تبارک و تعالی فرمود: فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۴۷) پس او را با اخلاص بخوانید، که جزا دادن ویژه اوست. و ستایش خدایی راست که پروردگار عالمیان است)). ۴۷۴ - امام باقر (علیه السلام) فرمود: مردم در گذشته بی سبب می‌مردند. زمان ابراهیم (علیه السلام) که رسید، گفت: پروردگارا مرگ را سببی گذار تا مرده بدان اجر یابد. ۴۷۵ - ابن عباس، خدایش از او خوشنود باد، گفت: روزی ایوب (علیه السلام) به او گفت: چه خوب است که خدا را بخوانی و تا شفایت دهد. فرمود: هفتاد سال در نعمت بودیم، بیا تا به مانند آن در بلا شکبیا باشیم. از این گفت و گو اندکی بیش نگذشت که ایوب عافیت یافت. ۴۷۶ - ابن مبارک گفت: به مردی مجوس گفتم: ایمان نمی‌آوری؟ گفت: نه. گفتم: چرا؟ گفت: زیرا مومنان چهار خوی و مرام دارند که من خوش ندارم؛ سخن می‌گویند و عمل نمی‌کنند. گفتم: آن خویها چیست؟ گفت: جملگی می‌گویند، فقیران امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پانصد سال پیش از اغنیا به بهشت می‌روند، و من هیچ یک از آنان را ندیدم که فقر خواهد، بلکه از آن می‌گریزند. و می‌گویند، گناهان بیمار پاک و آمرزیده می‌شود، و من کسی را از آنان را ندیدم که بیماری خواهد، بلکه از آن شکوه می‌کنند و می‌گریزند. و پندارند که خداوند روزی ده بندگانه است، و شب و روز در پی روزیند و آرام نمی‌گیرند. و چنین دانند که مرگ حق و عدل است، و چون یکی از آنان بمیرند ناله شان به آسمان می‌رود. روایت است که گفت و گوی این مرد مجوسی با امام صادق (علیه السلام) بود و به دست او اسلام آورد و وفات یافت. ۴۷۷ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: در شگفتم از مومن و ناشکیبی او از بیماری؛ اگر او بداند که در بیماری چه دارد، دوست می‌دارد که پیوسته در بیماری سر کند تا پروردگارش عزوجل را دیدار کند. ۴۷۸ - و ابن عباس خداوند از او خوشنود باد گفت: چون خداوند می‌دانست که کردارهای نیک بندگان با گناهانشان برابری نکنند و آنها را فرانگیرد، و بیماری را برای آنان آفرید و تا گناهانشان را بدان پاک کند. ۴۷۹ - از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پرسیدند: کدامین مردم در بلای سخت ترند؟ فرمود: پیامبران و پس از ایشان، صالحان و پس از ایشان هر کس که بدیشان ماند و مانند تر باشد. ۴۸۰ - و فرمود: چون خداوند بنده ای را دوست بدارد. گرفتارش کند، و اگر بسیار دوست بدارد، او را ویژه کند. گفتند: چگونه ویژه خود کند؟ فرمود: برایش مال و فرزندی نگذارد. ۴۸۱ - و فرمود: از نیکویی های نهفته و ارزشمند، نهان داشتن مصیبتها و بیماریها و صدقه

هاست . ۴۸۲- و فرمود : ما زندگی صبورانه را بهترین شیوه زندگی یافتیم . ۴۸۳- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : بی تابی ، رنج آورتر از شکیبایی است . ۴۸۴- و فرمود : به شما بگویم که برترین و امید بخش ترین آیه در کتاب خدای عزوجل کدام است ؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را برای ما فرمود : **وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ (۴۸)** هر مصیبتی شما را رسد سببش کردارهای خودتان است ، و خدا از بسیاری از آنها گذرد . (ای علی ، اکنون برایت تفسیرش کنم ، هر بیماری و عذاب و بلا که در دنیا به مردم رسد ، دستاورد خودشان است ، و خدای عزوجل کریم تر از آن است که در آخرت بار دیگر آنان را عذاب کند . و آنچه را در دنیا از آن چشم پوشیده است ، خدای تبارک و تعالی حلیم تر و کریم تر از آن است که در عفو باز نگیرد و در آخرت از آن نگذرد . ۴۸۵- خدای عزوجل می فرماید : من اگر بنده ای از بندگان مومنم را در بستر به بلایی دچار کنم و او به عیادت کنندگانش شکایت نکند ، گوشتی بهتر از آن گوشت که دارد و خونی بهتر از آن خون که دارد برایش جایگزین کنم . و اگر جان او را بگیرم به سوی رحمت من رهسپار است و اگر به او عافیت دهم ، عافیت دهم در حالی که گناهی ندارد . گفتند : ای رسول خدا ، چه گوشتی بهتر از گوشت خود اوست ؟ فرمود : گوشتی که گناهی ندارد و خونی بهتر از آن خون که گناهی ندارد . ۴۸۶- ابوذر بیمار شد و من نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رفتم و گفتم : ای رسول خدا ، ابوذر بیمار است . فرمود : به عیادتش می رویم . و ما جملگی به عیادتش رفتیم . چون نشستیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود : ابوذر ، شب را چگونه به صبح آوردی ؟ گفت : در آتش و سوزش تب به صبح آوردم . فرمود : در گلزاری از گلزارهای بهشت به صبح درآمدی . در آب حیات فرو رفتی و خداوند گناهان گذشته ات را بخشود . پس مزده باد تو را ای ابوذر . ۴۸۷- امام باقر (علیه السلام) فرمود : امام علی بن حسین (علیه السلام) فرمود : سخت بیمار شده بودم ، پدرم به من فرمود : چه میل داری ؟ گفتم : میل دارم از کسانی باشم که به پروردگارم جز آنچه او برایم تدبیر کند ، سفارشی نکنم . فرمود : آفرین ! ابراهیم خلیل (علیه السلام) را مانستی آنجا که جبرائیل (علیه السلام) به او گفت : حاجتی داری ؟ گفت : من به پروردگارم سفارشی نکنم ، خدایم مرا بسنده است ، و چه خوب و کیلی است . ۴۸۸- و امام صادق (علیه السلام) فرمود : امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیمار شد . گروهی به عیادت او رفتند و از او پرسیدند : ای امیرمؤمنان ، چگونه به صبح درآمدی ؟ فرمود : با شر به صبح درآمدم . گفتند : سبحان الله ! شما و چنین سخنی ؟ فرمود : خدای تعالی می فرماید : **وَنَبَلُوكُمْ بِالْأَشْرِّ وَالْأَخْبَرِ فَتَنَّا وَ إِنَّا تُرْجَعُونَ (۴۹)** و شما را از راه آزمایش به شر و خیر بیازماییم و به سوی ما بازگردانده می شوید . خیر ، سلامتی و بی نیازی است و شر و بیماری و نیازمندی است که برای آزمایش است . ۴۸۹- و امام رضا (علیه السلام) فرمود : هشت چیز است که جز به قضا و قدر خدا نباشد : خواب و بیداری ، و قوت و ضعف ، و صحت و بیماری ، و مرگ و زندگی . ۴۹۰- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : خدای عز و جل می فرماید : هر کس از قضای من راضی نیست و نعمت مرا آورده است . و هر کس از مصیبتی که به او رسیده است شکوه کند ، از خدای عز و جل شکوه کرده است . خدای عز و جل به عزیز وحی کرد : ای عزیز ، چون در مصیبتی افتادی به کوچکی آن منکر ، بنگر که چه کس را نافرمانی کرده ای . و چون روزی از سوی من به تو رسید به اندک بودنش منگر ، بنگر چه کس آن را به تو بخشیده است . و چون بلایی بر تو فرود آمد به خلق من شکایت مبر ، چنان که من وقتی بدیها و رسوایی هایت به سویم می آید ، از تو ، به فرشتگانم ، شکایت نکنم . ۴۹۱- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : هر کس مصیبتهای کوچک را بزرگ شمارد خداوند به مصیبتهای بزرگ مبتلایش کند . ۴۹۲- و فرمود : تا بیماریت با تو سر سازش و مدارا دارد و با آن مدارا کن . ۴۹۳- به ابوذر گفتند : از چه بیماری ، نالانی ؟ - گناهانم . - چه میل داری ؟ - بهشت . - طیب بر بالینت بخوانیم ؟ - طیب بیمارم کرد . ۴۹۴- ابوعمیده گفت : عمر نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت : ما سخنانی از یهود می شنویم که به شگفتان می آورد و آنها را نیکو می شماریم . اجازه می دهید که برخی از آنها را بنویسم ؟ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : آیا شما نیز چون یهود و نصاری سرگشته گشته اید ؟ ! من برای شما دین و آینی

روشن و پاک آوردم، اگر موسی زنده بود جز پیروی از من راهی نداشت. ابو عبیده گفت: معنی سخن او این است که، آیا شما در اسلام حیرانید و دین خود را نمی شناسید که از یهود و نصاری آن را فراگیرید؟ گویا از سخن عمر ناخرسند بود.

قسمت دوم

۴۹۵- دانشوری اسلام شناس نزد فضل بن یحیی آمد و فضل تب دار بود و بختیشوع طیب بر بالینش حاضر بود و می گفت: سزاوار است که از تب یک روزه، یا یک شبه یک سال پرهیز شود. مرد دانشور گفت: این مرد سخن درستی می گوید. فضل گفت: چه زود تصدیقش کردی! گفت: من چنین نکردم بلکه شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ((یک روز تب، کفاره گناهان یک سال است)) اگر اثر در بدن تا یک سال نمی ماند کفاره گناهان یک سال نمی شد. فضل از این رو به آن عالم خرده گرفت که عالمان اسلام، خلیفه و وزیران او را که مسیحیان را به جهت تبحر در پزشکی می داشتند، نکوهش می کردند. ۴۹۶- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: تب بهره هر مومن از آتش است. تب از جوشش شعله های آتش دوزخ است. تب پیشاهنگ مرگ است. ۴۹۷- از امام زین العابدین (علیه السلام) درباره طاعون پرسیدند، که آیا از مبتلای به آن بیزاری جوییم و او معذب است؟ فرمود: اگر خدای را نافرمان است طاعون زده باشد یا نباشد از او بیزاری جو، و اگر فرمانبردار خدای عزوجل است طاعون از آن چیزهاست که بدان گناهانش پاک می شود. خدای عزوجل قومی را بدان عذاب و قومی را دیگر رحمت می کند، و قدرت او برای آنچه خواهد شامل و فراگیر است، نمی بینید که او خورشید را برای بندگانش روشنایی و پزاینده میوه ها و رساننده روزی ها قرار داد، و قومی را آن عذاب می کند و در روز قیامت به سبب گناهانش به حرارت آن گرفتار می کند و در دنیا به سبب بدکرداریشان بدان گزند می رساند. ۴۹۸- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر سه چیز در این آدمی زاده نبود، هیچ چیزی سر او را به زیر نمی آورد: بیماری و مرگ و فقر، و با این که جمله اینها در اوست، او بسیار جفتک انداز است. ۴۹۹- و فرمود: مومن به هیچ رنجوری و ناخوشی و گزند و غم و اندوه و اندیشه پریشانگر مبتلا نشود مگر این که خداوند گناهانش را بدان پاک کند. از دنیا چه چشم دارید؟! جز ثروتی که سرکشی آورد و یا فقری که فراموشی زاید و یا بیماری که تباه گردد و یا پیری ای که سستی آورد و یا مرگی که آدمی را دریابد و نابود کند. ۵۰۰- و فرمود: هر آن بنده که بینایی دو چشم را از دست بدهد و بر آن بشکبید و به حساب و رضای خدا گذارد، بهشتی باشد. ۵۰۱- و فرمود: خداوند هر انسان پلید و سخت و سرکشی که گزند به جسم و مال او نرسیده است را دشمن می دارد. ۵۰۲- و او فرمود: بسا مردی که مرتبتی نزد خداوند دارد که به دانش خود بدان نرسد تا این که به بلائی در جسمش مبتلا شود و بدان مرتبت رسد. ۵۰۳- و فرمود: خدای عزوجل می فرماید: من چون به بنده ای از بندگانم مصیبتی در بدن یا مال یا فرزندانم رسانم و او با صبری و ستودنی با آن روبرو شود، روز قیامت از او شرم کنم که میزانی برایش گذارم تا نیک و بد عملش را بسنجم یا دفتر عملی برایش گشایم. ۵۰۴- و فرمود: مومن چون بیمار شود خداوند او را از گناهانش پاک کند چنان که کوره آهن را پاک کند. ۵۰۵- و فرمود: چهار کس عمل از سر گیرند: بیمار چون بهبودی یابد، و مشرک چون اسلام آورد، و حج گذار چون از مناسک فارغ آید، و نماز گزار جمعه چون با ایمان و به قصد کسب رضای خدا، از نماز باز گردد. ۵۰۶- و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس یک روز در مکه بیمار شود: خداوند به قدری که او شصت سال عبادت کند، برایش عمل صالح بنویسد. و هر کس ساعتی بر گرمای مکه صبر کند، خداوند آتش را به مسافت صد سال از او دور کند و بهشت را به مسافت صد سال به او نزدیک کند. دعای بیمار ۵۰۷- از امام صادق (علیه السلام): اللَّهُمَّ إِنِّي أَدْعُوكَ دُعَاءَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ الْفَقِيرِ دُعَاءَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَقَلَّتْ حِيلَتُهُ وَ ضَعُفَ عَمَلُهُ وَ أَلْحَ الْبَلَاءُ عَلَيْهِ دُعَاءَ مَكْرُوبٍ إِنْ لَمْ تُدْرِكْهُ هَلَكٌ وَإِنْ لَمْ تُسِجِدْهُ فَلَا حِيلَةَ لَهُ فَلَا تُحِطْ بِهِ مَكْرَكٌ وَلَا تُبَيِّتْ عَلَيَّ غَضَبَكَ وَلَا تَضْطَرَّنِي إِلَى الْيَأْسِ مِنْ رَوْحِكَ وَ الْقُنُوطِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَخُو نَبِيِّكَ وَ وَصِيُّ نَبِيِّكَ أَتَوَجَّهُ

بِهَ إِيْكَ فَإِنَّكَ جَعَلْتَهُ مَفْرَعًا لِحَلْقِكَ وَاسْتَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا سَبَقَ وَ مَا هُوَ كَائِنٌ فَاكْشِفْ بِهِ ضُرِّي وَ خَلِّصْنِي مِنْ هَذِهِ النَّيِّئَةِ إِلَى مَا عَوَّدْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ يَا هُوَ يَا هُوَ يَا هُوَ انْفِطَحِ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ ۵۰۸ - و او (علیه السلام) می فرمود: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ أَدْبًا وَ لِمَا تَجْعَلُهُ غَضَبًا بَارِ خَدَايَا (این بیماری را) برای ادب کردن (و صیقل دادن نفس من) قرار ده و غضب قرار مده. ۵۰۹ - و امام زین العابدین (علیه السلام) هر گاه بیمار می شد این دعا را می خواند: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا لَمْ أزلْ أَتَصَرَّفْ فِيهِ مِنْ سِلَامَةٍ بَدَنِي، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا أَحْدَثْتَ بِي مِنْ عِلَّةٍ فِي جَسَدِي فَمَا أَدْرِي، يَا إِلَهِي، أَيُّ الْحَالَيْنِ أَحَقُّ بِالشُّكْرِ لَكَ، وَ أَيُّ الْوَقْتَيْنِ أَوْلَى بِالْحَمْدِ لَكَ أَوْ قَتِ الصَّحَّةَ الَّتِي هُنَاتِنِي فِيهَا طَيِّبَاتِ رِزْقِكَ، وَ نَشِطْنِي بِهَا لِابْتِغَاءِ مَرْضَاتِكَ وَ فَضْلِكَ، وَ قَوِّئِنِّي مَعَهَا عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ مِنْ طَاعَتِكَ أَمْ وَقَتِ الْعِلَّةَ الَّتِي مَحَصَّتْنِي بِهَا، وَ النَّعْمَ الَّتِي أَتَحَفَّتْنِي بِهَا، تَخْفِيفًا لِمَا ثَقُلَ بِهِ عَلَيَّ ظَهْرِي مِنَ الْخَطِيئَاتِ، وَ تَطْهِيرًا لِمَا أَنْعَمْتَ فِيهِ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ تَنْبِيهًا لِتَنَاوُلِ النَّوِيَّةِ، وَ تَذْكَيرًا لِمَخْوِ الْحَوِيَّةِ بِقَدِيمِ النَّعْمَةِ وَ فِي خِلَالِ ذَلِكَ مَا كَتَبَ لِي الْكَاتِبَانِ مِنْ زَكَاةِ الْأَعْمَالِ، مَا لَا قَلْبٌ فَكَّرَ فِيهِ، وَ لِمَا لَسَانَ نَطَقَ بِهِ، وَ لَا جَارِحَةً تَكَلَّمَتْهُ، بَلْ إِفْصَالًا مِنْكَ عَلَيَّ، وَ إِحْسَانًا مِنْ صَبْرِكَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ فَضِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَ آلِهِ، وَ حَبِّبْ إِلَيَّ مَا رَضِيَتْ لِي، وَ يَسِّرْ لِي مَا أَحَلَّتْ بِي، وَ طَهِّرْ نَفْسِي مِنْ دَنَسٍ مَا أَسْلَفْتُ، وَ أَمْحُ عَنِّي شَرًّا مَا قَدَّمْتُ، وَ أَوْجِدْ نِي حَلَاوَةَ الْعَافِيَةِ، وَ أَدْفِنِي بِرَدِّ السَّلَامَةِ، وَ اجْعَلْ مَخْرَجِي عَنْ عِلَّتِي إِلَى عَفْوِكَ، وَ مَتَّحُولِي عَنْ صِدْرِعِي إِلَى تَجَاوُزِكَ، وَ خَلِّصْنِي مِنْ كَرْبِي إِلَى رَوْحِكَ، وَ سِلَامَتِي مِنْ هَذِهِ الشَّدَةِ إِلَى فَرَجِكَ إِنَّكَ الْمُتَفَضِّلُ بِالْإِحْسَانِ، الْمُتَطَوِّلُ بِالْإِثْمَانِ، السَّوْهَابُ الْكَرِيمُ، خَيْرٌ مَعِينٍ وَ مُسْتَعَانٍ. ۵۱۰ - دعایی دیگر از او (علیه السلام): رَبِّ انك قد حسنت خلقي و عظمت عافيتي و وسعت علي في رزقك و لم تزل تنقلني من نعمه إلى كرامه و من كرامه إلى رضی تجدد لي ذلك في ليلي و نهاري لا أعرف غير ما أنا فيه من عافيتك يا مولاي حتى ظننت أن ذلك واجب عليك لي و أنه لا ينبغي لي أن أكون في غير مرتبتي لأنني لم أذق طعم البلاء فأجد لذة الرضاء و لم يذلني الفقر فأعرف لذة الغنى فضل الأمن و لم يلهني الخوف فأعرف فضل الا من يا إلهي فأصبرحت و أمسيت في غفله مما فيه غيري ممن هو دوني نكزت و لم أشكر نعمائك و لم أشك في أن الذي أنا فيه دائم غير زائل عني و لا أحدث نفسي بانتقال عافيه و لا حلول فقر و لا خوف و لما حزن في عاجل دنيائي و في آجل آخرتي فحال ذلك بيني و بين التصرع إليك في دوام ذلك لي مع ما أمرتني به من شكرك و وعيدتني عليه من المزيد من لبدبك فسهوت و لهوت و غفلت و أشرت و بطرت و تهاوت حتى جاء التغيير مكان العافيه بحلول البلاء و نزل الضر منزل الصحه بأنواع الأذى و أقبل الفقر بإزاله الغنى فعرفت ما كنت فيه للذي صرت إليه فسألتك مسألته من لا يسئو جب أن تسمع له دعوة لعظيم ما كنت فيه من الغفله و طلبت طليه من لا يسئو تحق نجاح الطلبة للذي كنت فيه من اللهو و الغره و تضرعت تصرع من لا يسئو جب الرحمه للذي كنت فيه من الزهو و اللاسيتاله فركنت الي ما إليه صيرتني و إن كان الضر قد مسني و الفقر قد أذلني و البلاء قد جاني فإن يك ذلك يا الهی من سيخط علي فأعود بحلمك من سيخطك يا مولاي و إن كنت أردت أن تبلوني فقد عرفت ضغفي و قلته جيلتي إذ قلت: إن الإنسان خلق هلوعاً إذا مسه الشرجوعاً و إذا مسه الخير منوعاً (۵۰) و قلت: فأما الإنسان إذا ما ابتلاه ربه فأكرمه و نعمه فيقول ربّي أكرمن و أما إذا ما ابتلاه فقدرد عليه رزقه فيقول ربّي أهانن (۵۱) و قلت: إن الإنسان ليطغي أن رآه استغنى (۵۲) و قلت: و إذا مس الإنسان الضر دعانا لجنبه أو قاعداً أو قائماً فلما كشفنا عنه ضره مرر كأن لم يدعنا إلى ضر مسه (۵۳) و قلت: و إذا مس الإنسان ضر دعا ربه مئيباً إليه ثم إذا حوله نعمة منه نسي ما كان يدعو إليه من قبل (۵۴) و قلت: و يدع الإنسان بالشر دعاه بالخير و كان الإنسان عجولاً (۵۵) و قلت: و إننا إذا أدقنا الأنسن من رحمة فرح بها (۵۶) صدقت و بررت يا مولاي فهذه صفاتي التي أعرفها من نفسي و قد مضت بقدرتك في غير ان وعدتني منك وعداً حسناً أن أدعوك فتسبب لي فأنا أدعوك كما أمرتني فاسبب لي كما وعدتني و اردد علي نعمتك و أثقلني مما أنا فيه إلى ما هو أكبر منه حتى ابليغ منه رضاك و أنال به ما عندك فيما أعددت به لأوليايك الصالحين انك سميع الدعاء قريب مجيب و صلى الله على محمد و آله الطيبين الطاهرين الا خيار ۵۱۱ - و از جمله دعاهاى او (علیه السلام) به هنگام یاد کردن مرگ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنَا طُولَ الْأَمَلِ، وَ قَصْرُهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ حَتَّى لَا نُؤْمَلَ اسْتِثْمَامَ سَاعِيهِ بِعِيدِ سَاعِيهِ، وَ لَا اسْتِيفَاءَ يَوْمٍ بِعِيدِ يَوْمٍ، وَ لَا اتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ، وَ لَا لُحُوقَ قَلَمٍ

بَقَدَمِ (۲) وَ سَلَمْنَا مِنْ غُرُورِهِ ، وَ آمِنًا مِنْ شُرُورِهِ ، وَ أَنْصِبِ الْمَوْتَ بَيْنَ أَيْدِينَا نَضْبًا ، وَ لَا تَجْعَلْ ذِكْرَنَا آيَةً غِيْبًا (۳) وَ اجْعَلْ لَنَا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ عَمَلًا نَسْتَبْطِئُ مَعَهُ الْمَصِيرَ إِلَيْكَ ، وَ نَحْرِصُ لَهُ عَلَى وَشِكَ اللَّحَاقِ بِكَ حَتَّى يَكُونَ الْمَوْتُ مَأْنَسَنَا الَّذِي نَأْتِسُ بِهِ ، وَ مَا لَفْنَا الَّذِي نَشْتَأِقُ إِلَيْهِ ، وَ حَامَتْنَا الَّتِي نُحِبُّ الدُّنْيَ مِنْهَا (۴) فَإِذَا أَوْرَدْتَهُ عَلَيْنَا وَ أَنْزَلْتَهُ بِنَا فَاسْعِدْنَا بِهِ زَائِرًا ، وَ أَنْسِنَا بِهِ قَادِمًا ، وَ لَا تُشَقِّنَا بِضِيَّائِهِ ، وَ لَمَّا تُخْرِنَا بِزِيَارَتِهِ ، وَ اجْعَلْهُ بَابًا مِنْ أَبْوَابِ مَغْفِرَتِكَ ، وَ مِفْتَاحًا مِنْ مَفَاتِيحِ رَحْمَتِكَ (۵) أَمْتِنَا مُهْتَدِينَ غَيْرَ ضَالِّينَ ، طَائِعِينَ غَيْرَ مُسْتَكْرِهِينَ ، تَائِبِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَ لَا مُصْرَرِينَ ، يَا ضَامِنَ جَزَاءِ الْمُحْسِنِينَ ، وَ مُصْلِحَ عَمَلِ الْمُفْسِدِينَ وَ يَا قَابِلَ تَوْبَةِ التَّوَابِينَ ۵۱۲ - و از جمله دعاهاى بيمار: اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ نَنْتَظِرُهُ وَ الْقَبْرَ خَيْرَ مَنَزَلٍ نَعْمُرُهُ وَ اجْعَلْ مَا بَعْدَهُ خَيْرًا لَنَا مِنْهُ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لِي قَبْلَ الْمَوْتِ وَ ارْحَمْنِي عِنْدَ الْمَوْتِ وَ اغْفِرْ لِي بَعْدَ الْمَوْتِ بار خدایا مرگ را خوبترین غایبی قرار ده که چشم به راه آنیم و قبر را نیکوترین منزلی ساز که آبادش می کنیم و آنچه را پس از آن است برای ما بهتر از آن ساز. بار خدایا پیش از مرگ درستم کن و هنگام مرگ رحمتم کن و پس از مرگ ببخشایم. ۵۱۳ - روایت است که، علی بن سالم جعفری به امام باقر (علیه السلام) گفت: برایم دعا کن. فرمود اللَّهُمَّ أَحِبِّهِ مَحْيَاتًا وَ أَمْتَهُ مَمَاتًا وَ اسئَلُكَ بِهِ سَبِيلَنَا بار خدایا، حیاتی چون حیات ما به او ببخش و چون مرگ ما بمیرانش و او را رونده راه ما گردان)). و او به شهادت رسید. ۵۱۴ - و امام موسی بن جعفر (علیه السلام) این دعا را در سجده خود بسیار می خواند و بیایمی گفت اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَفْوَ عِنْدَ الْحِسَابِ بار خدایا از تو هنگام مرگ خیالی آسوده می خواهم و هنگام حسابرسی عفو تو را می طلبم. ۵۱۵ - و از جمله دعاهاى امام زین العابدین (علیه السلام) این دعاست: إِلَهِي وَ سَيِّدِي ارْحَمْنِي مَضْرُوعًا عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيْدِي أَحَبَّتِي وَ ارْحَمْنِي مَطْرُوحًا عَلَى الْمُعْتَسَلِ يَغْسِلُنِي صَالِحِ جِيرَانِي وَ ارْحَمْنِي مَحْمُولًا قَدْ تَنَاولَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي وَ ارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَ حَشْتِي وَ غُرْبَتِي مَعْبُودٍ وَ سرور من، آن گاه که در بستر افتاده ام و دستهای دوستدارانم مرا می گردانند، به من رحم کن. و آن گاه که مرا در جای شست و شو افکنده اند و همسایه ای درستکار از همسایگانم، مرا می شوید، به من رحم کن. و آن گاه که نزدیکانم چهار سوی تابوتم را گرفته اند و مرا می ریزند به من رحم کن. و در آن خانه تاریک، به وحشت و تنهایی و غربتم رحم کن. ۵۱۶ - و مناجاتی از امیرالمؤمنین (علیه السلام): إِلَهِي كَأَنِّي بِنَفْسِي قَدْ أَضْجَعْتُ فِي حُفْرَتِهَا وَ انْصَرَفَ عَنْهَا الْمُشَشِّعُونَ مِنْ جِيرَتِهَا وَ بَكَى الْغَرِيبُ عَلَيْهَا لِعُرْبَتِهَا وَ جَادَ عَلَيْهَا الْمُشْفِقُونَ مِنْ جِيرَتِهَا وَ نَادَاهَا مِنْ شَفِيرِ الْقَبْرِ ذُو مَوَدَّتِهَا وَ رَحِمَهَا الْمُعَادِي لَهَا فِي الْحَيَاةِ عِنْدَ صِرْعَتِهَا وَ لَمْ يَخْفَ عَلَى النَّاطِرِينَ ضَرْفَاقَتِهَا وَ لَا عَلَى مَنْ رَأَاهَا قَدْ تَوَسَّدَتِ الثَّرَى وَ عَجَزَ حِيلَتِهَا فَقُلْتُ مَلَأْنِيكَ فَرِيدٌ نَأَى عَنْهُ الْأَقْرَبُونَ وَ بَعِيدٌ جَفَاهُ الْأَهْلُونَ نَزَلَ بِي قَرِيبًا وَ أَصْبَحَ فِي اللَّحْدِ غَرِيبًا وَ قَدْ كَانَ لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا دَاعِيًا وَ لِنَظْرِي لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ رَاجِيًا فَتُحْسِنُ عِنْدَ ذَلِكَ ضِيَّافَتِي وَ تَكُونُ أَشْفَقَ عَلَيَّ مِنْ أَهْلِي وَ قَرَابَتِي

بخش دوم: دعا و صدقه و درمان با تربت سیدالشهداء (علیه السلام)

قسمت اول

۵۱۷ - رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: درمان کنید، آن کس که بیماری دارد همو دارو دارد. ۵۱۸ - و فرمود: خداوند بیماری نفرستاد مگر این که برای آن درمانی فرستاد. ۵۱۹ - و فرمود: خدای بی انباز با صدقه، هر بیماری، و طاعون زدگی یا غده و دمل کشنده و سوختن و غرق شدن و ویرانی و جنون و تا هفتاد گونه شر را برشمرد را دور می کند. ۵۲۰ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: صدقه دارویی کارگر است. ۵۲۱ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خداوند با صدقه هفتاد مرگ بد و ناگوار را پس می زند. ۵۲۲ - بیاع هروی، معاذ بن مسلم گفت: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم، سخن از درد به میان آمد، فرمود: بیمارانتان را با صدقه درمان کنید، چه می شود که هر کس از شما غذای یک روزش را صدقه

دهد؟ به فرشته مرگ دستور نامه ای داده شود تا جان بنده ای را بگیرد، و او صدقه ای می دهد، به فرشته مرگ پیغام می رسد، که دستور را بازگردان. ۵۲۳- داود بن زربی گفت: در مدینه سخت بیمار شدم و خبر بیماریم به امام صادق (علیه السلام) رسید، به من نوشت: خبر بیماریت را دریافت کردم، صاعی (چهار مد، برابر با سه کیلوگرم) گندم بخر و بر قفا دراز بکش و روی سینه ات بپاش، هر گونه که پخش شد و بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلَكَ بِهِ الْمُضْطَّرُّ كَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَ مَكَّنْتَ لَهُ فِي الْمَأْرُضِ وَ جَعَلْتَهُ خَلِيفَتِكَ عَلَى خَلْقِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي هَذِهِ أَنْ غَاةَ بِرِخِيزٍ وَ بَنَشِينٍ وَ كُنْدَمَهَا رَأَى بِرَامُونَ خُودِ جَمْعَ كُنْ وَ هَمَانَ دَعَا رَأَى بَخْوَانَ وَ أَنْ رَأَى بِهَ چَهَارِ مَدِ (هر مد به اندازه پری دو کف است، نزدیک به ده سیر) قسمت کن، هر مد برای یک مسکین و آن دعا را بخوان. داود گفت: این کار را کردم چنان شد که گویا از پایبند رسته ام. ۵۲۴- عکرمه گفت: پادشاهی از بنی اسرائیل در میان مردم خود آواز داد که، هر کسی از هر شهری از شهرهای این سرزمین، صدقه دهد، دستش را می برد و او را از سرزمینش می راند. زنی دو گرده نان صدقه داد. پادشاه شنید و دستش را برید و از شهر بیرونش کرد. زن به همراه کودک خردسال خود بیرون رفت تا به رودی رسید، کنار آن رود رفت تا آبی بنوشد، کودک در آب افتاد و زن سرگشته مانده که ناگاه مرد را دید. مردان به او گفتند: چه می گویی (و چه حالی می شوی) اگر خدای دست و فرزندت را به تو بازگرداند؟ گفت: مگر این کار ممکن است؟! مردان دست به دعا برداشتند و برایش دعا کردند و خداست دست و فرزندش را به او بازگرداند. زن گفت: شما را به خدا سوگند، شما کیستید؟ گفتند: ما آن دو گرده نان توایم. ۵۲۵- روایت است که سائلی از زنی کمک خواست و زن لقمه ای که در دهان داشت چیزی مهیا نداشت. آن را بیرون آورد و به سائل داد. او را کودکی در گهواره بود، اندکی پیش نگذشت که گرگی آمد و کودک را ربود. زن اندکی گرگ را پی کرد. گرگ بی هیچ گزندی کودک را رها کرد. و در این زن آوازی شنید که می گفت: لقمه ای به لقمه ای. ۵۲۶- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: دعایی به شما بیاموزم تا با آن به هیچ طیب و دارو نیازمند نشوید؟ گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: هر کس آب باران را بگیرد و هفتاد بار فاتحه کتاب و هفتاد بار قل اعوذ برب الفلق و هفتاد بار قل اعوذ برب الناس بر آن بخواند و هفتاد بار بر پیامبر و آل او درود فرستد و هفتاد بار تسبیح بگوید و از آن آب هفت روز پیایی صبح و شام بنوشد، (به هیچ طیب و دارو نیازمند نشود). ۵۲۷- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: آب باران را بنوشید که بدن را پاکیزه می کند و بیماری ها را می راند؛ خدای تعالی فرمود وَ يُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَ كُمْ بِهِ وَ يَذْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَ لِيُرِيضَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَ يُبَيِّنَ بِهَ الْأَقْدَامَ (۵۷) و از آسمان بر شما آبی ریزاند تا شما را بدان پاک کند و پلیدی به شیطان جنابت را از شما بزاید و دلهایتان را محکم سازد و گامهایتان را بدان استوار دارد. ۵۲۸- مرد نزد امیرالمؤمنین (علیه السلام) آمد و گفت: درد شکم است. فرمود: همسر داری؟ گفت: آری. فرمود: از او بخواه تا یک درم از مال مهریه اش را با خرسندی به تو ببخشد و با آن عسلی بخر و آب باران روی آن بریز و بیاشام. مرد چنین کرد، شفا یافت، و از امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرسید: از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره چیزی شنیده ای؟ فرمودن نه، ولی شنیدم که خدای تعالی در کتاب خود می گوید ((فَإِنْ طِبَّنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا) (۵۸) پس اگر همسران شما به میل خود چیزی از مهریه را برای شما وا گذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید:)) و فرمود ((يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ) (۵۹) از درون زنبور عسل، شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید، در آن شفایی برای مردم است.)) و فرمود: ((وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا (۶۰) و از آسمان آبی با برکت ریزانندیم.)) گفتیم وقتی برکت و شفا و حلال یک جا شوند، در آن امید بهبودی داریم و به خواست خدا شفا می یابی. ۵۲۹- در روایتی است که مردی از بیماری لاعلاجی نزد امام صادق (علیه السلام) شکوه کرد. امام (علیه السلام) فرمود: از همسرت بخواه تا درهمی از مهریه اش را به تو ببخشد و با آن عسلی بخر و با آب باران بیامیز و با آن آیاتی از قرآن را بنویس و بنوش. مرد چنین کرد و خدا آن بیماری را از او برد، و به امام صادق (علیه السلام) خبر داد. امام این آیات را تلاوت کرد: ((فَإِنْ

طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكَلُوهُ هَيْبًا مَرِيئًا)) و ((يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ)) و ((وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا)) و پس از آن و نُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (۶۱) و ما از قرآن، آنچه را که برای مومنان شفا و رحمت است نازل می‌کنیم. ۵۳۰- و هر گاه باران بر امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌بارید، آن را به پیش سر خود می‌کشید و می‌فرمود: برکتی است از آسمان که هیچ دست و دلوی به آن نرسیده است. ۵۳۱- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: اگر بیماری قدر و مقام ابوعبدالله حسین بن علی (علیه السلام) را بداند و برای خود از گل تربت قبر حسین (علیه السلام) به قدر سرانگشتی بردارد، برای او دارو و درمان باشد. ۵۳۲- و فرمود: کام کودکانان را با تربت حسین (علیه السلام) بردارید که امان و زنده‌ماند است. ۵۳۳- و از او (علیه السلام) درباره‌ی درباره‌ی گل ارمنی پرسیده شد، که آیا رواست برای شکستگی و شکم درد و به کارش بندند؟ فرمود: رواست، لیک آن، از گل ذوالقرنین است و گل قبر حسین بن علی (علیه السلام) به از آن است. ۵۳۴- روایت است که مردی به امام صادق (علیه السلام) گفت: شنیده‌ام شما می‌گویید تربت حسین (علیه السلام) از آن داروهاست که به تنهایی کارگر است و به مرضی نرسد مگر این که آن را درهم شکند. فرمود: چنین است. یا فرمود: مگر چه شده است؟ گفتیم: من خوردم و از آن بهره‌ای نبردم. فرمود: برداشتن تربت حسین (علیه السلام) دعایی دارد، کسی که آن را بردارد و دعا را بخواند و بخورد، از آن بهره‌مند نگردد. گفتیم: چه بگوییم. فرمود: پیش از هر چیز آن را بیوس و روی دو چشمت بگذار و بیش از یک خود از آن مخور، که هر کس بیش از آن بخورد گویا از گوشت و خون ما خورده است. و چون آن را برداشتی بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي قَبَضَهَا وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ النَّبِيِّ الَّذِي خَزَنَهَا وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْوَصِيِّ الَّذِي حَلَّ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَيْنَ رَا كَهَ كَفْتِي تَرْبَتِ رَا دَرِ چِزِي بِنْدِ و ((انا انزلناه في الليلة القدر (سوره قدر) را بر آن بخوان. آن دعا که برای گرفتن تربت گذشت، اجازت خواستن بر آن است و خواندن انا انزلناه مهر کردن آن است. ۵۳۵- و فرمود: گل قبر حسین (علیه السلام) شفای هر بیماری است. و چون آن را خوردی بگو بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَسَعَةً وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ رَبِّ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَرَبِّ الْوَصِيِّ الَّذِي وَارَتْهُ صَلَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ هَذَا الطِّينَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ

قسمت دوم

۵۳۶- در روایت سدید است که او فرمود: هر کس از قبر حسین (علیه السلام) بخورد و قصد شفا جستن نکند گویا که از گوشت ما خورده است. پس هر گاه کسی از شما بدان نیازمند شد تا به به قصد شفاجویی آن را بخورد، بگوید بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ الطَّاهِرَةِ وَرَبِّ الثُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ وَرَبِّ الْجَسَدِ الَّذِي سَكَنَ فِيهِ وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُؤَكَّلِينَ بِهِ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً مِنْ دَاءٍ كَذَا وَكَذَا (و به جای کذا و کذا بیماریش را نام برد.) و پس از آن جرعه‌ای آب بنوشد و بگوید اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَسَعَةً وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ خَدَاوَنِدِ بَدَانِ، هر بیماری و غم و اندوه را که در خود می‌یابد به خواست خود می‌راند. ۵۳۷- و ابن سنان از امام صادق (علیه السلام) روایت کرد که فرمود: هر کسی از شما قدری از گل قبر امام حسین (علیه السلام) را برگرفت بگوید اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَلِكِ الَّذِي تَنَاوَلَ وَالرَّسُولِ الَّذِي نَزَلَ وَالْوَصِيِّ الَّذِي ضَمَّنَ فِيهِ أَنْ تَجْعَلَهُ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَآنَ بِيْمَارِي رَا نَامَ بَرِدِ. ۵۳۸- و فرمود: سجده کردن بر تربت ابوعبدالله حسین (علیه السلام) حجابهای هفتگانه را می‌درد. ۵۳۹- و او (علیه السلام) انبان زرد ابریشمی داشت که در آن تربت ابوعبدالله (علیه السلام) بود، چون وقت نماز می‌رسید آن را روی سجده اش می‌پاشید و بر آن سجده می‌کرد. ۵۴۰- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: قرآن، خود دواست. ۵۴۱- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: نشد که حمد را هفتاد بار بر دری بخوانم و آرام‌نگیرد. ۵۲۴- و فرمود: اگر حمد را هفتاد بار بر مرده‌ای بخوانم و روح در او بازگردد، جای شکفتی نیست. ۵۴۳- امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: حسین (علیه السلام) بیمار

شد. و فاطمه (علیه السلام) او را در آغوش گرفت و نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آورد و گفت: ای رسول خدا، از خدا بخواه تا فرزندت را شفا دهد. او فرمود: دخترم، خداوند او را به تو بخشیده است و همو تواناست که شفایش دهد. جبرئیل فرود آمد و گفت: ای محمد، خداوند که عظمت و جلالش والاست، هر سوره را که به تو نازل کرد ((فاء)) دارد و هر ((فائی)) از آفت است جز حمد که در آن ((فاء)) نیست، کاسه ای آب بخواه و در آن چهل بار حمد بخوان، سپس آن را روی او بریز؛ خداوند شفایش می دهد. پیامبر چنین کرد، به اذن خدا عافیت یافت. ۵۴۴- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: خواندن حمد شفای هر مرض است جز مرگ. ۵۴۵- و فرمود: هر که بیمار شد در گریبان خود هفت بار حمد بخواند، اگر عافیت نیافت هفتاد بار بخواند، من ضامن سلامتی او هستم. و هر کس در پی عافیت است در سجده دوم دو رکعت نخست نماز شب بگوید یا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ يَا رَحِيمًا يَا رَحِيمَ يَا سَمِيعَ الدَّعَوَاتِ يَا مُعْطِيَ الْخَيْرَاتِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اضْرِبْ عَنِّي مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اذْهَبْ عَنِّي هَذَا الْوَجَعِ (و آن بیماری را نام ببرد) فَإِنَّهُ قَدْ غَاطَنِي وَ أَحْزَنَنِي. و در دعا پافشاری کند، که خداوند به خواست خود عافیت را زود به او باز گرداند. ۵۴۶- هشام بن ابراهیم از بیماری و بی فرزندی نزد امام رضا (علیه السلام) شکایت کرد. امام (علیه السلام) او را امر فرمود تا به آوای بلند در منزل اذان بگوید. او گفت: من چنین کردم، خداوند بیماریم را برد و فرزندانم بسیار شدند. ۵۴۷- مروان عبیدی گفت: به امام کاظم (علیه السلام) نامه ای نوشتم و در آن از دردی که داشتم شکایت کردم. او نوشت: بگو یا مَنْ لَا يُضَامُ وَ لَا يُرَامُ يَا مَنْ بِهِ تُوَصَّلُ الْأَرْحَامُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَافِنِي مِنْ وَجَعِي هَذَا ۵۴۸- و امام صادق (علیه السلام) هنگام بیماری فرمود: اللَّهُمَّ إِنَّكَ عَزِيزٌ أَقْوَامًا فَقُلْتَ قُلْ اذْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشَفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَ لَ اتَّخَوِيلًا (۶۲) فَيَا مَنْ لَا يَمْلِكُ كَشَفَ ضَرْيَ وَ لَا تَخَوِيلَهُ عَنِّي أَحَدٌ غَيْرُهُ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اكْشَفَ ضَرْيَ وَ حَوَّلَهُ إِلَيَّ مَنْ يَدْعُو مَعَكَ إِلَهَا آخَرَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ ۵۴۹- و از ایشان (علیه السلام) روایت است: هر کس بیماری دارد، پس از نمازهای واجب هفت بار بر سجده گاهش دست بساید و روی آن عضو رنجور بکشد و بگوید: يَا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ ارْزُقْنِي كَذَا وَ كَذَا وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا به جای کذا و کذا روزی و سلامتی و هر چه را بخواهد، به زبان آورد و طلب کند). ۵۵۰- ابوالوفاء شیرازی گفت: در کرمان اسیر ابن الیاس بودم و غل و زنجیر بر دست و پا داشتم، و خبر یافتم که او قصد کشتنم را دارد، امام علی بن الحسین (علیه السلام) را در درگاه خداوند شفیع خود کردم، چشمانم را خواب گرفته بود و در خواب دیدم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود: به من و دختر و فرزندم برای چیزی از امور دنیا توسل مجو، بلکه آخرت و فضل و بخشش که در آن، از خدا امید داری، به ایشان توسل جو. لیک برادرم ابوالحسن علی (علیه السلام) از کسی که به تو ستم کرده است انتقام می گیرد. گفتم: ای رسول خدا، مگر به فاطمه (علیه السلام) ستم نشد و او صبر کرد؟ و میراث به جای مانده تو غصب نشد و او دم برنیورد؟ چگونه او از کسی که به من ستم کرده است انتقام می کشد؟! فرمود: آن سفارش و امری بود که من به او کردم و برای او جز قیام به آن روا نبود، و او حق آن را گزارد، لیک اکنون، وای بر کسی که به دوستان او دست درازی کند. توسل به علی بن الحسین (علیه السلام) برای نجات از پادشاهان و آزار و گزند شیطانهاست. و توسل به امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) برای آخرت است. و با توسل به موسی بن جعفر (علیه السلام) سلامتی بجو. و به علی بن موسی الرضا (علیه السلام) برای نجات در سفرهای خشکی و دریایی توسل بجو. و با توسل به امام جواد (علیه السلام) نزول روزی را از خدای تعالی طلب کن. و به امام هادی (علیه السلام) برای ادای مستحبات و نیکویی به برادران توسل جو. و امام حسن عسکری را برای آخرت واسطه ساز. و اما امام حجت، آن گاه که شمشیر به حلق رسیده - و با دست به حلق اشاره فرمود - او را به یاری طلب که به فریادت می رسد؛ او فریاد رس و دادرسی کسی است که به فریادرسی خواندش. گفتم ((یا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَنَا مُشْتَعِثٌ بِكَ مَوْلَايَ مِنْ، ای صاحب زمان، من به شما پناه آورده ام و شما را به فریادرسی می خوانم))

. ناگاه شخصی را دیدم ، سوار بر اسب و با سلاحی از نور ، از آسمان فرود آمد . گفتم : مولای من ، شر کسی را که آزارم می دهد از من باز دار و کفایت کن . فرمود : کفایت شدی ، من از خدای عزوجل نجات را خواستم و او دعایم را پذیرفت . بامداد که شد ، ابن الیاس مرا فراخواند و زنجیر از من گشود . و پیشکشی به من داد و گفت : به چه کس پناه جستی ؟ گفتم : به فریادرس پناه جوین پناه جستم ، و او از پروردگارش عزوجل رهائیم را خواست . و ستایش خدای راست که پروردگار عالمیان است . ۵۵۱ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیمار شد ، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به او فرمود : علی ، بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ أَوْ صَبْرًا عَلَى بَلِيَّتِكَ أَوْ خُرُوجًا إِلَيَّ رَحْمَتِكَ ۵۵۲ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : هر کس بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَا يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَا يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّنْيَا وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا خداوند بیماری و فقر را از او ببرد . ۵۵۳ - سلمه بن ابی سلمه گفت : امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیمار شد . سلمان و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به عیادت او آمدند . پیامبر به او فرمود : ای علی ، بلاکش ترین مردم پیامبران و کسانی اند که به ایشان مانندتر و نزدیک ترند . مژده باد تو را ای علی ، که افزون بر ثوابی که داری ، تب ، بهره تو از عذاب خداست ، می خواهی خداوند بیماریت را ببرد ؟ گفت : آری ای رسول خدا . پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : بگو رَبِّ اَرْحَمْ جِلْدِي الرَّقِيقَ وَ عَظْمِي الدَّقِيقَ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ فَوْرَةِ الْحَرِيقِ يَا اُمَّ مَلْدَمَ فَاِنْ كُنْتَ اَمَنْتَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَلَا تَأْكُلِي اللّٰحْمَ وَ لَمَّا تَشْرَبِي الدَّمَّ وَ اَتَّقِي اِلَى مَنْ يَزْعُمُ اَنَّ مَعَ اللّٰهِ اِلَهًا اٰخَرَ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ حِدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ شَهَدْتُ بِهِ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : من گفتم و سلامتی ام را باز یافتم .

بخش سوم - یک درد یک دعا

قسمت اول

۵۵۴ - معاویه بن عمار گفت : نزد امام صادق (علیه السلام) از درد نیمه سر شکایت کردم . فرمود : نماز واجب را که گزاردی ، انگشت اشاره راستت را بین دو چشم بگذار و هفت بار بگو ((يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ اَشْفِنِي)) و آن را نخست بر ابروی راست و سپس بر ابروی چپ بسای و بگو ((يَا مَنَّانُ اَشْفِنِي)) آن گاه کف دست راست را روی سر بگذار و بگو يَا مَنْ سَكَنَ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ سَيِّدُنَا مَا بِي ۵۵۵ - و امام باقر (علیه السلام) فرمود : هر گاه به سردرد دچار شدی دستت را بر فرق سر بگذار و بگو لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَابْتَعُوا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا (۶۳) وَ إِذَا ذَكَرَ اللَّهُ وَحْدَهُ (۶۴) رَأَيْتَ الَّذِينَ كَفَرُوا يَصْطُدُونَ عَنْكَ صُدُودًا (۶۵) ۵۵۶ - امام باقر (علیه السلام) فرمود : نابینائی به مجلس امام باقر (علیه السلام) گذر کرد . پیامبر به او فرمود : می خواهی خداوند بینایت را به تو بازگرداند ؟ گفت : در دنیا چیزی برای من دوست تر از این نیست که خدا بینایی ام را به من بازگرداند . رسول خدا به او فرمود : وضویی کامل بساز و دو رکعت نماز بگزار و بگو اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَ أَدْعُوكَ وَ أَرْغَبُ إِلَيْكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ رَبُّكَ وَ رَبِّي لِيُرِدَّ بِكَ عَلَيَّ بِصَيْرِي هُنُوزَ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) از جای خود برنخواستند بود و جامه از تن نگشوده بود که مرد نابینا با چشمانی که خدا بینایش کرده بود ، بازگشت . ۵۵۷ - اعمش گفت : به حج بیرون شدم ، در بیابان مردی نابینای عربی را دیدم که می گفت : بار خدایا ، تو را می خوانم به آن گنبدی که فضایی گسترده و ساقه های بلند و شاخه های آویزان و میوه ای شیرین و بالایی گرد هم و برگهایی فراگیر و رستگاری پاک دارد . گریه گلویم را گرفت ، و نزد او رفتم و گفتم : ای اعرابی ، نیکو دعا کردی بگو آن گنبد که فضایی گسترده دارد کدام است ؟ گفت : محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) . مقصود تو از ساقه های بلند کیست ؟ مقصودم فاطمه (علیه السلام) است . و آن که شاخه هایش آویزان است ؟ علی ، وصی رسول خداست . و میوه اش شیرین است ؟

حسن و حسین (علیه السلام) است. و بالایش گرد هم و بسامان است است؟ خداوند نسل و فرزندان فاطمه (علیه السلام) را بر آتش حرام کرده است. و برگش فراگیر است؟ به برکت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) چنین است. اعمش گفت: دو دینار به او دادم و به راه خودم رفتم و حج گزاردم و بازگشتم. وقتی به آن بیابان رسیدم، او را با چشمانی گشوده و بینا یافتم، چنان که گویی هیچ گاه نایبنا نبوده است. گفتم: اعرابی، بر تو چه گذشت؟ گفت: من پیوسته آن دعا را می خواندم تا آوازدهنده ای چنین آواز داد: اگر در دوستی پیامبر و اهل بیت پیامبر صادق، دست روی چشمت بگذار. من دست روی چشمانم گذاردم و برداشتم، خداوند بینایم را به من بازگرداند. به راست و چپ خود نگریستم، کسی را ندیدم. فریاد برآوردم: ای آوازدهنده، تو را به خدا سوگند، بگو تو کیستی؟ و شنیدم که او می گفت: من خضرم، علی بن ابیطالب (علیه السلام) را دوست دارم، دوستی او خیر دنیا و آخرت است. ۵۵۸ - محمد بن خثعمی از پدرش چنین نقل کرد: بسیاری اوقات از چشم درد در رنج بودم. به امام صادق (علیه السلام) شکوه بردم. به من فرمود: دعایی برای دنیا و آخرت و چشم دردت به تو بیاموزم؟ گفتم: آری. فرمود: پس از نماز صبح و نماز مغرب بگو: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْنِكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلِ التُّورَ فِي بَصِيرِي وَ الْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَ السَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَ السَّعَةَ فِي رِزْقِي وَ الشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي ۵۵۹ - و فرمود: هر کس قرآن را از روی مصحف بخواند از بینایش بهره مند گردد، و بر پدر و مادرش آسان گرفته شود. چیزی بر شیطان سخت تر از قرائت قرآن با نظر در مصحف نیست. ۵۶۰ - یکی از یاران امام صادق (علیه السلام) گفت: نزد او شکوه از سنگینی گوش کردم فرمود: تو را به تسیح فاطمه (علیه السلام) سفارش می کنم. ۵۶۱ - و امام رضا (علیه السلام) فرمود: در گردن کنیزی از ما، غده هایی سخت و چرکین برآمد، ناشناسی نزد آمد و گفت: ای علی، به او بگو تا یا رَعُوفُ یا رَحِيمُ یا رَبِّ یا سَيِّدِي را بگوید تو بارها بگوید. کنیز این را گفت و غده ها از بین رفت. ۵۶۲ - و ایشان (علیه السلام) فرمودند: هر کس عطسه کند و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِ مُحَمَّدٍ از درد دندان و گوش، هرگز ننال. ۵۶۳ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس عطسه کند سپس دست روی استخوان بینی گذارد و بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيرًا كَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ وَ آلِهِ و سلم پرنده ای زیر عرش تا روز قیامت از خدا برای او آموزش طلبد. ۵۶۴ - و فرمود: هر گاه کسی از شما در آبریز عطسه کرد، پیش خود خدا را حمد گوید، و عطسه زننده تا هفت روز از مرگ ایمن است. ۵۶۵ - در روایتی از صاحب الزمان (علیه السلام) است که، عطسه زننده تا سه روز از مرگ در امان است. ۵۶۶ - امام صادق (علیه السلام) بد می داشت که مرد ایستاده شلوار پوشد و می فرمود: این کار غم و غصه و ترس و آب زرد می آورد. و خودت نشسته شلوار می پوشید و می فرمود ((اللَّهُمَّ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ آمِنْ رُوعَتِي. خدایا آنچه را از آن شرم دارم بپوشان، و هراسم را آرام بخش.)) ۵۶۷ - ابو حمزه گفت: زانویم را درد گرفت: به امام باقر (علیه السلام) شکایت بردم، فرمود: نماز که گزاردی بگو يَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ وَ يَا خَيْرَ مَنْ سِئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرِحِمَ اِرْحَمِ ضَعْفِي وَ قَلَّةَ حِيلَتِي وَ عَافِيَتِي مِنْ وَجَعِي من گفتم و عافیت یافتم. ۵۶۸ - عثمان بن عیسی گفت: مردی به امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) شکوه آورد و گفت: اسهال خون گرفته ام و آرام نمی گیرد. نماز شب را که گزاردی بگو اللَّهُمَّ مَا عَمِلْتُ مِنْ خَيْرٍ فَهُوَ مِنْكَ لَا حَمِيدَ لِي فِيهِ وَ مَا عَمِلْتُ مِنْ سُوءٍ فَدَرَّتِيهِ لَأُعْذِرَ لِي فِيهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَتَكَلَّ عَلَى مَا لَا حَمِيدَ لِي فِيهِ وَ آمَنْ مِمَّا لَا عُذْرَ لِي فِيهِ ۵۶۹ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر گاه کسی از شما دردی در پهلو خود یافت، دستش را سه بار بر آن بکشد و هر بار بگوید: أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ قُدْرَتِهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِي خَاصِرَتِي ۵۷۰ - علی بن نعمان گفت: به امام رضا (علیه السلام) گفتم، پسری دارم که زگیل دانه های آن برآمده و سفت و بی درد است دارد و این مرا غمگین کرده است. فرمود: برای هر زگیل، هفت دانه جو برگیر و بر هر دانه جو هفت بار اول سوره واقعه تا هبَاءٌ مُتَبَيَّنًا (۶۶) و وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَّا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَ لَّا أَمْتًا را بخوان، آن گاه جوها را دانه دانه بردار و بر زگیل بمال و در پارچه ای نو

بگذار و سنگی به پارچه بند و در مستراح انداز . او گفت : من چنین کردم ، به خدا سوگند روز هفتم یا هشتم نگرستم ، چون کف دستم ، صاف شده بود . خوب است این درمان در آخر ماه قمری باشد ، به خواست خدا از بین می رود . ۵۷۱ - روایت است چون زایمان بر زنی سخت شد (این آیات) را روی کاغذی بنویسند و به شکم او ببندند : فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا (۶۷) سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (۶۸) كَذَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يَوعِدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (۶۹) كَذَانَهُمْ يَوْمَ يَرُونَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا (۷۰) وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ مَّرْفَقًا (۷۱) وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا (۷۲) ۵۷۲ - و روایت است که : وقتی زایمان بر زنی سخت شد ، سوره انا انزلناه را نزد او بسیار بخوانند ، اگر شتاب نیافت ، مرد پایش را بین دو کتف زن بگذارد و سوره مریم (علیه السلام) را بخواند . ۵۷۳ - حکیمه گفت : شب میلاد مهدی صاحب الزمان (علیه السلام) که شد مادرش هنگام دمیدن سپیده وحشت زده از جا پرید ، من او را در آغوش گرفتم و بسم الله بر او گفتم . ابو محمد (علیه السلام) با صدای بلند فرمود : انا انزلناه - بر او بخوان . ۵۷۴ - روایت است برای درد دندان بر تکه ای نان نوشته شد بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الْبَاقِي بِسْمِ اللَّهِ الْوَاقِي بِسْمِ اللَّهِ الرَّاقِي و روی دیگر آن نوشته شود بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وِرَاءَ اللَّهِ مُمْتَهِي ۵۷۵ - کسی به امام حسن عسکری (علیه السلام) نامه ای نوشت و از بادی ام صبیانی که کودکش را رنجه کرده بود و شکوه کرد . او پاسخ نوشت : این حرز را در کاغذی بنویس و بر او بیاویز بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْقَدِيمِ الَّذِي لَمَّا يُزُولُ أَعُوذُ بِعِزَّةِ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَيٍّ يَمُوتُ ۵۷۶ - علی بن ابراهیم بن محمد طالقانی گفت : متوکل دملی درآورد و از آن بیمار و مشرف به مرگ شد ، و کسی جرات کشیدن آهن گداخته بر او نداشت . مادرش نذر کرد که اگر او تندرست شود ، مال کلانی از اموال خود را برای امام هادی (علیه السلام) بفرستد . فتح بن خاقان به متوکل گفت : خوب است کسی را در پی این مرد (امام (علیه السلام)) فرستی و پرسشی کنی ، شاید او خاصیت چیزی را بداند که خداوند بدان ، تو را فرجی پدید آورد . گفت : بفرستید . فرستاده بازگشت و گفت : امام ابوالحسن (علیه السلام) فرمود : پشکلهای خشکیده و به هم چسبیده گوسفند را بگیرد و با گلاب درآمیزد و بر دمل گذارد ، و به اذن خدا سودمند است . حاضران این سخن را به سخره گرفتند . فتح به آنان گفت : تجربه این سخن چه زبانی دارد ، به خدا سوگند من امید اثر دارم . پشکلهها را آوردند و با گلاب آمیختند و روی دمل گذارند ، دمل سرگشود و هر چه در آن بود بیرون ریخت . و به مادر متوکل مژده سلامتیش را دادند ، او ده هزار دینار با مهر خود برای امام (علیه السلام) فرستاد ، و متوکل از بیماریش برخاست . مدتی گذشت ، بطحانی ، از امام ابوالحسن (علیه السلام) نزد متوکل سعایت کرد و گفت : او در منزل مال و سلاح دارد . متوکل به سعید حاجب گفت : که شبانگاه بی خبر به منزل امام درآید و هر چه دارد با خود نزد او آورد . ابراهیم بن محمد گفت : سعید حاجب به من گفت : من شبانگاه به خانه امام رفتم . نردبانی داشتم ، با آن به بام شدم . می خواستم در تاریکی شب از پله ها فرود آیم ، در تاریکی ماندم و ندانستم چگونه به درون خانه برسم که یک باره امام (علیه السلام) مرا از خانه آواز داد : همانجا بایست تا برایت شمع بیاورند . شمعی برایم آوردند . و من فرود آمدم . او را دیدم که جبه ای پشمین بر دوش و کلاهی بر سر داشت . و در برابرش جانمازی بر حصیر گسترده بودم . و او رو سوی قبله داشت . به من فرمود : درون اتاقها شو . و من رفتم و جست و جو کردم ، جز کیسه ای که مهر مادر متوکل را داشت به کیسه مهر شده ای ، دیگر چیزی نیافتم . امام (علیه السلام) به من فرمود : جانمازم را بگرد . رفتم و سجاده را بالا زدم ، شمشیری در نیام یافتم ، آن را نیز داشتم و نزد متوکل بردم . متوکل چون مهر مادر را بر کیسه دید کسی را در پی او فرستاد . مادر آمد ، و از کیسه پرسید . خدمتگزاری که آنجا بود برایم گفت : مادر متوکل گفت : وقتی بیمار بودی نذر کردم که اگر سلامتیت را باز یافتی ده هزار دینار از مالم را خدمت او ببرم و بردم . متوکل دستور داد ، کیسه ده هزار دیناری دیگری به آن ضمیمه کنند و به من گفت : اینها را نزد امام ابوالحسن (علیه السلام) ببر . من بردم و از او شرم کردم و گفتم : آقای من ، برایم بس دشوار بود که بی اجازه شما به منزلتان درآیم ، لیک من مامور بودم . او فرمود : وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ (۷۳) و کسانی که ستم کردند به

زودی خواهند دانست که به چه جایی باز خواهند گشت .

قسمت دوم

۵۷۷- امام محمد باقر (علیه السلام) فرمودند: هر بنده که در بنده ای بلائی ببند و سه بار بی آن که او بشنود، بگوید الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَفَضَّلَنِي عَلَيْكَ وَعَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ سَتَائِشِ خَدَايَ رَا كِه مَرَا از بِلَائِي كِه دِچَارَت كَرْد ، تندرست داشت که اگر می خواست نیز مبتلا- می کرد و مرا بر بسیاری از آفریدگانش برتری دارد . آن بلا- به او نرسد . ۵۷۸- امام صادق (علیه السلام) با جماعتی زیر ناودان (خانه کعبه) بود و که پیرمردی آمد و سلام کرد و گفت: ای پسر رسول خدا، من، شما اهل بیت را دوست دارم و از دشمن شما بیزارم و به بلائی سخت گرفتارم و از آن به این خانه پناه آورم و به پرده های آن آویختم و اکنون به شما روی آوردم و امید دارم که این، موجب عافیتم شود . آن گاه گریست و پیش آمد و سرخم کرد تا سر و پای امام را بوسه دهد . امام صادق (علیه السلام) از او کناره گرفت و بر او رقت آورد و گریست و به یاران فرمود: او برادر شماست و به شما پناه آورده است دستهایتان را به دعا بردارید . و امام (علیه السلام) خود دستهایتان را بالا آورده، ما نیز بالا بردیم . آن گاه فرمود: اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَ هَذِهِ النَّفْسَ مِنْ طِينَتِهِ أَخْلَصْتَهَا وَجَعَلْتَ مِنْهَا أَوْلِيَاءَ كَ وَأَوْلِيَاءَ أَوْلِيَائِكَ وَإِنْ شِئْتَ أَنْ تَنْحَى عَنْهَا الْآفَاتِ فَعَلْتَ اللَّهُمَّ وَقَدْ تَعَوَّدْنَا بِبَيْتِكَ الْحَرَامِ الَّذِي يَأْمُنُ بِهِ كُلُّ شَيْءٍ وَقَدْ تَعَوَّدْنَا وَأَنَا أَسْأَلُكَ يَا مَنْ احْتَجَبَ بِثَوْرِهِ عَنْ خَلْقِهِ أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ يَا غَايَةَ كُلِّ مَحْزُونٍ وَمَلْهُوفٍ وَمَكْرُوبٍ وَمُضْطَرٍّ مُتَبَلِّئٍ أَنْ تُؤْمِنَهُ بِأَمَانِنَا مِمَّا يَجِدُ وَأَنْ تَمْحُوَ مِنْ طِينَتِهِ مَا قُدِّرَ عَلَيْهَا مِنَ الْبَلَاءِ وَأَنْ تُفَرِّجَ كُرْبَتَهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ چون از دعا فارغ آمد، مرد رفت، و هنوز به درب مسجد نرسیده بود که باز گشت و گریه سرداد و گفت: ((اللَّهُ أَغْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ (۷۴) خدای داناتر است که رسالت خود را کجا گذارد .)) به خدا سوگند، هنوز به در مسجد نرسیده بودم که از آن درد و بیماری هیچ در خود نیافتم . این سخن را گفت و به راه خود رفت .

۵۷۹- شیخ ابو جعفر نیشابوری، خدایش از او خشنود باد، برایم گفت: یک سال برای زیارت مولایمان ابو عبدالله حسین (علیه السلام) همراه جماعتی بیرون شدیم . ده، سه فرسنگ به شهادتگاه مانده مردی از همراهان ما فلج شد و چون پاره گوشتی از پا افتاد . او ملتسانه ما را به خدا سبحان سوگند می داد که در آنجا رهایش نکنیم و او را به مزار ببریم . ما او را به اسبی بستیم و به مراقبت و نگاهداری او پرداختیم . به شهادتگاه، بر ساکنانش سلام و درود باد، که رسیدیم او را روی جامه ای گذاردیم و دو مرد، دو سوی جامه را گرفتند و او را روی قبر گذاردند . مرد دعا و زاری می کرد و خدا را به حق حسین (علیه السلام) سوگند می داد که سلامتیش را بدو باز بخشد . جامه که روی زمین نهاده شده مرد نشست و برخاست و به راه افتاد، چنان که گویا از بند رسته است . ۵۸۰- هر گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به سر درد یا دردی جز آن مبتلا می شد، دست می گشود و فاتحه الکتاب و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس را می خواند و دستهایش را به صورت می کشید، درد از او می رفت . ۵۸۱- زراه گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: قرآن را در سه شب از ماه رمضان برمی داری و می گشائی و پیش رویت می گذاری و می گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِكِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ وَمَا فِيهِ وَفِيهِ اسْمُكَ الْأَعْظَمُ الْأَكْبَرُ وَأَسْمَاؤُكَ الْحُسْنَى وَمَا يُخَافُ وَيُرْجَى أَنْ تَجْعَلَنِي مِنْ عَتَقَاتِكَ مِنَ النَّارِ . آن گاه برای حاجتی که داری دعا می کنی . ۵۸۲- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: شب بیست و سوم ماه رمضان، همان ليله جهنمی (۷۵) است . و در آن شب است که ((هر امر حتم و استواری جدا و ممتاز و بیان می گردد)) (۷۶) در آن شب بلاها و مرگها و اجلها و روزی ها و سرنوشتها و هر آنچه که خدای عزوجل در آن شب تا مثل آن شب از سال بعد پیش می آورد، ثبت می شود . پس خوشا به حال آن بنده که شب را به رکوع و سجود زنده نگه می دارد و گناهانش را پیش چشمانش مجسم کند، و بر آنها بگیرد؛ اگر چنین کند امید دارم که به خواست خدا نومید و ناکام نماند . خداوند فرشته ای را در هر روز از ماه رمضان امر می کند تا در آسمان آواز دهد؛ بندگانم، مژده باد شما را، من گناهان گذشته تان را بخشیدم و در

شب قدر برخی از شما را شفیع برخی دیگر کردم، جز آن کس که به مسکری (مستی آوری) روزه گشاید، یا نسبت به برادر مسلمان خود در سینه کینه نهفته دارد. ۵۸۳ - روایت است که، خدای عزوجل در شب بیست و پنجم ماه رمضان هر بدی و زشتی و هر گونه بلا را از روزه داران ماه رمضان باز می گرداند، و به گوشها و چشمهایتان نور می بخشد، و بهشت در روز و شب آن زینت می شود. ۵۸۴ - ابن بابویه، خداوند از او خوشنود باد، با اسناد خود از طریف، ابونصر خادم روایت کرد که او گفت: به حضور صاحب الزمان (علیه السلام) رسیدم، فرمود: من خاتم اوصیاء هستم، خداوند به واسطه بلا را از خاندان و شیعیانم دور می کند. ۵۸۵ - روایت است که، فاطمه زهرا (علیه السلام) این کلمات را به سلمان فارسی، خداوند از او خوشنود باد، آموخت و فرمود: هر کس به دعا کردن با این کلمات مواظبت کند تب نگیردش: بِسْمِ اللّٰهِ النُّورِ بِسْمِ اللّٰهِ النُّورِ بِسْمِ اللّٰهِ نُوْرٌ عَلٰی نُوْرٍ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي هُوَ مَدْبَرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَشْهُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلَى نَبِيِّ مَحْجُورٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ مَشْكُورٌ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ ۵۸۶ - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از تب و انواع درد به خدا پناه می برد و می فرمود: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ عِرْقٍ نَعَارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ ۵۸۷ - یحیی بن بکر حضرمی روایت می کرد که، امام موسی کاظم (علیه السلام) برای فرونشستن تب چهار روز یک بار تب مالاریا فرمود که، تا روی دست راست تب گرفته بِسْمِ اللّٰهِ جِبْرِئِلَ و روی دست چپ او بِسْمِ اللّٰهِ مِيكَائِيلَ و بر پای راست او بِسْمِ اللّٰهِ إِسْرَافِيلَ و بر پای چپ او بِسْمِ اللّٰهِ لَا يَزُونَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا (۷۷) و بین دو کتف او بِسْمِ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ نوشته شود. ۵۸۸ - حسن بن طریف گفت: به امام ابومحمد حسن عسکری (علیه السلام) نامه ای نوشتم تا درباره حضرت قائم (علیه السلام) از او بپرسم که وقتی قیام کند، بین مردم به چه حکم می کند؟ و می خواستم چیزی برای زدودن تب چهار روز یک بار بپرسم، از یاد بردم. پاسخ آمد که، از امام پرسیدی، وقتی امام قیام کند، به علم خود حکم می کند، چنان که داود (علیه السلام) کرد، و از شاهد و بینه نمی پرسد. و می خواستی از تب چهار روز یک بار، بپرسی، فراموش کردی. روی ورقی این را بنویس و بر تب دار بیاویز یا نَارٌ كُونِي بَرْدًا وَ سَلَامًا عَلٰی إِبْرَاهِيمَ (۷۸) من این نوشتم و بر بیمار تب دار آویختم، خوب و تندرست شد. ۵۸۹ - روایت است که، ابوحنیفه از امام صادق (علیه السلام) پرسید: چگونه سلیمان از میان پرندگان جویای هدهد شد؟ فرمود: هدهد، آب را در دل زمین می بیند، چنان که شما روغن را در ظرف بلورین می بینید. ابوحنیفه خندید و گفت: آب را در دل زمین می بیند و دام را روی زمین نمی بیند، تا گردش را بگیرد؟! فرمود: نمی دانی که وقتی سرنوشت رقم خورد و فرود آید، دیده پوشیده می ماند. ۵۹۰ - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: عیب ها و آفت ها در فقرا نهاده شد تا آنها را نپوشاند، اگر در اغنیا بود پوشیده می ماند. ۵۹۱ - محمد بن فهم گفت: با مامون در سرزمین روم بودم، و او در آستانه دژی بود تا آن را بگشاید. جنگ بین دو سپاه در گرفته بود که مامون دچار درد شد و دستور داد تا دست از جنگ بکشند. اسقف بزرگ مسیحیان از این امر آگاه شد و گفت: چه شد که دست از جنگ کشیدید؟ گفتند: سردی مامون را گرفته است. او کلاهی سوی ما انداخت و گفت: به او بگویید این کلاه را سر کند، سردش آرام می گیرد. مامون کلاه را بر سر گذارد. سرش آرام گرفت و گفت تا کلاه را بگشایند. چون گشودند، در آن قطعه پوستی نازک یافتند که روی آن نوشته بود سُبْحَانَ يَا مَنْ لَا يَنْسَى مَنْ نَسِيَهُ وَلَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ كَمْ مِنْ نِعْمَةٍ لِلَّهِ عَلَى عَبْدٍ شَاكِرٍ وَ غَيْرِ شَاكِرٍ فِي عِرْقٍ سَاكِنٍ وَ غَيْرِ سَاكِنٍ (۷۹) ۵۹۲ - روایت است که نجاشی از پدراناش کلاهی از چهار صد سال پیش از خود به ارث برده بود که روی هر دردی می گذارند، آرام می گرفت، کلاه را گشودند، در آن این دعا بود: بِسْمِ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُبِينِ شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۸۰) اللَّهُ نُورٌ وَ حِكْمَةٌ وَ حَوْلٌ وَ قُوَّةٌ وَ قُدْرَةٌ وَ سُلْطَانٌ وَ بُرْهَانٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ آدَمُ صَفِيُّ اللَّهِ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ اللَّهِ لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ الْعَرَبِيُّ رَسُولُ اللَّهِ وَ حَبِيبُهُ وَ خَيْرُهُ مِنْ خَلْقِهِ اسْكُنْ يَا جَمِيعَ الْأَوْجَاعِ وَ الْأَسْقَامِ وَ الْأَمْرَاضِ وَ جَمِيعَ الْعِلَلِ وَ جَمِيعَ الْحُمَمَاتِ سَيَكْفِيكَ بِالَّذِي سَيَكُنْ لَهُ مَا فِي اللَّيْلِ وَ

النَّهَارِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ ۵۹۳ - و برای تب دعا را روی کاغذی بنویسند و به بازو ببندند . بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ وَ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَى أُمَّ مَلْدَمِ الَّتِي تَمَصُّ الدَّمَ وَ تَنْهَشُ الْعَظْمَ وَ تَرِقُّ الْجِلْدَ وَ تَأْكُلُ اللَّحْمَ أَنْ كُونِي عَلَى صِيَابِ كِتَابِي هَيْذَا بَرْدًا وَ سَيْلَمًا كَمَا كَانَتِ النَّارُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ أَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ (۸۱) وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ (۸۲) وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ ۵۹۴ - همچنین برای تب این آیات روی سه حبه قند نوشته شود : يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا (۸۳) الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَ عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا (۸۴) ذَلِكُمْ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ (۸۵) ۵۹۵ - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود : خداوند در میان خلقش بندگان خالصی دارد که او را با سر نابش پرستیدند و او ، آنان را به سر خود رساند . ایشان کسانی اند که فرشتگان دفتر اعمالشان را نانوشته می برند ، و چون به او رسید ، از آن سر نابی که در نهان با او داشته اند ، پر می کند و به آنان می گوید . دوستانم ، اگر بیماری از بندگان ناتوانم نزد شما آمد ، درمانش کنید . و اگر نعمت از یاد برده ای به دیدارتان آمد ، و به یادش آورید . اگر کسی سوی من بار سفر بسته است ، زاد راهش دهید . و چون کسی از سر انکار و ناباوری از شما دور شد ، به او بفهمانید و هر کس به شما نزدیک شد ، با او انس بگیرید . ای دوستانم ، خطاب و عتابم برای شماست ، و از شما وفا طلبیدم . دوست ندارم جباران را به خدمت بگیرم و با رنگ به رنگان دوستی خالصانه کنم . هر کس با شما دشمنی کند ، او را در هم شکنم . و هر کس کینه شما را در سینه گیرد ، بر او خشم گیرم .

بخش چهارم : واجب و مستحب بیمار

قسمت اول

۵۹۶ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : بیمار اگر توانست ایستاده نماز می گزارد و اگر نتوانست نشسته می گذارد . و اگر نتوانست به سجده رود ، با سر اشاره می کند و رو به قبله می نشیند . و اگر نتوانست نشسته نماز گزارد به پهلو راست ، می گزارد و اگر به پهلو راست نتوانست ، به قفا دراز می کشد . و پا رو به قبله می کند . ۵۹۷ - و از ایشان (علیه السلام) روایت است که فرمودند : بیمار تا عقلش به جاست ، نماز بر او واجب است ، ۵۹۸ - احکامی برگرفته از اخبار : اگر نماز گزار به نیروی خود نتوانست بایستد به دیوار یا عصایی تکیه می دهد و ایستاده نماز می گزارد . و اگر نتوانست ، نشسته نماز می گزارد و هنگام رکوع می ایستد و به رکوع می رود و اگر نتوانست ، نشسته به رکوع می رود . نماز گزار هنگامی که نشسته نماز می گزارد اگر نتوانست به سجده رود ، سجده اش را بالا می آورد ، سر بر آن می ساید . و اگر نتوانست نماز گزارد به پهلو راست می گزارد و به سجده می رود ، و اگر نتوانست به سجده رود اشاره ای می کند . و اگر نتوانست پهلو راست را به زمین گذارد ، به قفا دراز می کشد و با اشاره نماز می گزارد؛ نماز را با تکبیر آغاز کند و قرائت نماز را بخواند و چون خواست به رکوع رود چشمانش را ببندد و به جای سر برداشتن از رکوع چشمانش را بگشاید ، و چون خواست سجده کند به جای سر بر زمین نهادن چشمانش را ببندد و برای سر برداشتن از سجده ، چشمانش را بگشاید ، و چون خواست سجده دوم را گزارد ، چشمانش را ببندد و با گشودن چشمانش سر از سجده بردارد . و بر این روش است نماز او . . . و بیمار وقتی نشسته نماز می گزارد ، در حال قرائت مترع (چهارزانو) بنشیند و چون خواست به رکوع رود ، دو زانو بنشیند ، و اگر نتوانست ، هر گونه که می تواند بنشیند . و آن کس که شکم روش دارد ، هنگام نماز اگر حدثی باطل کننده نماز از او سر زد ، بار دیگر وضو بسازد ، و باقیمانده نمازش را بخواند . و کسی که بولش بی اراده روان است پس از آن که استبراء کرد ، به همین روش نماز گزارد . و حد آن بیماری که نماز نشسته را روا می کند آن است که انسان از حال خویش دریابد که نمی تواند ایستاده نماز بگزارد . و بیماری که روزه برای او زیان دارد ، خوردن بر او واجب

است و اگر روزه بگیرد، به حساب نیاید و کفایت نکند. نماز گزار در هیچ حالی نباید برای وضویش کمک بگیرد، ولی اگر برای او ممکن نباشد، برای او آب ریخته می شود، و اگر نتوانست خود وضو بگیرد، دیگری او را وضو می دهد. مجروح و دمل دار و شکسته استخوان و آبله دار، اگر از ریختن آب بر خود بیمناک هستند، واجب است که هنگام حاضر شدن برای نماز تیمم کنند. و اگر تیمم دار، از نisan حدیثی طهارت شکن آورد، واجب است در همان وقت، تیمم تازه کند و به هر نماز که رسیده بود، دنباله اش را پی گیرد؛ در صورتی که سخن نگفته باشد و پشت به قبله نکرده باشد. و مستحب است که انسان در سلامتی و بیماری، با وضو باشد؛ چرا که وضو دار اگر مرگش برسد، شهید است. ۵۹۹- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس با وضو بخوابد اگر آن شب مرگ او را دریابد؛ نزد خداوند شهید به حساب می آید. ۶۰۰- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس ((یس)) را بخواند و در آن روز بمیرد؛ خداوند او را به بهشت درآورد، و برای غسل او سی هزار فرشته حاضر شوند و برایش استغفار کنند و با طلب آموزش برای او تا قبر همراهیش کنند، و چون او را در گودی قبر گذارند، در درون قبرش باشند و خدا را عبادت کنند و ثواب عبادتشان برای اوست، و تا جایی که دیدش رسد قبر او را بگسترند و از فشار قبر ایمن گردد. ۶۰۱- ای علی، یس بخوان که در خواندنش ده برکت است: هر گرسنه که آن را بخواند سیر شود. و هر تشنه بخواند، سیراب گردد. و هر برهنه بخواند پوشانده شود. و هر بیمار بخواند، تندرست شود. و چون بی زنی بخواند همسر یابد. و اگر بیمناکی بخوابد، آرامش یابد. و هر محبوسی بخواند آزاد شود. و هر مسافری بخواند. در سفر یاری شود. و هر که گمشده ای دارد و آن را بخواند، خداوند گمشده اش را به او باز گرداند. و هر وامداری آن را بخواند، وامش ادا شود. و نزد هر مرده که بخوانند در آن ساعت خداوند بیمهای پس از مرگ را بر او سبک گرداند. ۶۰۲- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس هفتاد بار بگوید *يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ وَيَا أَبْصِرَ الْبُصَيْرِينَ وَيَا أَسْرِعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ* من در دنیا و آخرتش ضامنم که هنگام مرگ خداوند را با بشارتی دیدار کند، و در برابر هر کلمه (آن) خانه ای در بهشت دارد. ۶۰۳- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مرا بسیار درود فرستید، که درود بر من در قبر نور است، و بر صراط نور است، و در بهشت نور است. ۶۰۴- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر که را بیماری یا پیشامدی ناگوار رسد، و در آن بیماری یا پیشامد، قل هو الله احد، بخواند و در آن گرفتاری که به او رسیده است بمیرد، از دوزخیان است. ۶۰۵- و فرمود: هر کس به خدا و روز آخرت ایمان دارد، پس از نماز واجب، خواندن قل هو الله احد، را فرو نگذارد؛ که هر کس آن را بخواند خداوند برای خیر دنیا و آخرت را گرد آورد و او و پدر و مادر و فرزندانشان آمرزیده شوند. ۶۰۶- و او از پدرانش (علیه السلام) روایت کرد که، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر سعد بن معاذ، خداوند از او خوشنود باد، نماز گزارد و فرمود: هفتاد هزار فرشته که جبرائیل نیز در میانشان بود، آمدند و بر او نماز گزاردند. گفتم ای جبرئیل، به چه کار او سزاوار آن شد تا شما بر او نماز گزارید؟ گفت: به خدا خواندن قل هو الله احد، ایستاده و نشسته و سواره و پیاده و در آمد و شد. ۶۰۷- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: پدرم (علیه السلام) می فرمود: *قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثَ قُرْآنِ اسْتِ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ* ربع قرآن است. ۶۰۸- و روایت است که هر چیز اوجی دارد و اوج قرآن آیه *الكرسى* است. ۶۰۹- و امام باقر (علیه السلام) فرمود: من از آن (آیه *الكرسى*) برای بر شدن مرتبت مدد می گیرم. ۶۱۰- و فرمود: هر کس قرآن را ایستاده در نماز بخواند، در برابر هر حرف صد ثواب برایش نوشته شود. و هر کس نشسته در نماز بخواند، در برابر هر حرف پنجاه ثواب برایش نوشته شود. و هر کس در غیر نماز بخواند، در برابر هر حرف، ده ثواب برایش نوشته شود. ۶۱۱- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هر کس هنگام خواب آیه *الكرسى* را بخواند از فلیح بیم ندارد، و هر کس آن را پس از هر نماز بخواند، هیچ گزنده زهر داری به او آسیب نرساند. ۶۱۲- و فرمود: چون از چیزی بیم داشتی، صد آیه از قرآن، از هر جا که خواستی، بخوان. آن گاه سه بار بگو *اللَّهُمَّ اكْشِفْ عَنِّي الْبَلَاءَ* بار خدایا، این بلا از من بزد. ۶۱۳- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس *أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ* را هنگام خواب بخواند از عذاب قبر در امان ماند و خداوند شر نکیر و منکر را از او بسنده

کند . ۶۱۴ - و فرمود : جبرائیل نزد من آمد و گفت : ای محمد ، امت را به فضیلت های اَلْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ . . . مژده بده ؛ هر کس از امت تو آن را هنگام خواب با نیت راست بخواند ، هفتاد هزار ثواب برایش نوشته شود ، و هفتاد هزار گناه از او پاک شود . و هفتاد هزار درجه برای او بالا برده شود ، و در میان خانواده و همسایگان و آشنایانش شفاعت داده شود ، و خداوند شر نکیر و منک را از او بسنده کند . ۶۱۵ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : هر کس هر یک از قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و اِنَّا نُرْزَلْنَا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را در شب یا روز ، صد بار بخواند (این دو سوره) در قبر او نوری بتابد (و آن را روشن کنند) ، و از قبر بیرون آید در حالی که این دو (سوره) پیشاروی او و دیگری پشت سرش باشد ، تا به عطا و رحمت خداوندی ، او را به بهشت رسانند . ۶۱۶ - و فرمود : اگر سخن نمی گفتید (و ناباورانه با ثواب این سوره ها رو به رو نمی شدید . یا) اگر بر این بشارت تکیه نمی کردید (و دست از عمل نمی شستید .) ثواب خدا را در این ده سوره ، که پانصد آیه است ، برایتان گفتم : ((تزیل)) و ((سجده)) و ((یس)) و ((حم دخان)) ، ((اقتربت الساعة)) و ((واقعه)) و ((تبارک الذی بیده الملك)) و ((مرسلات)) و ((عم یسائلون)) و ((اذا الشمس کورت)) و ((فجر)) ۶۱۷ - و از ایشان (علیه السلام) روایت است که : هر کس از نماز شب غافل ماند ، ده رکعت نماز با این ده سوره بگذارد؛ در هر رکعت حمد و یکی از این سوره ها را بخواند؛ که هر کسی نمازی چنین گزارد؛ از نماز شب غافل نشود . ۶۱۸ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : هر کس سوره ((الرحمن)) را بخواند و هر باری که به قِبَائِ آلاءِ رَبِّکُمْ تَکْذِبَان (۸۶) رسید ، بگوید لَا بِشَیْءٍ مِنْ آلَائِکَ رَبِّ اُکْذَبُ . اگر شب بخواند و بمیرد شهید مرده است ، و اگر روزه بخواند و بمیرد ، شهید مرده است . ۶۱۹ - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس با مدارا و نرمی (بزید و با این خلق) بمیرد ، شهید مرده است . ۶۲۰ - لقمان (علیه السلام) به فرزندش فرمود : پسر من در توشه (دان) راحت ، دارو (نیز) بگذار تا هم خود از آن بهره مند گردی و هم همراهانت ، و با همسفران سازگار باش مگر در معصیت خدا . ۶۲۱ - و امام صادق (علیه السلام) ف...: حق مسافر آن است که چون بیمار شد ، همراهانش تا سه روز برای او بایستند . ۶۲۲ - و فرمود : شایسته است مومن نمیرد تا که قرآن را بیاموزد یا در آموختن آن باشد . ۶۲۳ - و فرمود : دین خدا را ، پیش از آن که دستگیره هایش گسسته شود ، با رغبت در انس گرفتن با دانش و دانشوران ، نگاهداری کنید . عبدالرحمن بن حجاج گفت : ای فرزند رسول خدا ، چگونه دستاویزهای علم گسسته می شوند؟ فرمود : چون عالم بمیرد ، دستگیره هایش از هم گسیخته می گردد و مردم چون گوسفندی بی چوپان می شوند که چراگاهش را گم کرده است و راه به منزلگاه خود نمی برد . ۶۲۴ - و فرمود : دانش ، گنج پیامبران است . ۶۲۵ - و او فرمود : بسیار نگرستن و اندیشیدن در علم ، خرد را شکوفا می کند . ۶۲۶ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : نیکو مردی است آن کس که در دین فقیه (و دانا) باشد ، اگر به او نیاز شد ، بهره رساند ، و اگر نیاز نشد ، خود بهره مند گردد . ۶۲۷ - مفضل بن عمر گفت : به امام صادق (علیه السلام) گفتم : انسان رستگار با چه نشان شناخته می شود؟ فرمود : آن کس که کردار او با گفتارش همساز باشد ، و کسی که کردار و گفتارش همساز نباشد ، تنها امانتگاه دانش است . بخش پنجم - عیادت بیمار و وصیت او ۶۲۸ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس بیماری را عیادت کند ، گویی که بر نخل بهشت است و ثواب می چیند . ۶۲۹ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : هر کس بیماری را برای خوشنودی خدا عیادت کند ، آنچه بیمار برای عیادت کننده ، درخواست کند ، خداوند برآورده کند . ۶۳۰ - و از مناجاتهای موسی (علیه السلام) با خداوند این بود که گفت : پروردگارا ، ثواب عیادت کننده بیمار چه باشد؟ فرمود : فرشته ای را بر او گمارم در قبر تا روز رستخیزش او را عیادت کند . ۶۳۱ - حسن بن محبوب گفت : شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود : هر مؤمنی که بامدادان برادر مومن خود را در بیماریش عیادت کند ، هفتاد هزار فرشته او را همراهی کنند و چون نزدش نشیند ، رحمت او را فراگیرد و فرشتگان برای او استغفار کنند . و چون شامگاهان او را عیادت کند همین ثواب را دارد تا به صبح درآید . ۶۳۲ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : مؤمن از جانب خدای تعالی هفت حق واجب بر مومن دارد : - در حضورش او را بزرگ دارد . - مهر او را در سینه دارد . - در مال خود او را سهیم داند . - غیبتش را

حرام شمرد . - در بیماریش به عیادت او رود . - جنازه اش را تا گورستان همراهی کند . - و پس از مرگش جز خیر درباره او نگوید . ۶۳۳- ابودرداء به سلمان فارسی ، خداوند از هر دوشان خوشنود باد ، گفت : چون مرگ کسی از شما فرا رسد ، به او مژده دهید تا خوش گمان به خداوند ، پروردگارش را دیدار کند ، و در حال تندرستی او را بیم دهید . ۶۳۴- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس نزد بیماری آید و هفت بار بگوید أَشْأَلَ اللّٰهَ الْعَظِیْمَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ أَنْ یَشْفِیَکَ از خدای عظیم ، همان پروردگار عرش عظیم ، می خواهم که شفایت دهد . اگر اجل او نرسیده باشد شفا می یابد . ۶۳۵- امیرالمؤمنین (علیه السلام) به یکی از یاران خود که بیمار شده بود ، فرمود : خداوند این درد و رنجت را سبب ریختن گناهانت کند؛ چرا که در بیماری اجری نیست ، لیک گناهان را چون برگ ریز درختان ، به زیر می ریزد . اجر در سخن گفتن با زبان و کار کردن با دستها و پاهاست . خدای سبحان با نیت راست و باطن درست هر کس از بندگانش را که خواهد به بهشت می برد . ۶۳۶- و او (علیه السلام) فرمود : از جمله کارهایی که گناهان بزرگ را پاک می کند ، فریاد رسی دلسوختگان و اندوه زدائی از غمزدگان است . ۶۳۷- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : ای سلمان ، در بیماریت سه ویژگی است : به یاد خدا هستی ، و دعایت در آن متسجاب است ، و بیماری ، جمله گناهانت را به زیر می ریزد . ۶۳۸- و فرمود : ای علی ، ناله بیمار تسبیح است ، و فریاد او تهلیل (لا اله الا الله) است ، و خواب او در بستر عیادت است و پهلو به پهلو شدن ، چنان است که گویا با دشمن خدا می جنگد ، و به میان مردم که رفت ، بی گناه می رود . ۶۳۹- و او فرمود : بیماری که بهبود می یابد و تندرست می شود ، در صفا و خوش رنگی چون تگرگی است که از آسمان می افتد .

قسمت دوم

۶۴۰- و فرمود : ای علی ، بر زنان نماز جمعه و عیادت بیمار و همراهی جنازه نیست . ۶۴۱- و به ابودر ، خداوند از او خوشنود باد ، فرمود : با مسکینان همنشین ، و بیمار که شدند به عیادتشان رو ، و چون مردند بر آنان نماز گزار . و با اخلاص چنین کن . ۶۴۲- و فرمود : چون کسی عطسه برادرش را بی پاسخ گذارد (و او را یرحمک الله ، نگوید) روز قیامت آن جواب را از او بخواهد . ۶۴۳- مفضل گفت : امام باقر (علیه السلام) ما را بدرود گفت و فرمود : ای خیمه ، سلام ما را به دوستانمان برسان و به ایشان بگو ، من آنان را به ترس از خدا سفارش می کنم . و به این که ، غنی ایشان به فقیرشان و توانای ایشان به ناتوانشان و شکیبای ایشان به نادان (ناشکیبایشان) یاری می کند . و زنده ایشان به جنازه مرده شان حاضر شود ، و در خانه هایشان به دیدار هم روند ، که دیدار آنان با هم ، مایه حیات امر ماست ،؛ و خدا رحمت کند کسی را که امر ما اهل بیت را زنده کند . ۶۴۴- و امام صادق (علیه السلام) فرمود : خدای تبارک و تعالی فرمود : ای بندگان صادق من ، از عبادت من بهره مند گردید که شما با عبادتم از نعمتهای بهشتی بهره مند می شوید . ۶۴۵- و فرمود : صاعی (سه کیلوگرم) رطب برای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید . او به زن خدمتکار فرمود : بنگر در خانه ، کاسه بزرگ یا سینی ای هست . زن به اندرون رفت و باز آمد و گفت : کاسه و سینی نیافتم . فرمود : زمین را بروب و در آنجا بریز ، سوگند به آن کس که جانم در دست اوست ، اگر دنیا نزد خدا به بال پشه ای می ارزید ، از آن هیچ به کافر نمی داد . ۶۴۶- معلی بن خنیس گفت : از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم : حق مومن بر مومن چیست ؟ فرمود : من دلسوز توام ، ترسم که بدانی و به کار نبندی و هدر دهی و پاس نداری . گفتم : لَأَحْوَلُ وَلَا حَوْلَ إِلَّا بِاللّٰهِ هِیْجَ قَدْرَتِی وَ نِیْرُوبِیْ جَزَ بَهِ خِدا نِیْسْت . فرمود : مؤمن هفت حق واجب بر مومن دارد ، و هر حقی که بر عهده اوست بر برادر او نیز واجب است ، و اگر حقی از این حقوق را تباه کند ، از ولایت خدا بیرون رفته است و طاعت او را ترک کرده است و نصیبی از آن ولایت ندارد . آسان ترین حق از آن حقوق این است که آنچه را برای خود می پسندی برای او پسندی و آنچه را برای خود نمی پسندی برای او نپسندی . دوم آن که ، با جان و مال و زبان و دست و پایت او را یاری کن . و سوم آن که (خوشنودی و خشم او را در نظر داری .

(و در پی خوشنودی او باشی و از خشم او دوری کنی . و چهارم آن که ، چشم و رهنما و آینه او باشی . و پنجم آن که ، تو سیر نباشی و او گرسنه باشد ، و سیراب نباشی و او تشنه باشد ، و پوشیده نباشی و او برهنه باشد . و ششم آن که ، اگر تو خادمی داری و او ندارد ، و زنی دارد که به کار تو می پردازد و او زنی ندارد که به کارش پردازد ، خادمیت را بفرستی تا لباسهای او را بشوید و برای او غذا درست کند و بسترش را بگسترده . و هفتم آن که ، سوگندش را بپذیری و در بیماریش او را عیادت کنی و جنازه اش حاضر شوی و اگر حاجتی دارد برای برآوردنش بشتابی و وادارش نکنی تا از تو درخواست کند . اگر چنین کردی دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خود پیوند داده ای (۸۷) . ۶۴۷ - و او فرمود : مومن برای مومن برکت است . ۶۴۸ - و فرمود : همه چیز در برابر مومن فرو تن است و همه چیز (او را بزرگ می دارد و) از او می هراسد . ۶۴۹ - آن گاه فرمود : اگر مومن ، مخلص باشد ، خداوند همه چیز را حتی جانوران (و خزندگان) زمین و درندگان ، و پرندگان آسمان را از او می ترساند . ۶۵۰ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : برای عیادت بیمار تا یک میل (۸۸) راه پیما ، و برای تشییع جنازه تا دو میل راه پیما ، و شش میل راه پیما تا به فریاد دلسوخته ای برسی . و استغفار کن . که نجات بخش است . ۶۵۱ - و او فرمود : پنج ویژگی است که اگر مسلمان بر یکی از آنها بمیرد ، همان نزد خدای عزوجل ضامن است که او را به بهشت برد : - مردی که برای جهاد بیرون رود و در راه بمیرد ، نزد خدای عزوجل ضامن است . - مردی که جنازه ای را همراهی کند ، اگر در راه بمیرد ، نزد خداوند ضامن است . - و مردی که وضویی کامل بسازد و برای نماز به سوی مسجد رود ، اگر در راه بمیرد نزد خداوند ضامن است . - و مردی که برای یاری و بزرگداشت ، امام ، سوی او رهسپرد و در این راه بمیرد ، نزد خداوند ضامن است . - و مردی که نیت آن دارد که غیبت مسلمانی را نکند ، اگر بر این نیت بمیرد ، نزد خدای عزوجل ضامن است . ۶۵۲ - و فرمود : هر کس سه نفر را افطار دهد ، آمرزیده شود . و هر کس بمیرد و سه همسایه داشته باشد که جملگی از او راضی باشند ، آمرزیده شود . ۶۵۳ - و امیرالمؤمنین (علیه السلام) چون بیماری را می دید که بهبود یافته است می فرمود : پاکی از گناهانت مبارکت باد . ۶۵۴ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : مستحب است که بیمار با دست خود به سائل صدقه دهد و از او بخواهد تا برایش دعا کند ؟ ۶۵۵ - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : بیماران را عیادت کنید و به دنبال جنازه ها روید ، شما را به یاد آخرت می اندازند . و بیمار را دعا کن و بگو : اللَّهُمَّ اشْفِهِ بِشَفَائِكَ وَ دَاوِهِ بِدَوَائِكَ وَ عَافِهِ مِنْ بَلَائِكَ ۶۵۶ - همچنین بیمار را دعا می کنی و می گویی : أُعِيدُكَ بِالرَّسُولِ الْحَقِّ النَّاطِقِ بِكَلِمَةِ الصِّدْقِ مِنْ عِنْدِ الْخَالِقِ مِنْ كُلِّ دَاءٍ تَرَاهُ وَ رَأَيْتَ وَ مِنْ كُلِّ عَوِقٍ سَاكِنٍ وَ ضَارِبٍ وَ مِنْ كُلِّ جَاءٍ وَ ذَاهِبٍ اَسْكُنْ اَسْكَنْتَكَ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ اَصْبَحْتَ فِي حِمَى اللَّهِ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ وَ فِي كَنَفِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ فِي جَوَارِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُسْتَضَامُ وَ فِي نِعْمَةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَزُولُ وَ فِي سَلَامَةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَحُولُ وَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَرُ وَ فِي مَنَعِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُرَامُ وَ فِي حِرْزِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُدْرَكُ وَ فِي عَطَائِهِ الَّذِي لَا يُحَدُّ وَ فِي قَضَائِهِ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَ فِي مَنَعِهِ الَّذِي لَا يُعَدُّ وَ فِي جُنْدِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُهْزَمُ وَ فِي عَوْنِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُخْذَلُ ۶۵۷ - جابر ، خداوند از او خوشنود باد ، گفت : بیمار شدم ، و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به عیادتم آمد و چون نشست فرمود : جابر ، این دنیا به چهار کس برپاست : به عالمی که علمش را به کار گیرد ، و به جاهلی که از آموختن سرباز نزن ، و به توانگری که به مال خود سخی باشد ، و به فقیری که آخرتش را به دنیایش نفروشد؛ اگر عالم ، علمش را به کار نگیرد ، و جاهل از آموختن سرباز زند ، و توانگر به مال خود بخل ورزد ، و فقیر آخرتش را به دنیایش بفروشد ، پس وای بر آنان ، و هلاک باشند ایشان . جابر ، کسی نعمتهای خدا بر او بسیار شد نیازهای مردم نیز به او بسیار شود ، پس اگر به آنچه خدا بر او واجب کرده است عمل کند ، دوام و بقای آن نعمت را پیوسته و پایدار کرده است ، و اگر حق آن نعمت را نگرارد ، آن را در معرض زوال و نیستی گذارده است . ۶۵۸ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس به بیمار طعامی را که میل دارد بدهد ، خداوند از میوه های بهشتی به او خوراند . ۶۵۹ - و امام باقر (علیه السلام) به جابر ، خداوند از او خوشنود باد ، فرمود : از دشمن ما در هیچ حاجتی یاری مجو ، و از او طعام مخواه ، و جرعه آبی از او مطلب . ۶۶۰ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : بنده ای را روز

قیامت بیاورند و به او بگویند: به یاد آور، تو را هیچ حسنه هست؟ او گوید: حسنه ای ندارم، جز این که بنده تو، فلانی، گذارش به من افتاد و از من آبی خواست تا بدان وضو سازد و نماز گزارد، و من به او دادم. پس آن بنده مؤمن را فراخوانند (و از او بپرسند). او گوید: آری ای پروردگرم. و پروردگار، جل ثناوه، می گوید: تو را آمرزیدم، بنده ام را به بهشت برید. ۶۶۱- و او (علیه السلام) فرمود: هر کسی در پی حاجت برادر مؤمن خود برود و حاجت او را برآورده کند و با این کار رضای خدا را طلب کند، خداوند بدین کار برایش ثوابی برابر با ثواب حج و عمره مقبول و روزه دو ماه از ماههای حرام و اعتکاف آن ماهها در مسجدالحرام را بنویسد. و هر کسی در پی حاجت او رود و بر آورده نشود، خداوند بدین کار برای او ثواب حجی مقبول بنویسد، پس در کار خیر رغبت کنید. ۶۶۲- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس با وصیتی نیکو بمیرد شهید مرده است. ۶۶۳- روایت است که، شایسته است که انسان نخواستد مگر این که وصیت او زیر سرش باشد، و در حال بیماری به این کار سفارش بیشتر شده است. ۶۶۴- از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود: هر کس به هنگام مرگ وصیتی درست نکند، این، کاستی در عقل و مروت اوست. گفتند: ای رسول خدا، وصیت چگونه است؟ فرمود: چون وقت، وفات او رسد و مردم نزد او گرد آیند، بگوید: اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَدُ إِلَيْكَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّكَ تَبَعْتُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ الْحِسَابَ حَقٌّ وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ مَا وَعَدْتَ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَأْكَلِ وَالْمَشْرَبِ وَالنِّكَاحِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ الْإِيمَانَ حَقٌّ وَأَنَّ الدِّينَ كَمَا وَصَّيْتُمْ وَأَنَّ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ وَأَنَّ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتُمْ وَأَنَّ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلْتُمْ وَأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ وَإِنِّي أَعْتَدُ إِلَيْكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَنِّي رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَنِيبًا وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ وَلِيًّا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَأَنَّ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنْتُمْ تَقْتَتِي عِنْدَ شِدَّتِي وَرَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَعُدَّتِي عِنْدَ الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي فَأَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَإِلَهِي وَإِلَهَ آبَائِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَكْلِنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَأَنْسَ فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا رَحِمَ الرَّاحِمِينَ يَا خَدَايَا، ای آفریننده آسمانها و زمین، دانای پنهان و پیدا، بخشنده مهربان، من نزد تو پیمان می سپارم و گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست، یکتا هستی و شریکی نداری، و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بنده و فرستاده توست و علی تولی توست (تو او را جانشین پیامبرت کردی) و قیامت می آید و در آن شکی نیست و تو کسانی را که تو در قبرند بر می انگیزی، و حساب حق است و بهشت حق است و نعمتهای گوناگون بهشتی چون خوردن و آشامیدن و همخوابگی کردن، که وعده داده ای حق است، و آتش حق است، و ایمان حق است، و دین حق چنان است که تو صف کرده ای و اسلام چنان است که تو گذارده ای و سخن همان است که تو گفته ای، و قرآن چنان است تو نازل کرده ای؛ تو همان خدای حق و روشنگری. و من در این سرای دنیا سرای تو عهد می بندم، که تو را به پروردگاری پسندیدم، و اسلام را دین خود گرفتم، و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را به پیامبری پسندیدم، و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را به ولایت گرفتم، و قرآن را کتاب خود، و اهل بیت پیامبر تو، که بر او و ایشان درود باد، را پیشوایان خود گرفتم. بار خدایا، تو به هنگام سختی ها تکیه گاه استوار منی، و هنگام غم و اندوه امید منی، و آن هنگام که گرفتاری بر من فرود می آید؛ تو تنها سرمایه و داشته منی، تو صاحب نعمت منی و معبود من و معبود پدران منی، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا لحظه ای به خود وامگذار، و در قبر، مونس تنهایی و وحشتم باش، و برای من نزد خود، روزی که به دیدارت می آیم عهدی گشوده (و سرور آفرین) قرار ده، به رحمت ای مهربان ترین مهربانان. این پیمان نامه میت است، روزی که وصیت به نیازمندیهایش می کند، و وصیت بر هر مسلمان، حق است. امام صادق (علیه السلام) فرمود: و تصدیق آن، در این کلام، خدای تعالی در سوره مریم (علیه السلام) است، که فرمود: لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا (۸۹) شفاعت ندارد مگر آن کس که در نزد خدا عهدی گرفت و این (وصیت)، همان عهد است. و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به امیرالمؤمنین

(علیه السلام) فرمود: تو خود، این را یاد گیر و به اهل بیت و شیعیان خود یاد ده. و فرمود: جبرئیل (علیه السلام) آن را به من آموخت. ۶۶۵ - نسخه نوشته ای که کنار جریده (چوب تر) همراه میت گذارده می شود. پیش از آن که بنویسد می گوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ ص وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعِيَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ آنگاه می نویسد: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَمُّونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ أَنَّ أَخَاهُمْ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ وَيَذْكَرُ اسْمَ الرَّجُلِ أَشْهَدُهُمْ وَأَسْتَوْدَعُهُمْ وَأَقْرَبَ عِنْدَهُمْ أَنَّهُ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَنَّهُ مَقْرَّبٌ بِجَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالرُّسُلِ ع وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَإِمَامُهُ وَأَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ أَيْمَتُهُ وَأَنَّ أَوْلَهُمُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحُجَّةَ ع وَأَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالسَّاعِيَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ وَأَنَّ مُحَمَّدًا ص رَسُولُهُ خِيَاءٌ بِالْحَقِّ وَأَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَالْحَلِيفَةُ مِنْ بَعِيدِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَمُسْتَتَلِفُهُ فِي أُمَّتِهِ مُؤَدِيًا لِأَمْرِ رَبِّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَأَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنَتِهَا الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ ابْنَا رَسُولِ اللَّهِ ص وَسِبْطَاهُ وَإِمَامَا الْهُدَى وَقَائِدَا الرَّحْمَةِ وَأَنَّ عَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرَ وَمُوسَى وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَحَسَنًا وَالْحُجَّةَ ع أَيْمَتُهُ وَقَادَةَ دُعَاةً إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَحُجَّةً عَلَى عِبَادِهِ أَنْ گاه به شاهدان می گوید: فلانی، تو را به خدا می سپاریم، وعده ما با این شهادت اقرار و برادری نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد، سلامت می گویم و رحمت خدا و برکاتش را برایت می طلبیم. آن گاه نوشته را می پیچند و مهر می زند و با مهر شاهدان و مهر میت مهورش می کنند و با جریده دست راست میت می گذارند. و (نسخه دیگری از) آن نوشته را به خواست خدا و توفیق او، عطر زده، با کافور و عود روی پیشانی او می گذارند. و درود و سلام خدا بر آقای ما محمد رسول (خدا) و بر آل او، آن برگزیدگان آل او، آن برگزیدگان و نیکان، باد. ۶۶۶ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مردی باشد که هفتاد سال عمل بهشتیان را بکند لیک در وصیت خود کج رود و ستم کند و کارش با عمل دوزخیان پایان پذیرد، و مردی باشد که هفتاد سال عمل دوزخیان را بکند و در وصیت خود عدالت ورزد و کارش با عمل بهشتیان پایان پذیرد و به بهشت رود. آن گاه قرائت فرمود وَمِنْ يَتَعَدَّدُ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۹۰) و کسانی که از مرزهای خدائی درگذرند پس آنان همان ستمکارانند یا این آیه را تلاوت فرمود: وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ (۹۱) و آن، مرزبندیهای خداوندی است و هر کس از مرزهای خدائی در گذرد بر خود ستم روا داشته است.

باب چهارم: مرگ و هراسهای آن

بخش اول - غم و شادی مرگ

۶۶۷ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مرگ ارمغان مومن است. ۶۶۸ - و او فرمود: مرگ کفاره مومن است (پوشاننده و پاک کننده گناهان اوست). و چون مومن بمیرد، در اسلام شکافی افتد که جای آن را چیزی پر نکند، و جاهائی از زمین که او خدای عزوجل را در آنها پرستیده است، بر او برگریند. ۶۶۹ - و فرمود: وقتی زمانها و فاصله ها به هم نزدیک و کوتاه شوند (زمان سفرها و فاصله شهرها کوتاه شود). یا، وقتی زمان (ظهور منجی انسانها) نزدیک شود، مرگ بهترین امت مرا بر می چیند، چنان که شما خوبترین رطب را از طبق بر می چینید. ۶۷۰ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: خداوند فرشتگانی دارد که برا گرفتن جان حاملان (و حافظان) قرآن شتابان ترند تا گرفتن جان بت پرستان. ۶۷۱ - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: بین ما و بهشت یا دوزخ، جز مرگ نیست. ۶۷۲ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: عیسی (علیه السلام) فرمود آن هراسی (مرگ) که نمی دانی کی تو را فرا می گیرد، چه چیز باز دارنده توست تا پیش از آن که غافلگیرت کند، خود را مهیای آن کنی؟! ۶۷۳

- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر چه آمدنی است نزدیک است. ۶۷۴ - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: آن کس که فردا را از اجل خود شمرد، مرگ را در جایگاه راستین خود نگذاشت. و بنده ای آرزو را دراز نکرد مگر این که لطمه بر عمل زد و کردار را بد کرد و دنیا طلبید. ۶۷۵ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر بنده که یاد مرگ بسیار کند، به دنیا بی رغبت شود. ۶۷۶ - و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر به اجل و مسیر آن می نگرستید، آرزو و فریبندگی آن را دشمن می داشتید. هر تلاشگری غایت و نهایی دارد، غایت هر تلاشگر مرگ است. اگر آنچه را شما از مرگ می دانید چهارپایان می دانستند، هرگز چهارپای فربه‌ی نمی خوردید. (هیچ چهار پای حلال گوشتی از اندیشه مرگ فربه نمی شد) ۶۷۷ - و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چنان باش که گویا رهگذری، و خویشتن را در زمره مردگان گورستان شمار. هر قدر می خواهی بزی، تو می میری. و هر کس را می خواهی دوست بدار، از او جدا می شوی. در شگفتم از کسی که مرگ در پی اوست و او آرزومند دنیا است. ۶۷۸ - و او فرمود: خداوند توبه بنده را تا جان به گلویش نرسیده است می پذیرد. به سوی پروردگارتان باز گردید، پیش از آن که بمیرد. و به کارهای خوب و نیکو دست یازید و بشتابید، پیش از آنکه گرفتار و سرگرم شوید. و با یاد کردن بسیار او، پیوند خود را با او به وصل رسانید. ۶۷۹ - و فرمود: همه تشنه می میرند، جز ذاکر خدا. ۶۸۰ - و فرمود: هر کس بر نیک ترین کردار خویش بمیرد، و برایش امید خیر بدارید، و هر کس بر کردار بدش بمیرد بر او بیمناک باشید، ولی نومید مشوید. ۶۸۱ - و او فرمود: هر کس چشم به راه مرگ باشد، از لذتها غافل شود، و هر کس در دنیا زهد ورزد، مصیبتها بر او آسان شوند. این دلها چون آهن، زنگار می گیرند. گفته شد: جلای آن به چیست؟ فرمود: (به) یاد خدا و تلاوت قرآن. ۶۸۲ - همو فرمود: گویا که حق، در دنیا بر کسانی جز ما واجب است، و گویا که مرگ در دنیا برای غیر ما نوشته و حتم است، و گویا مردگانی را که (تا گور) همراهی می کنیم مسافراند و به زودی سوی ما باز می گردند؛ از گورهایشان باز می گردیم و میراث آنان را می خوریم، گویی که ما پس از آنان جاودانه ایم. پند هر واعظ و عبرت هر رویداد پندآموز را از یاد برده ایم و خود را از هر بلای ناگواری ایمن می دانیم. ۶۸۳ - و فرمود: ناپسندترین زمان عذر آوردن هنگامی است که مرگ فرا رسد. ۶۸۴ - و فرمود: پس از مرگ دیگر رضایت جستی نیست. فروپاشنده لذتها و تیره کننده شهوتها (مرگ) را بسیار یاد کنید. ۶۸۵ - و امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود: عقلتان را به کار بندید، آیا در (رفتن) پدران گذشته تان و آثار بر جای مانده مردمان پیشین، پند و بصیرتی نیست؟! به مردگان نمی نگرید که باز نمی گردند و فرزندان تان را نمی بینید که جاوید نمی مانند؟! خدای تعالی که سخن راست، سخن اوست فرمود: وَ حَرَامٌ عَلَى قَرْبَیْهِ أَهْلُکُنْهَآ أَنَّهُمْ لَا یَرْجِعُونَ (۹۲). محال است که ما اهل آبادی را هلاک کنیم و آنان بار دیگر به این دنیا باز گردند. (۹۳) و فرمود: کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (۹۴) هر آدمی هر جاندار مرگ را می چشد. ۶۸۶ - و روایت است که، چون موسی (علیه السلام) مرد، از آسمان صدائی شنیدند که می گفت: موسی مرد، کدام آدمی است که نمیرد. ۶۸۷ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: کسی از شما نمیرد مگر این که به خداوند خوش گمان باشد. (با خوش گمانی به خداوند بمیرد). ۶۸۸ - و امام باقر (علیه السلام) فرمود: دنیا را به مانند منزلگاهی بدان که در آن فرود آمده ای و همان روز قصد رفتن از آن را داری، یا مانند بدان که در خواب به دست آورده ای و بیدار شده ای و چیزی از آن در دست نیست. و وقتی به دنبال جنازه ای می روی چنان باش که گویا تو را در تابوت می برند و تو در خواست بازگشت به دنیا کرده ای و (خداوند) بازت گردانده است؛ پس چونان کسی عمل کن که پس از مرگ را به چشم دیده است. ۶۸۹ - روایت است که، چون وفات ابراهیم (علیه السلام) نزدیک شد گفت: (خدایا)، چرا رسولی نزد من نفرستادی تا ساز و برگ مرگ را مهیا کنم؟ گفت: ندانستی که سپیدی مو، رسول من است. ۶۹۰ - ابوبکر بن عیاش گفت: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که مردی آمد و گفت: در خواب دیدم که گویا به شما می گویم، از عمر من چه قدر مانده است؟ و شما با دست به پنج اشاره فرمودی، و این خواب دل مشغولم کرده است. او (علیه السلام) فرمود: تو از چیزی پرسیدی که جز خدای عزوجل آن را نمی داند، و آن یکی از پنج

چیز است که ویژه خداست: - إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ دَانَش رُز رَسْتَاخِيز نَزْد خِدَا سْت . (دانش ساعت مرگ و ساعت رستاخیز هر دو ویژه اوست .) - وَ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ اُو بَارَان رَا فَرَسْتَد . (در هنگام و محل معین .) - وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَ اُو دَانَد که در زاهدان آبستان چیست . (نرینه شود یا مادینه ، زیبا شود یا زشت ، بخشنده باشد یا بخیل ، خوشبخت باشد یا بدبخت .) - وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ مَا ذَا تَكْسِبُ غَدًا وَ هِیچ آدَمی نَدَانَد که فَرْدَا چِه خَوَاهَد شَد کَرْد . (خیر یا شر ، و بسا که دل بر کاری نهد و خلاف آن کند .) - وَ مَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ (۹۵) وَ هِیچ کَس نَدَانَد که به کَدَام زَمِین خَوَاهَد مَرْد . ۶۹۱ - هَمُو کَگفت : شَنِیدَم اُو (علیه السلام) مِی فَرمود : سُبْحَانَ مَنْ لَّا یَسْتَأْنِسُ بِشَیْءٍ أَبْقَاهُ وَ لَّا یَسْتَوْحِشُ مِنْ شَیْءٍ أَفْنَاهُ . پاک و منزّه است آن خدائی که بد آنچه باقی گذارد ، انس نجوید و از آنچه نیست کند ، تنها نشود و به وحشت نیفتد . وَ شَنِیدَم (این آیه) رَا مِی خَوَانَد وَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَّا یَبْعَثُ اللَّهُ مِنْ يَمُوتٍ (۹۶) وَ به خدَا سُو گَنَد سَخْت یَا د کَرْدَنَد که خدَاوَنَد هَر که رَا مَرْد ، دُو بَار زَنده نَکَنَد . وَ مَن بَا سَخْت تَرِین سُو گَنَد به خدَا سُو گَنَد یَا د مِی کَنَم که به حَتم ، خدَاوَنَد هَر که رَا بَمِیرَد ، دُو بَارَه زَنده کَنَد؛ وَ تُو مِی پَنَداری که خدَا ، اهل این دو سُو گَنَد رَا در یَک سَرَا ، که آتَش بَاشَد ، گَرْد هَم آرد ؟! ۶۹۲ - رَوایَت است که مَرْدی نَزْد پِیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد وَ کَگفت : هَمسایَه ام ، فَلَانی ، آزارم مِی دَهد . فَرمود : بَر آزارش شَکیبَا باش وَ دَست به آزار او نَگَشا . دِیری نِپایید که مَرْد آمد وَ کَگفت : ای پِیامبر خدَا ، هَمسایَه ام مَرْد . پِیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فَرمود : رُز گَار بَرای پَنَد دَا دَن وَ مَرگ بَرای پَراکَنَدَن ، بَسَنده بَاشَنَد . مَجاهد در باره این کَلَام خدَا ی تَعالی فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ (۹۷) آسَمَان وَ زَمِین بَر (هَلَاکَت) آنا (فَرعونیان) نَگریسَتَنَد . کَگفت : هَر مومنی که بَمِیرَد ، آسَمَان وَ زَمِنی بَر او بَگریَنَد . از این سَخَن در شَگفتید ؟! چَرَا زَمِین بَر بنده ای که آن رَا بَا رَکوع وَ سَجودش آبا د مِی کَرْد ، نَگرید ؟! وَ چَرَا آسَمَان بَر بنده ای که تَسبیح وَ تَکبیرش در آن ، پُژواکی چُون پُژواک آوای زَنبور عَسل دَاشت ، نَگرید ؟! ۶۹۳ - رَوایَت است که چُون مومن بَمِیرَد ، آن سَرزَمِین ، سَرزَمینهای دِیگَر رَا آواز دَهد که ، آن بنده مومن خدَا مَرْد . پَس آسَمَان وَ زَمِین بَر او بَگریَنَد . خدَاوَنَد ، که خُود دَاناتر است ، به آندو گوید : چِه شَما رَا بَر بنده ام گَرِیَان کَرده است ؟ گویند : پَرود گَارَا ، او در هَر گوشه زَمِین که قَدَم مِی کَذاشت تُو رَا یَا د مِی کَرْد . ۶۹۴ - پِیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کَگفت : پَرورد گَارَا ، کَدَام بنده نَزْد تُو مَحبوب است ؟ فَرمود : آن که در فَقْدان نِیکان چُون کُودکی پَدَر وَ مَادَر از دَست دَا دَه ، بَگرید . ۶۹۵ - وَ فَرمود : خدَا ی تَعالی فَرمود : تَر دِیدی که مَن در گَر فتن جان بنده مومنم کَرْدَم در هِیچ کار نَکَرْدَم ؛ او مَرگ رَا خُوش نَدَارَد وَ مَن دَلگِیر شَدَنش رَا خُوش نَدَارَم ، وَ او چاره ای جَز مَرگ نَدَارَد . ۶۹۶ - وَ فَرمود : هَر کَس در مَکَه بَمِیرَد چَنان است که در آسَمَان دَنیَا مَرده است . وَ هَر حَج گَزَار یا عَمَره گَزاری که در یَکی از دو حَرَم مَکَه یا مَدینه بَمِیرَد ، بی حَسَاب وَ عذاب ، خدَا رَا دِیدار کَنَد . در گَر دَا گَرْد کَعبه قَبر سِیصد پِیامبر است . وَ هَر پِیامبر که قُومش او رَا باور نَمی کَرْد وَ نَمی پَدیرفت ، از مِیَان آنا ن مِی رَفت وَ خدَا رَا مِی پَرستید تا بَمِیرَد . ۶۹۷ - وَ او فَرمود : مَرگ غَرِیب (دُور از وَطَن) شَهادت است . ۶۹۸ - وَ فَرمود : شَرافتَمندانَه تَرِین مَرگ ، مَرگ شَهِیدان است . ۶۹۹ - زَید بن اَرَقَم ، خدَاوَنَد از او وَ پَدَرش خُوشنُود بَا د ، کَگفت : حَسین بن عَلِی (علیه السلام) فَرمود : شِعیان ما هَمه صَدِیق وَ شَهِیدانَد . کَگفتم : چَگونه چَنین است حال آن که ایشان در بَستَرهایشان مِی مِیرَنَد . فَرمود : مَگَر کَتَاب خدَا رَا نَخوانده ای که مِی گوید : وَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ (۹۸) . وَ کَسانی که به خدَا وَ رَسولان او اِیمان آوَرَدَنَد ، آنا ن نَزْد پَرورد گَارشان صَدِیقان شَهِیدانَد . آن گاه فَرمود : اَگَر شَهادت تَنها بَرای کَشَتگان شَمشیر مِی بُوَد ، خدَاوَنَد شَمار شَهِیدان رَا اندک کَرده بُوَد . ۷۰۰ - وَ پِیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فَرمود : مَرگ ناگَهانی بَرای مومنان رَحمت وَ بَرای کافران عذاب است . ۷۰۱ - وَ فَرمود : هَر زَنی که در زایمان خُود بَمِیرَد ، رُز قِیامت دَفتَر حَسابی بَرای او گَشوده نَشود . ۷۰۲ - وَ اِمَام صَادِق (علیه السلام) فَرمود : کَسی که بَین زِوال خُورشید رُز پَنجشنبه تا زِوال خُورشید رُز جَمعه بَمِیرَد ، خدَاوَنَد او رَا از فِشار قَبر پَناه مِی دَهد . ۷۰۳ - رَوایَت است که ، قَبر فِشاری دَارَد که بَنَدبند اندام رَا از هَم مِی گَسلد . ۷۰۴ - وَ اِمَام باقر (علیه السلام) فَرمود : کَسی که به خِوانَدَن (سُوره) حَم زَخرف ، مواظبت کَنَد ، خدَاوَنَد او رَا در قَبر ، از

گزندگان زمین و فشار قبر در امان نگه دارد. ۷۰۵- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس سوره ن والقلم، را در نماز واجب یا مستحب بخواند، خداوند از فشار قبر پناهش دهد. ۷۰۶- و فرمود: هر کس سوره ذاریات را بخواند. چراغی در قبرش روشن شود که تا روز قیامت بدرخشد. ۷۰۷- و او فرمود: هر کس به خواندن سوره حدید و (سوره) مجادله در نماز واجب، مواظبت کند، چون بمیرد خداوند عذابش نکند. ۷۰۸- خداوند به موسی (علیه السلام) وحی کرد: در تاریکی شب در پیشگاهم بایست، قبر تو را باغی از باغهای بهشت می کنم. ۷۰۹- و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: سخت ترین ساعتها برای فرزند آدم سه ساعت است: ساعتی که در آن فرشته مرگ را می بیند، و ساعتی که در آن از قبر بر می خیزد، و ساعتی که برای حسابرسی در برابر خدای عزوجل می ایستد؛ یا به بهشت رود و یا راهی دوزخ شود. آن گاه فرمود: ای فرزند آدم، اگر هنگام مرگ نجات یافتی به سلامت رسته ای و گرنه هلاک گشته ای. ای فرزند آدم، اگر در موقف رستخیز نجات یافتی به سلامت رسته ای و گرنه هلاک گشته ای. و اگر هنگامی که مردم را به عبور از صراط و می دارند نجات یافتی به سلامت رسته ای و گرنه هلاک گشته ای. و اگر هنگام حسابرسی از مردمان در پیشگاه پروردگار عالمیان، نجات یافتی به سلامت رسته ای و گرنه هلاک گشته ای. سپس این آیه را تلاوت می فرمود *وَمَنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۹۹)* و در برابر آنان برزخ است تا روزی که رستخیزشان رسد. فرمود: و برزخ همان قبر است، و (هلاکیان) در آن، زندگی سخت دارند. به خدا سوگند، قبر باغی از باغهای بهشت است یا گودالی از گودالهای دوزخ. ۷۱۰- ابن عباس، خداوند از او خوشنود باد، گفت: روی دوزخ هفت پل است؛ - در نخستین آنها از ایمان بنده حسابرسی می شود. - و در پل دوم از نماز او حسابرسی می شود. اگر رکوع و سجودش را کامل کند و وقتش را پاس دارد، بگذرد و گرنه در آتش افتد. - و در پل سوم حساب زکاتش را رسند، اگر آن را ادا کرده باشد، می رهد، و گرنه در آتش می افتد. - و در پل چهارم از روزه ماه رمضان حسابرسی می شود، اگر روزه بنده کاستی نداشت و سالم بود، می رهد، و گرنه در آتش می افتد. - و در پل پنجم حج و عمره او را به حساب گذارند، اگر آن را گزارده بود، می رهد، و گرنه در آتش می افتد. - و در پل ششم از وضو و غسل جنابت او حسابرسی می شود اگر به درستی انجام داده بود، می رهد و گرنه در آتش می افتد. - و در پل هفتم حق پدر و مادر و خویشان و ستمها در حقوق مردمان، حسابرسی می شود. اگر از جمله اینها به سلامت رست، می رهد، و گرنه در آتش می افتد.

بخش دوم - آداب مختصر

قسمت اول

۷۱۱- امام صادق (علیه السلام) فرمود: وقتی یکی از خویشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) مشرف به مرگ می شد، به او می فرمود: *بگو لَمَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ* و چون بیمار این را می گفت، به او می فرمود: برو، بیمی بر تو نیست. ۷۱۲- ابوبکر حضرمی، گفت: مردی از خویشانم بیمار شد و من به عیادت او رفتم و گفتم: برادرزاده، نصیحتی به تو دارم، می پذیری؟ گفت: آری. گفتم: *بگو أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ* و او شهادت داد. گفتم: *بگو وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ* و او شهادت داد. گفتم: از این بهره مند نمی شوی مگر این که بدان یقین داشته باشی. گفت: یقین دارم. گفتم: *بگو وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَصِيَّهُ وَهُوَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ وَالْإِمَامُ الْمُفْتَرَضُ الطَّاعِيَةُ مِنْ بَعْدِهِ* و او شهادت داد. گفتم: تا به این شهادت یقین نداشته باشی از آن بهره ای نبری. و آن گاه امامان را یک به یک نام بردم و او پذیرفت و گفت، که

به ایشان یقین دارد. اندکی پیش نگذشت که مرد وفات یافت و خانوادش گریه و زاری سر دادند و سخت ناشکیبی کردند. من مدتی از آنان دور بودم، پس از چندی آمدم و آرامش و شکیبائی در خور ستایشی در میانشان دیدم. گفتم: ای زن، پس از ناشکیبی، این شکیب چگونه پیدا شد؟ گفت: به خدا سوگند، با وفات او مصیبت سختی به ما رسید، لیک آنچه مایه آرامش من شد، خوابی بود که دیشب دیدم. گفتم: چه بود؟ گفت: او را در خواب دیدم و گفتم: چه شد؟ تو مرده ای (و هلاک گشته ای)؟ گفت: آری، ولی با کلماتی که ابوبکر حضرمی به من تلقین داد، نجات یافتم. اگر آن کلمات نبود، هلاکتم نزدیک بود.

۷۱۳- ابوبصیر، خداوند از او خشنود باد، گفت: در محضر امام باقر (علیه السلام) بودیم، حمران نیز آنجا بود که غلامی آمد و گفت: فدایت شوم، عکرمه در حال مرگ است. او عقیده خوارج را داشت و لیکن با امام باقر (علیه السلام) همنشینی می کرد. امام (علیه السلام) به ما فرمود: مرا مهلتی می دهید تا پس از آن نزد شما بازگردم؟ گفتم: آری. دیری نپایید که او بازگشت و فرمود: اگر من عکرمه را پیش از آن که جاننش به در آید در می یافتم، کلماتی به او می آموختم که از آنها بهره مند شود، ولی او را زمانی یافتم که جان داده بود. گفتم: فدایت شوم، آن کلمات چیست؟ فرمود: به خدا سوگند، آن همان باوری است که شما برآیند، به مردگانتان هنگام مرگ، شهادت لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و ولایت را تلقین می دهد. ۷۱۴- زید شحام، خداوند از خوشنود باد، گفت: به حضور امام صادق (علیه السلام) رسیدم. فرمود: ای زید، عبادت پروردگارت را از سر بگیر و توبه تازه کن. گفتم: خیر مرگم را می دهید؟ فرمود: آنچه ما داریم برایت نیکوتر است، تو از شیعیان مائی. به خدا سوگند من به شما مهربانترم. ۷۱۵- ابن عباس، خداوند از او خوشنود باد، گفت: چون مرگ یکی از شما فرا رسید، مژده اش دهید، تا به پروردگارش خوش گمان باشد و به دیدارش رود. ۷۱۶- و محمد بن علی، امام جواد، (علیه السلام) فرمود: مردی از یاران امام رضا (علیه السلام) بیمار شد و او به عیادتش رفت و فرمود: چگونه ای و چه حال داری؟ گفت: گویا از میان شما رفتم و مرگم را دیدم. مقصودش رنجی بود که از شدت بیماری به او دست داده بود. فرمود: آن را چگونه یافتی؟ گفت: سخت و دردناک. فرمود: آنچه دیدی، آغاز کار است و مرگ اندکی از حال خود را به تو نمایاند. مردم دو دسته اند: یکی با مرگ آسوده می شود، و دیگری با مرگش از او آسوده می شوند. پس (بار دیگر) ایمانت را به خدا و ولایت تازه کن، تا (با مرگ) آسوده شوی. مرد چنین کرد و آنگاه گفت: ای فرزند رسول خدا، این فرشتگان پروردگارم هستند که با شادباشها و ارمغانها تو را سلام می دهند. آنان در برابر ایستاده اند، به ایشان اجازه نشستن بده. و امام (علیه السلام) فرمود: فرشتگان پروردگارم بنشینید. و به بیمار فرمود: از آنان پرس که آیا دستور دارند تا در محضرم بایستند؟ بیمار گفت: از ایشان پرسیدم. گفتند: ما بر این باوریم که اگر جمله فرشتگانی که خدا آفریده است در حضور شما آیند، برایتان بایستند و ننشینند تا بدیشان اجازت دهی. خدای عزوجل چنین امرشان کرده است. آن گاه مرد چشمانش را بست و گفت: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ این شما هستی که به همراه محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامان (علیه السلام) در برابر ایستاده اند. مرد این را گفت و جان داد. ۷۱۷- از حارث همدانی، خداوند از او خوشنود باد، روایت است که گفت: نیم روزی بود که به حضور امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسیدم. فرمود، تو را چه به اینجا کشانده است؟ گفتم: به خدا سوگند مهر تو. فرمود: اگر (در این دعوی) صادق باشی مرا در سه جا می بینی. آن زمان که جانت به اینجا - و به حنجره خود اشاره فرمود. - رسد، و نزد صراط و کنار حوض. ۷۱۸- و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به هنگام مرگ بستیزید و دور افکنید. گفته شد: چگونه بستیزیم ای رسول خدا؟ فرمود: بگوئید قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ (۱۰۰) بگو: ای کافران، من نمی پرستم آنچه شما می پرستید. سوره کافرون را بخوانید. ۷۱۹- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیش از مرگش، (این ذکر را) بسیار می گفت سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ. ۷۲۰- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) هنگام وفات می فرمود: تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ (۱۰۱) بر نیکی و پرهیزکاری یار و همدست یکدیگر باشید و در گناه و دشمنی یار هم نباشید. آن گاه تا لحظه وفات می فرمود لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

۷۲۱- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به مردگانتان لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را تلقین دهید که هر کس آخر سخن او لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ باشد به بهشت رود. گفته شد: ای رسول خدا، سختیها و بیهوشی های دم مرگ ما را از این کار باز می دارد. همان دم جبرئیل (علیه السلام) آمد و گفت: ای محمد، به ایشان بگو، اکنون که در سلامتی به سر می برید بگوئید لا اله الا الله تا توشه ای اندوخته برای آن وقت باشد. ۷۲۲- و امام زین العابدین (علیه السلام) هنگام مرگ می فرمود: اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَإِنَّكَ رَحِيمٌ خدایا رحم کن تو کریمی خدایا رحم کن تو رحیمی و پیوسته این را می گفت تا جان داد. ۷۲۳- هنگام مرگ کاسه آبی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که دست در آن می برد و آب به روی (مبارک) می مالید و می گفت اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى سَيِّئَاتِ الْمَوْتِ بار خدایا مرا به سختی های مرگ یاری ده. ۷۲۴- و این دعا از ایشان (علیه السلام) است: اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَيُوتِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى سَيِّئَاتِ الْمَيُوتِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى غَمِّ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ضَيْقِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى ظُلْمَةِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى وَحْشَةِ الْقَبْرِ اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي طُولِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ اللَّهُمَّ رَوِّجْنِي مِنَ الْجُورِ الْعَيْنِ ۷۲۵- روایت است، وقتی روز قیامت شود و مردمان (به حکم) پروردگار به پا ایستند، هر یک آواز دهند و گویند: بار خدایا رحم کن، بار خدایا رحم کن. و جواب آید که، اگر در دنیا رحم کردید، امروز به شما رحم می شود. ۷۲۶- سلیمان جعفری گفت: امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) را دیدم که به پسرش قاسم می فرمود: پسر، برخیز و بر بالین برادرت وَ الصَّافَاتِ صَفًّا را تا به آخر بخوان. و او خواند تا به أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا (۱۰۲) رسید، آن جوان جان داد. چون پیکرش را پوشاندند و (مردمان) بیرون رفتند، یعقوب بن جعفر رو کرد و گفت: رسم ما بر این بوده است که وقتی مرگ کسی فرا رسد نزد او یس وَ التَّوْرَانَ الْحَكِيمِ را بخوانیم، و شما را به وَ الصَّافَاتِ صَفًّا امر می فرمائی؟! فرمود: فرزندم، این سوره را نزد هیچ در گرداب مرگ افتاده ای نخواند مگر این که خداوند زود راحتش کند. ۷۲۷- روایت است که، نزد بیمار و میت آیه الکرسی میخوانی و می گویی: اللَّهُمَّ أَخْرِجْهُ إِلَى رِضَى مِنْكَ وَ رِضْوَانِ اللَّهِ اغْفِرْ لَهُ ذَنْبَهُ جَلَّ ثَنَاءُ وَجْهِكَ. پس از آن آیه سخره إِنَّ رَبَّكَمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ... تا إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (۱۰۳) را می خوانی، آن گاه سه آیه را از آخر سوره بقره لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ... تا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱۰۴) را می خوانی، و پس از آن سوره احزاب را می خوانی. ۷۲۸- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وقتی جان کندن بیمار سخت شد، او را روی جانمازی که در آن نماز می کرد بگذار و چون مرد رو به قبله اش کن. ۷۲۹- علی بن ابی حمزه گفت: به امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) گفتم، نشستن بر بالین کسی که در آستانه مرگ است بر زن حائض رواست؟ فرمود: مانعی نیست، از او پرستاری کند، لیکن چون بر بیمار خائف شدند و مرگ او را نزدیک دیدند، از او دور شود؛ چرا که فرشتگان از این حال آزار می بینند. ۷۳۰- یونس بن یعقوب گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: هنگام تلقین دادن میت، زن حائض و جنبان در کنار او حاضر نشوند، لیکن مانعی نیست که اینان غسلش دهند. ۷۳۱- و فرمود: برای (شستن) میت آب را گرم نکنند و (گرمای) آتش را پیشاپیش برایش نیاورند. ۷۳۲- روایت است که: درود بر پیامبر و آل او (صلی الله علیه و آله و سلم) قبر را نورانی می کند. ۷۳۳- سفیان روایت کرد که، چون مرده را دفن کردند و روی او خاک ریختند و مردم بازگشتند، دو فرشته برای پرسش از او می آیند. و ابلیس بالای سرش می ایستد و وقتی فرشتگان گفتند، پروردگارت کیست؟ او به خود اشاره می کند و می گوید: بگو منم. از این رو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمود: أَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ خدایا از فتنه قبر به تو پناه می برم. ۷۳۴- و امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر مومن که مومن دیگر را غسل دهد. و وقتی او را می گرداند بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا يَدُنْ عَيْدِكَ الْمُؤْمِنِ قَدْ أَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَ فَرَّقْتَ بَيْنَهُمَا فَعَفَوَكَ عَفْوَكَ بار خدایا این بدن بنده مومن توست و تو روحش را از کالبد آن درآوردی و بین آن دو جدائی افکندی، پس او را ببخش، او را ببخش. چون چنین کند، خداوند گناهان یک سال آن مومن غسل دهنده را ببخشد، جز گناهان کبیره.

قسمت دوم

۷۳۵- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس مرده مومنی را غسل دهد و امانت را درباره او ادا کند، آمرزیده شود. پرسیدند: چگونه امانت او را ادا کند؟ فرمود: هر چه را ببند (پنهان دارد) و خیر ندهد. ۷۳۶- و فرمود: کفنه‌های مردگان را نیکو بگیرید که زینت ایشان است. ۷۳۷- و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به مردگان لا اله الا الله تقلین دهند که گناهان را فرو می‌پاشد. گفتند: ای رسول خدا، در سلامتی اگر بگویند چگونه است؟ فرمود: آن (بزه را) ویران تر و ویران تر کند، لا اله الا- الله در زندگی و مرگ و رستخیز مومن، مونس اوست. ۷۳۸- و فرمود: آن کس که در دنیا قنوتش طولانی تر است، روز قیامت در موقف (حساب) راحتیش طولانی تر است. ۷۳۹- مفضل بن عمر گفت: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: فاطمه (علیه السلام) را که غسل داد؟ فرمود: امیرالمؤمنین (علیه السلام). این امر مرا گران آمد. (که مگر عظمت فاطمه (علیه السلام) بدین پایه است؟ ولی خدا و وصی رسول خدا غسلش دهد؟) فرمود: گویا این گفته در سینه ات نمی‌گنجد؟! گفتم: آری، فدایت شوم. فرمود: سینه تنگی مکن. او صدیقه بود و کسی جز صدیق غسلش نمی‌داد؛ نمی‌دانی که مریم (علیه السلام) را کسی جز عیسی (علیه السلام) غسل نداد. ۷۴۱- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: جامه سپید نیکوترین جامه است، آن را بپوشید و مردگانتان را در آن کفن کنید. ۷۴۲- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: کتان (پوشش) بنی اسرائیل بود و مردگانشان را در آن کفن می‌کردند، و پنبه از آن امت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است. ۷۴۳- و از او (علیه السلام) درباره زنی که در زایمان بمیرد پرسیدند که غسلش چگونه است؟ فرمود: همانند غسل پاکان است، و چنین است (غسل) زن حائض و شخص جنب. ۷۴۴- و امام ابوالحسن کاظم (علیه السلام) درباره غرق شدگان و صاعقه زدگان فرمود سه روز درنگ کنند، مگر این که پیش از این دگرگون شود (و بو بگیرد). ۷۴۵- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، عمار بن یاسر و هاشم بن عتبہ مرقال را در جنگ صفین غسل نداد و آن دو را در جامه هایشان دفن کرد و بر آنان نماز گزارد. ۷۴۶- و از او (علیه السلام) درباره نصرانی‌ای پرسیدند که همسفر مسلمانان باشد و بمیرد، فرمود: مسلمانان غسلش ندهند و آداب و احترامی برای او نگه ندارند و دفنش نکنند و بر قبرش نایستد، اگر چه پدرش باشد. ۷۴۷- امام باقر (علیه السلام) فرمود: وقتی عبدالله بن ابی بن سلول مرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر جنازه او حاضر شد، عمر گفت: ای رسول خدا، مگر خداوند نمی‌فرماید و لا تُصَلُّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا و لا تُقَمُّ عَلَى قَبْرِه (۱۰۵) و بر هیچ یک از آن منافقان که بمیردند نماز مگزار و بر گور او نایست. پیامبر خاموش ماند و عمر آن سخن را دوباره تکرار کرد. و او (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: وای بر تو، تو چه می‌دانی من چه گفتم؟ پروردگار تو از آنچه من گفتم نهی نکرد. من گفتم، بار خدایا اندرونش را پر از آتش کن و گورش را پر از آتش کن و روز قیامت به آتشش رسان. عمر با این خرده گیری نا به جا آنچه را رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) خوش نداشت به زبان آورد، فاش و آشکار کرد. ۷۴۸- ابوصباح کنانی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که او فرمود: غلامی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) وفات یافت و پیامبر امر فرمود: تا قبری برایش بکنند. بازگشتند و گفتند: ای رسول خدا، نمی‌توانیم برای او گودالی بکنیم. پیامبر بار دیگر فرمود، تا برایش قبری بکنند. آنان دیگر بار بازگشتند و گفتند: نمی‌توانیم برایش قبری بکنیم، هر جا که می‌رویم آنجا را سفت و سخت می‌یابیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چرا؟ به خدا سوگند او خلق خوشی داشت. بروید و در فلان جا برایش قبری بکنید. و آنان رفتند و کردند، گویا در میان توده‌ای از ریگ می‌کنند. ۷۴۹- امام صادق (علیه السلام) فرمود: چهار (خلق) است که اگر در کسی باشد و از سر تا به پایش را گناه فرا گرفته باشد، خداوند آن گناهان را به ثواب بدل کند؛ راستی و حیا و خلق نیک و شکر. ۷۵۰- و فرمود: خدای تعالی به رسولان خود مکارم اخلاق داد و ایشان را بدان ممتاز کرده پس خویشتن را بیازماید، اگر در شما آن (خلقه‌ها) هست، خدا را بر

آن بستائید و بدانید که آن از بهره خیر است، و اگر در شما نیست، از خدا بخواهید و بدان نزد او رغبت جوئید. گفته شد: آن خلقها کدامند؟ فرمود: ده (خصلتند): یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، و خلق نیکو و غیرت و سخاوت و شجاعت و مروت.

۷۵۱- و فرمود: خشم گرفتن کلید هر شر است. ۷۵۲- مستحب است که هنگام شنیدن وفات مومن گفته شود: *إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* (۱۰۶) و *إِنَّا إِلَى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ* (۱۰۷) *اللَّهُمَّ اكْتُبْهُ فِي الْمُحْسِنِينَ وَ اخْلُفْهُ فِي عَقِبِ الْعَابِرِينَ وَ اجْعَلْ كِتَابَهُ فِي عَلِيِّنَ اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ وَ لَا تَفْتِنَّا بَعْدَهُ* ۷۵۳- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چون مرده را در قبر گذارند، قبر به او می گوید: وای بر تو ای فرزند آدم، تو را چه به من مغرور کرد؟! ندانستی که من خانه تنهایی و خانه کرمها و خوره هایم، آن هنگام که با گامهای سنگین روی من قدم می نهادی، تو را چه به من مغرور کرده بود؟! ۷۵۴- امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر جنازه ای نماز گزارد و پس از آن فرمود: اگر تو آمرزیده ای پس زهی سعادت ما را که بر آمرزیده ای نماز گزاردیم، و اگر ما آمرزیده ایم، پس زهی سعادت تو را که آمرزیدگان بر تو نماز گزارند. ۷۵۵- هر گاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در پی جنازه ای می رفت، حزن و اندوه بر او غالب می شد و در خود می رفت و با خویشتن نجوا می کرد و با دیگران سخن اندک می گفت. ۷۵۶- و فرمود: قبرهای مردگانتان را زیارت کنید و به ایشان سلام دهید، که آنان برای شما مایه عبرتند، آن گاه فرمود: قبر، نخستین منزل از منزلهای آخرت است اگر از آن برهید، پس از آن، آسانتر از آن است، و اگر نرهید، پس از آن، دشوارتر از آن است.

۷۵۷- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: شایسته است که اولیای میت، خبر مرگ او را به برادران دینی اش بدهند تا بر جنازه او حاضر شوند و بر او نماز گزارند و برایش آموزش طلبند تا برای ایشان اجری حاصل آید و برای مرده آمرزشی به دست آید و ولی میت نیز در این میان اجر و آمرزشی برای خود فراهم آورد. ۷۵۸- و او (علیه السلام) فرمود: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس با جنازه ای رو به رو شود یا آن را ببیند و بگوید *اللَّهُ أَكْبَرُ هَيْدًا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ زِدْنَا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَ قَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ* خدا بزرگتر از آن است که به وصف آید. این همان وعده ای است که خدا و رسولش به ما داده اند و خدا و رسول او راست گفتند. بار خدایا ایمان و تسلیم ما را افزون کن. ستایش آن خدای را که به قدرتش عزیز و غالب است و با مرگ بر بندگانش چیره گشته است فرشته ای در آسمان باقی نماند مگر این که بر آوایش رقت آورد و بر او بگرید. ۷۵۹- هر گاه امام زین العابدین (علیه السلام) می دید که جنازه ای را می آورند، می فرمود: *الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي مِنَ السَّوَادِ الْمُحْتَرَمِ* ستایش آن خدای را که مرا در شمار مردگان قرار نداد. ۷۶۰- عمار سبابطی گفت: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: کسی که جنازه را می برد، در آن حال چه بگوید؟ فرمود: بگوید: *بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ*. ۷۶۱- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس جنازه مومنی را همراهی کند بیست و پنج گناه کبیره از او فرو ریزد، و اگر از چهار سو همراهی کند، از گناهان بیرون شود. ۷۶۲- و امام رضا (علیه السلام) از پدراناش (علیه السلام) نقل کرد که، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: شرابخوار اگر بیمار شود، عیادتش نکنید، و اگر شهادت داد، نپذیرید، و اگر نامش به میان آمد او را به پاکی نستائید، و اگر خواستگاری کرد، به او زن ندهید؛ و اگر سخن گفت راست ندانید. و اگر مرد بر جنازه اش حاضر نشوید. و شرابخوار خدای عزوجل را چون بت پرست دیدار می کند. شرابخواری سرآمد هر گناه است، چنان که درخت آن از هر درختی بالا می رود. (و سرآمد درختها باشد.

(۷۶۳- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: خوب است کسی که جنازه ای را همراهی می کند نشیند تا او را در گورش نهند و چون در گور نهادند مانعی نیست که بنشیند. ۷۶۴- و امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر کس جنازه ای را از چهار سوی آن حمل کند خداوند چهل گناه کبیره او را ببخشد. ۷۶۵- روایت است که مومن را چنین آزار می دهند: نخستین ارمغان تو بهشت است و نخستین ارمغان کسی که تو را (تا کنار قبر) همراهی کند، آمرزش است. ۷۶۶- و از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره مردی پرسیدند که (همزمان) به میمھانی و تشییع جنازه ای دعوت می شود، کدام فضیلت بیشتر دارد و کدامین را بپذیرد؟ فرمود:

به تشییع جنازه رود که یادآور آن حضرت است و میهمانی را واگذارد که یادآور دنیای فانی است . ۷۶۷- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) پیاده در پی جنازه ای به راه افتاد . گفته شد : ای رسول خدا چرا سواره نمی روی ؟ فرمود : خوش ندارم که من سواره روم در حالی که فرشتگان پیاده می روند . ۷۶۸- امام صادق (علیه السلام) فرمود : نخستین هدیه ای که به مومن دهند این است که کسانی که به دنبال جنازه اش بودند (و آن را همراهی کرده اند) آمرزیده شوند . ۷۶۹- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : هر کس به دنبال جنازه ای رود ، برایش چهار قیراط نوشته شود : قیراطی برای همراهی کردن او ، و قیراطی برای نماز بر او ، و قیراطی برای درنگی که می کند تا از دفن او فارغ شود ، و قیراطی برای تسلی و دلداری دادن به بازماندگان او . امام باقر (علیه السلام) فرمود : هر قیراط برابر با کوه احد است . ۷۷۰- و او (علیه السلام) فرمود : هر کس به دنبال جنازه مسلمانی رود ، روز قیامت به او چهار شفاعت داده شود ، و هر چه گوید (و هر چه دعا کند) فرشته بگوید : به تو نیز مانند آن داده شود . ۷۷۱- زراره ، خداوند از او خوشنود باد گفت : با امام باقر (علیه السلام) بر جنازه مردی از قریش حاضر بودیم ، ((عطاء)) نیز در آن میان بود ، که زنی شیون سر داد . عطا گفت : آرام شوی یا برگردیم ؟ زن آرام نگرفت و عطاء باز گشت . به امام (علیه السلام) گفتم : عطا برگشت . فرمود : چرا ؟ گفتم : چنان و چنین شد . فرمود : با ما بیا . اگر ما با دیدن باطلی ، حقی را واگذاریم ، حق هیچ مسلمانی ادا نشود . و چون بر جنازه نماز گزارد ، ولی میت به او گفت : رحمت خدا بر شما باد ، راه رفتن بر شما دشوار است ، شما ماجورید ، بازگردید . و امام (علیه السلام) بازنگشت . گفتم : او اجازه بازگشت به شما داد . و من حاجتی دارم ، و می خواهم آن را از شما درخواست کنم . فرمود : راه خود رو ، ما به اجازت او نیامده ایم و به اجازت او باز نمی گردیم ، این فضل و کمالی است که ما آن را می جوییم ؛ مرد آن اندازه اجر می برد که در پی جنازه رود .

بخش سوم - دفن و تلقین و زیارت میت

قسمت اول

۷۷۲- محمد بن عجلان ، خداوند از او و پدر ، هر دو خوشنود باد ، از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که او فرمود : وقتی میت را نزدیک قبرش بردی یک باره او را به دورن قبر نینداز ، بلکه او را دو ، سه ذراع پایین تر از قبر بنه و بگذار تا برای قبر آماده شود و با شتاب او را نیفکن . و چون او را درون قبری بردی ، سزاوارترین کس به او ، بالای سرش باشد و کفن را از رخسارش باز کند و گونه اش را روی زمین گذارد و نام خدای تعالی را بیاورد و از شیطان به او پناه جوید و فاتحه کتاب و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیه الكرسي را بخواند ، آن گاه آنچه را باور دارد و می داند بگوید و تلقینش را به او بشنواند؛ شهادت لَّا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَعَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و یکی یکی آنچه را باور دارد و می داند نام برد . ۷۷۳- پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر چیزی دری دارد ، و در قبر پیش پای میت است ، مستحب است که پابرهنه و سربرهنه در قبر روند . ۷۷۴- و امام صادق (علیه السلام) فرمود : چون به قبر نگرستی بگو اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ . بار خدایا ، این قبر را باغی از باغهای بهشت کن و گودالی از گودالهای آتش مکن . ۷۷۵- و فرمود : وقتی میت را در دست گرفتی بگو بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص اللَّهُمَّ إِلَيَّ رَحْمَتِكَ لَمَّا إِلَيَّ عَذَابِكَ به نام خدا و یاری او و بر کیش و آیین رسول او (این بنده را به خاک می سپارم .) خدایا به سوی رحمت تو می آید نه عذاب تو . و رخسارش را روی خاک بگذار . ۷۷۶- و فرمود : چون میت را در قبر گذاردی ، او را به پهلو راست رو به قبله کن و گره از کفنش بگشا و رخسارش را روی خاک بگذار . ۷۷۷- و فرمود : وقتی از قبر بیرون آمدی در حالی که دستهایت را از خاک می تکانی بگو : إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ (۱۰۸) آن گاه با پشت دستهایت سه بار خاک روی او پاش و بگو اللَّهُمَّ إِيْمَانًا بِكَ وَ تَصَدِيقًا بِكِتَابِكَ هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ

صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ که هر کس چنین کند و این کلمات را بگوید ، خداوند به هر ذره (خاکی که می ریزد) حسنه ای برای او نویسد . ۷۷۸ - اسماعیل بن عمار ، خداوند از او و پدر ، هر دو خوشنود باد ، گفت : شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود : چون در قبر رفتی بگو : بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ص اللَّهُمَّ إِلِي رَحْمَتِكَ لِمَا إِلِي عَذَابِكَ آن گاه مرده را بیرون می کشی و به پهلوی راست رو به قبله می نهی و گره از کفنش می گشایی و رخسارش را روی خاک می گذاری و می گوئی اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و حمد و قل هـی الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و آیه الکرسی را می خوانی و می گوئی اللَّهُمَّ يَا رَبَّ عَبْدِكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَ أَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ ص وَ صَالِحِ شَيْعَتِهِ وَ أَهْدِنَا وَ إِيَّاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ عَفُوكَ عَفُوكَ آن گاه دست چپ را روی بازوی چپ او می گذاری و به تسدی حرکتش می دهی و پس از آن دهانت را به گوش او نزدیک می کنی و می گوئی (يَا فُلَانُ) إِذَا سئِلْتُ فَقُلِ اللَّهُ رَبِّي وَ مُحَمَّدٌ نَبِيِّي وَ الْإِسْلَامُ دِينِي وَ الْقُرْآنُ كِتَابِي وَ عَلِيٌّ إِمَامِي فُلَانِي اگر از تو پرسیدند بگو ، خدا پروردگار من است و محمد پیامبر من و اسلام دین من و قرآن کتاب من و علی امام من است و امامان را یک به یک تا به آخر برمی شمرد . و این را سه بار برای او بازمی گوئی و پس از آن می گوئی : أَفْهِمْتَ يَا فُلَانُ؟ فُلَانِي فهمیدی ؟ امام (علیه السلام) فرمود : او پاسخ می دهد و می گوید : آری فهمیدم . آن گاه می گوئی تَبَّتْكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ هِدَاكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ خداوند تو را به این سخن استوار ، پابرجا بدارد و به راه مستقیم هدایت کند و بین تو و پیشوایان تو در جایگاه رحمتش آشنائی و شناسائی دهد . سپس می گوئی اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنَّتِيهِ وَ اضْمِ عِدَّ بَرُوحِهِ إِلَيْكَ وَ لَفْنَهُ مِنْكَ بُرْهَانًا اللَّهُمَّ عَفُوكَ عَفُوكَ خدایا زمین را از پهلوی او باز و گسترده ساز و روحش را به سوی خودت بالا بر و تو ، خود برهانی به او آموز (و در دهانش بگذار) ، بار خدایا ببخشایش ، ببخشای . پس از آن ، گل و خشت می گذاری و تا بدین کاری می گوئی اللَّهُمَّ صَلِّ وَخِدَّتَهُ وَ أَنْسِ وَخَشْتَهُ وَ آمِنْ رَوْعَتَهُ وَ أَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ فَإِنَّمَا رَحْمَتُكَ لِلظَّالِمِينَ بار خدایا به تنهای او برس ، و مونس وحشت و بی کسی او باش و هول و هراسش را آرام بخش و از رحمت رحمتی با او همراه کن تا از رحمت جز خود بی نیازش کنی . که رحمت تو برای ستکاران (به خویشان) است . سپس از قبر بیرون می آیی و می گوئی إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ ارْزُقْ دَرَجَتَهُ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلَيَّ عَقِبِهِ فِي الْعَابِرِينَ وَ عِنْدَكَ نَحْتَسِبُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ما از آن خدائیم و به سوی او باز می گردیم ، بار خدایا مرتبت او را در بالاترین جای بهشت قرار ده و خود جانشین او در میان بازماندگانش باش ، او را در جوار رحمت تو می دانیم (و اجر فقدان او را به حساب تو می گذاریم) ای پروردگار عالیمان . ۷۷۹ - جابر بن یزید گفت : امام باقر (علیه السلام) فرمود : سزاوار است که چون کسی از شما مرده خود را به زیر خاک کرد و قبر او را با زمین برابر کرد ، آنجا بماند و بگوید فُلَانُ ابْنُ فُلَانٍ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي عَهَدْنَاكَ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِمَامَكَ . . . إِلَى آخِرِ الْأَيَّامِ ع ای فلان فرزند فلان تو بر همان عهد پایبندی که به تو سپردیم ؛ شهادت به این که معبودی جز الله نیست و محمد رسول خداست و علی امیرالمؤمنین امام توست . . . و امامان را تا به آخر یک یک می شماری . که چون چنین کند ، یکی از دو فرشته گوید : ما را از رفتن به قبر و پرسش از او بسنده کرد و به او تلقین داد . و فرشتگان باز می گردند و به قبر نمی روند . ۷۸۰ - روایت است که ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قبر ابن مکفف رفت و چون او را در قبرش نهاد فرمود اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَ وَلَدُ عَبْدِكَ اللَّهُمَّ وَسَّعْ عَلَيْهِ مَدَاخِلَهُ وَ اغْفِرْ لَهُ ذَنْبَهُ بار خدایا ، بنده تو و فرزند بنده توست ، خدایا او از هر سو ، بر او گسترده ساز و گناهانش را ببخشای . ۷۸۱ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود : هر گاه خواستی مرده را به خاک سپری ، خردمندترین کس که در قبر می رود بالای سر او رود و گونه راست او را باز کند و به زمین سایه و دهانش را به گوش نزدیک کند و سه بار بگوید : اسْمِعْ وَ افْهَمْ اللَّهُ رَبُّكَ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ الْإِسْلَامُ دِينُكَ وَ عَلِيٌّ إِمَامُكَ اسْمِعْ وَ افْهَمْ و سه بار این (تلقین) را بازگو کند . و چون مرده را در قبر گذاردی بگو بسم الله و الله اکبر آن گاه او را به پهلوی راست کن

و بالشی از خاک برایش ساز و پس پشت او را کلوخ پاک گذار تا به قفا نیفتد و گره های کفنش را جمله بگشا و صورتش را باز کن و چنین دعا کن اللَّهُمَّ عَزِّدْكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ نَزَلَ بِحُكِّكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَ لَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَ أَلْحِقْهُ بِبَيْتِهِ وَ قِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ خَشْتِ رُؤْيِ مِيتِ گِذَارِ وَ بَگُو اللَّهُمَّ صِلْ وَ خِدَّتَهُ وَ آئِسْ وَ حَشَّتَهُ وَ آمِنْ رُوعَتَهُ وَ أَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً تُغْنِيهِ بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ فَإِنَّمَا رَحْمَتُكَ لِلظَّالِمِينَ ۷۸۲ - و ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل کرد که او فرمود: هنگامی که مرده را (از تابوت) بیرون آوردی بگو بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَيَّ مِلَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ص اللَّهُمَّ إِلَيَّ رَحْمَتِكَ لَمَّا إِلَيَّ عَذَابِكَ وَ چون او را در قبر گذاردی دستهایت را روی دو گوش او بگذار و بگو اللَّهُ رَبُّكَ وَ الْإِسْلَامُ دِينُكَ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ الْقُرْآنُ كِتَابُكَ وَ عَلَيَّ إِمَامُكَ ۷۸۳ - زراره گفت: امام باقر (علیه السلام) فرمود: چون مرده را در قبر گذاردی بگو بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَيَّ مِلَّةُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ آيَةُ الْكُرْسِيِّ رَا بِخَوَانٍ وَ بَا دَسْتِ رُؤْيِ شَانِهْ اَشْ بَزْنِ وَ بَگُو يَا فُلَانُ قُلْ رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَ بِمُحَمَّدٍ ص نَبِيًّا وَ بِعَلِيِّ ع إِمَامًا وَ امام زمانش را نام ببر. و دستت را در سمت سر، روی قبر او بگذار و انگشتهایت را از هم بگشا و روی قبر فشار ده. ۷۸۴ - محمد بن مسلم گفت: با امام باقر (علیه السلام) در دفن جنازه ای از یاران بودیم، چون او را به خاک سپردند امام (علیه السلام) کنار قبر ایستاد و گفت: اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنَّتِيهِ وَ أَصْرِعِدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ وَ لَقِّنْهُ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ أَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ پس از آن رفت. ۷۸۵ - عیید بن زراره گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: شما را از ریختن خاک روی خویشان نزدیک باز می دارم، چرا که این کار قساوت قلب می آورد، و هر کس قسی القلب شد از پروردگارش دور است. ۷۸۶ - و فرمود: سنت در پاشیدن آب (روی قبر) این گونه است که رو به قبله باشد و از بالای سر شروع و به سمت پایباید و از طرف دیگر، قبر را دور بزند و پس از آن در میان قبر آب بپاشد. سنت این چنین است. ۷۸۷ - یحیی بن عبدالله گفت: شنیدم امام صادق (علیه السلام) می فرمود: چرا اهل میت دیدار منکر و نکیر را از مردگان خود باز نمی دارند؟ گفتم: چه کنند؟ فرمود: وقتی میت تنها شد، نزدیک ترین کس به او، در کنار او بماند و دهانش را به سر او نزدیک کند، و با صدای بلند بگوید یا فلان بن فلان (و اگر مرده از گروه زنان است بگوید) يَا فُلَانَةُ بِنْتُ فُلَانٍ هَلْ أَنْتَ عَلَيَّ الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ أَنْ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ ص حَقٌّ وَ أَنْ الْمَوْتُ حَقٌّ وَ أَنْ الْبَعْثُ حَقٌّ وَ أَنْ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ مِنْكَ وَ نَكِيرٌ مِي گويند: از نزد او برویم که حجت و برهانش را به او تلقین دادند. ۷۸۸ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چون کسی سه بار پس از دفن میت اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ لَا تُعَذِّبَ هَذَا الْمَيِّتَ خَدَايَا بِهِ حَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، از تو می خواهم که این مرده را عذاب نکنی بگوید، خداوند آن مرده را عذاب نکند. ۷۸۹ - در روایت است که، نیکو باشد که دستت را روی قبر، نزدیک سر مرده بگذاری و انگشتهایت را از هم بگشایی و بگوئی خَتَمْتُ عَلَيْكَ مِنَ الشَّيْطَانِ أَنْ يَدْخُلَكَ وَ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يَمَسَّكَ. بر تو مهري در برابر شیطان زدم تا به تو راه نیاید و در برابر عذاب زدم تا به تو نرسد. آن گاه باز می گردی و برای او آموزش می طلبی. ۷۹۰ - و امام رضا (علیه السلام) فرمود: هر کس به (زیارت) قبر برادرش برود و دستش را روی قبر بگذارد و هفت بار (سوره) انا انزلناه را بخواند، از هراس روز رستاخیز در امان می ماند. ۷۹۱ - عمرو بن ابی مقدم گفت: با امام باقر (علیه السلام) به بقیع رفتیم و به قبر مردی شیعی گذر کردیم. امام (علیه السلام) آنجا نشست و چنین گفت: اللَّهُمَّ ارْحَمْ غُوبَتَهُ وَ صِلْ وَ خِدَّتَهُ وَ آئِسْ وَ حَشَّتَهُ وَ أَسْكِنْ إِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا يَسْتَعْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ وَ أَلْحِقْهُ بِمَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ. ۷۹۲ - ابان از عبدالرحمن نقل کرد که او گفت: از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: دستم را چگونه روی قبر مسلمانان بگذارم؟ او در حالی که رو به قبله داشت با دست به زمین اشاره کرد و دست بر روی زمین گذارد. ۷۹۳ - اسحاق بن عمار گفت: به امام کاظم (علیه السلام) گفتم: مومن می داند چه کسی به زیارت قبرش می آید؟ فرمود: آری، و تا نزد قبر اوست با او انس دارد و چون برخیزد و بازگردد از رفتنش وحشتی به او دست می دهد. ۷۹۴ - و امام صادق (علیه السلام) گفت: حق مومن بر مومن آن است که مهر او را در سینه دارد، و با مالش او را

یاری دهد (و او را در آن سهم داند) و در برابر کسی که به او ستم می کند یاریش کند، و اگر غیبتی در بین مسلمانان قسمت می شود و او غائب است سهم او را بگیرد و چون مرد به زیارت قبرش رود، و به او ستم نکند و نیرنگ نزند و خیانت نکند، و تنها و بی یاورش نگذارد، و غیبتش نکند و دروغ زنش نداند، و به او اف نگویید (از او اظهار تنفر نکند). ۷۹۵- و فرمود: خداوند به چیزی برتر از ادای حق مومن پرستیده نشد. ۷۹۶- و امام رضا (علیه السلام) فرمود: نماز شب بگزارید، هر بنده که در آخر شب برخیزد و هشت رکعت نماز کند و دو رکعت نماز شفع و یک رکعت وتر بگذارد، آن گاه به قنوت ایستد و در قنوتش هفتاد بار استغفار کند، از عذاب قبر و عذاب آتش دوزخ پناه داده شود و عمرش دراز شود و روزیش فراخ گردد. ۷۹۷- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس پایان عمرش به نماز شب ختم شود، بهشتی باشد. ۷۹۸- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر جنازه ای نماز گزارد و چون از نماز فارغ گردید مردم گرد او آمدند و گفتند: ای رسول خدا، ما به نماز او نرسیدیم. فرمود: بر یک جنازه دو بار نماز خوانده نشود، اکنون برایش دعا کنید. ۷۹۹- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: روی قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) سنگریزه های سرخ گسترانیده شده بود.

قسمت دوم

۸۰۰- و فرمود: فاطمه زهرا (علیه السلام) هر بامداد شنبه به زیارت قبر شهیدان می رفت و کنار قبر حمزه (علیه السلام) می آمد و برای او طلب غفران و آمرزش می کرد. ۸۰۱- و امام باقر (علیه السلام) فرمود: چون یکی از بنی هاشم می مرد، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) کاری می کرد که با هیچ یکی از مسلمانان نمی کرد. هر گاه بر هاشمی نماز می گزارد و آب روی قبر او می پاشیدند، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) دستش را روی قبر او می گذارد، آن گونه که اثر انگشتانش در گل به جای می ماند. و اگر غریبی یا مسافری به مدینه می آمد و آن قبر تازه و اثر دست رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را می دید می گفت این مرده از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) است. ۸۰۲- حمران گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس برادر مسلمانش نزد او بیاید و از آنچه او افزون دارد، درخواست کند، او بازش دارد، خداوند در قبر ماری برانگیزد که تا روز قیامت گوشتش را (به دندان) بگزد. ۸۰۳- هر کس از مومنی اندوهی گشاید، خداوند اندوههای آخرتش را از او بگشاید و از قبرش خنک دل بیرون آید. ۸۰۴- و امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر کس برای مرده ای قبری بکند مانند کسی است که او را تا روز رستاخیز در خانه ای مناسب جای داده است. ۸۰۵- روایت است که، چون وفات امام علی بن الحسین (علیه السلام) فرا رسید، از هوش شد، (و پس از به هوش آمدن) فرمود: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَوْزَنَنَا الْجَنَّةَ نَبَوًّا مِنْهَا حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ (۱۰۹) ۸۰۶- و (علیه السلام) فرمود: هر کسی در غیبت قائم ما، بر دوستی ما بمیرد، خدای عزوجل پاداش هزار شهید، چون شهدای بدر و احد به او بدهد. ۸۰۷- علی بن عبدالعزیز خراز گفت: امام صادق (علیه السلام) فرمود: من بوی شما و روح شما و دیدار شما را دوست دارم، شما بر دین خدا و دین فرشتگان او هستید، پس این دینداری را با پرهیزکاری یاری کنید. من در مدینه چون تار موئی در جنبشم تا این که مردی از شما را بینم، نزد او آرامش یابم. نه، به خدا سوگند، بنده ای که خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را دوست بدارد و امامان (علیه السلام) را به دوستی بگیرد، آتش، او را هرگز نگیرد. ۸۰۸- و فرمود: ما به ضمانت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و ضمانت پروردگار سبحانش، بهشت را برای شما ضامنیم. ۸۰۹- و او فرمود: به خدا سوگند شما چون کسانی هستید که خداوند (درباره آنان) در کتابش فرمود: مَا لَنَا لَا نَرِي رِجَالًا كُنَّا نَعِدُهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ (۱۱۰) سرکشان گفتند، چرا ما مردمانی را که آنان را از بدکاران می شمردیم، در اینجا دوزخ نمی بینیم؟! (در دنیا) آنان را به سخره می گرفتیم و زیر دست خود می داشتیم، یا آنان با ما در آتشند و چشمهای ما از دیدنشان ناتوان است. به خدا سوگند اگر هر چه در آتش بگردند، یکی از شما را در آن نمی یابند. و فرمود: به خدا سوگند،

جز شما کسی آرمزیده نمی شود . ۸۱۰- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مومن چون بمیرد و برگی از خود به جای گذارد که در آن دانشی نوشته باشد، آن برگ روز رستاخیز ستری میان او و آتش باشد، و خدای عزوجل به هر حرفی که روی آن نوشته است شهری هفت برابر این دنیا به او عطا کند . ۸۱۱- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: هر کس شهادت لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را بگوید و شهادت مُحَمَّد رَسُولُ اللَّهِ را نگوید، ده حسنه برای او نوشته شود، و اگر شهادت مُحَمَّد رَسُولُ اللَّهِ را نیز بگوید، هزار حسنه برایش نوشته شود . ۸۱۲- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: خوب عطا و خوب ارمغانی است سخن حکمتی که آن را بشنوی و فراگیری و سپس آن را برای برادر مسلمانان نقل کنی و به او بیاموزی، که این کار با یک سال عبادت است . ۸۱۳- خداوند به موسی (علیه السلام) وحی کرد: (آنچه) خیر است (و علم نیکوست) بیاموز و به مردم آموزش ده که من، قبر آموزگاران نیک و خیر را نوبراران می کنم تا از آن مکان احساس وحشت و بی کسی نکنند . ۸۱۴- سعید بن جناح گفت: در محضر امام باقر (علیه السلام) بودم که خود (یک باره) آغاز سخن کرد و فرمود: هر کس رکوعش را کامل کند، وحشتی در قبر بر او داخل نشود . ۸۱۵- روایت است که داود (علیه السلام) (خطاب به پروردگار) گفت: معبودا، آن گاه که قبرهای مردگان از بین می رود، (و اثری از آن بر جای نمی ماند) چه کسی از آنان یاد می کند؟ وحی آمد که، ای داود، من آن زمان که ایشان زنده بودند و روزی می خوردند از یادشان نبردم، چگونه در وقتی که مرده و مرحومند، از یادشان بیرم؟ هر زمان که بندی از بندشان بگسلم، گاهی از آنان ببخشایم، و به هر تار موئی که از آنان بیفتد و به هر استخوانی که پیوستد آرمزشی نصیبشان می کنم، من که مهربانترین مهربانانم (چرا چنین نکنم؟) . ۸۱۶- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: تا قبر مرده گل اندوده نشده است بانگ اذان را می شنود . ۸۱۷- و فرمود: مرده قبر مانند غریق در خون شناور است، او در انتظار دعایی از یک برادر یا دوست و یا پدر و مادر است تا به او برسد (و دستش را بگیرد) و چون به او رسید، از هر چه در دنیاست برایش خوشتر است . ۸۱۸- داود رقی گفت: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: اگر مرد برای خویشاوند خود و یا دیگری روزه بگیرد، نفعی برای او دارد (و ثواب روزه به او می رسد؟) فرمود: آری، به او می رسد، آن چنان که به یکی از شما هدیه ای می رسد و از آن شاد می گردد . ۸۱۹- عمر بن یزید گفت: امام صادق (علیه السلام) هر شب برای فرزندش دو رکعت نماز و برای پدر و مادرش هر روز دور رکعت نماز می گزارد، گفتم، فدایت شوم، چگونه شب از آن فرزند شد؟ فرمود: زیرا فرزند از (بستر گسترده در شب) است . و او (علیه السلام)، در آن دو رکعت انا انزلناه فی الیلة القدر (سوره قدر) و انا اعطیناک الکوثر (سوره کوثر) را می خواند . ۸۲۰- ابوذر، خداوند از او خوشنود باد، گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به من فرمود: ای ابوذر، تو را سفارشی می کنم، آن را نگه دار (و فرو مگذار) باشد که خداوند تو را بدان نفع رساند: مجاور گورستان شو تا آخرت را به یادآوری . و گاه گاهی، هنگام روز، به زیارت قبرها رو، شبانگاه مرو، و مرده را غسل بده، قلبت تکان می خورد که کالبد تهی از جان، پندی رسا (برای انسان) است . بر جنازه ها، نماز گزار باشد که تو را محزون کند که حزن در امر خدا، پاداش خیر دارد . و با مسکینان بنشین و در وقت بیماری به عیادشان رو، و چون مردند بر آنان نماز گزار و آنچه را (از این کارها) کنی با اخلاص کن . ۸۲۱- یکی از اهل بصیرت گفت: دخترم را که مرده بود در خواب دیدم، به من گفت: پدر؛ در اینجا برای مردی دوزخی قبر می کنند، از ایشان بخواه تا او را از من دور کنند . گفت: صبح زود، آنجا رفتم، دیدم گورکن به کار کردن است . نگذاشتم . گفت: چرا نمی گذاری، اینجا گورستان مسلمانان است؟ و من خوابم را برایش گفتم، خویشان مرده غمگین شدند و جای دیگری را برایش کردند . شب که شد بار دیگر دخترم را در خواب دیدم، به من گفت: پدر تو مسلمانی را رسوا کردی، و به این پرده دری که تو کردی، خداوند او را رحمت کرد . ۸۲۲- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به مردگان دشنام ندهید که آنان خود به آنچه پیش فرستاده اند، رسیده اند . ۸۲۳- و فرمود: مردگان را دشنام ندهید، که زندگان را آزرده کنید . ۸۲۴- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: هر کس در شب نیمه ماه رمضان صد رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت آن ده بار قل هو الله

احد بخواند ، خداوند هنگام مرگش سی فرشته فرستد که او را از آتش در امان نگه دارند و سی فرشته فرستد ، تا شمارش گناهانش را باز دارند . ۸۲۵- و امام صادق (علیه السلام) فرمود : هر کسی در مجلسی نشیند تا امر ما را زنده کند ، در روزی که قلبها بمیرند (او زنده دل باشد) و قلبش نمیرد . ۸۲۶- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : هر کس شب عید را زنده نگه دارد ، در روز مرگ قلبها ، (او زنده دل باشد) و قلبش نمیرد . ۸۲۷- و او (علیه السلام) به مردی که از سنگدلی نزدش شکایت آورده بود فرمود : به قبرها بنگر و از زنده شدن مردگان در روز رستاخیز عبرت بگیر . ۸۲۸- به امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفتند : چرا مجاور گورستان شده ای ؟ فرمود : من اینان را همسایگانی صادق می دانم ، گناهان را پاک می کنند و آخرت را به یاد می آورند . ۸۲۹- و فرمود : ما از عذاب قبر در شک بودیم تا ((أَلْهَأَكُمُ التَّكَاثُرُ...)) نازل شد . ۸۳۰- ابن عباس ، خداوند از او خوشنود باد گفت : مردی ، خیمه بر قبری زد ، و نمی دانست که آنجا قبر است ، و تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ . . . (سوره ملک) را خواند ، و شنید که فریادگری می گوید : این ، نجات بخش است . (مرد) خبر این واقعه را به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رساند . او فرمود : از عذاب قبر ، نجات می بخشد . ۸۳۱- ابن عباس گفت : عذاب قبر از سه چیز است ، یک ثلث از غیبت است ، و یک ثلث از سخن چینی و ثلث دیگر (از پروا نکردن) از بول است . ۸۳۲- و امام صادق (علیه السلام) گفت : عذاب ، قبر بیشتر (از پروا نکردن) از بول است . ۸۳۳- و فرمود : درستکار کسی است که سه کار کند : ترک دنیا کند پیش از آن که دنیا ترک او کند ، و قبر خود را مهیا کند پیش از آن که در آن رود ، و آفریدگار خود را خوشنود کند پیش از آن که با او رو به رو شود . ۸۳۴- ثوبان گفت : با پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در گورستانی بودم که او یک باره درنگی کرد و ایستاد و پس از آن به راه افتاد ، بار دیگر ایستاد (و پس از درنگی) به راه افتاد . گفتم : سبب ایستادن چه بود ؟ او گریست و فرمود : اینان در قبرهایشان عذاب می شوند ، از خدا خواستم (عذاب را) بر آنان سبک گرداند ، او چنین کرد . اگر در ماه رجب روزه می داشتند و شبهایش را به نماز و نیایش می ایستادند ، در قبرهایشان عذاب نمی شدند . ۸۳۵- و از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت است که فرمود : خدای تعالی دو فرشته دارد به نامهای ناگر و نکیر ، که نزد میت می آیند و از پروردگار و پیامبر و دین و امام او می پرسند ، اگر پاسخ درست داد ، او را به فرشتگان نعمت می سپرند ، و اگر فروماند ، به فرشتگان عذاب می سپرند . ۸۳۶- از امام حسن (علیه السلام) روایت است که فرمود : دنیا ، زندان مومن و قبر ، سرای او ، و بهشت ماوای اوست . و دنیا ، بهشت کافر و قبر ، زندان او و آتش ماوای اوست . ۸۳۷- و از ایشان (علیه السلام) نقل است که فرمودند : خیر ، جمله پس از مرگ است و شر (نیز) جمله پس از مرگ است . دو فرشته هنگامی که نزد بنده صالح می آیند تا عذابش دهند ، پیش او می نشینند؛ نماز او می گوید : از سوی من به او راهی نیست ، چه شبها که او از بیم این جایگاه بیدار ماند . پس از سمت پای او می آیند . رفتن او به سوی مسجدها و عیادت برادرانش می گویند : از سوی ما به او راهی نیست . و از سمت راست او صدقه و از سمت چپش روزه اوست (که راه را بر عذاب می بندند) ، آن گاه خداوند (قبر)ش را می گسترده و از آن دری به بهشت برای او می گشاید . ۸۳۸- روایت است که ، خدای عزوجل به موسی (علیه السلام) وحی کرد : اگر می خواهی از گناهان برهی به (آسمان) بالایت نگر و عظمت مرا به یاد آور ، و به زمین زیر پایت نگر و قبر را به یاد آور که زندان من است ، و به جانب راست نگر و بهشت مرا به یاد آور که ثواب من است ، و به جانب چپ نگر و آتش را به یاد آور که عذاب من است ، و به پیش رویت نگر و صراط را به یاد آور که کمینگاه من است ، و پس پشتت را نگر و فرشته مرگ را به یاد آور که فرستاده من به سوی توست . ۸۳۹- روایت است که ، صفی از فرشتگان در جانب راست محتضر (کسی که در حال جان دادن است) ، حاضر می شوند که جامه سبز در بر دارند ، و صفی در جانب چپ او حاضر می شوند که جامه سیاه در بردارند ، و هر دو دسته منتظر گرفتن جان او هستند ، و بیماری باری به این دو دسته و باری به آن می نگرد ، و از هول و هراس نزدیک است که بمیرد . با خود به درگاه خدای تعالی ناله و زاری می کند و می گوید يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ . ای خدائی که دعای درماندگان را (بی پاسخ نگذاری) و پذیری (مرا از این هراس برهان) . در این

هنگام خداوند فرشته ای را از میان آسمان به سوی آن مومن می فرستد تا به او بشارت دهد، و به فرشته مرگ عزرائیل امر می کند تا خود را با نزدیک ترین چهره به او بنمایاند. و چون عزرائیل (علیه السلام) گرفتن جان او را آغاز می کند و تا زانو بالا آید، او جبرائیل (علیه السلام) را، که به امر خداوند فرود آمده است تا نزد این بنده آید و به او اجازه بدرود گفتن با همسر و فرزندان را بدهد، میانجی کند. جبرائیل به او گوید: انتخاب با توست، بالم را بر تو سایم یا میکائیل را بنگری؟ او گوید: میکائیل کجاست؟ یک باره میکائیل (علیه السلام) را می بیند که با گروهی از فرشتگان فرود آمده اند، به او می نگرند و سلام می کند، و هنگامی که جانش به شکم و ناف رسید میکائیل را میانجی می کند تا به او مهلتی دهد. میکائیل گوید: انتخاب با توست، بالم را بر تو سایم یا بهشت را بنگری؟ و او نگرستن به بهشت را برگزیند، و خنده سر دهد. و خداوند عزرائیل را فرمان دهد تا با او نرمی کند. و آنگاه که روح (از کالبدش) جدا شد، دو فرشته گمارده بر او، در پی او بروند و بر او بگریند و برایش رحمت طلبند و گویند: خداوند این بنده را رحمت کند، چه (سخنهای) خیر که به ما شنواند و چه کارهای نیک که ما را بر انجام آن شاهد گرفت. و گویند: پروردگارا، ما همراه او و بر او گمارده بودیم، و تو او را به جوار خود بردی، ما را چه فرمائی؟ خدای تعالی فرماید: در قبر با او باشید و تا روز رستاخیز برایش رحمت و آمرزش طلبید. و چون روز رستاخیز شود، آن دو، برایش مرکبی آورند و او را بر آن نشانند و به سوی بهشت برند و در بهشت خدمتگزار او باشند. دو نسخه خطی که ما برای تحقیق این کتاب برگزیده بودیم در اینجا به پایان رسید، لیکن ما روایاتی را در بحارالانوار مرحوم علامه مجلسی مستدرک الوسائل مرحوم محدث نوری، به نقل از ((الدعوات)) یافتیم، که آن بازیافته ها را برای تکمیل کتاب در اینجا می آوریم.

بازیافته ها

بازیافته های کتاب دعوات از بحارالانوار و مستدرک الوسائل

۱- (۸۴۰) امام صادق (علیه السلام) فرمود: ختنه در مردان سنت و در زنان کمال است. (۸۴۱) ۲- سمره بن جندب گفت: بسیار می شد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از یاران می پرسید: کسی از شما خوابی دیده است؟ بامدادی به ما فرمود: دیشب در خواب دو نفر نزد من آمدند و گفتند: راه بیفت. من همراه آنان رفتم و آن دو مرا با خود به سرزمین مقدس (بیت المقدس) بردند. مردی را دیدم که به پلهو خفته است... تا آنجا که فرمود... و به راه افتادیم تا به نهری سرخ چون خورشید رسیدیم. در آن نهر مردی شناگر بود که می رفت و باز می گشت، و در ساحل نهر، مردی بود که سنگهای زیادی پیرامون خود داشت، شناگر، شنا می کرد تا به آن سنگ دار ساحل می رسید و دهان می گشود و مرد، سنگی به او می خوراند، و او شناکنان می رفت و دیگر بار باز می گشت، و هر بار دهان می گشود، و آن مرد سنگی در دهانش می گذارد. من به همراهانم گفتم: این دو کیستند و چه می کنند؟ گفتند: به راه بیفت. تا آنجا که فرمود: گفتند: آن مرد که در نهر شنا می کرد و سنگ فرو می برد ربا خوار بود. (۸۴۲) ۳- روایت است که، تا تندرست هستی از دارو پرهیز و چون جنبش بیماری را (در خود) حسد کردی، پیش از آن که در تو شتاب گیرد، با باز دارنده ای پیشگیری اش کن. (۸۴۳) ۴- رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هشیاری و دوراندیشی (انسان را) از سرنوشت نمی رهااند، آنچه سرنوشت را دگر می کند، دعاست، پس، پیش از آن که بلا بر شما نازل شود در دعا پیش دستی کنید، که خداوند با دعا، بلای نازل شده و نازل نشده را دور می کند. (۸۴۴) ۵- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: دعا کلید رحمت و چراغ ظلمت است. (۸۴۵) ۶- روایت است که، بر کسی که عقل از کف داده است ((یس)) بخواند، یا بنویسند و (آب) آن را بنوشد، و اگر آن را با آب زعفران بر ظرفی بلورین نویسد نکوتر باشد، و شفا یابد. (۸۴۶) ۷- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: (مصیبت زاده را) به شکیبائی فرا خواندن و دلداری دادن (پاداش) بهشت دارد. (۸۴۷)

۸ - مردی از یاران امام صادق (علیه السلام) نزد او آمد، امام (علیه السلام) چون به او نگرست، فرمود: تو را محزون می بینم؟ گفت: پسری، نور چشمی داشتم، مرد. او (علیه السلام) این آیات را مثال آورد: *عَطَيْتُهُ إِذَا أَعْطَى سُرُورًا وَإِنْ أَخَذَ الَّذِي أَعْطَى أَنْثَابًا فَأَيُّ النَّعْمَتَيْنِ أَعْمُ شُكْرًا وَأَجْزَلُ فِي عَوَاقِبِهَا إِيَابًا أُنْعِمْتُهُ الَّتِي أُبْدِتْ سُرُورًا أَوْ الْأُخْرَى الَّتِي ادَّخَرْتُ ثَوَابًا* وقتی هدیه می دهد، شادمانی می آورد، و چون هدیه اش را گرفت، ثواب می دهد. پس کدام یک از دو نعمت شکر فرایتر دارد و سرانجام بهره فراوان تری عاید می کند؟ آن نعمتش که شادمانی می آورد و یا دیگری که ثوابی اندوخت؟ و فرمود: اگر از (فقدان فرزند) اندوهی به تو دست داد، اشک بریز، سوز درونت آرام می گیرد. (۸۴۸) ۹ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: یک فرزند که مرد (در حیات خود) پیش می فرستد، برتر از هفتاد فرزند است که باقی بماند و سر تا پا مسلح با امام قائم (علیه السلام) باشند. (۸۴۹) ۱۰ - حسن بصری گفت: فرزند بد چیزی است، اگر زنده بماند به رنجم اندازد، و اگر بمیرد درمانده ام کند. این سخن به امام زین العابدین (علیه السلام) رسید، فرمود: دروغ گفته است. به خدا سوگند، فرزند چیز خوبی است، اگر زنده بماند دعا گویی حاضر است و اگر بمیرد شفاعتگری سابق (۱۱۱) است. (۸۵۰) ۱۱ - ام سلمه گفت: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: به هر کسی مصیبتی رسید و چنان که خداوند او را امر کرده است *إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ* (۱۱۲) *اللَّهُمَّ أَجْزَنِي مِنْ مُصِيبَتِي وَأَعْقِبْنِي خَيْرًا مِنْهُ* ما از آن خدائیم و به سوی او باز می گردیم. بار خدایا مرا پاداش این مصیبت ده و بهتر از آنم را جایگزین کن. گفت، خداوند با او چنین کند (که گوید). ام سلمه گفت: وقتی ابوسلمه وفات یافت من این را گفتم، لیک پس از آن گفتم: کسی مثل ابوسلمه پیدا نمی شود، که خداوند رسولش، (صلی الله علیه و آله و سلم) را برایم جایگزین کرد و او، مرا به همسری گرفت. (۸۵۱) ۱۲ - و امام باقر (علیه السلام) فرمود: هر مومنی که به مصیبتی در دنیا دچار شود و در مصیبتش *إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ* گوید، خداوند گناهان گذشته اش را ببامزد. (۸۵۲) ۱۳ - پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر مسلمانی که مصیبتی به او رسد، اگر چه کهنه باشد، و برای آن استرجاعی تازه گوید، خداوند برای او منزلتی تازه پدید آورد، و به او پاداشی چون پاداش روزی که آن مصیبت به او رسیده بود، عطا کند. و هر نعمتی را که بنده به یاد آورد، اگر چه عهد آن دیرین باشد، و الحمد لله گوید، خداوند پاداش آن را همانند روزی که دارای آن نعمت شد، از نو به او بدهد. و فرمود: و مصیبت زدگانی باشند که از مصیبتشان ناشکیبی کنند و رهگذری بر آنان بگذرد و استرجاع گوید، و اجری بیش از آنان یابد. (۸۵۳) ۱۴ - امام صادق (علیه السلام) هنگام مصیبت می فرمود: *الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْ مُصِيبَتِي فِي دِينِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ شَاءَ أَنْ تَكُونَ مُصِيبَتِي أَعْظَمَ مِمَّا كَانَتْ لَكَانَتْ سِتَائِي* آن خدای را که مصیبت مرا در دینم نهاد (و دینم از دست نشد). و ستایش آن خدای را که اگر می خواست مصیبتم را بزرگتر از این باشد، می شد. (۸۵۴) ۱۵ - امام صادق (علیه السلام) پسری داشت. (روزی) در برابرش راه می رفت که ناگاه گلپوش گرفت و مرد. و او گریست و فرمود: اگر گرفتی، و انهدادی، و اگر مبتلا کردی، سلامتی دادی. آنگاه کودک را به میان زنان برد. زنان چون او را دیدند ناله سر دادند و او سوگندشان داد که ناله و فریاد نکنند. و هنگامی که او را برای دفن بیرون برد، فرمود: پاک و منزّه است خدائی که فرزندان ما را می کشد و مهر ما به او افزون می شود. و چون او را به خاک سپید، فرمود: خداوند قبرت را فراخ کند، و تو را با پیامبرت یکجا گرد آورد. (۸۵۵) ۱۶ - و فرمود: ما مردمانی هستیم. که آنچه بخواهیم. برای آنان که بخواهیم. از خداوند می طلبیم و او به ما عطا می کند؛ و چون او ناخوشایندی را برای کسی که ما دوستش داریم. بخواهد خرسند باشیم. (۸۵۶) ۱۷ - و او (علیه السلام) فرمود: ما بسیار صابریم و شیعیان ما به خدا سوگند از ما صابترند؛ زیرا ما صبر بر چیزی کرده ایم که از آن آگاهیم و آنان بر چیزی صبر کرده اند که از آن بی خبرند. (۸۵۷) ۱۸ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: (بسا) مومن که بامدادی حزین و شامگاهی حزین داشته باشد و او را جز این درست نکند و نیکو نسازد؛ لحظه های غم کفاره گناهان است. (۸۵۸) ۱۹ - امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: مومن در سختی ها شکیباست و در پیشامدها و بلاها آرام و پابرجاست، و به آنچه دارد خرسند و پذیراست، مصیبتها بر او گران نیاید، و به کسی که دشمنش دارد

ستم نکند، و برای آن که دوستش دارد گناه نکند، مردم از او در آسایشند و نفس (بدگرای) او، از او در عذاب است. (۸۵۹) ۲۰ - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: امیرالمؤمنین (علیه السلام) دچار مصیبتی نشد مگر این که در آن روز هزار رکعت نماز گزارد و به شصت مسکین صدقه داد و سه روز روزه گرفت. و به فرزندانش فرمود: چون مصیبتی به شما رسید، چنان کنید که من می‌کنم. من رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را دیدم که چنین می‌کرد؛ پس از روش پیامبران پیروی کنید و خلاف او رفتار نکنید: که خداوند با شما دگر کند؛ خدای تعالی می‌فرماید وَ لَمَنْ صَبَرَ وَ غَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (۱۱۳) و هر کس شکیبائی کند و درگذرد، به درستی این عمل از کارهای جد و قصه‌های استوار و درست است. آنگاه به امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: من براین شیوه امیرالمؤمنین (علیه السلام) بوده و هستم و همواره به آن رفتار می‌کنیم. (۸۶۰) ۲۱- او (علیه السلام) فرمود: خوشنود بودن به ناخوشاینها، بالاترین درجات پرهیزکاران است. (۸۶۱) ۲۲- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: مصیبتها میان مردم، برابر قسمت شده اند. (۸۶۲) ۲۳- و فرمود: هر که را صبر نرھاند، ناشکیبی هلاک کند. (۸۶۳) ۲۴- و امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: هر کس شب قدر غسل کند و تا سر زدن سپیده شب زنده داری کند، از گناهانش بیرون رود. (۸۶۴) ۲۵- و از ایشان (علیه السلام) است که فرمودند: این دعا را پس از هر نماز بخوانند: هر بیماری یا درد را که داری، نمازت را که گزاردی به سجده گاهت از زمین، دست بسای و این دعا را بخوان و هفت بار دستت را بر محل درد بمال و بگو: يَا مَنْ كَسَبَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ وَ سَدَّ الْهَوَاءَ بِالسَّمَاءِ وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا وَ ارزُقْنِي كَذَا وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا (و به جای کذا و کذا آنچه می‌خواهی به زبان آور). (۸۶۵) ۲۶- و امام زین العابدین (علیه السلام) چون بامداد می‌شد ده بار می‌فرمود: أَقْدَمُ بَيْنَ يَدَيَّ نَشِيَانِي وَ عَجَلْتَنِي بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا ذَكَرْتُهُ أَوْ نَسَيْتُهُ مِنْ أَكْرَازِ يَادِ بَرْدَمٍ يَأْتِي شَتَابَ كَرْدَمٍ، به نام خدا و آنچه خدا خواهد را، در برابر هر آنچه که امروز با آن روبرو می‌شوم، پیش می‌فرستم، چه این را به یاد داشته باشم و یا از یاد برده باشم. و شامگاه که می‌شد نیز همین دعا را می‌خواند. (۸۶۶) ۲۷- فضل بن سیار از امام رضا (علیه السلام) نقل کرد که او فرمود: فراگیرترین و زود اجابت شونده ترین دعا، دعای مومن برای برادر خود، در غیاب اوست. (۸۶۷) ۲۸- و از او (علیه السلام) روایت است که فرمود: فیروزترین و زود اجابت ترین دعا، دعای برادر برای برادر خود؛ در غیاب اوست (دعا کننده) شروع به دعا برای برادر خود کند و بدو پردازد، فرشته گمارده ای به گوید: آمین (پروردگارا دعایش را برآور)، تو، دو چندان آن داری. (۸۶۸) ۲۹- ابن ابی عمر از زید نرسی روایت کرد که او گفت: با معاویه بن وهب در موقف (عرفات) بودیم و او دعا می‌کرد. گوش سپردم، کلمه ای برای خود دعا نمی‌کند و برای مردمانی از این سو و آن سو دعا می‌کند و نام ایشان و نام پدرانشان را بر زبان می‌آورد، تا مردم از آنجا رفتند. گفتم: عمو، چیز شگفتی از تو دیدم. گفت: چه چیزش شگفت بود؟ گفتم: اینکه در چنین جایگاهی برادرانت را بر خود پیش دانستی و یک یک آنان را به یاد آوردی. گفت: برادرزاده، از این درشگفت مباح، من از مولایم و مولایت و مولای هر مرد و زن و به خدا سوگند مهتر جمله گذشتگان و بر جای ماندگان پس از پدران (علیه السلام)، شنیدم، و اگر نشنیده می‌گویم دو گوشم کرو و دو چشمم کور باد و از شفاعت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) محروم باشم. شنیدم او می‌فرمود: هر کس در غیاب برادرش، به او دعا کند، فرشته ای از آسمان دنیا او را آواز می‌دهد که، ای بنده خدا، تو را صد هزار برابر آنچه دعا کردی، هست. و فرشته ای از آسمان دوم آواز می‌دهد که، تو را دویست هزار برابر آنچه دعا کردی هست. و فرشته ای از آسمان سوم آواز می‌دهد که، ای بنده خدا، تو را چهارصد هزار برابر آنچه دعا کردی هست. و فرشته ای از آسمان پنجم آواز میدهد که، ای بنده خدا، تو را پانصد هزار برابر آنچه دعا کردی هست. و فرشته ای از آسمان ششم آواز می‌دهد که، ای بنده خدا، تو را ششصد هزار برابر آنچه دعا کردی هست. و فرشته ای از آسمان هفتم آواز می‌دهد که، ای بنده خدا، تو را هفتصد هزار برابر آنچه دعا کردی هست. آن گاه خدای تبارک و تعالی او را

خطاب کند و گوید: من آن بی نیازم که تهیدست نشوم ای بنده خدا تو را هزار هزار برابر آنچه دعا کردی هست. برادر زاده کدامین مرتبه برتر است آنچه من برای خویشتن برگزیدم یا آنچه تو مرا بدان می خوانی؟ (۸۶۹) ۳۰ - جابر گفت: امام باقر (علیه السلام) درباره این کلام خدای تعالی وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ (۱۱۴) و خداوند (دعای) کسانی را که ایمان آوردند و کارهای نیکو کردند، برآورد و از فضل خود به آنان افزون دهد فرمود او همان مومن است که در غیاب برادر خود به او دعا کند و فرشته ای به او گوید: به تو (نیز) مانند آنچه (برای برادرت) خواستی عطا شود. و چون دوستش داری این عطا را به تو دهند. (۸۷۰) ۳۱ - حکایت این است که، مردی درستکار در مسجد، پس از فراغت از نماز برای برادرانش دعا می کرد. چون از مسجد بیرون آمد خبر یافت که پدر مرده است، از کفن و دفن پدر که فارغ شد. به تقسیم میراث او میان برادرانی که برایشان دعا می کرد، پرداخت. به او گفتند: در مسجد، این دعا را برای ایشان می کردی؟ گفت: من بهشت جاوید برای آنان درخواست می کردم، اکنون از این مال فانی بدیشان بخل ورزم؟! (۸۷۱) ۳۲ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردم به نیکو کاریهایشان بیشتر می زیند تا به عمرهایشان، و به گناهانشان بیشتر می میرند تا به اجلهایشان. (۸۷۲) ۳۳ - و امام صادق (علیه السلام) فرمود: از گناهان پرهیزید و برادرانتان را از آن بازدارید؛ به خدا سوگند کیفر گناهان به سوی شما از دیگران شتابان تر است، چرا که شما روز رستاخیز بدانها بازخواست نمی شوید. (۸۷۳) ۳۴ - و امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: هر مومنی که در دولت باطل به رفاهی رسد، پیش از مرگ، در بدن یا مالش به بلائی دچار شود تا نصیب خود را در دولت حق، تمام دریابد. (۸۷۴) ۳۵ - و امام موسی بن جعفر (علیه السلام) از پدراناش (علیه السلام) نقل کرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ستارگان در آسمان مایه اهل آسمانند و چون پراکنده شوند آنچه به آسمانیان وعده داده شده است نزدیک شود، و کوهها مایه ایمنی اهل زمینند و چون به جنبش و روش آیند، آنچه به زمینیان وعده داده شده است نزدیک شود.

باز یافته های کتاب دعوات از بحار الانوار و مستدرک الوسائل ۲

(۸۷۵) ۳۶ - امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: نزد سرورمان امام صادق (علیه السلام) بودم که اشجع به مدیحه سرائی آمد، لیک امام را بیمار یافت و نشست و دم فرو بست. مهتر به او فرمود: از بیماری بگذر و آنچه آواز آوردی بخوان. و او چنین سرود: أَلْبَسَكَ اللَّهُ مِنْهُ عَافِيَةً فِي نَوْمِكَ الْمُعْتَرِي وَ فِي أَرْوَكَكَ يُخْرِجُكَ مِنْ جَسِمِكَ السَّقَامَ كَمَا أَخْرَجَ ذَلَّ السُّؤَالَ مِنْ عُنُقِكَ فِي خَوَابٍ وَ بِيخوابی خداوند جامه تندرستی به تو پوشاند، جمله بیماریها را از تنت بیرون برد، آن سان که خواری خواهش را از گردنت برداشت و بیرون برد. امام (علیه السلام) فرمود: غلام چه داری؟ گفت: چهارصد درهم. فرمود: آن را به اشجع بده. او گرفت و سپاس گفت و روی به بازگشت نهاد. امام (علیه السلام) فرمود: او را باز گردانید. گفت: سرورم درخواست کردم، عطایم دادی و بی نیازم کردی، از چه روی مرا باز گرداندی؟ فرمود: پدرم از پدراناش (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) برایم حدیث کرد که او فرمود: ((بهترین عطا آن است که نعمتی دیرپا باشد)) آنچه به تو دادم برایت نمی ماند، انگشتریم را بگیر؛ اگر در ازای آن ده هزار درم به تو دادند (نگهش دار) و گرنه در فلان وقت به من بازگردان تا آن (ده هزار درم) را به تو بدهم. گفتیم: سرورم بی نیازم کردم من سفر می کنم و به راهها و بیابانهای هولناکی می رسم به من چیزی بده تا بدان بر جانم بیمناک نباشم. فرمود: هرگاه از چیزی در هراس افتادی، دستت را روی سر بگذار و با آوای بلند بخوان. أُنْفَعِيَرِ دِينِ اللَّهِ يَبْعُونَ وَ لَهُ أَشَلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۱۱۵) آیا جز دین خدا، دینی می جویند، حال آن که هر کس در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه فرمانبر اوست و به سوی او بازگردانده می شوند. اشجع گفت: (در سفری) به بیابانی رسیدم که جنیان در آن بازی و (مردم آزاری) می کردند. شنیدم گوینده ای (از آنان) می گفت: او را بگیرید. و من آن آیه را خواندم. کسی از آنان گفت: چگونه او را بگیریم در حالی که به آیه ای پاک و نیکو پناه بسته است؟ (۸۷۶) ۳۷ - و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم)

(سلم) فرمود: هر کس از خدا بترسد، نیرومند بزید و در سرزمین دشمنش ایمن و (بی‌گزند) برود. (۸۷۷) ۳۸- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: بر حرام خدا صبر کردنت آسان تر باشد تا بر عذاب قبر صبر کردن، و هر کس بر (خواست) خدا صبر کند، به او برسد. (۸۷۸) ۳۹- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: سخنی مگو که به کارت نیاید و از بسیاری از سخنها که به کارت آید (نیز) بگذرد. (۸۷۹) ۴۰- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: شرافتمندانه ترین خوی بزرگواری (در تو) آن است آنچه را می دانی نادیده انگاری. (۸۸۰) ۴۱- و فرمود: به فرزندان دیگران نیکی کنید، به فرزندانان نیکی میشود. (۸۸۱) ۴۲- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: غیبت نکردن (در پس دیگران بد نگفتن) نزد خدای عزوجل، خوشتر از هزار رکعت نماز مستحب است. (۸۸۲) ۴۳- و فرمود: خبر دهم که بهترین شما کیست؟ گفتند: آری ای رسول خدا. فرمود: ناتوان ستمدیده. (۸۸۳) ۴۴- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: آن کس که به تو ستم کرد، تو را نفع رساند و به خویشتن زیان رساند. (۸۸۴) ۴۵- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: چون نزد پادشاهی ستمکار رفتی هنگام نگرستن به او سه بار قل هو الله احد، بخوان و دست چپت را درهم کن و بازنگشا تا بیرون روی. (۸۸۵) ۴۶- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: روز سه شنبه سفر کنید و حاجتها را در آن روز بجوئید، که آن روزی است که خداوند در آن آهن، را برای داوود (علیه السلام) نرم کرد. (۸۸۶) ۴۷- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) روز پنجشنبه یاران را به کارزار می برد، و اگر به ضرورت در روزی جز آن (می رفت) از خداوند خیر و عافیت می طلبید و صدقه ای می داد و به نام خدا، یاران را می برد. (۸۸۷) ۴۸- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: آن کسی که عمامه بر سر نهد و از خانه بیرون رود، من ضامنم که تندرست به جمع (خانواده) باز گردد. (۸۸۸) ۴۹- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (از جبرائیل (علیه السلام) نقل کرد که گفت: هر کس قصد سفری دارد، دو دسته چهارچوب را به دست گیرد و یازده بار قل هو الله احد بخواند، خداوند تا باز گردد نگاهبان اوست. (۸۸۹) ۵۰- و فرمود: اگر مرد، هنگام سوار شدن بر اسب، نام خدا را بر زبان آورد، فرشته ای پشت او نشیند و نگاهش دارد و تا به زیر آید، و اگر سوار شود و خدا را یاد نکند، شیطان پشت او نشیند. (۸۹۰) ۵۱- و امام صادق (علیه السلام) فرمود: چون خواستی به سفری روی، تا صدقه ای، بیش یا کم، نداده ای، پای در رکاب نگذار. معلی بن خنیس گفت: گفتم ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، بیش و کم را میزانی هست؟ فرمود: از گرده ای نان گرفته تا بیش از آن؛ هر قدر بیشتر دهی در روا کردن حاجت کاری تر است. (۸۹۱) ۵۲- و فرمود: هر گاه قصد سفری داشتی وضوئی بساز، آن گونه که برای نماز می سازی و اهل خانه را یکجا گرد آور و دو رکعت نماز بگزار و پس از سلام، بگو **اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ السَّاعَةَ نَفْسِي وَأَهْلِي اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ وَأَنْتَ الْخَلِيفَةُ** بار خدایا، در این هنگام خودم و خانواده ام را به تو می سپارم، خدایا تو در سفر همراه منی و در میان خانواده به جای منی و چون پای بر در نهادی بگو **بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ** ما شاء الله لا قوة الا بالله به نام خدا. به خدا ایمان آوردم و بر خدا تکیه و توکل کردم، و بدانچه خدا خواهد (خرسندم) که نیروئی جز به (خواست) خدا نیست. (۸۹۲) ۵۳- و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: هر کس بد همسایگی می کند، همسفر ما نشود. (۸۹۳) ۵۴- و فرمود: بر آزار کسی که از تو بزرگتر یا کوچکتر یا بهتر و یا بتر است، بردبار باش، که اگر چنین باشی خدای عزوجل را در حالی دیدار کنی که خداوند نزد فرشتگان، به تو می بالد. (۸۹۴) ۵۵- و امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: دوشیزه بگیرد، اگر چه مانده باشد، و از جاده روید اگر چه پیچ و خم باشد، و شهر نشین شوید اگر چه در بیراهه باشد. (۸۹۵) ۵۶- و فرمودند: (هنگام سفر) در خنکای روز (صبح و عصر) راه پیمای، و در نیمه روز فرود آی و بیارام و در آخر شب رو، و سر شب مرو. (۸۹۶) ۵۷- و فرمودند: هنگام پیمودن راه (در سفر) می گوئی **اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَأَحْسِنْ تَسْبِيرَنَا وَأَحْسِنْ عَافِيَتَنَا** خدایا، راه ما را همواره کن و از هر گزند ایمن ساز، و پیمودن راه را بر ماخوش و آسان کن و سلامتمان دار، نیکو ساختی. (۸۹۷) ۵۸- معلی بن خنیس گفت: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: اگر این کار (فرمانروائی) به دست شما بیفتد، زندگی خوشی با شما خواهیم داشت. فرمود: به خدا سوگند، اگر این کار به دست ما افتد، جز خوردن نان خشک و پوشیدن جامه درشت (در

میان) نباشد . (۱۱۶) (۸۹۸) ۵۹ - و او (علیه السلام) به مفضل بن عمر فرمود : اگر این کار به دست ما افتد ، زندگی ما همان زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و شیوه ما همان امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد . (۸۹۹) ۶۰ - ابوهاشم گفت : بر مرکبی نشستیم و گفتیم سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۱۱۷) پاک و منزه است آن خدای که این را رام ما کرد و گرنه ما را توان رام کردنش نبود . که یکی از دو نواده رسول صصاین سخن را از من شنود و فرمود : تو به گفتن این سخن امر نشده ای ، بلکه امر داری که چون بر مرکب نشینی نعمت پروردگارت را به یادآوری . خدای عزوجل می فرماید تَذَكَّرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ (۱۱۸) تا چون بر مرکب نشیند ، نعمت پروردگارتان را به یاد آورید . گفتیم : پس چه بگوییم ؟ فرمود : بگو الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا فِي خَيْرِ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ ستایش آن خدای را که ما را به اسلام ره نمود ، و ستایش آن خدای را که به محمد و آل او بر ما منت نهاد ، و ستایش آن خدای را که ما را برترین امتی قرار داد که برای هدایت مردم به گیتی گسیل داشته است و چون این نعمتهای بزرگ را برشمردی ، آن گاه بگو سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ (۹۰۰) ۶۱ - ابن عباس گفت : عون بن مالک اشجعی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و گفت : ای رسول خدا ، پسر من را دشمن به اسارت گرفته است و غم انبوه گشته و کاسه صبرم لبریز شده است ، مرا چه فرمائی ؟ فرمود : تو را می گویم که در هر حال لَمَّا حَوْلَ وَ لَمَّا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ بسیار بگوئی . و او در حالی که بانگ لَمَّا حَوْلَ وَ لَمَّا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ عَلَي كُلِّ خَالٍ را بر لب داشت ، بازگشت و بر چنین حال بود که ناگاه پسر را دید که با صد شتر باز آمده است مشرکان از شترها غافل شده بودند و او ، آنها را بدین سو ، سوق داده بود . اشجعی نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و قصه باز گفت . و این آیه نازل شد وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ (۱۱۹) و هر کس از خشم خدا بپرهیزد خداوند از هر سختی و تنگی راه خروجی برای او گذارد و از جایی که به گمانش نرسد ، روزیش را رساند . (۹۰۱) ۶۲ - ربیع بن کعب گفت : شنیدم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) ، می فرمود : پس از من فتنه ای باشد ، چون چنین شد شما با علی بن ابیطالب باشید . (۹۰۲) ۶۳ - حرمان ، امام باقر (علیه السلام) را از آنچه به امیرالمؤمنین و حسن و حسین (علیه السلام) رسیده بود ، پرسید ، که سرکشان بر ایشان فیروز گشتند و آنان را کشتند (چگونگی این قتل و غلبه بر ایشان رواست ؟) فرمود : حرمان ، اگر آنان هنگام رسیدن بلا و نزول امر خدا و چیرگی سرکشان بر ایشان ، از خداوند دفع آنان را می خواستند خداوند آنان را به کناری می زد ، و آن گاه دوران فرمانروائی سرکشان از گسستن تسییحی به رشته کشیده زودتر می شد . حرمان ، آنچه را بدیشان رسیده نه به گناهی بوده که مرتکب شده باشند و نه کیفر معصیتی که بدان خدای را نافرمانی کرده باشند ، بلکه برای منزلت و مقام و کرامتی بود که خداوند خواسته بود تا ایشان را به آن برساند . (۹۰۳) ۶۴ - هنگامی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به نهروان رسید و (در آنجا) فرود آمد ، از جمیل بن بصیهری ، کابت انوشیروان پرسید . گفتند : او زنده است و روزگار می گذراند . فرمود تا او را بیاورند . چون آمد ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، جمله حواس او ، جز دیدگانش را سالم یافت ، با ذهنی صاف و درک و قریحه ای درست و تمام . از او پرسید : جمیل ، انسان چگونه باشد سزاست ؟ گفت : سزاست که انسان اندک دوست و بسیار دشمن باشد . فرمود : جمیل ، سخنی نو گفتمی ، مردم جمله براینند که دوستان بسیار داشتن ، نیکوتر است . گفت : چنان نیست که مردم می پندارند ، دوستان چون بسیار باشند و در پی حاجت انسانی روند چنان که باید و شاید بدان نمی پردازند و کار ایشان به این مثل ماند که ، کشتی ناخدایان غریق شد . امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود : من این را آزمودم و درست یافتم . اکنون بگو منفعت دشمنان بسیار چیست ؟ گفت : دشمنان چون بسیار باشند ، انسان پیوسته در احتیاط و پرهیز به سر می برد ، مباد سخنی گوید که بر آن خرده گیرند یا لغزشی از او سرزند تا بدان بازخواست شود ، و با این حال ، پیوسته از خطاها و لغزشها سالم می ماند . پس امیرالمؤمنین (علیه السلام) این سخن را از او ، نیکو شمرد و پسندید . پایان ترجمه ، تابستان سال یک هزار و سیصد و هفتاد و نه هجری خورشیدی . و آخر سخن ما حمد بی پایان اوست

پی نوشتها

۱- غافر / ۶۰-۲- نساء / ۱۴۲-۳- محمد / ۱۹-۴- بقره / ۱۵۳-۵- مریم / ۳۱-۶- فرقان / ۶۷-۷- غافر / ۶۰-۸- بقره / ۱۲۴-۹- یوسف / ۸۷-۱۰- لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْنَاهُ خَشِيحًا مُمْتَصِدًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ تِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةُ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سَبَّحَنَ اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ هُوَ اللَّهُ الْخَلِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ شش آیه اول سوره حدید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ يُحْيِي وَ يُمِيت وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ وَ الظَّهَرُ وَ الْبَاطِنُ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَ هُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ دو آیه آل عمران: هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ شَهَدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلَكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۱- روایت دیگری مناسب این مقام، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است، که او فرمود: برادرم عیسی (علیه السلام) به شهری گذر کرد، و مرد و زنی را دید که بر سر هم بانگ و فریاد می کشند. فرمود چرا ستیز می کنید؟ مرد گفت: ای پیامبر خدا، همسر من زنی درستکار است و بزهی ندارد، ولی من می خواهم از او جدا شوم، او با سن کمی که دارد پیر چهره و زشت رو شده است. عیسی (علیه السلام) فرمود: ای زن، می خواهی بار دیگر طراوت و شادابی به چهره ات بازگردد. زن گفت: آری. فرمود: سیر از پای سفره برنخیز؛ زیرا وقتی غذا در معده بسیار شد به بدن افزوده می گردد و طراوت رخسار از بین می رود. زن به این سفارش عمل کرد و شادابی و خرمی به چهره اش بازگشت. قصص الانبیاء قطب راوندی، باب ۱۸ ح ۳۲۸. ۱۲- اعراف / ۳۱ و ۱۳- روشن است که دراز کشیدن غیر از خفتن بعد از غذاست که قساوت قلب می آورد. ۱۴- آل عمران، ۲۶. ۱۵- آل عمران / ۱۸. ۱۶- آیات ۲۸۶ / ۲۸۴. ۱۷- فصلت / ۲ - ۱۸. ۱- شوری / ۳ - ۲ - ۱۹. ۱- انفال / ۱۱. ۲۰- ص / ۴۲. ۲۱- فرقان / ۴۸. ۲۲- انفال / ۶۶. ۲۳- بقره / ۱۷۸. ۲۴- نساء / ۲۸. ۲۵- بقره / ۱۳۷. ۲۶- کهف / ۳۹. ۲۷- بقره / ۲۰۱. ۲۸- نحل / ۱۰۵. ۲۹- قصص / ۷۷. ۳۰- رعد / ۲۱. ۳۱- مدثر / ۴. ۳۲- اعراف / ۵۴. ۳۳- الرحمن / ۳۵ - ۳۴. ۳۳- صافات / ۱۸۲ - ۱۸۰. ۳۵- صف / ۴. ۳۶- نور / ۳۵. ۳۷- سباء / ۴۹. ۳۸- باطل چنین است تو که بر آئین حقی دست به کار شو و مسکینان را دستگیری کن و دهان کسانی را که چشم به یاری تو دارند نیمه باز نگذار. ۳۹- امام رضا (علیه السلام) فرمود: سداب عقل را زیاد می کند ولی آب پشت را از هم می پاشد. مستدرک الوسائل ج ۱۶ / باب ۸۸ / ح ۳ / ص ۴۲۷. ۴۰- تکاثر / ۸. ۴۱- نور / ۴۳. ۴۲- در روایات تره صحرائی را، بهترین سبزی ها و درمان کننده درد طحال، (مستدرک ج ۱۶ / ص ۴۱۹) و سبزی مورد علاقه امام صادق (علیه السلام) (وسائل ج ۲۵ / ص ۲۱۵) معرفی کرده اند. لیکن از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که فرمود: من فرشته ای دارم. که از بوی آن آزرده می شود. (وسائل ج ۲۵ / ص ۱۹۲) و شاید سبب همین باشد که امام صادق (علیه السلام) برای خوردن آن از مدینه به عریض می رفت (وسائل ج ۲۵ / ص ۲۱۵). ۴۳- از موفق خادم امام کاظم (علیه السلام) نقل است که، امام (علیه السلام) هنگام خرید سبزی امر می فرمود که بسیار بخرند، و سبزی شاهی نیز از آن جمله بود. (وسائل ج ۲۵ / ص ۱۹۷) ۴۴- اسراء / ۱۱۱ - ۱۱۰. ۴۵- توبه / ۱۲۹ - ۱۲۸. ۴۶- حدید / ۲۳. ۴۷- مؤ من / ۶۵. ۴۸- شوری / ۳۰. ۴۹- انبیاء / ۳۵. ۵۰- به درستی که انسان آزمند آفریده شده است. چون بدو درویشی و فقر رسد زاری کند. و چون به او به مال رسد از دادن آن دریغ دارد. (معارج ۱۹ - ۱۲) ۵۱- اما انسان، چون پروردگارش او را بیازماید و او را کرم کند و نعمت دهد، گوید پروردگرم گرامیم داشت. و چون او را بیازماید و روزی را بر او تنگ کند، گوید پروردگرم خوارم کرد. (فجر ۱۶ - ۱۵)

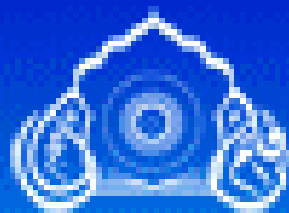
۵۲- انسان سرکشی کند چون خود را بی نیاز بیند. (علق ۷ - ۶) ۵۳- هر گاه به انسان گزندی رسد ما را افتاده بر پهلوی خویش یا نشسته یا ایستاده می خواند، پس همین که گزند و رنج را از او باز گرفتیم ، می رود گویی که ما را به باز گرفتن گزندی که به او رسیده بود نخواند. (یونس ۱۲) ۵۴- آن گاه که به انسان گزندی رسد، پروردگار خویش را، در حالی که دل به سوی او باز گشته ، می خواند، پس از آن که او را نعمتی از خود داد، آن رنج و گزندی را که دریغ آن پیش تر خدا را می خواند فراموش می کند. (زمر ۸) ۵۵- انسان همان گونه که خیر را می خواهد و می خواند، بدی را برای خود می خواند و می خواند، و انسان تا هست شتابزده است . (اسراء ۱۱) ۵۶- و ما چون رحمتی از جانب خود به انسان چشاییم بدان شاد می شود. (شوری ۴۸) ۵۷- انفال ۱۱. ۵۸- نساء ۴. ۵۹- نخل ۶۹. ۶۰- ق ۹. ۶۱- اسراء ۸۲. ۶۲- اسراء ۵۶. ۶۳- اسراء ۴۲. ۶۴- زمر ۴۵. ۶۵- نساء ۶۱. ۶۶- بسم الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ (۱) لَيْسَ لَوْفَعَتِهَا كَاذِبَةٌ (۲) خَافِضَةٌ رَافِعَةٌ (۳) إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا (۴) وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًا (۵) فَكَانَتْ هَبَاءً مُتَّبَثًا (۶) واقعه ۶- ۱- ۶۷- انشراح ۶- ۵- ۶۸- طلاق ۷. ۶۹- احقاف ۳۵. ۷۰- نازعات ۴۶. ۷۱- كهف ۱۶. ۷۲- طلاق ۲. ۷۳- شعرا ۲۲۷. ۷۴- انعام ۱۲۴. ۷۵- ((جهننی)) نام یکی از یاران رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) که به پیامبر گفت: منزل من از مدینه دور است ، شبی را برایم معین فرما تا در آن شب به مدینه آیم . و پیامبر شب بیست و سوم را معین فرمود. ۷۶- فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ۷۷- نساء ۱۳. ۷۸- انبیاء ۶۹. ۷۹- (حم عسق) شوری ۲- ۱. ۸۰- آل عمران ۱۸. ۸۱- انبیاء ۷۰. ۸۲- انبیاء ۸۷. ۸۳- نساء ۲۸. ۸۴- انفال ۶۶. ۸۵- بقره ۱۷۸. ۸۶- الرحمن ۱۳. ۸۷- در روایت کتاب ((المؤمن)) از حسین بن سعید کوفی اهوازی ص ۴۰ ب ۴۰ ح ۹۳ انتهای حدیث چنین است ؛ دوستی خود را به دوستی او و دوستی او را به دوستی خدای عزوجل پیوند داده ای . ۸۸- مسافتی برابر با یک چشم رس . ۸۹- مریم ۸۷. ۹۰- بقره ۲۲۹. ۹۱- طلاق ۱. ۹۲- انبیاء ۹۵. ۹۳- محتمل است که ترجمه این آیه شریفه چنین باشد: محال است که ما اهل آبادی را هلاک کنیم و آنان برای حسابرسی ما باز نگردند، به حتم باز می گردند. ۹۴- آل عمران ۱۸۵. ۹۵- لقمان ۳۴. ۹۶- نحل ۳۸. ۹۷- دخان ۲۹. ۹۸- حدید ۱۹. ۹۹- مؤمنون ۱۰۰. ۱۰۰- کافرون ۲- ۱. ۱۰۱- مائده ۲. ۱۰۲- صافات ۱۱. ۱۰۳- اعراف ۵۶- ۵۴- ۱۰۴- بقره ۲۸۶- ۲۸۴. ۱۰۵- توبه ۸۴. ۱۰۶- بقره ۱۵۶. ۱۰۷- زخرف ۱۴. ۱۰۸- بقره ۱۵۶. ۱۰۹- اقتباس از آیه ۷۴ سوره زمر آیه چنین است وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَأَوْرَثْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ستایش از آن خدائی است که وعده راست به ما داد و زمین را به ما واگذاررد، هر جای بهشت که بخواهیم ، منزل می کنیم ، و چه نیکوست پاداش نیکوکاران . ۱۱۰- ص ۶۳- ۶۲. ۱۱۱- سابق: پیشی گیرنده ، پیشاپیش رونده . ۱۱۲- بقره ۱۵۶. ۱۱۳- شوری ۴۳. ۱۱۴- شوری ۲۶. ۱۱۵- آل عمران ۸۳. ۱۱۶- ترجمه غیرمسجع این سخن چنین می شود: به خدا سوگند اگر این کاره به دست ما بیفتد جز خوردن طعام بی خورش و پوشیدن جامه زیر در میان نباشد. ۱۱۷- زخرف ۱۳. ۱۱۸- زخرف ۱۳. ۱۱۹- طلاق ۳- ۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ

وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی /مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۵۲۰۲۶۰۱۰۸۶۰ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه

کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

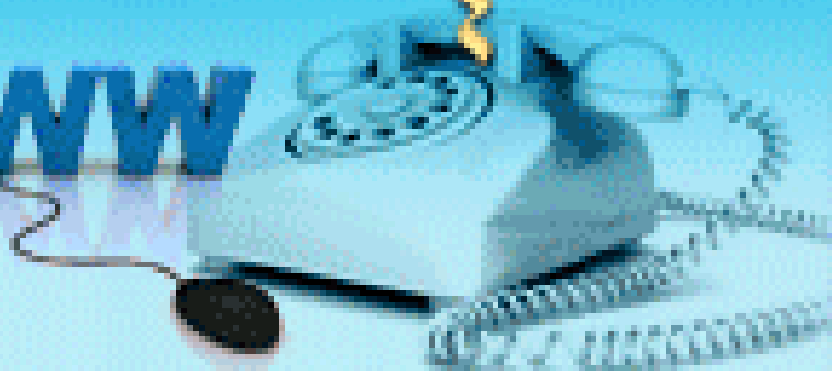


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

